

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تربیت زمینه ساز؛ راهبردها و راهکارها

(مجموعه مقالات نهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت)

ج ۳

همایش بین‌المللی دکترین مهدویت (نهمین: ۱۳۹۲: تهران)
تربیت زمینه‌ساز؛ راهبردها و راهکارها: مقالات برگزیده / تهیه و تدوین مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده
مهدویت). - قم: مؤسسه آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۲.

ج ۳

ISBN 978 - 600 - 5073 - 43 - 0 (ج ۳).

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتاب نامه.

۱. مهدویت - کنگره‌ها. ۲. مهدویت - مقاله‌ها و خطابه‌ها. الف. مؤسسه آینده روشن. پژوهشکده
مهدویت. ب. عنوان.

297/473

BP265/2/ه 9

الف ۱۳۹۲



تربیت زمینه‌ساز؛ راهبردها و راهکارها (ج ۳)

ناشر: مؤسسه آینده روشن
طرح جلد: ا. اکبرزاده
صفحه‌آرا: علی قنبری
حروف‌نگار: ناصر احمدپور
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
بها: ۱۷۰۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۷۳-۴۳-۰
شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۷۳-۴۴-۷
مرکز پخش: قم، خیابان صفاییه، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۰۹۰۲

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست

- ۷..... بررسی نقش باورها در یادگیری و رفتار با تأکید بر اعتقادات مهدوی
دکتر فرهاد کریمی
- ۵۳..... روابط عاطفی مهدوی والدین و تربیت زمینه ساز.....
دکتر علی نقی فقیهی، حسن نجفی
- ۸۳..... تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به لحاظ میزان توجه به مباحث مهدویت.....
دکتر رضا جعفری هرندی
- انتظار و راهبردهای تربیت زمینه ساز در رسانه ملی با محوریت کلام امام خمینی علیه السلام و مقام
معظم رهبری.....
دکتر مهین چناری، فاطمه سادات بی طرفان
- ۱۴۱..... عوامل بنیادین ایجاد انگیزش در سیره تربیتی معصومان علیهم السلام
دکتر سیدعلیرضا حجازی
- ۱۷۱..... یادگیری و یاددهی حکمت بنیان، آموزش و پرورش در تراز آینده.....
دکتر مهدی فاتح‌راد، حسن بیک محمدلو
- ۱۹۹..... مؤلفه‌های تربیتی مؤثر در سبک زندگی اسلامی و زمینه سازی ظهور امام عصر علیه السلام
اسماعیل خارستانی، فاطمه سیفی
- ۲۵۵..... عوامل تأثیرگذار بر تربیت مهدوی.....
قدسی بنده کریم
- بررسی و مقایسه میزان توجه به مفاهیم مهدویت در کتب درسی معارف اسلامی آموزش و پرورش
(از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۷).....
دکتر علی نقی فقیهی، دکتر رضا جعفری هرندی، حسن نجفی
- ۳۰۷..... نقش راهبردی نهادهای فرهنگی در ایجاد تربیت زمینه ساز ظهور.....
علیرضا نجاتی منفرد، حسین عساریان نژاد

بررسی نقش باورها در یادگیری و رفتار با تأکید بر اعتقادات مهدوی

دکتر فرهاد کریمی*

چکیده

این نوشتار، نقش باور در یادگیری و رفتار با تأکید بر نظریه شناختی را بررسی می‌کند. به منظور دست‌یابی به این هدف، ابتدا مفهوم باورها از نگاه روان‌شناسی تعریف شده و مفهوم‌سازی‌های ارائه شده مورد بررسی قرار گرفته است، آن‌گاه درباره جایگاه باورها در میان سایر مفاهیم حیطه عاطفی بحث شده و سپس چگونگی پدید آمدن باورها بیان گردیده است. در ادامه جایگاه باورها در مجموعه متغیرهای روان‌شناختی در چارچوب نظریه‌های شناختی - رفتاری و خودتنظیمی مورد بررسی قرار گرفته است. نوشتار پیش رو با بررسی نقش باور به مهدویت در رفتار مؤمنان پایان می‌یابد.

واژگان کلیدی

مهدویت، باورها، یادگیری، رفتار.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی)
(Fkarimi@rie.ir).

نقش و اهمیت باورها برای بسیاری از متخصصان و دانشوران رشته‌های علمی مختلف به رسمیت شناخته شده است. در حوزه‌هایی از دانش بشری که موضوع مطالعه، رفتار و یادگیری نوع انسان است، نظیر روان‌شناسی شناختی، روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی تربیتی و روان‌شناسی بالینی، باورها به منزله سازه‌ای مهم درباره تأثیرات بعدی که بر رفتار آدمی برجای می‌گذارند مطالعه شده‌اند. بسیاری از نظریه‌های یادگیری به ویژه نظریه‌هایی که در حوزه مطالعاتی شناخت انسان سربرآورده‌اند - همچون نظریه فراشناخت فلاول، نظریه انتظارات و هدف‌های فیش باین و آجزن^۱، مدل اجتماعی - تربیتی گاردنر و لمبرت^۲ (۱۹۷۲) در حوزه نگرش‌ها و انگیزش، نظریه موسکویچی^۳ (۱۹۷۶) درباره بازنمایی‌های اجتماعی^۴ - از مفهوم باورها برای درک رفتار انسان استفاده کرده‌اند. از نظر گابیلون^۵ (۲۰۰۴) باورها هم از منظر رویکردهای شناختی و هم از چشم‌اندازهای روان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی اجتماعی مطالعه شده است.

باورها از منظر رویکردهای شناختی، به منزله ویژگی درونی و مستقل ذهن تصور می‌شود و بازنمایی‌های مرتبه بالاتر آزمون‌دنی‌ها - یعنی باورهایی که افراد از آن‌ها آگاه هستند و نسبت به آن هشیارند - سنجش می‌شود. باورها از منظر روان‌شناسی اجتماعی، ذیل عنوان کلی بازنمایی‌ها و نگرش‌ها قرار می‌گیرد. رویکردهای روان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی اجتماعی، بر تأثیر عوامل بیرونی و دانش کسب شده از محیط تأکید می‌کنند. در رویکردهای فرهنگی اجتماعی، نقش عوامل اجتماعی و تبادل‌های اجتماعی در شکل‌گیری باورها مورد توجه قرار می‌گیرد. آن

1. Fishbein and Ajzen
2. Gardner and Lambert
3. Moscovici
4. social representation
5. Gabillon

دسته از رویکردهای فرهنگی اجتماعی - که از مدل سازنده گرایی ویگوتسکی متأثر هستند - بر نقش دیگران مهم و مصنوعات (به منزله ابزارهای اجتماعی و نیز تأکید ویژه بر اهمیت تکلم در مبادله دوجانبه) در شکل‌گیری باورها تأکید می‌کنند.

با توجه به این که باورها از مواضع نظری متفاوت نگریسته شده، مفاهیم متفاوتی برای اشاره به آن به کار رفته است که از این میان می‌توان به بازنمایی‌های ذهنی و اجتماعی، باورهای مربوط به خود (باورهای مربوط به خودپنداره، باورهای خودکارآمدی)، باورهای کنترل (باورهای خود تنظیمی، باورهای منبع کنترل) و اسنادها نام برد (گابیلون، ۲۰۰۴: ۲۳۵). به نظر گابیلون، این مفاهیم هر چند در ظاهر متفاوت هستند، اما دارای همپوشی‌های قابل ملاحظه‌ای هستند و می‌توان آن‌ها را به جای دیگری به کار برد.

رفتار بر استدلال و عقلانیت مبتنی است، ولی بیش از آن چه تصور می‌کنیم بر هیجان‌ها و عواطف تکیه دارد. عاطفه، پیوند نزدیکی با تفکر و یادگیری دارد. سؤالاتی که مطرح می‌شود این است که برای توصیف این رابطه، از کدام مفاهیم می‌توان استفاده کرد؟ تفکر و یادگیری از طریق چه نوع سازوکاری با عاطفه مرتبط می‌شود؟ (هانولا، ۲۰۰۶).

باورهای فرد نسبت به هر موضوع و یادگیری آن، از نقش مهمی برخوردار است (کیس لنکو، گروهولم و لپیک^۱، ۲۰۰۶؛ مک لئود، ۱۹۸۹). نتایج یادگیری در هر حوزه رابطه بسیار نیرومندی با باورها و نگرش یادگیرندگان نسبت به آن موضوع دارد (اندروز، دیگو - مانتکون، اپ تیند و سائرز^۲، ۲۰۰۷؛ فورین گتی و پهکونن^۳، ۲۰۰۰؛ لدر^۴، پهکونن و تورنر^۵، ۲۰۰۲؛ پهکونن، ۲۰۰۳؛ شونفلد، ۱۹۹۲). لستر، گاروفالو و کرول^۶

1. Hannula
2. Kislenko, Grevholm and Lepik
3. Andrews, Diego- Mantecon, opt- eynde and Sayers
4. Furinghetti and Pehkonen
5. Leder
6. Torner
7. Lester, Garofalo and Carrol

(۱۹۸۹: ۷۵)، اشاره می‌کنند که موفقیت یا شکست یادگیرنده در حل مسئله، علاوه بردانش نسبت به آن موضوع، غالباً و تا حدود زیادی به اعتماد به نفس، انگیزش، پشتکار و سایر ویژگی‌های غیرشناختی او مربوط می‌شود.

براین اساس، ضروری است به موازات سنجش دانش فرد نسبت به موضوعات درسی و تحصیلی، نظام باورهای او نیز بررسی شود. سنجش نظام مند باورها در طول ۲۵ سال اخیر رشد چشم‌گیری یافته و پژوهش‌های بسیاری در این باره انجام شده است (نک: لستر، ۲۰۰۲).

به نظر می‌رسد بین باورها و یادگیری موضوعات درسی نوعی رابطه دوری^۱ برقرار است. تجارب یادگیری احتمالاً بر باورها درباره ماهیت یادگیری تأثیر می‌گذارد و باورهای جدید نیز به نوبه خود چگونگی مواجه شدن با تجارب جدید را متأثر می‌کند. باورها تأثیر زیادی بر ارزشیابی یادگیرنده از توانایی‌های خود، تمایل و اراده آن‌ها برای درگیر شدن در تکالیف و تمایل نهایی فرد درباره موضوع دارد (اشپنگلر، بی تا)

از نظر اپ تیند، دی کورت و وورشافل (۲۰۰۲)، دیگو-مانتکون، اندروزاپ تیند (۲۰۰۷)، شناخت و فراشناخت، کنش‌های روان‌شناختی ضروری و لازم برای یادگیری مؤثرند، اما کافی نیستند؛ عوامل عاطفی نظیر باورها، مؤلفه‌های مهم‌تر یادگیری به شمار می‌روند.

کیل پاتریک، سوافورد و فیندل^۲ (۲۰۰۱) استدلال کرده‌اند که تبهر تحصیلی، شامل پنج مؤلفه درهم تنیده است که یکی از آن‌ها با عنوان مؤلفه گرایش مولد^۳ بیشتر به تعاملات با موضوع درسی اشاره می‌کند و کمتر شناختی یا فراشناختی است. این مؤلفه، باورها درباره موضوع درسی، خودکارآمدی، انگیزش برای مطالعه و نگرش نسبت به موضوع را به وجود می‌آورد. این دیدگاه با نظریات دی کورت،

1. Cyclic
2. Kilpatrick, Swafford and Findell
3. Productive Disposition

ورشافل واپ تیند (۲۰۰۰) هماهنگ است. آن‌ها گرایش^۱ به موضوع درسی را شامل پنج ویژگی مشابه می‌داند که یکی از آن‌ها، باورهاى مرتبط با موضوع است و تصورات ذهنی یادگیرنده درباره آموزش موضوع درسی خاص، باورها درباره خود به عنوان یادگیرنده، عضو کلاس، مدرسه و اجتماع پیرامونی را دربرمی‌گیرد.

تعریف باورها

به دلیل ماهیت چندوجهی و همپوشی باورها با سایر مفاهیم، ارائه تعریف مشترک از آن‌ها دشوار است. از سوی دیگر باورها به سبب ذهنی بودن، قابل مطالعه مستقیم نیستند، بلکه باید آن‌ها را استنباط نمود (نک: لدر و فورگاسز^۲، ۲۰۰۲: ۹۶). برخی محققان همچون روکیچ^۳ (۱۹۷۲) و اسلومن^۴ (۱۹۸۷)، نگرش‌ها را به منزله مجموعه‌ای از باورها تعریف کرده‌اند. آیکن^۵ (۱۹۸۰) و استات^۶ (۱۹۹۰) باور را یکی از مؤلفه‌های نگرش قلمداد کرده‌اند. کوپر و مک گاف^۷ تمایز مفیدی بین باور و نگرش به عمل آورده‌اند:

ما نسبت به موضوع مورد نظر نگرش پیدا می‌کنیم یا درباره آن به باور می‌رسیم... باور حاکی از نگرشی است که فاعل نسبت به موضوع دارد.
(۱۲:۱۹۷۰)

هارت (۱۹۸۹) و تامپسون (۱۹۹۲)، باورها را به منزله زیرمجموعه تصورات^۸ در نظر گرفته‌اند. پهبکونن (۱۹۹۴)، نظر کاملاً مخالفی دارد و تصورات را زیرمجموعه باورها می‌داند. شونفولد (۱۹۹۲)، باورها را همچون احساسات و فهمیدن‌های انسان در نظر می‌آورد. روکیچ، تعریف جامع‌تری ارائه می‌کند:

1. Disposition
2. Leder and Forgasz
3. Rokeach
4. Sloman
5. Aiken
6. Statt
7. Cooper and Mac Gaugh
8. Conception

باوریک گزاره ساده هشیاریا ناهشیار است که از آن چه که شخص می‌گوید یا انجام می‌دهد، استنباط می‌شود و می‌توان آن را به این صورت مطرح کرد: من باور دارم که... (۱۹۷۲: ۱۱۳)

پهکونن معتقد است که جایگاه باورها در حوزه عاطفی نیست بلکه بین حیطه‌های عاطفی و شناختی قرار می‌گیرد، جایی که آن را منطقه برزخ^۱ می‌نامد و تصویری کند باورها در هر دو حوزه، دستی دارند (۲۰۰۳: ۱). به نظر او باورها، دانش ذهنی فردی هستند که چندان با ثبات نیستند، و احساسات فرد را درباره موضوع معین که همیشه از مبانی محکم و قابل دفاع و نیز ملاحظات عینی برخوردار نیست در بر می‌گیرد.

براین اساس کیس لنگوولپیک (۲۰۰۶) معتقدند که باورها هم در حوزه شناختی (من فکر می‌کنم) و هم در حیطه عاطفی (من احساس می‌کنم) وارد عمل می‌شوند؛ زیرا باورها هم بخشی از دانش فرد هستند که تا حدود زیادی ذهنی است و هم این که احساسات، بخش جدایی‌ناپذیر باورها هستند و با آن همپوشی دارند. باورها به طور کلی ذهنی، مبتنی بر تجربه و اغلب دانش تلویحی هستند (پهکونن و پای تیلآ، ۲۰۰۳: ۲، به نقل از اندروز و دیگران، ۲۰۰۷).

گرین (۱۹۷۱) و ابلسون^۳ (۱۹۷۹) معتقدند باورها در دو سطح عمل می‌کنند. در سطح پایین‌تر، باورهای منفرد قرار دارند که دارای چهار ویژگی هستند:

(الف) ممکن است به چیزهایی مربوط باشند که خارج از کنترل فرد هستند؛

(ب) معرف دنیای دیگری باشند که آرمانی است؛

(ج) واجد مؤلفه‌های عاطفی و ارزشیابانه باشند؛

(د) از تجارب فرد ناشی شوند (به نقل از دیگو- مانتکون، اندروز واپ تیند،

۲۰۰۷).

1. Twilight Zone
2. Pietila
3. Abelson

این باورها عمیقاً شخصی و غیرهمگانی هستند و از اقناع تأثیر نمی پذیرند، به طور تصادفی، از روی تجربه یا توالی رویدادها تشکیل می شوند (پاجارس^۱، ۱۹۹۲: ۳۰۹). باورها در سطح دوم به شکل نظام باورها خوشه بندی می شوند و ممکن است از سایر نظام های باورها متمایز باشند و حتی با آن ها متعارض باشند. نظام باورها از طریق تجربه هایی که به عمل می آید و تفسیر می شود، تعدیل می شود و به منزله ابزارهایی که آدمی از طریق آن خود را ارتقا می دهد یا از خود محافظت می کند نگریسته می شوند.

انسان باورهای خودش را به شکل نوعی نظام باورها سازمان دهی می کند که در آن می توان باورهای اولیه، اشتقاقی، اصلی و پیرامونی را شاهد بود. بنابراین باورها نظامی را دربر می گیرد که نه کاملاً مستقل است و نه کاملاً در معرض تأثیر خارجی است (گرین، ۱۹۷۱). از نظر داپونته^۲ (۱۹۹۴) لازم نیست در مورد نظام باورها، وفاق همگانی یا همسانی درونی وجود داشته باشد. براین اساس باورها می توانند متعارض باشند (اندروز، دیگو-مانتکون، اپ تیند و سایرین، ۲۰۰۷: ۲۱۰)، بنابراین به جای مطالعه باورهای منفرد، بهتر است نظام باورها مورد مطالعه قرار گیرد (اپ تیند و دی کورت، ۲۰۰۳).

عواملی از قبیل زمینه و محیط زندگی و درس خواندن، تجربه و ادراک توانایی، تعامل های روزمره در کلاس درس، انگیزش یادگیرنده، اعتماد به خود و خودکار آمدی بر نظام باورهای فرد تأثیر می گذارد (دیگو مانتکون، اندروز و اپ تیند، ۲۰۰۷). پهبکون و پای تیلا (۲۰۰۳) استدلال می کنند که تمایز بین باورها و دانش، چندگانه است. ابلسون (۱۹۷۹) و نسیپور^۳ (۱۹۸۷) پیشنهاد می کنند که باورها غیراجماعی و در نتیجه قابل مناقشه هستند، ولی دانش عموماً قابل تأیید است؛ به این معنا که باورها سازه های فردی هستند، ولی دانش، اصولاً از طریق اجتماعی بنا

1. Pajares
2. Da Ponte
3. Nespor

نهاده می‌شود. فورین گتی و پهکونن (۲۰۰۲) بین دانش ذهنی و عینی به منزله ابزارهای تمایز دانش صوری و پذیرفته شده به وسیله همگان و دانش تجربه شده به وسیله فرد تمایز قائل می‌شوند.

در جست‌وجوی مبنای نظری برای مطالعه باورها

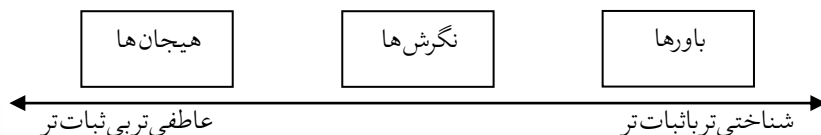
در حوزه باورهای مربوط به یادگیری یافتن یک چارچوب نظری خوش ساخت و دقیق دشوار است (کیس لنگو و دیگران، ۲۰۰۶: ۲) از سوی دیگر چارچوب‌های نظری ارائه شده در زمینه نقش عواطف در آموزش و یادگیری از تنوع قابل ملاحظه‌ای برخوردار هستند (هانولد، ۲۰۰۴). گلدین نیز بر این باور است که برای توصیف حیطه عاطفی، در درون یک چارچوب نظری که اجازه مطالعه نظام‌مند آن را فراهم می‌سازد، هنوز زبان دقیق و مشترکی نیامده است (۲۰۰۴: ۱۰۹). بنابراین کیس لکنو و دیگران (۲۰۰۶) چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که در این حوزه، چارچوب نظری منسجم نهایی وجود ندارد و بیشتر دیدگاه‌های متفاوت و مفهوم‌های متنوع به چشم می‌خورد.

نظام باورهای مرتبط با موضوعات درسی (نظیر ریاضی)، به وسیله اپ تیند و همکاران در سه حوزه طبقه‌بندی می‌شود: باورهای مرتبط با آموزش ریاضی، باورهای فرد درباره خودش به عنوان یادگیرنده و باورهای مرتبط با زمینه اجتماعی کلاس درس (اپ تیند و دی کورت، ۲۰۰۳). دیگو-مانتکون، اندروز و اپ تیند، (۲۰۰۷) اندروز، دیگو-مانتکون، اپ تیند و سایرین (۲۰۰۷) نیز با این طبقه‌بندی موافق هستند و تحقیقات خود را بر این اساس استوار کرده‌اند. این تعریف به معنای انکار نقش دانش در بنا شدن باورها و نیز توجه نکردن به تفاوت‌های فردی از منظر تفسیر و تجربه قبلی نیست، بلکه توضیح می‌دهد که چگونه از تجارب یکسان، باورهای متفاوت ناشی می‌شوند.

چارچوبی که مک لئود (۱۹۹۰) درباره نقش عواطف در سامانه پردازش اطلاعات

پیشنهاد کرده است به عنوان مبنای مفهوم سازی می تواند مورد توجه قرار گیرد. براساس نظر مک لئود انواع واکنش های عاطفی سهیم در یادگیری عبارتند از: باورها، نگرش ها و هیجان ها. این اصطلاحات به پاسخ هایی اشاره می کنند که از نظر شدت عواطف درگیر، متفاوت هستند. عواطف سرد به باورها اشاره می کند و عواطف گرم به هیجان ها. عواطف مذکور از نظر ثبات و پایداری نیز متفاوت هستند.

باورها و نگرش ها نسبتاً پایدارتر هستند و در مقابل تغییر مقاومت می کنند، اما هیجان ها به سرعت تغییر می کنند. از سوی دیگر مؤلفه شناختی نقش بسیار نیرومندی در باورها بازی می کند. اهمیت مؤلفه شناختی در نگرش ها و هیجان ها به ترتیب کم و کمتر می شود. شناخت ها و عواطف در همه واکنش ها به نوعی دخالت دارند و درهم آمیخته شده اند، اما باورها بخش بیشتری از این حد مشترک^۱ را تشکیل می دهند. در واقع برخی مؤلفان باورها را به منزله جنبه ای از فراشناخت در نظر می گیرند. همان گونه که گذشت مک لئود (۱۹۹۴) نوعی طبقه بندی ارائه کرده که می تواند به عنوان مبنایی برای پژوهش در حوزه عاطفه نسبت به یادگیری موضوعات تحصیلی به کار رود (شکل ۱۱-۲).



شکل ۲-۱. طبقه بندی مفاهیم حیطة عاطفی به وسیله مک لئود (۱۹۹۴، به نقل از هانولا، ۲۰۰۶)

از این منظر، هیجان ها، عاطفی تر، باورها شناختی تر و نگرش ها بین این دو قرار می گیرند و هر کدام ثبات خاص خود را دارند. مک لئود (۱۹۹۰) باورها را به دو بخش تقسیم کرده است: باورهای مربوط به موضوع و باورهای مربوط به خود^۲. با توجه به این که باورهای مربوط به خود را کم و بیش می توان با دانش فرد درباره

1. interface
2. self

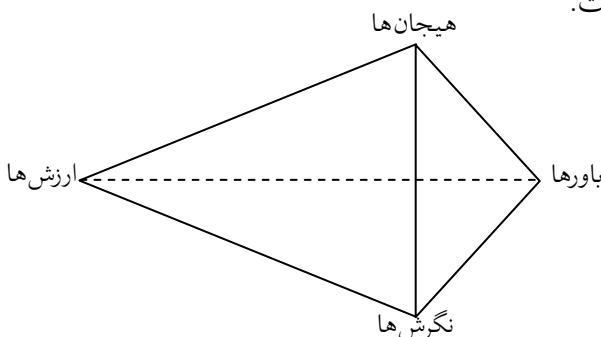
توانایی‌ها و مهدویت‌های شناختی خود یکی دانست، آن را به عنوان بخشی از فراشناخت در نظر می‌گیریم. باورها درباره موضوع یادگیری مثلاً ریاضی، به جهان بینی فرد مربوط است؛ چشم اندازی که فرد با استفاده از آن به مفهوم درسی می‌نگرد. باورهای فرد درباره ریاضی تعیین می‌کند که فرد چگونه نحوه نگریستن به مسئله را انتخاب می‌کند، از چه روش‌ها و فنونی استفاده خواهد کرد و از کدام فن‌ها اجتناب می‌کند؛ چقدر طول می‌کشد تا مسئله را حل کند و چقدر در این راه تلاش خواهد کرد (شونفلد، ۱۹۸۵: ۴۵). از نظر شونفلد باورها تأثیر نیرومندی بر ارزشیابی فرد از توانایی‌های خود، تمایل او برای درگیر شدن در تکالیف و آمادگی^۱ (گرایش) نهایی آن‌ها نسبت به موضوع آن‌ها بر جای می‌گذارد (۱۹۸۹: ۲۳۳).

از سوی دیگر نظریه مندler (۱۹۸۹) درباره هیجان‌ها، که از چشم انداز پردازش اطلاعات توسعه یافته است، چارچوب امیدبخشی برای توصیف و توضیح واکنش‌های هیجانی یادگیرنده نسبت به تکالیف تحصیلی و روشن کردن تعامل بین فرایندهای شناختی و پاسخ‌های عاطفی در حل مسئله به دست می‌دهد. تاکنون تنها قدم‌های اولیه‌ای برداشته شده است؛ با این وجود فرضیه‌های جالبی پیشنهاد شده‌اند، مانند این‌که حساسیت فرایندهای شناختی گوناگون نسبت به عواطف، متفاوت است. فعالیت‌های فراشناختی، بیش از سایر فعالیت‌ها مستعد تأثیرپذیری از هیجان‌ها هستند؛ حال آن‌که فرایندهای اندویشی و بازیابی، تأثیرپذیری کمتری دارند. ماهیت پاسخ‌های عاطفی، بسته به نوع مرحله فرایند حل مسئله تغییر می‌کند. علاوه بر مندler، دی بلیس - کرامر^۲ و گولدین (۱۹۹۴) تلاش‌های مقدماتی برای تحلیل تعامل‌ها بین شناخت و عواطف در عملکرد حل مسئله دانش‌آموزان مدارس ابتدایی را گزارش کرده‌اند. آن‌ها با استفاده از ضبط ویدیویی مصاحبه‌های مبتنی بر تکلیف، فعالیت‌های انجام شده توسط

1. disposition
2. DeBellis-Kramer

دانش آموزان برای حل مسئله وگفت وگو با مصاحبه‌گر را ضبط کردند. حرکات چهره آزمودنی‌ها با استفاده از دوربین دیگری که در فاصله دورتری قرار گرفته بود ثبت شد. از طریق مرتبط کردن فعالیت‌های شناختی و بازنمایی‌های تولید شده به وسیله دانش آموزان با حالت‌های عاطفی استنباط شده از تظاهرات چهره آزمودنی‌ها با به کارگیری یک نظام کدگذاری معیار شده، تعامل‌های شناخت‌ها و عواطف مشخص شد.

دی بلیس - کرامر و گولدین^۱ (۱۹۹۷) معتقدند حوزه عواطف را می‌توان به عنوان یک چهارضلعی در نظر گرفت که دارای چهار بعد است: هیجان‌ها، باورها، نگرش‌ها و ارزش‌ها (شکل ۱۲-۲) که از هم متمایزند، ولی رابطه تنگاتنگی بین آن‌ها برقرار است.



شکل ۲-۲. مدل چهارضلعی حیطه عاطفی (دی بلیس - کرامر و گولدین ۱۹۹۷؛ به نقل از هانولا، ۲۰۰۶)

باور چیست و چگونه شکل می‌گیرد؟

به نظر فلاول (۲۰۰۰) درباره پدید آمدن باورها در کودکان مطالعات بسیاری انجام شده و اکثر این تحقیقات با درک کودک از بازنمایی‌ها سروکار دارد که از شخصی به شخص دیگر فرق می‌کند و ممکن است با واقعیت نیز متفاوت باشد. مهم‌ترین تحقیقات انجام شده در این زمینه عبارتند از: تمایز نمود^۲ از واقعیت^۳، دانش سطح

1. DeBellis and Goldin
2. deception
3. appearance

دوم ادراک دیداری، تفسیر، پردازش سازنده، فریب^۱ و باورهای غلط که بیش از همه مورد مطالعه قرار گرفته است. تمایز بین نمود ادراکی و واقعیت از نظر مفهومی به تمایز بین باورهای کاذب و واقعیت و تمایز سطح دوم بین دو چشم انداز ادراکی متفاوت شبیه است. برخی شواهد حاصل از مطالعات همبستگی حاکی از آن است که این سه تمایز در طول سال‌های کودکی پیش از دبستان به طور همزمان رشد می‌کنند. البته این که تکالیف باورهای غلط و نمود - واقعیت چه چیزی را می‌سنجد، هنوز معین نیست. برخی از محققان معتقدند که این تکالیف، درک نوظهور کودک از بازنمایی ذهنی را می‌سنجد. برخی دیگر با این دیدگاه مخالف هستند. شواهد نشان می‌دهد که افزایش درک کودک درباره بازنمایی‌های ذهنی، پس از دوره پیش دبستانی ادامه می‌یابد و تا اواسط کودکی و پس از آن، کودکان به طور اساسی به درک ذهن به عنوان پردازشگر فعال، تفسیرگر و سازنده دست می‌یابند. به عنوان مثال در اواسط دوره کودکی است که کودک می‌فهمد درک تفسیری که دیگران از یک رویداد مبهم دارند از سوگیری‌ها یا انتظارات قبلی آن‌ها متأثر می‌شود.

از نظر فلاول، (۲۰۰۴: ۲۸۲) باورها، جزو بازنمایی‌های ذهنی جدی و مهم هستند و نوعی حالت ذهنی غیرو انمودی هستند که از آن‌ها برای بازگویی و معرفی دقیق و درست واقعیت استفاده می‌شود.

لزلی^۲ (۱۹۸۷، ۱۹۹۴؛ به نقل از فلاول، ۲۰۰۴: ۲۸۲) برای این باور است که توانایی درک باورهای غلط، و سایر حالت‌های ذهنی، از پودمان مشترک نظریه ذهن که خیلی زود شروع به رشد می‌کند تأثیر می‌پذیرد. این استدلال تا حدودی موجه و قابل قبول به نظر می‌رسد: وانمود کردن و باورداشتن، هر دو نگرش‌های گزاره‌ای^۳ (پیشنهادی) هستند. بزرگسالان هر دو این‌ها را به منزله بازنمایی‌های ذهنی از چیزی تلقی می‌کنند که می‌تواند به گونه خاصی وجود داشته باشد؛ یا واقعی است

1. reality
2. Ieslie
3. propositional

(باور) یا فعلاً موقتی است (بازی).

کاهن در پاسخ به این سؤال که باور چیست و چگونه شکل می‌گیرد، معتقد است کودک در اواخر دو سالگی، بخش زیادی از وقت خود را به بازی‌های وانمودی^۱ سپری می‌کند. بازی وانمودی، شکلی از بازنمایی ذهنی^۲ است که دربر دازنده مخلوطی از واقعیت است. بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که درک فراشناختی کودک سه ساله از زندگی ذهنی، شامل تشخیص این نکته است که لازم نیست بازنمایی ذهنی متناظر با واقعیت باشد. کودکان پیش‌دستانی معتقدند به بازی وانمودی می‌پردازند و نمی‌خواهند این واقعیت را بپذیرند که شخص دیگری دارای باورهایی است که با آنچه خود آن‌ها درباره واقعیت امور تصور می‌کند متفاوت است. هرچند حدس لرلی (۱۹۸۷) مبنی بر این که تجربه بازی وانمودی درک این امر را تسهیل می‌کند که لازم نیست بازنمایی ذهنی آینه واقعیت باشد، آشکار است که کودکان خردسال آگاهی تأملی از وضعیت وانمود ذهنی خود یا دیگران ندارند و ممکن است این امر سبب چنین استنتاجی در بین آنان باشد. آن‌ها تصدیق می‌کنند که آنچه دیگری خیال می‌کند (فیل در یک اتاق) لازم نیست بازتاب واقعیت باشد (وولی^۳، ۱۹۹۵)، اما این تصدیق باورهای خودش یا دیگری را شامل نمی‌شود. همان‌گونه که لرلی خاطرنشان نموده، وانمود کردن مستلزم مخلوط ذهنی موقت از واقعیت بدون دلایل واضح یا پیامدها و نتایج مشخص است. اما باورها اظهاراتی در این باره هستند که جهان واقعاً چه چیزی است. به این ترتیب به جرأت می‌توان گفت باورها از تجارب ما در جهان ناشی می‌شوند و به نوبه خود سبب می‌شوند که فرد صاحب آن باور خاص، به شیوه خاصی در جهان عمل کند به نحوی که با این باورها هماهنگ باشد. به عبارت دیگر، باورها برخلاف وانمود کردن، دارای دلایل و نتایجی هستند که آن‌ها را به

1. Pretend Play
2. mental representation
3. Woolley

دنیای واقعی پیوند می‌دهد.

باورهای فراشناختی یا فرادانستن معرفت شناختی در اصطلاحات کاهن، دانستن فراشناختی کلی و عمومی است که انتزاعی تر است و به موقعیت خاصی اختصاص ندارد. نوعی فرادانستن انتزاعی نظری (اسکرا و ماشمن، ۱۹۹۵) است که نظریه‌های شخصی درباره ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و تمایلات دانستن خود را دربر می‌گیرد (دویک، ۱۹۹۱). تحقیقات قابل توجهی درباره رشد نظریه‌های معرفت شناختی انجام شده است؛ اما تحقیقات انجام شده در این زمینه از سایر تحقیقات حوزه رشد شناختی جدا افتاده است و به ویژه با تحقیقات در حوزه دانستن فراشناختی و فراراهبردی و تحقیقات حوزه نظریه ذهن که ارتباط مستقیم‌تری با آن دارد، پیوندی ندارد. یکی از دلایل این امر آن است که تحقیقات نظریه ذهن تا حدود زیادی به کودکان شش ساله و پایین‌تر محدود شده، حال آن که تحقیقات مربوط به رشد تفکر معرفت شناختی بیشتر به بررسی نوجوانان و بزرگسالان پرداخته است. با وجود این پیوند و ارتباط مفهومی بین این دو دسته از تحقیقات روشن است. قبلاً دانستیم که فهمیدن اظهارات^۱ به عنوان جملات و عبارات باور، مبنایی اساسی برای توسعه و بوجود آمدن درک معرفت شناختی می‌شود. با توجه به این دستاورد، اظهارات به منزله چیزی در نظر گرفته می‌شوند که فعالیت شناختی آدمی و دانستن از آن سرچشمه می‌گیرد و به آن مربوط می‌شود.

از نظر کاهن، آدمی در خلال رشد شناختی سه گونه موضع معرفت شناختی اتخاذ می‌کند: موضع مطلق‌نگری اولیه^۲، موضع چندگانه‌نگری^۳ و موضع ارزیابانه^۴.

در ادامه، این سه وضعیت تحول معرفت شناختی را توضیح می‌دهیم. در موضع مطلق‌نگری اولیه که در کودکی، نوجوانی و حتی بزرگسالی دیده

1. assertion
2. absolutist
3. multiplist
4. Evaluative

می‌شود، آدمی به عنوان فاعل شناخت و شناسایی، از نقش محوری در ساختن دانش برخوردار نیست، بلکه کانون و مرکز شناخت، دردنیای بیرونی است که چشم انتظار کشف شدن به وسیله جست‌وجوگران دانش آدمی است. کودک چهار یا پنج ساله تصور می‌کند دانستن به حد کافی به فاعل دانستن و شناسایی مربوط است و به وسیله او تولید می‌شود و درک می‌کند که باورها ممکن است از یک حقیقت واحد و واقعی ناشی شده باشد. در این مرحله تصور می‌شود باورها معادل عالم واقع هستند، در این دیدگاه، تصور می‌شود که اختلاف نظرها را می‌توان با استفاده از مشاهده مستقیم یا مرجع قدرت حل و فصل نمود. با وجود این انتقال از عدم آگاهی پیش معرفت شناختی واقع‌گرا درباره باورها به موضع مطلق‌نگری اولیه، چندان عمیق نیست. این عبارت است از انتقال از صرف دانستن این‌که چیزی درست است تا ارزشیابی این‌که چگونه می‌تواند باشد. برای انجام چنین ارزشیابی، مطلق‌نگر بر مفهوم حقیقت تأکید می‌کند، حقیقتی که دانسته می‌شود یا به طور بالقوه از طریق درک مستقیم یا مرجعیت و اقتدار متخصصان قابل درک است. درباره این حقیقت، حالت‌های باور را می‌توان به عنوان درست یا نادرست مورد قضاوت قرار داد. دردنیای مدرن با اظهارات متضادی روبه‌رو می‌شود که از طریق مشاهده یا مراجعه به مرجع قدرت نمی‌توان بین آن‌ها مصالحه‌ای برقرار کرد. از این رو چندگانه‌نگری مطرح می‌شود.

موضع چندگانه‌نگری معرفت‌شناختی در نوجوانی شایع می‌شود. احتمالاً حادثه مهمی که به چندگانه‌نگری منجر می‌شود، مواجهه نوجوانان با این واقعیت است که متخصصان درباره مسائل مهم اتفاق نظر ندارند. حتی اگر نتوان روی متخصصان حساب کرد که پاسخ‌های معین ارائه کنند، راه حل این است که خود قطعی بودن را رها کنیم و این همان راهی است که چندگانه‌نگر انتخاب می‌کند. در نتیجه اگر متخصصان با همه دانش و اقتدار خود، با یکدیگر توافق نظر نداشته باشند، چرا باید دیدگاه‌های آن‌ها را به عنوان دیدگاه معتبر در نظر گرفت.

بهترین فرض این است که دیدگاه هرکسی جایگاه خود را دارد و شایسته است که با نظریات دیگران به طور یکسان برخورد نمود. باورها یا عقاید، چیزهایی هستند که فرد بر آن‌ها مالکیت دارد، براساس سلیقه و آرزوهای فرد به طور آزادانه انتخاب می‌شوند و طبعاً نمی‌توان آن‌ها را مورد انتقاد قرار داد. نوجوان در این مرحله تصور می‌کند که عقیده، چیزی است که فرد برای خودش انتخاب می‌کند (کاهن، ۱۹۹۱؛ به نقل از کاهن، ۲۰۰۱: ۳۱۸).

به نظر کاهن، برخلاف موضع مطلق‌نگر که به سختی می‌توان آن را به شکل خالص مشاهده کرد، اغلب انسان‌ها برای همه عمر، موضع چندگانه‌نگری را انتخاب می‌کنند و تنها درصد کمی از آن‌ها به سمت معرفت‌شناسی ارزشیابانه حرکت می‌کنند. در این موضع معرفت‌شناسی، همه عقاید برابر نیستند و فرد می‌فهمد که دانستن فرایندی است که به قضاوت، ارزشیابی، استدلال و ادعا کردن منجر می‌شود. فرد صاحب این موضع، این دیدگاه که فرد حق دارد دیدگاه‌های خود را انتخاب کند را با این نظر آشتی می‌دهد که نمی‌توان برخی دیدگاه‌ها را بهتر از دیدگاه دیگر دانست. فردی که در وضعیت معرفت‌شناسی ارزشیابانه است، در فرایند بحث و مذاکره منطقی، ادعاهای رقیب را ارزشیابی می‌کند و درک می‌کند که ادعاها را می‌توان ارزشیابی کرد و براساس شایستگی‌هایشان آن‌ها را باهم مقایسه نمود (همو: ۳۰۲).

جایگاه باورها در روان‌شناسی

نظام باورها، به دنیای آدمی ساختار می‌دهند و معنای ویژه‌ای به تجارب ما می‌بخشند. بدون باورها همچون موجوداتی بی‌هدف به این سو و آن سو کشانده می‌شویم. باورها ما را تشویق می‌کنند تا نقایص و کمبودهای خود را رفع کنیم، مسئله‌های خودمان را حل کنیم و در زندگی قدرت تعیین‌کنندگی داشته باشیم.

باورها، نظام انگیزشی شخصیت آدمی را یکپارچه می‌کنند و برانتخاب اهداف و انجام فعالیت‌های مهم برای دستیابی به هدف‌ها تأثیر می‌گذارند. نظام باورها، تأثیر گسترده‌ای بر تعادل بین ابعاد مختلف زندگی برجای می‌گذارد و آدمی را قادر می‌سازد به نتایج دلخواه خود برسد و از نتایج ناخوشایند اجتناب کند.

باورها مجموعه‌های مفهومی هستند که معنای خاصی به محرک‌های محیطی می‌دهند و در دو سطح هشیار و غیرهشیار عمل می‌کنند و تفسیرهای فرد از واقعیت‌های زندگی را شکل می‌دهند. باورهای تلویحی به شکل طرح‌واره درمی‌آیند؛ مدل‌هایی که روابط متقابل بین جنبه‌های عمومی خود و محیط پیرامون را توصیف می‌کنند. این مدل‌ها قاعده‌های تجربه‌ای مکرر و مداوم را به شکل موضوعات مشخص تبدیل می‌کنند. طرح‌واره ممکن است دارای ارزش هیجانی و معطوف به خود یا محیط پیرامون باشد (گارلند^۱، ۲۰۰۷، ص ۱۸).

روان‌شناسی همواره نقش باورها، به‌ویژه باورهای مربوط به خود^۲ را مورد توجه قرار داده است. به اعتقاد پاجارس و شانک^۳ (۲۰۰۱: ۲۳۹) بلندترین فصل کتاب دو جلدی *اصول روان‌شناسی* ویلیام جیمز (۱۸۸۱) به هشیاری خود^۴ اختصاص یافته است. درک فرایندهای خود،^۵ در نوشته‌های روان‌شناسان نیز جایگاه مهمی دارد. از این رو خود، مرکز تنظیم‌کننده شخصیت آدمی است و در قالب نهاد^۶، من^۷ و فرامن^۸، فرایندهای خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اریکسون هم بعدها بر جنبه‌های حساس خود متمرکز شد و تحول نوجوانی را با هویت من بررسی کرد. پس از تسلط رفتارگرایان بر حوزه روان‌شناسی و تأکید آن‌ها بر رفتار ملموس، قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری، مفهوم خود و باورها از حوزه مطالعه روان‌شناسی علمی کنار رفت. با

1. Garland
2. Self – beliefs
3. Pajares and Schunk
4. The Consciousness of self
5. self- processess
6. Id
7. ego
8. superego

ظهور نظریه‌های انسان‌گرایی در روان‌شناسی، توجه دوباره گروهی از روان‌شناسان به تجارب درونی، فرایندهای ذهنی و باورهای خود معطوف شد. در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، توجه روان‌شناسان و معلمان به مفهوم عزت نفس و نقش بهداشتی و مثبت آن جلب شد و استدلال شد که به دلیل این‌که عزت نفس، مؤلفه اساسی و دلیل مهم پیشرفت تحصیلی است، هدف روش‌های معلمان و راهبردهای آموزش باید تقویت عزت نفس دانش‌آموزان باشد. محققان حوزه انگیزش درباره تعامل علی بین باورهای مربوط به خود و پیشرفت تحصیلی به دو دسته تقسیم شده‌اند: گرایش تقویت خود^۱ و گرایش توسعه مهارت^۲.

هواداران گرایش تقویت خود، تصویری کنند که علت اصلی پیشرفت، باورهای خودپنداری است. پس هدف روش‌ها، تمرین‌ها و راهبردهای آموزشی معلمان باید معطوف به تقویت عزت نفس دانش‌آموزان باشد. از سوی دیگر، محققان هوادار گرایش توسعه مهارت، مدعی هستند که باورهای خودپنداری، بیشترین نتیجه و بازده پیشرفت و دستیابی به هدف‌ها هستند و لذا هدف آموزش و تربیت باید افزایش توانایی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان باشد و نباید تغییر باورهای مربوط به خود را به عنوان هدف انتخاب کرد.

در خلال سال‌های دهه ۱۹۸۰، موضوع انگیزش به عنوان مفهوم مورد توجه روان‌شناسی و تعلیم و تربیت، جای خود را به فرایندهای شناختی و دیدگاه‌های پردازش اطلاعات درباره کنشوری آدمی داد. انقلاب شناختی از پیشرفت‌های فناورانه و اختراع کامپیوتر به عنوان مدل و استعاره ذهن متأثر شد. در تعلیم و تربیت، موج جدید نظریه‌پردازان و محققان بر رویدادهای ذهنی و درونی تأکید کردند؛ اما به جای بررسی موضوعات مرتبط با تأثیر باورهای مربوط به خود، بر بازده‌های شناختی نظیر پیشرفت تحصیلی عمدتاً تکالیف شناختی مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. والدین و مربیان با توجه به هشدارهای داده شده درباره این‌که

1. self – enhancement
2. skill- Developmnt

دانش آموزان با نوعی بی‌سوادی کاربردی از مدارس فارغ‌التحصیل می‌شوند، خواهان رجعت به مبانی و پایه‌ها^۱ بودند. در همین راستا تصور می‌شد علایق هیجانی دانش‌آموزان و باورهای آن‌ها درباره خودشان، ارتباطی با پیشرفت تحصیلی آن‌ها ندارد و سعی می‌شد روش‌های برنامه درسی با توجه به موفقیت دانش‌آموزان در افزایش نتایج آزمون‌های پیشرفت مورد توجه قرارگیرد.

امروزه مفهوم ادراک خود و بناسازی ادراکات سالم، دوباره مورد توجه قرار گرفته است و بر نقش حساس این مفهوم در کنشوری آدمی تأکید می‌شود و مفهوم باورهای خود دوباره به میان موضوعات پژوهش‌های علمی در حوزه انگیزش بازگشته است. این تغییر به قدری موفق بوده که گراهام و واینر^۲ (۱۹۹۶: ۷۷؛ به نقل از پاچارس و شانک، ۲۰۰۱: ۲۳۹)، پس از تحلیل گسترده وضعیت موجود دانش و اطلاعات مربوط به نظریه‌ها و اصول انگیزش تحصیلی، مشاهده کرده‌اند که خود، مهم‌ترین و اصلی‌ترین مفهوم حوزه انگیزش است. تمرکز بر مفهوم خود افراد، به منزله مؤلفه اصلی انگیزش، ریشه در این مفروضه مسلّم دارد که باورهایی که دانش‌آموزان درباره خودشان خلق می‌کنند، توسعه می‌دهند و آن را حفظ می‌کنند، نقش حیاتی و مهمی در موفقیت و شکست آن‌ها بازی می‌کند.

مفهوم باورها در نظریه‌های روان‌شناسی

در تحقیقات حوزه انگیزش دو نوع از باورها - یعنی باورهای خودکارآمدی^۳ و باورهای انگیزشی^۴ - تسلط خاصی دارند. در ادامه باورهای خودکارآمدی و باورهای انگیزشی را بررسی می‌کنیم:

الف) باورهای خودکارآمدی

بندورا (۱۹۷۷) بارز بی‌تفاوتی رفتارگرایان نسبت به فرایندهای خود، ادعا کرد که

1. back to basics
2. Graham and Weiner
3. self - efficacy
4. self- concept

آدمی درباره توانایی های خود، ادراکاتی را به وجود می آورد و آن ها را رشد داده و این ادراکات به منزله ابزار، نقش مهمی در تعقیب و پی گیری هدف ها و کنترل محیط ایفا می کنند.

به نظری قابلیت ها و توانایی های ادراک شده فرد در انجام یک عمل دلخواه (خودکارآمدی)، از مهم ترین سازوکارهای کنشوری آدمی به شمار می رود و نقش مهمی در تصمیم گیری های آدمی و شکل دهی به افکار، مقداربرانگیخته شدن در مواجهه با مشکلات، مقدارپشتکار و سماجت در حل مسئله ها و پی گیری فعالیت های خود، کیفیت سلامتی هیجانی و آسیب پذیری درمقابل با شرایط تنش زا ایفا می کند.

بندورا (۱۹۸۶) بعدها با انتشار کتاب *مبانی اجتماعی تفکر و عمل*، دیدگاهی درباره کنشوری آدمی معرفی نمود که بر نقش باورهای مربوط به خود^۱ تأکید می کرد. در این دیدگاه شناختی اجتماعی، آدمی به منزله موجودی خودگردان و فراکنشی^۲ و نه موجودی واکنشی که به وسیله نیروهای زیست شناختی و محیطی کنترل می شود، در نظر گرفته می شود. براساس نظر بندورا (۱۹۸۹) آدمی نه به وسیله نیروهای درونی رانده می شود و نه محرک های محیطی، بلکه کنشوری روان شناختی با توجه به تعامل بین سه متغیر مهم حاصل می آید این متغیرها عبارتند از:

۱. عوامل شخصی (شامل شناخت ها، عاطفه ها و هیجان ها و ویژگی های جسمانی)؛

۲. رفتار گذشته فرد؛

۳. محیط و محرک های آن.

به این ترتیب براساس فرضیه جبر متقابل یا تعیین گری دوجانبه بندورا، سه نوع متغیر در ایجاد و نگه داری رفتار نقش دارند که عبارتند از: متغیرهای پیش آیندی محیطی، متغیرهای واسطه ای ذهنی و متغیرهای پیامدی محیطی. از نظر بندورا

1. self – referent Beliefes
2. proactive

علاوه بر رویدادهای محیطی اولیه (پیشایندی) و ثانویه (پیامدی)، طبقه مهم دیگری از عوامل تعیین کننده رفتار (یعنی متغیرهای شخصی: اندیشه‌ها، برداشت‌ها، تصورات ذهنی) وجود دارند که محصول تاریخچه یادگیری شناختی اجتماعی فرد هستند. این دیدگاه فرض می‌کند که انسان دارای نوعی نظام خود^۱ است که وی را قادر می‌کند افکار، احساسات، انگیزش و رفتارهای خود را کنترل کند. این نظام، سازوکارهای ارجاعی^۲ لازم برای کارکردهای مشخص برای دریافت، تنظیم و ارزیابی رفتار را فراهم می‌کند. به نظر بندورا آدمی از طریق نظام خود و نیروی خودتنظیمی و ایجاد تغییر در محیط، فعالانه در شکل دادن به سرنوشت خود مشارکت می‌کند. محیط جدید که محصول تعامل سه مؤلفه پیش‌گفته است رفتارهای آدمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به این ترتیب هم رفتار آدمی تابع محیط اوست و هم این که محیط وابسته به رفتار آدمی است. در این دیدگاه مهم‌ترین عنصر برای اعمال کنترل فرد بر خودش و محیط پیرامون، باورهای انسان درباره خودش است. بر این اساس، باورها بیش از دانش، شناخت، مهارت‌ها و دستاوردهای قبلی آدمی، عملکرد بعدی فرد را پیش‌بینی می‌کند. باورهای آدمی درباره توانایی‌های خود، تأثیر زیادی بر عملکرد دارد. البته صرف باورمندی به توانایی انجام یک کار، موجب انجام دادن آن نمی‌شود، بلکه عملکرد خوب و کامل مستلزم وجود هماهنگی بین باورهای خودکارآمدی، مهارت‌های کسب شده و دانش فرد است (پاجارس، ۱۹۹۹).

فرایند به کارگیری باورهای خودکارآمدی به این ترتیب است که فرد کاری انجام می‌دهد، سپس به تفسیر نتایج عملکرد خود می‌پردازد و از این تفسیرها برای به وجود آوردن باورهایی درباره توانایی‌ها و ظرفیت خود استفاده می‌کند، سپس از باورهای خلق شده برای عملکرد در حوزه‌های مشابه عملکرد اولیه بهره می‌برد و هماهنگ با باورهایی خود رفتار می‌کند. این دیدگاه تصور می‌کند که آدمی

-
1. Self- system
 2. referent

باورهایی را در اختیار می‌گیرد که سبب می‌شود بتواند روی تفکرات، احساسات و رفتارهای خود کنترل داشته باشد. به طور کلی در تصویری که بندورا از رفتار و انگیزش آدمی ترسیم می‌کند، باورهایی که فرد درباره توانایی‌های خود دارد، از نقش مهمی برخوردار است. از نظر بندورا نحوه رفتارهای آدمی به نحو بهتری به وسیله باورهایی که او درباره توانایی‌ها و شایستگی‌های خود دارد و اصطلاحاً «باورهای خودکارآمدی» نامیده می‌شود، پیش‌بینی می‌شود و نه آن‌چه واقعاً انجام می‌دهد؛ زیرا ادراکات خود، تعیین می‌کند که فرد با دانش و مهارت‌هایی که دارد، چگونه رفتار خواهد کرد. خودکارآمدی، به باورهای فرد درباره قابلیت‌های خود برای یادگیری و انجام رفتار در سطح معینی مربوط می‌شود. باورهای خودکارآمدی عبارت است از برآورد احتمالی مقدار اطمینان فرد به انجام شایسته رفتاری خاص جهت کنترل یا اداره موقعیت‌های آینده و رابطه نزدیکی با توانایی‌های تصویری فردی برای رسیدن به هدف‌های از پیش تعیین شده دارد.

از نظر بندورا، ادراک فرد از خودکارآمدی به منزله یک واسطه شناختی عمل می‌کند. آدمی در حین انجام تکلیف، یا بررسی آن، درباره قابلیت‌های خود داوری می‌کند. این قضاوت‌ها بر تفکر، هیجان، عاطفه و رفتار وی تأثیر می‌گذارد. خودکارآمدی تصویری (ادراک شده) به این باور اشاره دارد که فرد در شرایط خاصی چه کارهایی می‌تواند انجام دهد. به این ترتیب تفکر، هیجان‌ات و رفتارهای فرد در موقعیت‌هایی که به قابلیت خود مطمئن است با رفتار وی در موقعیت‌هایی که در آن احساس عدم امنیت و فقدان شایستگی و صلاحیت وجود دارد، متفاوت است. کسانی که باور دارند می‌توانند از طریق رفتارهای خود به نتایج دلخواه برسند، در مواجهه با مشکلات، احساس صلاحیت بیشتری می‌کنند. افرادی که دارای شایستگی‌ها و صلاحیت بالا در انجام تکلیف هستند، اما باور کمی به قابلیت‌های خود دارند، برای انجام فعالیت مورد نظر خود، کمتر تلاش می‌کنند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که خودکارآمدی می‌تواند پیشرفت تحصیلی،

مهارت اجتماعی، استعمال دخانیات و عملکرد ورزشی، تحمل درد، انتخاب شغل را به خوبی پیش بینی کند (شانک، ۱۹۸۶). افراد دارای احساس خودکارآمدی بالا دارای سلامت روانی بیشتری هستند، با تکالیف دشوار به چالش برمی خیزند و تعهد بالایی به هدف‌های خود دارند. باورهای کارآمدی همچنین بر مقدار استرس و اضطرابی کردن فرد به هنگام انجام تکلیف تجربه می‌کند تأثیر می‌گذارد.

باورها بیشتر در نقش میانجی ظاهر می‌شوند و باعث تعدیل تأثیر سایر متغیرهایی که پیشرفت تحصیلی را پیش بینی می‌کنند، می‌شوند. در نتیجه باورها به منزله یک صافی، بین پیشرفت قبلی و توانایی ذهنی درباره پیشرفت تحصیلی عمل می‌کنند. همچنین باورهای خودکارآمدی اثرات مهارت‌ها، تجارب قبلی و سایر باورهای مربوط به خود درباره پیشرفت بعدی را تعدیل می‌کند.

زیمرمن، بندورا و مارتینز-پونز (۱۹۹۲) نشان دادند که خودکارآمدی، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده یادگیری، حل مسئله و پیشرفت تحصیلی است و خودکارآمدی تحصیلی، به طور مستقیم ۲۱ درصد واریانس پیشرفت تحصیلی را توجیه می‌کند و به صورت غیرمستقیم با افزایش سطح آرزوهای دانش‌آموزان و ارتقای تلاش‌های آن‌ها تا ۳۶ درصد از واریانس پیشرفت تحصیلی را تبیین می‌کند.

زیمرمن و همکارانش نشان دادند که باورهای خودکارآمدی، بر فرایندهای خودگردانی نظیر هدف‌گذاری، خودپایی^۱، خودارزیابی و استفاده از راهبرد تأثیر می‌گذارد (زیمرمن، ۱۹۸۹؛ ۱۹۹۰؛ ۱۹۹۴؛ زیمرمن و بندورا، ۱۹۹۴؛ زیمرمن و مارتینز-پونز، ۱۹۹۰). افراد دارای خودکارآمدی بالا، در راهبردهای خودگردانی مؤثرتری درگیر می‌شوند و خودکارآمدی از طریق افزایش سماجت، عملکرد حافظه را تقویت می‌کند (بوفارد - بوچارد، پازنت و لاریوی^۲، ۱۹۹۱). دانشجویان دارای خودکارآمدی بالا، برای دستیابی به پیشرفت تحصیلی بالا از سماجت تحصیلی بیشتری

1. self - monitoring
2. Bouffard- Bouchard, Parent and Larivee

برخوردار بودند.

تحقیقات فیدر (۱۹۹۸)، فینچام و کین (۱۹۸۶)، پاریس واکا (۱۹۸۶)، پوکی و بلومنفیلد (۱۹۹۰)، شانک (۱۹۸۵)، زیمرمن و مارتینر-پونز (۱۹۹۰) نشان داد که خودکارآمدی با متغیرهای یادگیری خودگردانی و استفاده از راهبردهای یادگیری مرتبط است. افرادی که معتقد بودند می‌توانند تکالیف را انجام دهند، از راهبردهای شناختی و فراشناختی بیشتری استفاده می‌کردند و بر اجرای تکالیف، اصرار بیشتری می‌ورزیدند. خودکارآمدی تحصیلی از طریق استفاده از راهبردهای فراشناختی بر استفاده از راهبردهای شناختی و خودگردانی تأثیر می‌گذارد و این امر با انجام تکالیف تحصیلی در خانه، مدرسه، امتحانات، مقالات و گزارش‌های تحصیلی مرتبط است. پینتریچ و دی گروت (۱۹۹۰) پیشنهاد کرده‌اند خودکارآمدی نقش تسهیل‌کننده در فرایند درگیری شناختی بازی می‌کند و افزایش باورهای خودکارآمدی به استفاده فزاینده‌تر از راهبردهای شناختی منجر می‌شود و از این طریق، پیشرفت افزایش می‌یابد.

پاجارس (۲۰۰۲) نشان داده که باورهای خودکارآمدی در موضوعات خاص، مثلاً نوشتن، بر سایر مؤلفه‌های انگیزشی مرتبط با نوشتن در محیط‌های علمی و تحصیلی تأثیر دارد. بنابراین باورهای خودکارآمدی به منزله عامل انگیزشی مؤثر در یادگیری می‌تواند در تمام مراحل یادگیری مؤثر باشد. کسانی که دارای باورهای خودکارآمدی قوی‌تری هستند، راحت‌تر و زودتر یاد می‌گیرند و در برخی رشته‌های تحصیلی موفق‌تر هستند.

باورهای خودکارآمدی از طریق فرایندهای شناختی، انگیزشی (هیجانی) و انتخابی، اثرات خود را بر رفتار بعدی فرد برجای می‌گذارند. فرایندهای شناختی ممکن است بر الگوهای فکری فرد - که کمک‌کننده یا تأخیردهنده هستند - تأثیر کند؛ بر تنظیم هدف‌ها و انتخاب هدف‌های سطح بالا - که آزرزایی‌های شخص تأثیر می‌پذیرند - نفوذ کنند و فرایند حل مسئله را تحت تأثیر خود قرار دهند. هر قدر

باورهای خودکارآمدی فرد بالاتر باشد، تلاش بیشتری برای پردازش تکالیف اختصاص داده می‌شود.

سطح انگیزش افراد نیز از باورهای خودکارآمدی متأثر می‌شود؛ زیرا باورهای خودکارآمدی میزان تلاش اختصاص یافته و مدت زمان پایداری در برابر مشکلات را تعیین می‌کند. افراد دارای خودکارآمدی پایین به هنگام مواجهه با مسائل، تلاش‌های خود را کاهش داده و راه حل‌های سطح پایین را انتخاب می‌کنند. هر قدر باورهای خودکارآمدی فرد بالاتر باشد، با سرعت بیشتری از تردید ناشی از شکست رها می‌شود و به میزان و مدت زمان کوشش خود می‌افزاید (بندورا، ۱۹۹۳). انعطاف‌پذیری و حالت ارتجاعی باورهای خودکارآمدی (توانایی بهبود پس از شکست) سبب می‌شود که فرد پس از شکست‌های متعدد، ناامید نشود و دوباره به فعالیت‌های خود ادامه دهد. مقاومت و استقامت در برابر شکست‌های پی‌درپی فقط از طریق باورهای خودکارآمدی قابل تبیین است و نظریه‌های تقویت‌قادر به توضیح این رفتار نیستند.

باورهای خودکارآمدی بر میزان هیجانات فرد (نظیر اضطراب) در مواجهه با موقعیت‌های دشوار تأثیر می‌کند. دانش‌آموزی که دارای خودکارآمدی تحصیلی سطح پایینی است، در شرایط امتحان اضطراب بیشتری را تحمل می‌کند. باورهای خودکارآمدی انتخاب‌های فرد از جمله انتخاب شغل و انتخاب رشته را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر فرد احساس کند از عهده موقعیتی که با آن مواجه است بر نمی‌آید، آن را انتخاب نخواهد کرد. افراد دارای خودکارآمدی بالا، موقعیت‌هایی را انتخاب می‌کنند که دشوار است اما خارج از توان آن‌ها نیست (سعیدزاده، ۱۳۸۶).

منابع اطلاعات خودکارآمدی

نتایج تحقیقات متعدد حاکی از آن است که انتظارات خودکارآمدی در یک تکلیف خاص رابطه معناداری با عملکرد بعدی روی تکلیف مشابه دارد. این

یافته حاکی از استحکام نظریه خودکارآمدی است. براین اساس کسانی که به توانایی‌های خود در انجام یک تکلیف، اطمینان بالایی دارند، عملکرد خوبی نیز از خود بروز می‌دهند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که باورهای خودکارآمدی به عملکرد قبلی فرد و دستاوردهای پیشین او و تغییراتی که در موقعیت فرد به وجود می‌آید حساس است. دستاوردهای فرد بر اساس اطلاعات دریافت شده از منابع اطلاعاتی چهارگانه شکل می‌گیرد و این منابع به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر عملکرد فرد تأثیر می‌گذارند و متعاقباً باورهای خودکارآمدی را هم متأثر می‌کنند. این موضوع در ادبیات باورهای خودکارآمدی، به منابع اطلاعاتی خودکارآمدی معروف شده است. منابع اطلاعاتی خودکارآمدی عبارتند از:

- دستاوردهای عملکرد قبلی (تجارب گذشته فرد که منجر به موفقیت یا شکست شده‌اند)؛

- تقلید و سرمشق‌گیری از دیگران و مشاهده رفتار الگو (تجربه جانشینی)؛

- تأثیرات اجتماعی مستقیم از دیگران (ترغیب کلامی دیگران)؛

- حالت‌های فیزیولوژیک (بندورا، ۱۹۹۷؛ به نقل از جوست، کراگ لانسکی و نلسون، ۱۹۹۸).

اكتساب قضاوت‌های خودکارآمدی تنها از طریق یک منبع صورت نمی‌گیرد، بلکه اطلاعات خودکارآمدی در اثر تلفیق و ترکیب اطلاعات حاصل از این منابع به وجود می‌آید. از این رو بندورا عامل دیگری را با عنوان یکپارچه‌سازی اطلاعات کارآمدی^۱ مطرح می‌کند و معتقد است که این عامل، منبع ترکیب اطلاعات کارآمدی است.

ب) باورهای انگیزشی

بخش قابل توجهی از ادبیات باورهای مربوط به خود، به باورهای انگیزشی^۲

1. Integration of efficacy Information
2. motivational beliefs

مربوط است. باورهای انگیزشی، جایگاه مهمی در مفهوم‌سازی از یادگیری خودتنظیمی (یادگیری مبتنی بر ابربردهای فراشناختی و شناختی) دارد. باورهای انگیزشی در بردارنده شماری از معیارهای شخصی و اجتماعی هستند که فرد برای انجام تکلیف به آن‌ها رجوع می‌کند. تحقیقات به عمل آمده توسط پینتریچ (۱۹۸۶)، پینتریچ و دی‌گروت (۱۹۹۰) نشان داده‌اند که در اختیار داشتن راهبردهای شناختی و فراشناختی برای بهبود عملکرد تحصیلی یادگیرندگان کافی نیست؛ بلکه دانش‌آموزان برای استفاده از این راهبردها باید برانگیخته شوند و نقش عوامل انگیزشی در این میان دارای اهمیت است. انگیزش به رفتار فرد نیرو و انرژی می‌دهد، رفتار را حفظ و تقویت می‌کند و آن را به سوی هدف هدایت می‌کند (پینتریچ و شانک، ۱۹۹۶).

انگیزش به نحو‌بازری به باورهایی که فرد درباره خود و تکالیفش دارد مرتبط است. باورها معیارهایی را دربرمی‌گیرند که فرد با استفاده از آن‌ها تکالیف مختلف و روش‌های انجام دادن تکلیف را انتخاب می‌کند. معیارهای شخصی، مبنای مهم انگیزش شخصی به شمار می‌روند. باورهای انگیزشی آن دسته از معیارهای شخصی و اجتماعی هستند که فرد با توجه به آن‌ها رفتاری را انجام می‌دهد یا انجام نمی‌دهد (پینتریچ، مارکس و بویل، ۱۹۹۳). از نظر پینتریچ و شمار دیگری از محققان، باورهای انگیزشی بر میزان یادگیری و استفاده از راهبردهای شناختی و یادگیری خودتنظیمی تأثیر زیادی دارد و از عوامل تعیین‌کننده پیشرفت تحصیلی به شمار می‌رود (نک: استوار و خایر، ۲۰۰۴؛ گرین و میلر، ۱۹۹۶؛ آرچه، ۱۹۹۴). بر همین اساس برخی صاحب‌نظران، باورهای انگیزشی را نوعی راهبرد یادگیری، همچون راهبردهای شناختی و فراشناختی تصور می‌کنند و آن‌ها را راهبردهای انگیزشی و عاطفی می‌خوانند که به توجه یادگیرنده جهت می‌دهند، علاقه او به موضوع یادگیری را حفظ می‌کنند، فعالیت‌های شناختی او را هدایت

1. Ostovar and Khayer

می‌کنند و به آن انرژی می‌دهند.

پینتریچ و شانک برای این باورند که باورهای انگیزشی با شناخت و یادگیری رابطه دارد و دارای نقشی انطباقی و سازگارانه است و به ارتقا، تسهیل، حفظ و تنظیم یادگیری خودتنظیمی کمک می‌کنند. به نظر پینتریچ (۱۹۹۹: ۴۶۷)، استفاده از راهبردهای مختلف شناختی و فراشناختی، مستلزم سطحی از درگیر شدن و مشارکت است که اختصاص زمان و تلاش بیشتری را از سوی یادگیرنده می‌طلبد. در صورتی که یادگیرنده بخواهد بیش از حد معمول و لازم برای یادگیری خودتنظیمی وقت و تلاش صرف کنند، باید برای استفاده از این راهبردهای مختلف برانگیخته شود و باورها، انگیزش لازم برای این عمل را فراهم می‌کنند.

پینتریچ باورهای انگیزشی را در سه دسته طبقه‌بندی می‌کند: باورهای خودکارآمدی^۱، باورهای مربوط به ارزش تکلیف^۲ و جهت‌گیری‌ها نسبت به هدف^۳. او معتقد است این مفاهیم رابطه مثبت نیرومندی با یادگیری خودتنظیمی دارند. در مدل انگیزشی انتظار-ارزش، باورهای انگیزشی دارای سه نوع مؤلفه هستند: انتظاری، ارزشی و عاطفی (پینتریچ و دی گروت، ۱۹۹۵). باورهای خودکارآمدی، معرف مؤلفه انتظاری انگیزش است. مؤلفه انتظاری علاوه بر خودکارآمدی به مفاهیم دیگری از جمله شایستگی تصوری، سبک اسنادی و باورهای کنترل اشاره دارد. اما سازه اصلی در این میان، همان خودکارآمدی است و باورهای یادگیرنده درباره توانایی‌های را در بر می‌گیرد و او را قادر می‌کند تکلیفی را انجام دهد. مؤلفه ارزشی انگیزش در بردارنده باورهای مربوط به ارزش تکلیف و مؤلفه عاطفی، معرف جهت‌گیری‌ها نسبت به هدف است.

پیش‌تر باورهای خودکارآمدی را توضیح دادیم. خودکارآمدی به منزله باورهای فرد درباره ظرفیت‌های عملکرد خود در یک حوزه خاص تعریف شده است

1. Self – efficacy beliefs
2. task value
3. goal orientation

بندورا، ۱۹۸۶؛ شانک، ۱۹۸۵؛ به نقل از پینتریچ، ۱۹۹۹) و در بردارنده قضاوت‌های فرد درباره توانایی خود برای انجام تکالیف معین یا دست‌یابی به هدف‌های معین در موقعیت‌های خاص است. اطمینان یادگیرنده به مهارت‌های شناختی خود برای یادگیری یا انجام تکالیف تحصیلی، مثالی از خودکارآمدی است. فردی که از خودکارآمدی پایینی برخوردار است، ممکن است هیچ تلاشی برای موفقیت به عمل نیاورد؛ زیرا نمی‌تواند باور کند که به خوبی از عهده تکلیف محوله برمی‌آید. خودکارآمدی بر باور «من می‌توانم»، دلالت دارد.

باورهای توانایی‌تصور در نقطه مقابل باورهای ناتوانی (درماندگی آموخته شده) قرار دارد. درماندگی آموخته شده محصول ناتوانی‌تصور فرد است و فرد تصور می‌کند که هیچ کاری از او ساخته نیست. انفعال، گوشه‌گیری، ترس، افسردگی، بی‌میلی برای فعالیت از ویژگی‌ها ناتوانی‌تصور است.

تحقیقات به عمل آمده درباره خودکارآمدی نشان می‌دهد که مفهوم خودکارآمدی رابطه بسیار بالایی با یادگیری خودتنظیمی دارد. در تحقیقات پینتریچ (۱۹۸۹)، پینتریچ و دی‌گروت (۱۹۹۰)، پینتریچ و گارسیا (۱۹۹۱) نشان داده است یادگیرندگان دارای باورهای خودکارآمدی بالاتر، بیش از سایر یادگیرندگان از راهبردهای شناختی (مرور ذهنی، بسط و سازمان‌دهی) استفاده می‌کردند و بیش از سایر یادگیرندگان می‌کوشیدند موضوعات درسی را یاد بگیرند. خودکارآمدی همچنین رابطه مثبتی با راهبردهای کنترل فراشناختی و خودتنظیمی (برنامه‌ریزی، پایش و تنظیم) داشت و نیز ارتباط نیرومندی با عملکرد تحصیلی (امتحانات پایان هفته و ترم، گزارش آزمایشگاه، مقالات و نمرات شفاهی کلی) داشت. یافته‌های مطالعات پینتریچ و همکاران، با نظریه کارآمدی بندورا هماهنگ است و خودکارآمدی را نوعی منبع شخصی می‌داند که دانش‌آموزان به هنگام مواجهه با تکالیف تحصیلی دشوار و زمان‌بر، از آن استفاده می‌کنند. رابطه بین باورهای خودکارآمدی و استفاده از راهبردهای شناختی و فراشناختی در

تحقیقات گرین و میلر (۱۹۹۶)، زیمرمن و مارتینز-پونز (۱۹۹۰)، تأیید شده است. باورهای علاقه و ارزش یا باورهای مربوط به ارزش تکلیف به مؤلفه ارزشی انگیزش اشاره دارد و باورهایی را دربرمی‌گیرد که آدمی درباره اهمیت تکلیف، علاقه‌مندی به آن تکلیف و ارزش آن تکلیف دارد (اکسلز، ۱۹۸۳، به نقل از پینتریچ، ۱۹۹۰). این مؤلفه به وسیله محققان مختلف به شیوه‌های گوناگون مفهوم‌سازی شده است؛ از جمله هدف‌های عملکردی در مقابل هدف‌های یادگیری، جهت‌گیری هدفی بیرونی در مقابل درونی، ارزش تکلیف و علائق درونی، اما به طور کلی به استدلال‌های فرد برای انجام دادن یک تکلیف اشاره می‌کند و پاسخی است که فرد به این سؤال می‌دهد: چرا این تکلیف را انجام می‌دهم؟

باورهای علاقه و ارزش، معرف ادراک دانش‌آموزان از علائق شخصی خودشان نسبت به تکالیف شناختی و قضاوت آن‌ها درباره اهمیت و سودمندی تکالیف است. مؤلفه ارزش تکلیف به درک فرد از اهمیت تکلیف اشاره دارد. علاقه، نگرش یا تمایل کلی فرد به تکلیف را دربرمی‌گیرد و فرض می‌شود در خلال زمان پایدار است و تابع ویژگی‌های شخصی است. سودمندی تکلیف به وسیله ادراک فرد از مفید بودن تعیین می‌شود. در مطالعات انجام شده به وسیله پینتریچ و دیگران، باورهای ارزش تکلیف با توجه به ادراک دانش‌آموزان از اهمیت، سودمندی و علاقه‌مندی به موضوعات درسی مدرسه تعیین شده است. بررسی نتایج مطالعات نشان می‌دهد که باورهای ارزش تکلیف، رابطه مثبتی با استفاده از راهبردهای شناختی (مرورذهنی، بسط و سازمان‌دهی) و راهبردهای فراشناختی (برنامه‌ریزی، پایش و تنظیم) دارد. همچنین باورهای ارزش تکلیف با عملکرد تحصیلی رابطه دارد، اما قدرت آن به اندازه قدرت رابطه عملکرد تحصیلی با خودکارآمدی نیست. یادگیرندگان که معتقد بودند درس‌ها و تکالیف تحصیلی آن‌ها جالب، مهم و مفید هستند، بیشتر احتمال داشت که گزارش کنند، از

راهبردهای خودتنظیمی استفاده کرده‌اند. این یافته‌ها با نظریه انتظار- ارزش^۱ (اکسلز، ۱۹۸۳) سازگار است. کسانی که فعالیت‌های تحصیلی را مهم و ارزشمند می‌شمردند، مایل بودند وقت و تلاش بیشتری برای انجام آن‌ها اختصاص دهند. همچنین کسانی که تکالیف مدرسه را مهم می‌دانند و به آن علاقه‌مند هستند، کمتر احتمال دارد حواسشان به وسیله افکار نامربوط پرت شود و بیشتر احتمال دارد که دانش و اطلاعات قبلی خود در این زمینه را فعال کنند (اسکیفل^۲، ۱۹۹۱). فعال‌سازی دانش مربوط قبلی، ظرفیت بیشتری در حافظه کاری برای فرایندهای پایش و تنظیم که مورد نیاز یادگیری خود تنظیمی است فراهم می‌کند.

جهت‌گیری‌ها نسبت به هدف، سومین طبقه باورهای انگیزشی در نظریه پینتریچ جهت‌گیری‌ها نسبت به هدف را در بر می‌گیرد. پینتریچ، والترز و یو، سه جهت‌گیری کلی را در زمینه هدف‌گرایی مورد توجه قرار داده‌اند که عبارتند از: جهت‌گیری تسلط بر هدف^۳، (هدف‌های تکلیف‌مدار)، جهت‌گیری بیرونی^۴ و جهت‌گیری توانایی نسبی^۵ (هدف‌های عملکردی). جهت‌گیری تسلط بر هدف، به علاقه‌مندی به یادگیری و مسلط شدن بر تکلیف با استفاده از معیارهای خود ساخته و پیشرفت‌های فردی اشاره دارد. جهت‌گیری بیرونی شامل تمرکز بر کسب نمرات خوب و دریافت تحسین دیگران (معلمان و والدین) به عنوان مهم‌ترین ملاک قضاوت درباره موفقیت است. جهت‌گیری توانایی نسبی، به مقایسه توانایی یا عملکرد خود با توانایی و عملکرد دیگران و تلاش برای بهبود توانایی و عملکرد خود در اجرای تکالیف محوله توجه دارد. جهت‌گیری هدفی، انطباق خوبی با نظریه یادگیری خود تنظیمی دارد؛ زیرا فرض می‌کند یادگیرنده برای خودتنظیمی یادگیری عملکرد و رفتار خودش، باید دارای هدف‌ها یا استانداردها و ملاک‌هایی

-
1. expectancy- value
 2. Schiefele
 3. mastery goal orientation
 4. extrinsic
 5. relative ability

باشد تا پیشرفت خود را با آن بسنجد. نظریه هدف این مفهوم را ارائه می‌کند که یادگیرندگان دارای جهت‌گیری کلی نسبت به تکالیف پیشرفت هستند و این جهت‌گیری را می‌توان برحسب سه گرایش کلی تسلط، بیرونی و توانایی نسبی توصیف کرد. اگر یادگیرنده یکی از این گرایش‌ها را انتخاب کند، تدوین این جهت‌گیری کلی یا استاندارد باید با استفاده وی از راهبردهای مختلف خودتنظیمی مرتبط باشد.

بین جهت‌گیری‌های هدفی و خودتنظیمی، روابط هماهنگی وجود دارد. نتایج تحقیقات حاکی از آن است که هدف‌های تسلطی، رابطه مثبت نیرومندی با استفاده از راهبردهای شناختی و راهبردهای خودتنظیمی (فراشناختی) دارد و تا حدودی با عملکرد واقعی در کلاس درس مرتبط است. پینتریچ و همکاران با استفاده از نتایج مطالعات همبستگی نشان دادند که افراد دارای جهت‌گیری هدفی تسلطی، گزارش داده‌اند که در یادگیری مطالب از راهبردهای شناختی بسط‌دهی و سازمان‌دهی - که مستلزم سطوح عمیق‌تر پردازش اطلاعات هستند - و راهبردهای فراشناختی و خودتنظیمی برنامه‌ریزی، نظارت و تنظیم استفاده کرده‌اند. هدف‌های بیرونی تنها متغیرانگیزشی است که رابطه منفی با یادگیری خودتنظیمی (راهبردهای فراشناختی)، راهبردهای شناختی و عملکرد دارد.

در باره جهت‌گیری توانایی نسبی باید گفت افراد دارای این نوع جهت‌گیری، بیش از دیگران گزارش دادند که از راهبردهای فراشناختی و شناختی بیشتری استفاده می‌کنند و عملکرد تحصیلی آن‌ها نیز بهتر بوده است. علاقه‌مندی فرد به مقایسه عملکرد خود با دیگران و افزایش سطح عملکرد خود، ممکن است به وی کمک کند تلاش بیشتری برای یادگیری به عمل آورد و تکالیف کلاسی را بهتر انجام دهد.

با توجه به این یافته‌ها، اتخاذ جهت‌گیری هدف تسلطی در مقایسه با دو جهت‌گیری دیگر (توانایی نسبی، بیرونی) نقش مهم‌تری در یادگیری خودتنظیمی بر

عهده دارد. اگر هدف یادگیرنده، یادگیری و بهبود خود باشد، بیشتر احتمال دارد که برای بهبود عملکرد خودش در یادگیری و فهمیدن، از راهبردهای شناختی و فراشناختی استفاده کند. هدف یا ملاک یادگیری و تسلط، بیش از هدف بیرونی، می‌تواند به یادگیری خودتنظیمی منجر شود.

تحقیقات نشان می‌دهد افراد دارای جهت‌گیری هدف‌های تسلطی، معتقد هستند که توانایی‌های آن‌ها می‌تواند تغییر یابد و بهبود داده شود. این نوع هدف‌گزینی دارای پیامدهایی از این قبیل است: کارآمدی تحصیلی سطح بالاتر، تکلیف‌مداری، علاقه، پافشاری در برخورد با تکالیف چالشی و استفاده از راهبردهای یادگیری شناختی و فراشناختی. افرادی که جهت‌گیری هدف‌های تسلطی را انتخاب می‌کنند بر یادگیری و تسلط یافتن بر مطالب تمرکز می‌کنند و این جهت‌گیری آن‌ها را وادار می‌کند نتیجه عملکرد خود را به تلاش خود اسناد دهند و قضاوت‌ها درباره خودکارآمدی خویش را بر این مبنا تحلیل کنند که تلاش، منجر به موفقیت و تسلط یافتن می‌شود. اضطراب در این افراد کمتر، و باورهای خودکارآمدی آنان بالاتر است. سوگیری‌های هدفی عملکردی و بیرونی، به اتخاذ الگوهای اسنادی غیرانطباقی، ناسالم، اسناد شکست به عدم توانایی و خودکارآمدی تصویری پایین‌تر می‌انجامد و فرد با نوعی نگرانی درباره پاداش‌های بیرونی مواجه می‌شود (ایمز، ۱۹۹۲). محورا اصلی یادگیرنده عملکرد مدار، توانایی است و نشانه آن موفقیت بدون تلاش یا با تلاش اندک است. این گونه از افراد کمتر از راهبردهای شناختی و فراشناختی استفاده می‌کنند؛ چون این راهبردها به تلاش زیاد نیاز دارد و از سوی دیگر این افراد به خود یادگیری علاقه کمتری دارند.

سومین مؤلفه باورهای انگیزشی، مطابق مدل پینتریچ، به واکنش‌های عاطفی و هیجانی یادگیرنده در قبال تکلیف مربوط است. موضوع مهم در این مؤلفه این است که یادگیرنده به این پرسش، چه پاسخی می‌دهند: من چه احساسی درباره

1. Ames

این تکلیف داریم؟

در پاسخ به این سؤال ممکن است چندین واکنش هیجانی و عاطفی مرتبط نظیر اضطراب، ترس و خشم و غرور وجود داشته باشد. تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد واکنش‌های هیجانی منفی نظیر اضطراب رابطه منفی با یادگیری خودتنظیم و پیشرفت تحصیلی دارد (نک: سونسن و هوول، ۱۹۹۶).

بررسی نقش باورهای دینی و باوربه مهدویت در رفتار

با توجه به مباحث مطرح شده درباره تعریف و نقش باورها در شکل‌گیری و تکوین کنش‌های آدمی، موضوع مهمی که مطرح می‌شود این است که باورهای دینی و از جمله باورهای مربوطه به مهدویت، چه نقشی در رفتار کنشگران ایفا می‌کند؟ آیا فردی که دارای باورهای دینی و معنوی و باوربه مهدویت است با کسی که فاقد باورهایی از این قبیل است، رفتارهای متفاوتی دارد؟

اندیشه پیرامون مهدویت و باوربه آن در تاریخ اندیشه اسلامی، یک اصل اعتقادی تلقی می‌گردد و مؤمنان، آن را جزئی از اندیشه‌های دینی خود می‌دانند. آن‌گاه که عقیده و باور داشتن به یک عقیده، جزئی از اعتقاد دینی فرد باشد، جایگاه خاصی در افکار و روش زندگی انسان خواهد داشت و تأثیرپذیری فرد از آن، به گونه ژرف و عمیق خواهد بود. اگر اعتقاد به موضوع متکی بر باور دینی نباشد، این اثربخشی همچون تأثیر اعتقادات دینی نخواهد بود. به عنوان مثال اگر انسان بر اساس اندیشه، فکری یا شرایط اجتماعی خود، به باوری برسد و در گذر زمان یا مواجهه با حوادث روزگاری بر اثر اندیشه‌ای نو در باورهای خود تزلزل پیدا کند، از تغییر فکر و اندیشه خود احساس اضطراب و ناامنی نمی‌کند؛ در حالی که تغییر در اعتقادات دینی به راحتی امکان‌پذیر نیست و وجود اجزای اعتقادی در روح و افکار او، آن قدر تأثیرگذار و جهت‌بخش است که انسان به راحتی نمی‌تواند از آن عدول کند، به ویژه اگر آن اعتقاد دینی، همچون اعتقاد به مهدویت از عناصر اصلی و

بنیادین اعتقادی باشد (موسوی گیلانی، ۱۳۸۴: ۱۱).

منظور از تأثیرات اعتقاد به مهدویت، آموزه‌های اعتقادی - دینی، مبتنی بر فرهنگ مهدوی است که در عصر پیش از غیبت، غیبت، ظهور و انتظار، توانایی و قابلیت بیان نظروارائه راه‌حل‌های راهبردی در حوزه‌های متفاوت انسانی و اجتماعی را دارا بوده و همچنان داراست؛ به گونه‌ای که می‌توان بر اساس آن، در عرصه فردی و اجتماعی نظریه پردازی کرد؛ یعنی در تفکر و نظام فکری مسلمانان، آن را به عنوان شاخص انسجام بخش و سامان دهنده قرارداد تا بتواند بیان نظریات و ارائه الگوهای فکری حضور داشته و مسلمانان را به صحت عمل سوق دهد.

تأثیرات اعتقاد به مهدویت زمانی بارور می‌شود که این عقیده به طور صحیح و با تبیین جامع، شکل گرفته باشد. از این رو مقتضی است با ادله علمی و عقلانی و تفکر در آفرینش و رسالت پیامبران و اندیشه درباره ولایت به خصوص مهدویت و بررسی آن از دیدگاه اسلامی، باورها را تقویت کنیم؛ به گونه‌ای که در رأس هر چیز، نشانه‌های خدا در علوم و هستی مشاهده شود و به هر سونگریسته می‌شود، دلایلی بر هدف‌داری، نوآوری و نظم و وجود خالق اعلی مشاهده شود و بفهمند که در برنامه کلان الهی برای رساندن انسان به کرامت و تکامل مطلوب انسانی از هدایت تکوینی و هدایت تشریحی بهره گرفته شده است (نجم، ۱۳۸۷).

برای تحقق تبیین صحیح عقاید، مهم‌ترین شیوه‌های تربیتی برای پذیرش عقاید اسلامی را باید شناخت و عملی نمود. اگر باور درست صورت گرفت و مهدویت، جزو اعتقاد راسخ انسان گشت، آثار مهمی برای فرد و جامعه به ارمغان خواهد آورد.

یکی از مهم‌ترین آثار باور به مهدویت، آثار روان‌شناختی و رفتارهای ناشی از آن است. در برخی پژوهش‌های انجام شده، اثرات باور به مهدویت در سلامت روان آزمودنی‌ها بررسی شده است. همان‌گونه که در بخش اول این مقاله از نظر گذشت، اعتقاد و باورمندی، رفتار و کنش‌های آدمی را هدایت می‌کند. بررسی‌های به عمل

آمده نشان می دهد باوربه مهدویت ازاین حیث که امید به آینده و باوربه ابعاد مثبت جهان هستی را فراروی فرد می گشاید سبب ارتقای سلامت روان می گردد و تأثیرات گسترده ای بر آن دارد و هر قدر میزان اعتقاد و باوربه مهدویت بیشتر باشد، میزان سلامت روان نیز بیشتر خواهد بود (نجم، ۱۳۸۷).

همچنین بین اعتقاد به مهدویت (انتظار ظهور) و افسردگی رابطه معنادار ولی معکوسی وجود دارد، به این معنا که هر قدر دانشجویان باورهای مثبتی نسبت به انتظار ظهور داشتند، افسردگی آن ها کمتر بود. از سوی دیگر، بین انتظار ظهور و امیدواری رابطه مثبت معنادار وجود داشت. انتظار به عنوان مؤلفه کلیدی باوربه مهدویت، موجب ارتباط همراه با آگاهی، بینش و کنش های هدفمند نسبت به خود، دیگران، خدا و طبیعت شده و زمینه های آرامش و سلامت روان را فراهم می آورد و در عین حال از ابتلا به بیماری های روانی، افسردگی، ظهور واکنش های عاطفی نظیر اضطراب و استرس می کاهد.

سه بعد اصلی شخصیت آدمی نظیر بعد شناختی، عاطفی و رفتاری از باوربه مهدویت تأثیر می پذیرد و از این حیث بر سلامت روان فرد تأثیر می گذارد.

باوربه مهدویت، با صبر نیز رابطه نیرومندی دارد. هدف اصلی باوربه مهدویت و انتظار، القای روح امید، نشاط، احساس تعهد، آمادگی و عمل به تکلیف، محبت حقیقی و پیوند روحی با حضرت امام عصر علیه السلام و تلاش برای اصلاح خود و جامعه است. تحقق این فضایل نیکو، بدون صبر امکان پذیر نیست. از نقطه نظر روان شناسی، تقویت باورهای دینی سبب می شود مؤمنان در شکست و ناکامی و شرایط دشوار، صبر و شکیبایی بیشتری از خود نشان دهند.

با توجه به آن که انتظار، رکن اساسی اعتقاد به مهدویت به شمار می رود، لازم است به طور اجمالی آن را بررسی کنیم.

انتظار در لغت به معنای چشم داشتن و چشم به راه بودن است (دهخدا، ۱۳۶۵: ۲۹۴) و چشم داشت تحول و رویداد خوب، گشایش آینده مطلوب و چشم

به راه منجی بودن. انتظار مفهومی است که با نهاد انسان عجین شده است و می‌توان گفت همه انسان‌ها به نوعی منتظرند. انتظار و امید به آینده، همزاد انسان است و اگر امید به آینده را از او بگیرند، سرنوشتی جز رکود و تباهی نخواهد داشت. حرکت و تلاش از برآیندهای انتظار، و انتظار، از جهت دهنده‌های آن است. از این رو در کلام نورانی پیامبر ﷺ آمده است:

امید برای امت من، مایه رحمت است و اگر امید نبود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌کاشت. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۴، ۱۷۵)

مراد از انتظار حالتی است که از ترکیب اعتقاد به مبانی دین و ولایت امام زمان ﷺ از شوق و علاقه به ظهور و حکومت عدل و همراهی با اهل بیت ﷺ، از تنفر از غیبت امام عصر و نقص و فساد و تباهی عالم سرچشمه گرفته است و انواع دگرگونی‌ها را در حالت قلبی، اندیشه و آمال انسانی، رفتار فردی و تلاش اجتماعی انسان، ایجاد می‌نماید (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۳۵۳).

این انتظار با تعبیر اعتقاد به منجی از محدوده دین فراتر رفته و رویکردهای غیردینی، را نیز شامل شده است؛ چنان که راسل می‌گوید:

انتظار، تنها به ادیان تعلق ندارد؛ بلکه مکاتب و مذاهب نیز ظهور نجات بخش که عدل را بگسترانند و عدالت را تحقق بخشد، انتظار می‌کشند. (آصفی، ۱۳۸۳: ۱۷)

حقیقت انتظار

درک صحیح، شناخت درست، توجیه و تعبیر معقول، تفسیر دقیق و واقعی الفاظ و واژه‌ها اصطلاحات اسلامی، بر هر مسلمانی و هر کسی که بخواهد به روح تعالیم اسلام، حقیقت مکتب، برنامه‌های تربیتی، اجتماعی، اخلاقی، آن آشنا شود، لازم است.

درباره مفهوم انتظار، اگرچه اصالت مفهوم آن هنوز در اذهان، کم و بیش محفوظ

بوده، ولی برداشت اکثر جامعه از آن، آن طور که باید سازنده و مثبت باشد، نیست و در جهت جنبش و حرکت، بهره‌برداری نشده است؛ بلکه عده‌ای آن را عامل سکوت، سکون و سازشکاری، وقوف، تسلیم و رضایت دادن به وضع موجود و فراموش ساختن اهداف اسلام معرفی کرده بودند (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۵: ج ۱، ۳۵۳).

در اصل انتظار، آمادگی برای پذیرش ظهور به علاوه در فکر آن بودن و تلاش کردن و امیدوار بودن است. مرحله خودسازی و اصلاح نفس در صورتی به اوج و تکامل می‌رسد که انسان در انتظار و آرزوی پاکسازی سراسر جهان باشد و تنها به تهذیب نفس خود فکر نکند. در نتیجه کسی که انتظار حقیقی را شناخته باشد در پاکسازی نفس و جامه دغدغه دارد.

انتظار ظهور با اعتقاد به ظهور تفاوت دارد. کسی که منتظر است، علاوه بر اعتقاد، امید و انتظار درک زمان موعود را دارد؛ لذا بر اساس انتظار و امید، عمل می‌کند و این مسئله در حیات و تحول تربیتی انسان، بسیار مهم است. در این حقیقت - که انتظار سازنده نام گرفته است - منتظر با خودسازی و جامعه‌سازی برای برقراری صلح و عدل تلاش می‌کند و همواره در راه رشد و سازندگی و تکامل قدم برمی‌دارد. باور به مهدویت، با انتظار بهبود اوضاع و امید به اصلاح وضعیت جهان همراه است؛ امیدداری و باور مثبت به بهبود اوضاع تأثیر شگرفی بر اندیشه و رفتار فرد بر جای می‌گذارد.

امیدواری دارای دو بعد است: ذهنی و عینی. منظور از بعد ذهنی دو مؤلفه تفکر مثبت و هدفمند است. تفکر مثبت تأکید بر نقاط مثبت، رویارویی عینی با مسائل، تفکر خلاق و خستگی ناپذیری است. هدفمندی، اهداف کوتاه مدت، بلندمدت، پرهیز از پوچی و تفکر درباره آینده را در بر می‌گیرد. بُعد عینی امیدواری شامل برنامه‌ریزی برای اهداف کوتاه مدت و بلندمدت و تلاش در زمینه‌های مختلف است. شاخص‌ها و نشانگرهای امیدواری در بعد

شناختی بدین قرارند:

- تقویت و استحکام اعتقاد نظری و در پی آن اعتقاد عملی به توحید و عدل؛
- شناخت و معرفت نسبت به خدا و برنامه‌های تربیتی او و همچنین شناخت امام زمان علیه السلام و اقدامات ایشان؛
- بینش صحیح نسبت به انسان، زندگی و وظایف او در دنیا و در نتیجه عمل به آن؛
- داشتن تفکر و روحیه ظلم ستیزی و عدالت خواهی؛
- داشتن تفکر مثبت و امیدوارانه در مواجهه واقعی با مشکلات و سختی‌های دوران غیبت؛
- داشتن فکری خلاق و جست‌وجوگر در یافتن راه‌های جدید برای مشکلات آن زمان مثلاً قرار دادن نماد و سنبل برای انتظار و امید برای تکرار و یادآوری آن؛
- توجه به امام زنده و حاضر، و اعتقاد و امید به هدایت و تربیت و یاری ایشان در زمینه‌های مختلف علمی، معنوی، زندگی و...؛
- توجه به مصالح و فواید غیبت در تربیت افراد؛
- توجه به توصیه و راهکارهای حضرت در زمان غیبت صغرا و کبرا، از جمله توجه به سیره و سنت ائمه قبل، استفاده از سخنان و توقیعات حضرت و...؛
- تفکر درباره آینده، اهداف، تکالیف؛
- امیدواری ذهنی و تفکر مثبت نسبت به آینده و تحقق حکومت عدل جهانی و تحقق مدینه فاضله؛
- تفکر و نظم بخشی به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت برای رسیدن به مرتبه عالی انسانیت و کسب رضایت حضرت.

محور عاطفی (انتظار، محبت و شوق)

- توجه به حضرت در هر زمان از شوق و محبت؛

- احساس حضور مولا و مربی و مراقبت دائمی و همیشگی بر اعمال و رفتار به جهت نظارت دائمی ایشان؛
- داشتن شور و نشاط و سرزندگی به واسطه این اعتقاد و عدم افسردگی و یأس؛
- اطاعت از فرامین حضرت به دلیل محبت حقیقی ایشان؛
- از جان گذشتگی و ایثار به دلیل عشق و علاقه به مولا و اهداف ایشان؛
- اتحاد مردم برای یاری دادن حضرت به دلیل علاقه به ایشان و اهداف عالی آن حضرت؛
- پیوند روحی و قلبی با امام و مربی کامل عالم؛
- توجه و علقه به اماکن منتسب به حضرت و ادعیه منتسب به ایشان؛
- انجام مستحبات و هدیه دادن اعمال از طرف ایشان.

محور رفتاری (انتظار، آمادگی و خودسازی)

- تلاش برای مهذب شدن و کسب فضایل اخلاقی؛
- صبر در برابر گناه و هوا و هوس؛
- صبر در برابر برخورد نامطلوب برادران و خواهران دینی؛
- صبر در برابر ظلم و ستم به امید بهبود شرایط و آمدن روزگار صلح و راحتی؛
- صبر در برابر غیبت و غائب بودن امام و مولا؛
- تلاش عملی برای منتظر واقعی بودن و یار حضرت بودن در زمان ظهور؛
- تکاپو و تلاش برای اصلاح اعمال به دلیل نظارت و آگاهی حضرت؛
- تلاش برای زمینه سازی و مقدمه سازی فردی و اجتماعی برای تعجیل فرج؛
- عادل بودن در عمل به تکالیف و برخورد با دیگران؛
- تقویت بعد عبادی به وسیله ارتباط معنوی با حضرت و احساس حضور دائم ایشان؛
- تلاش برای احیای حقوق از دست رفته و اقامه عدل و کمک به دیگران؛

- امر به معروف و نهی از منکر برای اصلاح جامعه؛
- خستگی ناپذیری در برابر امتحانات و دشواری های عصر غیبت و دلداری دادن به دیگر شیعیان؛
- برنامه ریزی برای تحقق اهداف مورد نظر در راه رسیدن به مقام منتظر حقیقی.

منابع

- آصفی، محمد مهدی، *انتظار پویا*، ترجمه: تقی متقی، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام ۱۳۸۳ ش.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر: دکتر محمد معین، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۶۵ ش.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *امامت و مهدویت*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- موسوی گیلانی، سید رضی، *دکترین مهدویت*، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام ۱۳۸۴ ش.
- نجم، نجمه، *آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت* (پایان نامه کارشناسی ارشد)، استاد راهنما: حجت الاسلام دکتر مهدی مهریزی، قم، دانشکده اصول الدین، ۱۳۸۷ ش.
- De Corte, E. and Op't Eynde, P. When girls Value mathematics as highly as boys: an analysis of Junior high student's mathematics-related beliefs. Paper Presented to the Symposium: The relationship between student's epistemological beliefs, Cognition, and Learning, at the annual meeting of the American Educational Research, 2003.
- De Ctor, E., Verschaffel, L., and Op't Eynde, P. Self- regulation, A Characteristic and goal of mathematics education, In M. Boekaerts, P., P. Pintrich, and M. Zeider (Eds.). Hand book of self- regulation (pp.667-726), 2000.
- Diego- Mantecon, J. Andrews, P. and Op't Eynde, P. Refining The Mathematics- Related Beliefs Questionnaire (MRBQ). Paper Presented to Working group 2 on affect and Mathematical thinking of fifth European Conference on Mathematics Education, Cyprus, february 2007. PP. 229-2USA. Academic Press, 2007.
- Flavell, J.H., Development of children's knowledge about the mental world. International Journal of behavioral development- v.24. pp-15.23, 2000.
- Flavell, J.H. Theory of mind development: retrospect and prospect. Merrill- Palmer Quarterly, Vol 50 (3), 274, 2004.
- Furinghetti, F., and Pehkonen, E. Rethinking Character of belief. In G.

Lader, E. Pehkonen, and G. Torner (Eds.) Beliefs: A hidden Variable in mathematics educatin. Kluwer, Dordrecht, 39-57, 2002.

- Gabillon , Z. L 2 Learner's beliefs: An overview. Journal of Learning and Language, Vol3. No2. 233-260, 2004.
- Garland E. L., The meaning of mindfulness: A Secondary order cybernetics of stress, metacognition and coping. Contemporary Health Practice Review, 12 (1) 15-30, 2007.
- Goldin, A.G, Characteristics of affect as a system of representation. In M.J. Hoines and A.B. Fuglestad (Eds.). Proceedings of the 28th Conference of the International Group for the Psychology of Mathematics, 2004.
- Hannula, M.S, Affect in mathematics education, exploring theoretical framework. In M.J Hoines and A.B. Fuglestad (Eds.). Proceedings of The 28th Conference of the international Group for the psychology of mathematics education. Vol1. PP. 107-109. Bergen, Norway: PME, 2004.
- Hannula, M. Affect in mathematics thinking and Learning. Available in web, 2006.
- Jost, J.T., Kruglanski, A.W., and Nelson. T.O. Social Metacognition: an expansionist review. Presonality and Social Psychology Review. Vol 2.(2) 137-154, 1998.
- Kilpatrick, y., Swafford, y. and Findell, B. Adding it up: Helping children Learn mathematics. National Research Concuil. Washington Dc, 2001.
- Kislenko, K., Grevholm, B., and Lepik. M. "Mathematics Is Important but Boring": Student's, belifs And attitudes toward mathematics. Agder University College, . Norway. available on web, 2006.
- Kuhn, D. Cognitive Development, In M.H. Bornstein and M.E. Lamb (Eds.). Developmental Psychology: an advanced Text Book. (3re. ed). Lawrence Erlbaum Associates, 1992.
- Kuhn, D. Theory of Mind. metacognition and reasoning: A life span perspective. In Mitchell, P., and Riggs, K., (Eds.). Children's Reasoning and the Mind. Psychology press. LTD, 2000.
- Leder, G.G., and Forgasz, H.J. Measuring mathematical beliefs and their Impact on the Learning of mathematics. In G.G. Leder, E. Pehkonen, an G. Torner (Eds.). Beliefs: A hidden Variable in Mathematics Education (PP. 95-114). Dordrecht: Kluwer Academic Publishers, 2002.
- Leder, G., Pehkonen, E. and Torner, G. Beliefs: A hidden Variable in Mathematics Education. Kluwer, Dordrecht, 2002.
- Lester, F. K., Garofalo, J, and Kroll, D.L, Self Cofidence, interest, beliefs and metacognition: Key Influences on problem solving behavior. In D.B. Mcleod, and V. M. Adams (Eds.). Affect and mathematics problem solving: A new perspective (PP. 75-88)New York: Springer, 1989.
- Mc Leod, D.B. Beliefs, attitudes and emotion: New views of affect in mathematics education. in D.B. Mc Leod and V.M. Adams (Eds). Affect and Mathematical Problem solving: A New Perspective. (PP. 254-258).

- New York: springer verlag, 1989.
- McLeod, D.B. Information- Processing theories and mathematics Learning: the role of affect. *International Journal of Educational Research*, 14, 13-29, 1990.
 - Jost, J.T., Kruglanski, A.W., and Nelson. T.O. Social Metacognition: an expansionist review. *Personality and Social Psychology Review*. Vol 2.(2) 137-154, 1998.
 - Op't Eynde, P., De Corte, E. and Verschaffel, L. Framing Student's mathematics- related beliefs: a quest for conceptual clarity and a comprehensive categorization. In G. Leder, E. Pehkonen and G.Torner (Eds.). *Beliefs: A hidden variable In mathematics education*. Kluwer, Dordrecht (13-37), 2000.
 - Op't Eynde, P., De Corte, E., and Verschaffel, L. Beliefs and metacognition: an analysis of Junior- high Student's mathematics related beliefs. In A. Desoete, and M. Veenman, (Eds.). *Metacognition in mathematics Educatio*, 2006.
 - Pajares, F. Self-Efficacy beliefs and methematic problem solving of gifted staudents. *Contemporary Educational Psychology*. Vol21. 325-344, 1996.
 - Pajares, F. Current directions in self efficary research. In M. Maehr , and P.R. Pintrich (Eds.). *Advances in motivation and achievement*. (PP 1-119). Greenwich, Ct: JAI Press, 1999.
 - Pajares, F. Self- efficacy beliefs, motivation and achievement in writing: A review of The literature. *Reading and writing Quarterly*, 1999.
 - Pajares, f., and Schauk D.H. Self-efficacy, self-concept and academic achievement. In. J. Aronson and D.Cordova (Eds.) *Psychology of Education: personal and Interpersonal forces*. NewYork: Academic Press, 2001.
 - Pajares, F and Schank, D.H. Self-Beliefs and school succes: Selfff-Efficacy, Self-Concept and School Achievement. In R.Riding and S, Rayner, (Eds.). *Perception*. PP: 239-266. London: Ablex Publishing.n (PP.83, 2001.
 - Pintrich, P.R. The Role of motivation in promoting and sustaining self-regulated Learning. *International Journal of Educational Research*. 31, 415-470, 1999.
 - Pintrich, P.R., The role of metacognitive knowledge in teaching and assessment. *Theory into practice*. Vol. 41. No.4, 219-225, 2002.
 - Pintrich, P. R., The role of goal orientation in self-regulated learning. In M. Boekaerts, P. R. Pintrich and M. Zeidner (Eds). *Hand book of self -regulation* (pp. 425-502). Sandiego. CA: Academic press, 2000.
 - Pintrich, P.R. and Schunk, D.H. *Motivation in education: Theory, research and applications*. Englewood cliffs. N.J: Prentice Hall Merrill, 1996.
 - Schunk, D. H., & Zimmerman, B., J. *Social origins of self regulatory*

- competence. Educational psychologist, 32.4.195-201, 1997.
- Shoenfeld, A.M. Episodes and executive decision in mathematical problem solving. In R. Lesh and M. Landau (Eds.). Acquisition of mathematics concepts and processes (PP. 345-395). New York: Academic, 1983.
 - Shoenfeld, A.H. Making sense of "out loud" problem solving protocols. The Journal of Mathematical Behavior.4, 171-191, 1985a.
 - Shoenfeld, A. H. Mathematical problem solving. Orlando, FL: Academic, 1985 b.
 - Schoenfeld, H. Metacognition and Methematics. In A, Levey (Ed.). International Encyclopedia of Curriculum. Pergamon press, 1991.
 - Shoenfeld, A.H. Exploration of student's mathematical beliefs and behavior. Journal For Research In Mathematics Education. Vol 20(4), 338-355, 1989.
 - Shoenfeld, A.H. What's all the fuss about metacognition. In A. H. Shoenfeld (Ed.). Cognitive Science and mathematics Education (pp: 189-215). Hillsdale, Nj: LEA, 1987.
 - Shoenfeld, A.H. Learning to think mathematically problem solving, metaconiton and sense- making in mathematics. In D.Grouws(Ed). Hand book of research on mathematics teaching and Learning (pp.338-375) Newyork, Mac millan, 1992.
 - Shoenfeld, A.H. What is mathematical proficiency and how can it be assessed? Assessing Mathematical Proficiency. Vol. 53, 59-73, 2007.
 - Shpangler, D.A. Assessing student's beliefs about mathematics. The Mathematics Educator. Vol3. No1. 19-23, 2005.
 - Verschaffel, L. Realistic mathematical modeling and problem solving in the upper elementary school: analysis and improvment. In J. H. M. Harners, J.E.H. Van luit and B. Csapo (Eds.). Teaching and learning thinking skills: context of learning (PP. 215-240). Lise, the Netherlands: Swets and Zeitlinger, 1999.
 - Verschaffel, L. & De Corte, E. Do non semantic factors also influence the solution processes of addition and substraction word problem? In H. Mandle and others (Eds.). Learning and Instruction, Vol 2, 2. Pergamon press, 1990.
 - Verschaffel, L, De Corte, E., and Paluwels, A. Solving compare Problems: an eye movement test of lewis and mayer's consistency hypthothesis. Journal of Educational Psychology. 84, 85-94, 1992.
 - Verschaffel, L., Greer, B., and De Corte, E. Making Sense of word Problem. Netherlands: Swets and Zeitlinger, 2002.

روابط عاطفی مهدوی والدین و تربیت زمینه ساز

دکتر علی نقی فقیهی*

حسن نجفی**

چکیده

ضرورت شکل‌گیری فرهنگ دینی زمینه‌ساز ظهور و تربیت منتظران واقعی حضرت ولی عصر^{علیه السلام} ذهن را به سوی خانواده و روابط عاطفی والدین - که مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد تربیتی جامعه و نخستین آموزشگاه و پرورشگاه فرد است - رهنمون می‌سازد. هدف این پژوهش بررسی نقش روابط عاطفی والدین بر تربیت مهدوی فرزندان است. برای دست‌یابی به این مهم، ضمن اشاره به انواع روابط عاطفی والدین، بایسته‌ها و شاخص‌های شخصیت مطلوب عاطفی، مبانی روابط عاطفی والدین در تربیت زمینه‌ساز فرزندان، به ظهور روابط عاطفی مهدوی والدین در رفتار تربیتی برای زمینه‌سازی ظهور نیز پرداخته شده است. روش انجام پژوهش توصیفی - تحلیلی است و به منظور گردآوری داده‌های لازم برای دست‌یابی به اهداف پژوهش، منابع و متون حدیثی موجود و مرتبط با موضوع پژوهش با استفاده از فرم‌های فیش برداری از منابع و با شیوه کیفی مورد تحلیل قرار گرفته

* دانشیار دانشگاه قم و مدیر مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی (an-faghihi@qom.ac.ir).

** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شاهد.

است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین محیط‌هایی که می‌توان آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی از جمله مهدویت را در درون افراد نهادینه کرد و به جامعه رسوخ داد، خانواده است؛ خانواده‌ای که در آن روابط عاطفی پویا و متعالی بین همسران برقرار باشد و سرشار از جاذبه الهی، یعنی مودت، محبت، رحمت، شفقت و آرامش روانی است.

واژگان کلیدی

روابط عاطفی مهدوی، والدین، تربیت زمینه‌ساز.

مقدمه

خانواده، مناسب‌ترین نظام برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید، اجتماعی کردن و تربیت مهدوی فرزندان و برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد است. اما نایل شدن به این کارکرد مهم، سالم بودن و سلامت خانواده را می‌طلبد. از جمله ویژگی‌ها عمده خانواده سالم، داشتن روابط عاطفی مهدوی زن و شوهر نسبت به یکدیگر است. در این روابط، زن و شوهر دوستی خودشان را نسبت به هم بر اساس محوریت امام عصر علیه السلام ابراز می‌کنند و بر این اساس برای هم ارزش و احترام و حقوق و تکالیفی قائل هستند و برای عملیاتی ساختن آن می‌کوشند. در این خانواده، روابط، هماهنگ با آن چه امام عصر علیه السلام دوست دارد، شکل می‌گیرد؛ زیرا معتقدند از آن جا که هر هفته دست کم دوبار اعمال مردم به امام زمان علیه السلام عرضه می‌شود و او بدین وسیله ناظر بر همه روابط و رفتارهای افراد است و از انجام رفتارها و روابط عاطفی و نیکوی آن‌ها خرسند می‌شود و از روابط و اعمال، نامناسب عاطفی می‌رنجد، زن و شوهر با این باور از طریق همدلی، دلجویی و بهره‌گیری از کلمات گرم و مناسب، روحیه یکدیگر را تقویت می‌کنند. در این خانواده به جای مردسالاری یا زن‌سالاری، حق‌سالاری و خوشحالی و رضایت امام علیه السلام محور است. حتی بین اعضای خانواده به تناسب موقعیت و امکانات، بر اساس عواطف مثبت مورد پسند امام علیه السلام تقسیم کار صورت می‌گیرد (صافی،

برای پی‌ریزی تربیت زمینه‌ساز مهدوی - که اساس آن بر پایه عدل و حرکت به سوی فضیلت و کمال است - باید بذران در محیط خانواده کاشته شود؛ زیرا خانواده یک واحد حقیقی فرهنگی و اجتماعی است که افراد آن - از کوچک و بزرگ - با یکدیگر ارتباط عاطفی و معنوی دارند و می‌توانند درس فضیلت، مودت، خوش‌خلقی و تعهد بیاموزند (رشیدپور، ۱۳۷۵: ۷۶) و سهم بسیار ارزنده‌ای در بنای تمدن انسانی و اسلامی حضرت مهدی علیه السلام دارند (شریف قریشی، ۱۳۶۲: ۱۵).

از مهم‌ترین ارکان تربیت زمینه‌ساز ظهور، پرورش عواطف مهدوی فرزندان توسط والدین است. انسان موجودی اجتماعی است و ایجاد ارتباط با دیگران نقش بسزایی در زندگی فردی و اجتماعی او دارد. موفقیت والدین در پرورش فرزندان‌شان امام‌پسند، بستگی زیادی به چگونگی برقراری رابطه آن‌ها با یکدیگر و با فرزندان‌شان دارد. برقراری ارتباط حسنه عاطفی اجتماعی با دیگران یک هنر است و تمام افراد جامعه، به ویژه والدین باید برای کسب این مهارت تلاش کنند. رابطه مطلوب عاطفی مهم‌ترین نقش را در زندگی انسان دارد. شاید هیچ‌یک از ابعاد تجارب زندگی انسان به اندازه روابط محبتی والدین در رشد شخصیت سالم فرزند مؤثر نباشد. از این رو در تعالیم اسلامی بر روابط محبتی با فرزند تأکید شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لِيُرْحَمَ الْعَبْدَ لَشَدَّةِ حَبِّهِ لَوْلَاهُ؛ (کلینی، ۱۳۴۴: ج ۶، ۵۰)

خداوند والدین را به دلیل دوست داشتن و محبت به فرزند، مشمول رحمت گسترده خود می‌کند.

با توجه به این‌که در جهان کنونی، زندگی اخلاقی بشر در اثر تزلزل نظام‌های ارزشی و انحلال مبانی مقدسات، مورد تهدید قرار گرفته و انسان با بحران‌های گوناگون اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و معرفت‌دینی مواجه شده است (یوسفیان، ۱۳۸۶: ۲۶)، اهمیت بررسی نقش روابط سالم عاطفی

والدین خرسندی و ناخرسندی امام علیه السلام بر رشد و تربیت زمینه‌ساز مهدوی فرزندان - که در این تحقیق هدف اصلی بوده - مضاعف می‌گردد. البته برای نیل به این هدف، به انواع روابط عاطفی والدین، بایسته‌ها و شاخص‌های شخصیت مطلوب عاطفی، مبانی روابط عاطفی والدین در تربیت زمینه‌ساز فرزندان و ظهور روابط عاطفی مهدوی والدین در رفتار تربیتی برای زمینه‌سازی ظهور نیز اشاره شده است.

پیشینه پژوهشی

در بررسی پیشینه، پژوهشی که به طور کامل با موضوع پژوهش حاضر مرتبط باشد، یافت نشد. در ادامه برخی از پژوهش‌ها که تا حدودی با موضوع تحقیق در ارتباط قرار می‌گیرند، مرور می‌شود.

بررسی‌های انجام شده از زاویه دید روان‌شناسان (آیزنبرگ و لوسویا،^۱ ۱۹۹۷) و جامعه‌شناسان (بکرواپستین،^۲ ۱۹۹۳؛ هندرسون و برلا،^۳ ۱۹۹۴، وینسنت و تام،^۴ ۲۰۰۰) و روان‌شناسان اجتماعی (براون و فرانسیس،^۵ ۱۹۹۳) حاکی است که خانواده نخستین محیطی است که انسان را تحت تأثیر فضا و روابط و مناسبات خود قرار می‌دهد. همه چیز در این محیط - به ویژه عوامل انسانی و به خصوص والدین - بسیار تأثیرگذار است و تأثیرپذیری فوق‌العاده کودک و روابط عاطفی حاکم بر خانواده، این تأثیرپذیری را هر چه بیشتر می‌کند.

مور و همکاران (۲۰۰۴) نشان دادند که روابط صمیمی والدین، در کودکی و نوجوانی اعتماد به نفس، شادی و رضایت از زندگی را برای فرزندان به ارمغان می‌آورد و سلامت فیزیکی و روانی افراد در بزرگسالی نیز بی‌تردید ریشه در حمایت‌های پدر و مادر در اوایل کودکی دارد.

1. Eisenberg & Losoya
2. Becker & Epstein
3. Henderson & Berla
4. Vincent & Tom
5. Brown & Francis
6. Moore

آدکینز^۱ (۲۰۰۳) نشان داد که کودک نخستین تجارب حمایت اجتماعی خود را در کانون خانواده کسب می‌کند و نحوه برخورد، پذیرش، دوست داشتن و رفتار مساعد با کودکان او را برای احیای نقش‌های اجتماعی و برطرف ساختن نیازهای یاری می‌دهد.

کانتر^۲ (۲۰۰۰)، در بررسی‌های خویش به این نتیجه رسید که میزان تأثیر والدین بر روی نگرش‌های فرزندان و رفتار آن‌ها بسیار چشم‌گیر است. آن‌ها در شکل‌گیری اعتقادات نقش اساسی ایفا می‌کنند و نگرش‌ها و اعتقادات خود را به طور مستقیم و غیرمستقیم به کودکان انتقال می‌دهند و کودکان این تأثیر را از روی مشاهده اعمال و رفتار والدین می‌پذیرند.

آلبرت بندورا^۳ (۱۹۷۷)، به نقل از: سیف، ۱۳۸۹: ۱۶۸-۱۶۶) اعتقاد دارد که بیشترین یادگیری‌ها و تأثیرپذیری‌های انسان‌ها، از طریق یادگیری مشاهده‌ای و دیدن الگوهای ارائه شده است و هراندازه الگوها از محبوبیت و جایگاه ارزشی ویژه‌ای برخوردار باشند، تأثیرگذاری بیشتری بر الگوگیرنده‌ها دارند. پس والدین به منزله اولین الگو، بر شخصیت کودکان، اجتماعی شدنشان، روش‌های تعامل با دیگران، نحوه برخورد با مشکلات زندگی و مسائل اخلاقی و اعتقادی کودکان تأثیر جدی و اساسی دارند.

نیک‌نژادی و همکاران (۱۳۸۶) در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که والدین یکی از مهم‌ترین منابع شکل‌گیری خودپنداره و احساس ارزشمندی نسبت به خود در کودکان و نوجوانان هستند و به این وسیله کودک ادراکات، نگرش‌ها و واکنش‌های دیگران را جزئی از ارزش‌های درونی خود می‌کند.

فرجاد (۱۳۷۲) در مطالعه‌ای با عنوان چگونگی برخورد خانواده و تأثیر آن در نوع رفتار کودک و نوجوان به این نتیجه دست یافت که محبت و خشونت والدین در

-
1. Adkins
 2. Canter
 3. Albert Bandura

رفتار کودک و نوجوان تأثیر خواهد گذاشت. بنابراین نگرش‌ها و الگوهای رفتاری که در جریان رشد خود فرامی‌گیرند، شبیه نگرش‌ها و الگوهای رفتاری است که در والدین آن‌ها دیده می‌شود.

بررسی آیات (تحریم: ۶؛ مریم: ۵۵؛ لقمان: ۱۳ و ۱۷؛ هود: ۴۴) و خطبه ۸۴ نهج البلاغه حاکی است که در دین مبین اسلام خانواده، نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیتی است که بر انسان تأثیر می‌گذارد و شاکله تربیتی وی را سامان می‌دهد و از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌های رحمت و مودت است که به دلیل مناسبات و روابط ویژه عاطفی، پایدارترین تأثیرات روحی، اخلاقی و رفتاری را در ساختار تربیتی انسان بر جای می‌گذارد (صمدی، رضایی، ۱۳۹۰: ۹۷).

روش و جامعه نمونه پژوهش و ابزار گردآوری داده‌ها

روش پژوهش حاضر، توصیفی تحلیلی است. به این صورت که متون حدیثی مرتبط با روابط عاطفی والدین، تربیت فرزندان و آموزه‌های نظام ارزشی مهدوی گردآوری و در راستای تحقق اهداف پژوهش مورد بررسی، توصیف و تحلیل واقع شده است.

جامعه پژوهش حاضر، شامل متون حدیثی موجود و مرتبط با مبانی نظری و پژوهشی روابط عاطفی والدین و تربیت زمینه‌ساز است. از میان متون حدیثی مواردی که ارتباط بیشتری با اهداف پژوهش داشتند به عنوان نمونه انتخاب شدند. همچنین در پژوهش حاضر به منظور گردآوری داده‌ها از فرم‌های فیش‌برداری از منابع استفاده شده است.

مفاهیم اصلی

۱. روابط

واژه «روابط» از ارتباط، به صورت مصدری به معنای پیوند دادن و به صورت

اسم مصدر به معنای بستگی، پیوند، پیوستگی و رابطه به کار می‌رود (شعبانی، ۱۳۸۹: ۸۳)

«ارتباط» در اصطلاح، فرایند مبادله آگاهانه اطلاعات و احساسات به گونه‌ای قابل فهم از فرستنده به گیرنده است که خواسته یا ناخواسته احساسات و نظریات را به صورت کلامی و غیرکلامی منتقل می‌کند (علاقه‌بند، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

۲. عاطفه

«عاطفه»، از ریشه «عَظَف» به معنای توجه، کشش و میل است. عواطف، احساس‌هایی هستند که در ارتباط به یک موجود زنده دارای شعور دیگر، در نفس انسان تحقق یافته، او را وامی‌دهد تا به نفع آن گامی بردارد یا دست‌کم با وی اظهار همدردی یا احساس ترحم و یگانگی کند. این احساس انسانی معنوی به صورت محبت، مؤدت، رحمت، لطف، رأفت، عفو و گذشت، خشوع، الفت، شفقت، احسان، حلم، شکر و مانند آن در برابر او عملکرد فرد نمود می‌یابد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۵۷).

الف) روابط عاطفی والدین

روابط عاطفی والدین، نحوه ارتباط و طرز برخورد والدین با هم، نظرایشان نسبت به هم، احساسات و علاقه آن‌ها به یکدیگر و چگونگی دخالت یا عدم دخالت آن‌ها در کارهای هم و همکاری یا رقابت با یکدیگر است (شریعت‌مداری، ۱۳۹۰: ۲۱۱).

ب) روابط عاطفی مهدوی والدین

روابط عاطفی مهدوی والدین، ارتباط والدین با یکدیگر، براساس رضایت و خرسندی امام عصر علیه السلام است. آنان در مجموع ارتباط‌های کلامی، احساسی و رفتاری خود با یکدیگر و فرزندان، خشنودی امام علیه السلام را مطمح نظر دارند و کوشش می‌کنند از هر گفتاری یا برخورد احساسی و عملکردی نسبت به هم که امام علیه السلام آن را نمی‌پسندد، دوری نمایند. از این روست که امام باقر علیه السلام از برترین فضیلت‌های مؤمن

در زمان غیبت به عنوان انتظار فرج، حفظ و کنترل زبان، ابرازها و رفتارها از آن چه ناخرسندی امام را موجب می‌شود، دانسته است.^۱ امام رضا علیه السلام این عملکردهای شایسته فرد را انتظار فرج می‌داند؛ یعنی رضایت مندی خدا و اولیای الهی و ارتقای عاطفی مؤمنان، فرج و گشایش آنان است.^۲

از آن جا که برقراری روابط عاطفی مهدوی از سوی والدین ظرافت‌های خاصی دارد و چه بسا مشکل می‌توان در همه شرایط زندگی محوریت این رابطه را حفظ کرد، مراقبت دقیق لازم شمرده شده و امام رضا علیه السلام بعد آن که انتظار فرج را فرج دانسته است به آیه ۹۳ سوره مبارکه هود ۳ اشاره کرده و مراقبت جدی در این زمینه را بنا به امر پروردگار خواسته است. در این آیه توجه داده شده که مراقبت‌های شما در حفظ خود از ارتباط‌های ناشایسته باید با دقت انجام شود تا فرج و گشایش برای مؤمنان باشد.

۳. تربیت

«تربیت»، از ریشه «رَبَوَ» و در معانی پروراندن، پرورش دادن، بارآوردن، مالک بودن، مهتر کردن، نیکو گردانیدن، تمام کردن و مالک و پرورش دهنده به کار بردار (باقری، ۱۳۹۰: ۵۳-۵۱).

«تربیت» در اصطلاح، فراهم کردن زمینه‌ها و عواملی که برای به فعلیت رساندن و شکوفا کردن استعداد های انسان به شکلی مطلوب است (امینی، ۱۳۹۱: ۱۲).

۴. زمینه‌ساز

اصطلاح «زمینه‌ساز» برگرفته از مضمون احادیثی است که در آن‌ها از گروه‌هایی یاد شده که پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام بسترها و شرایط لازم را برای قیام امام

۱. قال اباجعفر علیه السلام: یأتی علی الناس زمان یتغیب عنهم إمامهم ... قال جابر: فقلت: یا ابن رسول الله! فما أفضل ما يستعمله المؤمن فی ذلك الزمان؟ قال: حفظ اللسان و لزوم البیت. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۴۵)

۲. امام باقر علیه السلام فرمود: ... انتظار الفرج من الفرج. (همو: ۱۳۱)

۳. «وأتقینوا إلی معکم رقیب». (همو: ۱۳۱)

زمان فراهم می‌آورند. این اصطلاح، معادل فارسی کلمه «تمهید» و «توطیه» و «اعداد» در عربی است که به معنای مقدمه‌چینی، فراهم‌سازی، آماده‌سازی و بسترسازی است؛ چنان‌که کلمات «یَوْطُنُون» (قزوینی، ۱۳۹۵: ج ۲، ۱۳۶۸) و «لِیُعِدَّن» (نعمانی، ۱۳۷۶: ۳۲۰) در احادیث به همین معناست.

با توجه به این معنا، زمینه‌سازی ظهور، یعنی فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور به گونه‌ای که شرایط برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، مهیا و هموار باشد تا بتواند حرکت خود را آغاز کند و حکومت جهانی‌اش را تحقق بخشد (پورسیدآقایی، ۱۳۸۸: ۲۰).

۵. تربیت زمینه‌ساز

انتظار همان زمینه‌سازی برای ظهور است و رسالت منتظران، تحقق جامعه‌ای است که زمینه‌ساز ظهور امام علیه السلام باشد. تربیت زمینه‌ساز تربیتی است که چنین جامعه‌ای را می‌سازد و شرایط لازم برای پذیرش ولایت و حاکمیت حضرت حجت علیه السلام را در فرد و جامعه فراهم می‌آورد. البته تربیت زمینه‌ساز همان تربیت اسلامی و دعوت به دین خداست^۱ و عنوان زمینه‌ساز تنها بر جایگاه امام در تربیت تأکید دارد. بنابراین مهم‌ترین رکن زمینه‌سازی و تغییر جامعه به سمت آمادگی برای حضور حجت خدا، توجه به عوامل فرهنگی و اهتمام به رشد، توسعه و ارتقای شخصیت انسان‌ها و پرورش کمالات انسانی است که در پرتو گزینش ایده آل برتر از راه تعلیم و تربیت است (موسوی، ۱۳۸۸: ۹۰). پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در بیان نشانه‌های آخر الزمان می‌فرماید:

يُخْرِجُ نَاسًا مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤَطَّنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ؛ (متقی هندی، ۱۳۹۷: ج ۱۴، ۲۶۳)

مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای قیام مهدی علیه السلام

۱. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُتَطَرِّفُونَ لظُهُورِهِ... الدُّعَاءُ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَ جَهْرًا. (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۱، ۳۲۰)

فراهم می سازند.

انواع روابط عاطفی والدین

روابط عاطفی متقابل زن و مرد را می توان به دو نوع روابط سالم و سازنده و روابط ناسالم و مخرب تقسیم کرد:

۱. روابط سالم و سازنده

در روابط سالم و سازنده والدین در مبادله اطلاعات و احساسات، در فضایی مناسب مشارکت می کنند، با یکدیگر هماهنگی دارند و در این ارتباط هر دو ارزش بالایی برای خود در نظر می گیرند؛ همان طور که برای دیگری ارزش قائلند. بر این اساس در برخوردها و ارتباط هایشان با یکدیگر، بر پایه برداشت از همدیگر رفتار می کنند. از دیدگاه اسلام، ارتباطی سازنده و سالم است که بر پایه تکریم شخصیت و عزت نفس و احترام متقابل انسان ها استوار باشد (فرهادیان، ۱۳۸۸: ۳۴-۳۳) و این برآمده از برخورداری خود آنان از کرامت است. این روابط افراد را در برابر انحراف ها، ناسازگاری ها و تنش ها ایمن می کند؛ چنان که امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهَوَاتُهُ؛ (شریف رضی، ۱۳۸۷: حکمت ۴۴۹)
کسی که از کرامت نفس برخوردار باشد، هواهای نفسانی در نظرش خوار و ناچیز است.

در روابط عاطفی مهدوی، والدین علاوه بر این کرامت و شرافت انسانی یکدیگر را پذیرفته اند همه کنش ها و واکنش های خود را در زندگی خانوادگی با خرسندی امام علیه السلام همسو می کنند و از این رو در گفتارها، اشاره ها، برخوردها، عملکردها و در حضور و غیاب یکدیگر، از کرامت همدیگر پاسداری می نمایند.

۲. روابط ناسالم و مخرب

اساس روابط مخرب و ناسالم، تحقیر شخصیت طرفین است. در چنین روابطی

تفهیم و تفاهم، دشوار، ارتباط، بیشتر فیزیکی است تا قلبی و احساسی؛ هریک در لاک خود فرورفته اند و برای حل معضلات خود تلاش می کنند. در این حالت ارتباط همسران با یکدیگر، روبه ضعف می نهد و گفت و گو، گاه یک سو به و بسته است (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۱).

روابطی که بر اساس ارزشمندی همسر نباشد، مخرب است؛ زیرا همسران - یا یکی از آن ها - آمادگی پذیرش نظرهای دیگری را ندارند و همین نپذیرفتن، به از میان رفتن درک و تفاهم می انجامد و سرانجام، ناسازگاری را در پی خواهد داشت. گاهی این تعارض ها موجب درگیری های لفظی شدید، اضطراب، افسردگی، پرخاشگری ها و دیگر اختلال های حاد روانی می شود (نوابی نژاد، ۱۳۸۰: ۶۹). والدینی که با هم روابط ناسالم داشته باشند از روابط عاطفی مهدوی، برخوردار نیستند؛ زیرا امام علیه السلام هرگز راضی نیست روابط میان والدین و حتی دو مؤمن، تحقیر آمیز باشد و کرامت و ارزش انسانی و ایمانی آن ها نادیده گرفته شود.

بایسته ها و شاخص های شخصیت مطلوب عاطفی

در شکل گیری و تکون شخصیت و ویژگی های اخلاقی و رفتاری فرزندان، دو عامل وراثت و محیط دخالت دارند. در میان عوامل محیطی، تأثیرگذارترین عامل خانواده است و در میان عوامل خانوادگی، محوری ترین عامل والدین هستند (پناهی و شریفی، ۱۳۸۸: ۱۳۹). با توجه به نقش کلیدی والدین در انتقال ارزش های مهدوی و معنوی به فرزندان و اهمیت رشد شخصیت مطلوب عاطفی ایشان با محوریت خرسندی امام علیه السلام، نسبت به یکدیگر و تأثیر آن بر رشد تربیت مهدوی فرزندان.

در ادامه به تعدادی از شاخص های رشد شخصیت مطلوب عاطفی مؤثر که زمینه این مهم را فراهم می سازند، اشاره می گردد:

۱. همسویی بینش‌ها و باورهای مهدوی

همسویی والدین در باورهای مهدوی، علاوه بر این که موجب گرمی خانواده به ویژه تحکیم روابط عاطفی خودشان است، در تربیت مهدوی فرزندان نیز مؤثر است. روابط عاطفی مطلوب و امام‌پسند والدین نسبت به هم و فرزندان، ناشی از خدا باوری و پذیرش اسوه بودن امام علیه السلام در بینش‌ها، افکار و باورها و کنش‌ها و واکنش‌های آن حضرت، از سوی آنان به صورت یکسان است. بنابراین داشتن بینش واحد و هماهنگ والدین در نوع برقراری روابط، با محوریت امام علیه السلام و عملیاتی ساختن آن‌ها در زندگی، از مهم‌ترین بایسته‌ها برای پرورش شخصیت عاطفی مهدوی در فرزندان است.

۲. محبت

با توجه به آموزه‌های دینی^۱ و این که امام خواهان عدالت است، خشنودی امام علیه السلام به این است که والدین در روابط بین خود و فرزندان در تمام شرایط و موقعیت‌های زندگی، محبت را حاکم کنند و بی محبتی فقط در جایی است که دشمنی با خدا و عناد با ارزش‌ها روا داشته می‌شود. بنابراین والدین به خود اجازه ندهند که در هیچ شرایطی، اصل محبت که محوریت آن خدا و امام علیه السلام است آسیب ببیند. حتی اگر در موقعیتی تنبیه لازم است، عامل و محور تنبیه محبت و عدالت باشد، نه آن که انگیزه تنبیه، عصبانیت و ناراحتی آن‌ها باشد، یا در شدت و ضعف آن اثر بگذارد و به افراط و عبور از حد اعتدال کشانده شود و والدین به دنبال این که فرزند خود را با تنبیه، تربیت می‌کنند، خشم و ناراحتی خود را بدین وسیله فرو نهند و بر فرزند نیز ستم روا دارند.

والدین با توجه آموزه‌های دینی و منویات امام عصر علیه السلام در مصادیق تولی و بروز آن به صورت کلامی و احساسی و رفتاری، همسو و هماهنگ شوند و هماهنگ

۱. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: **الذَّيْنُ هُوَ الْحُبُّ وَالْحُبُّ هُوَ الدِّينُ**. (عروسی حویزی، ۱۳۷۳: ج ۵، ۲۸۵)

عمل کنند تا تعارضی در امر تعلیم و تربیت پدیدار نگردد و فرزند آسیب نبیند؛ بلکه این همسویی به پرورش شخصیت عاطفی مطلوب امام علیه السلام در وی بینجامد (حسینی، ۱۳۸۸: ۵۷-۵۵).

۳. خوش رویی

خوش رویی و مهربانی والدین به یکدیگر در فرزندان از بایسته های برجسته برای پرورش شخصیت عاطفی مورد قبول امام علیه السلام است؛ زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره امام عصر علیه السلام می فرماید:

مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلِي بَيْتِي وَمَهْدِي أُمَّتِي أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَأَقْوَالِهِ وَ
أَفْعَالِهِ؛ (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۲، ۲۵۷)

شبهه ترین مردم از نظر شخصیتی و اخلاقی به اوست و دوست دارد همه پیروانش به صفات برجسته اخلاقی و از جمله خوش رویی مزین گردند.

علاوه بر این که خوش رویی در ایجاد صفا، آرامش روانی، اعتماد به نفس، شکوفایی استعداد های فرزندان تأثیر زیادی دارد (حسین زاده، ۱۳۸۸: ۱۶۳). پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره ارزش و جایگاه خوش رویی می فرماید:

أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَمُهُمْ خُلُقًا وَالْأَطْفُهُمْ بِأَهْلِيهِ وَأَنَا الْأَطْفُكُمْ بِأَهْلِيهِ؛
(جرعاملی، ۱۴۱۲: ج ۱۲، ۱۵۳)

شایسته ترین مردم از نظر ایمانی، خوش اخلاق ترین و مهربان ترین آن ها با خانواده اش است.

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

الْبِسْرُ الْحَسَنُ وَ طَلَاقُهُ الْوَجْهَ مَكْسَبَةٌ لِلْمَحَبَّةِ؛ (کلینی، ۱۳۴۴: ج ۲، ۱۰۳)
خوش رویی و گشاده رویی آوردگاه محبت است.

ارتباط والدین با چهره گشاده، رشته دوستی را با دوام تر کرده و از یک سو سبب کسب مهارت های اجتماعی و عاطفی و از سوی دیگر سازگاری بهتر با مسائل شخصیت مهدوی را برای فرزندان به ارمغان می آورد. امام صادق علیه السلام درباره پرورش

نسل منتظر با محاسن اخلاق می فرماید:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلَا يَعْْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ
الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ. (نعمانی، ۱۳۷۶: ۲۰۰)

۴. تکریم و احترام متقابل

از دیگر بایسته های پرورش شخصیت عاطفی مهدوی پسند، وجود احترام متقابل والدین و فرزندان است؛ زیرا تکریم شخصیت، نیاز طبیعی هرانسانی است و آن هم به دلیل وجود غریزه حب ذات است که در طبیعت وی نهاده شده و علاقه مند است دیگران شخصیت او را بپذیرند و گرمی بدارند (قائمی امیری، ۱۳۸۳: ۲۵۸؛ اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۵: ۲۵۹-۲۵۸). با احترام و تکریم، بستری عاطفی فراهم می شود که عزت و کرامت در افراد نهادینه می شود و هنجارهای ارزشی، انسانی و اعتقاد به مهدویت در خانواده و جامعه جایگاه متناسب خود را بازیافته و گسترش می یابد.

در نظام تربیتی مهدوی پرورش کرامت درزن و شوهر به این است که آنان نگرش کرامتی نسبت به همدیگر داشته باشند و برای هم احترام زیادی قائل شوند و یکدیگر را ارزشمند بدانند و این ارزشمندی را به زبان آورند و آن را به نوعی ابراز کنند و به هنگام صحبت یکدیگر به سخنان هم گوش دهند و برگفته های همدیگر متمرکز شوند و از نگرش و حرف فراتر روند و به ارزش گذاری فعالانه و قدردانی عملی احترام آمیز تبدیل شوند (برنشتاین، ۱۳۷۷: ۱۲۵-۱۲۴). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره این مهم می فرماید:

قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ: إِنِّي أَحْبَبْتُكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا؛ (کلینی، ۱۳۴۴: ج ۵، ۵۶۹)
مردی که به زنش بگوید: من تو را دوست دارم، [اثر این سخن] هرگز از دل زن بیرون نمی رود.

امام صادق علیه السلام به احترام متقابل زن و شوهر بسیار سفارش کرده و می فرماید:

رَحِمَ اللهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ؛ (حرعاملی، ۱۴۱۲: ج ۱۴، ۱۲۴)
خدا رحمت کند بنده‌ای را که رابطه میان خود و همسرش را نیکو
قرار دهد.

همچنین پیامبر اکرم ﷺ فرموده است:

حَيْرُكُمْ حَيْرُكُمْ لِنِسَائِكُمْ؛ (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۱۴، ۲۵۵)
برترین شما خیرخواه‌ترین کس نسبت به زنان خویش است.

رابطه احترام‌آمیز میان زوجین، در نظام تربیتی مهدوی نشانه‌ها و نمودهای ویژه‌ای دارد. شایسته است احترام متقابل همسران نسبت به هم، افزون بر احترام قلبی در برخی رفتارهای بیرونی نیز ابراز شود. از جمله این رفتارها می‌توان به خواندن همسر به نام مناسب و شایسته شأن او (موسوی زنجان‌رودی، ۱۳۷۷: ۳۷؛ انصاریان، ۱۳۸۹: ۳۷۰)، سلام کردن به همدیگر (خوانساری، ۱۳۷۳: ج ۴، ۳۲۹؛ حسینی، ۱۳۸۸: ۲۶) و تشکر و قدردانی از همسر (ملکی، ۱۳۸۵: ۲۶) اشاره کرد.

۵. حسن ظن (مثبت نگری)

حسن ظن به عنوان یک دستوردینی و اخلاقی در خانواده مبتنی بر مهدویت و روابط میان همسران، اهمیتی والا دارد و لازم است همسران از هرگونه گمان بد به یکدیگر بپرهیزند تا زمینه آرامش و سازگاری آنان هرچه بیشتر فراهم شود (حسین‌زاده، ۱۳۸۸: ۷۳).

نگاه منفی به دیگران نه تنها منجر به کاهش و از بین رفتن عواطف انسانی می‌گردد، بلکه بر اساس آموزه‌های مهدوی، این نوع نگاه، مذموم و مورد نکوهش قرار دارد. خداوند می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا...﴾؛ (حجرات: ۱۲)

ای اهل ایمان، از بسیار پندارها [و گمان بد] در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها [باطل و بی‌حقیقت و] معصیت است، و نیز هرگز

[از حال درونی هم] تجسس مکنید [و جاسوس بر احوال خلق مگمارید].

منفی بافی و نادیده گرفتن واقعیت‌های موجود، شرایط فرد، خانواده، گروه و جامعه، زندگی خانوادگی و اجتماعی را دچار بحران می‌سازد. بسیاری از مشکلات و ناهنجاری‌های فراروی جوامع بشری، ریشه در سوء ظن‌های ناآگاهانه و طمع‌آلودی دارد که افراد نسبت به دیگری، روا می‌دارند. برعکس آن، مثبت اندیشی و حسن ظن به دیگران علاوه بر باروری عواطف انسانی، باعث رفع یا کاهش ناهنجاری‌های خانوادگی و اجتماعی است.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

حُسْنُ الظَّنِّ رَاحَةُ الْقَلْبِ، حُسْنُ الظَّنِّ يُخَفِّفُ الهمَّ؛ (آمدی تمیمی، ۱۳۷۳: ح ۴۸۲۳ و ۴۸۱۶)

حسن ظن مایه راحتی دل است. حسن ظن تخفیف دهنده هم و غم است.

اصولاً دستور دین و تأکید نظام تربیتی و اخلاقی مهدوی این است که مؤمنان باید نگاه مثبت به یکدیگر داشته باشند و هنگامی که چیزهای بدی به مؤمنان نسبت داده می‌شود مؤمنان را جز به خیر و خوبی یاد نکنند و دروغ بودن نسبت بد به مؤمنان را آشکارا اعلام کنند. از عواملی که نگرش مثبت را در والدین افزایش می‌دهد می‌توان به هم‌اندیشی با خوبان (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷، ۱۹۷)، ثبات شخصیت و اعتماد به نفس (نور: ۱۲)، پرهیز از تجسس و غیبت (حجرات: ۱۲)، احسان و سهل‌گیری نسبت به هم (شریف رضی، ۱۳۸۷: نامه ۵۳)، کنترل تفکر منفی (کلینکه، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۶۴)، تخریب یا مبارزه با عقاید و باورهای نادرست (گلدارد، ۱۳۹۰: ۹۵) اشاره کرد.

مبانی روابط عاطفی والدین در تربیت زمینه‌ساز فرزندان

منظور از مبانی روابط عاطفی والدین در تربیت زمینه‌ساز فرزندان، مجموعه علل و عواملی است که در شکل‌گیری روابط عاطفی امام محور والدین درباره تربیت

صحیح و امام‌پسند فرزندان مؤثر است.

۱. از خود دانستن وجود فرزند

از مبانی شکل‌گیری روابط عاطفی مطلوب والدین نسبت به فرزندان این است که والدین می‌دانند وجود فرزندان از خود آن‌هاست، و علاقه طبیعی و خدادادی بین آنان وجود دارد؛ خوبی و بدی‌اش را خوبی و بدی خود می‌دانند و در سرنوشت زندگی دنیایی و اخروی آن‌ها نقش دارند (فرهادیان، ۱۳۸۸: ۹). امام سجاد علیه السلام در تبیین این ویژگی روان‌شناختی والدین و لزوم پرورش آن، از آن به عنوان حقوق فرزند یاد کرده و می‌فرماید:

وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُصَافٍ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِحَبْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ
أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمُعَوْنَةَ لَهُ عَلَى
طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُنَابَّ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقَبٌ؛ (حرانی، ۱۴۰۴: ۱۸۹)

حق فرزندان بر تو آن است که بدانی او از توست و رفتاری نیک و بدش در این دنیا با تو پیوند دارد و توبه دلیل مسئولیت و ولایتی که بر او داری موظفی که او را خوب تربیت کنی و به جانب پروردگارش رهنمون باشی و به او کمک کنی تا در ارتباط با تو و خودش، از خداوند فرمان برد و نیز توجه داشته باش که اگر او را به شایستگی تربیت کنی، پاداش آن را خواهی یافت و چنانچه در تربیت او سهل‌انگاری کنی مورد عقوبت خداوند قرار خواهی گرفت.

والدین با ایجاد ارتباط عاطفی و دوستانه مبتنی بر این حقیقت فطری انسانی، ارتباط سیستمی متعالی در شبکه اعضای خانواده برقرار می‌نمایند و محیط عاطفی مناسبی را برای فرزندان فراهم می‌آورند تا توانمندی‌هایی که در فطرت آن‌ها نهادینه شده است، به تدریج بروز و پرورش یافته و موجب برقراری ارتباط نیک با فرزندان، احترام و تکریم آن‌ها، تقویت احساس ارزشمندی، رضایت، خشنودی و دیگر صفات برجسته عاطفی تربیتی در آنان گردد (فقیهی، ۱۳۹۰: ۱۹۰-۱۸۱؛ ضیایی، ۱۳۹۰: ۵۳).

۲. بشردوستی

بشردوستی که در فطرت هریک از پدرو مادرو وجود دارد، خود از عوامل برقراری روابط عاطفی با فرزند است. در فرهنگ قرآن برقراری ارتباط عاطفی افراد بشر با یکدیگر به عنوان یک اصل تربیتی مورد توجه است و از این رو تا مادامی که افراد و از جمله فرزندان از انسانیت بیرون نرفته اند و در صدد مقاتله و دشمنی با خدا و دین بر نیامده اند و برای اخراج افراد دیگر از بلادشان اقدامی صورت نداده اند، همچنان بر رابطه دوستی، حتی در سطح بزوا احسان و برخورد عدالتی تأکید می شود.^۱ در احادیث متعدد عملیاتی ساختن این میل فطری سرآمد فعالیت های خردمندانه آدمی شمرده شده است.^۲

تمایل فطری آدمی به بشردوستی مصادیق بسیاری دارد و در عملیاتی و اجرایی کردن محبت هر کسی که به فرد نزدیک تر است، شدت بیشتری دارد؛ از جمله این محبت ها محبت والدین به فرزند است. البته همه محبت مؤمنان به هر فرد، در طول محبت خدا و با محوریت تولای امام علیه السلام است. بنابراین مؤمنان آن افرادی را که امام عصر علیه السلام دوست دارد، دوست دارند و برای آن ها کوشش های محبتی خود را تنظیم می کنند. امام علیه السلام تمام بشر را تا مادام که از عدو الله و عدو مؤمنان^۳ نشده اند دوست دارد. نمود مهدوی این بشردوستی، این است که امام زمان علیه السلام برای بشر فرج است و کوشش می کند آن ها را از ستم رها کرده، عدالت علم و کمال و خوشبختی را برایشان فراهم سازد.^۴

۱. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» * إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۹-۸﴾ (ممتحنه: ۹-۸)

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ الْحُبُّ إِلَى النَّاسِ. (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ج ۱، ۳)

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ». (متحنه: ۱)

۴. امام علی علیه السلام می فرماید: أَنَّهُ الْمُهْدِيُّ الَّذِي يَمْسَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِكْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا. (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۱، ۱۳۹)

۳. هدیه الهی دانستن فرزند

مبانی دیگر شکل‌گیری روابط عاطفی والدین نسبت به فرزندان، این است که به فرزند به عنوان هدیه و امانت الهی و حتی به عنوان مخلوق و بنده خداوند، نگاه می‌شود. درحقیقت، یک نوع عشق و علاقه معنوی و الهی به فرزند پدید می‌آید که آن‌ها را به برقراری ارتباط عاطفی مطلوب با وی سوق می‌دهد (احمدی، ۱۹:۱۳۸۵).

ظهور روابط عاطفی مهدوی والدین در رفتار تربیتی

در فرهنگ مهدوی، والدین همانند سایر مؤمنان، در ارتباط با یکدیگر و فرزندان، باید روابط عاطفی را در همه رفتارهای خود آشکار سازند و هرگز رفتاری صورت نگیرد که از عواطف و مهربانی خبری در آن نباشد. روابط عاطفی والدین باید به صورت دلبستگی، همدلی، ابراز عواطف مثبت، ارتباط غیرکلامی، پذیرش غیرمشروط، توجه به امنیت روانی، هویت‌بخشی به فرزندان، الگودهی در فضای خانواده فرزند را تحت تأثیر قرار دهد.

۱. نشان دادن دلبستگی

والدین با نشان دادن دلبستگی خود به فرزند خویش شخصیت عاطفی کودک را می‌پروراند و زمینه دلبستگی کودک را به آن‌ها فراهم می‌سازد. این دلبستگی، روابط کودک را در جامعه بزرگ‌تر آینده، رقم می‌زند و کودک این رابطه با والدین را بعدها هم حفظ خواهد کرد تا رفتار خود را با والدین محبوبش تطبیق دهد. بنابراین دلبستگی والدین به فرزند می‌تواند زمینه لازم برای تأثیر مثبت والدین بر فرزندان را فراهم نماید و فرزندان را به سوی تطبیق رفتار خود با والدین تشویق و ترغیب کند (سپاه‌منصور و دیگران، ۲۵۵:۱۳۸۷).

۲. همدلی

والدینی که با فرزندشان همدلی دارند می‌توانند احساس سرخوردگی احتمالی

فرزند را از نتایج توصیه های خود و چگونگی ارتباط خود با فرزندان کشف کرده و برای یافتن راه حلی که برای هر دو پذیرفتنی باشد، بکوشند. به عبارت دیگر، والدینی که با احساسات فرزند خود همدلی می کنند، مایل و قادرند که به طور سازنده به سمت مطلوب حرکت کنند و زمینه ارتباط مطلوب و مؤثر با فرزندشان را فراهم نمایند. بنابراین همدلی والدین تأثیر مهمی در محافظت و مراقبت از فرزند دارد؛ زیرا هنگامی که والدین از وضعیت و شرایط فرزندشان آگاه باشند و او را درک کنند، به دقت و درجه مراقبت خود نسبت به فرزندشان در هنگام بروز چالش و آسیب می افزایند و در زندگی فردی و اجتماعی وی مهر و الفت را به ارمغان می آورند (احمدی، ۱۳۸۵: ۲۲؛ کامران، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

۳. ابراز عواطف مثبت

ابراز عواطف مثبت از دو طریق می تواند بر ارتباط والدین و فرزندان تأثیر گذارد: نخست این که والدین می توانند با ابراز عواطف مثبت، کاری کنند که در فرزند موجب احساس مطبوع شود و فرزند مایل می شود آن چه در آن ها ایجاد خوشایندی می کند انجام دهد؛ دوم این که وجود والدین به هنگام برانگیختگی عواطف مثبت نقش مهمی در پیامد علاقه فرزند به والدین دارد و در واقع، به شکل گیری نگرش مثبت به سخنان والدین می انجامد و زمینه را برای همکای و پذیرش پیشنهاد های آن ها در ابعاد مختلف امام مهدی علیه السلام فراهم می کند. بنابراین، آن چه ما به عنوان مبنای ارتباط مؤثر والدین و فرزندان به دنبال آن هستیم، می توانیم بر اساس ابراز عواطف مثبت از سوی والدین نسبت به فرزندان پی گیری کنیم؛ همان گونه که نقطه مقابل آن، یعنی ابراز عواطف منفی، می تواند به سردی روابط والدین با فرزندان و سست شدن ارتباط مؤثر و مطلوب آن ها بینجامد و به تدریج در کج روی فرزندان تأثیر گذارد (احمدی، ۱۳۸۵: ۲۳). در اسلام درباره پاسخ گو بودن والدین و علاقه نشان دادن آن ها به کودک سفارش های اکیدی شده است. در

روایتی از حضرت صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَرْحَمُ الرَّجُلَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوَلَدِهِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۴، ۹۱)
خدای تعالی مردی که فرزندش را خیلی دوست دارد حتماً مورد ترحم و
لطف قرار خواهد داد.

۴. ارتباط غیرکلامی

یکی از اشکال روابط مؤثر والدین و فرزندان در نظام تربیتی زمینه ساز ظهور، لزوم توجه به ارتباطات غیرکلامی است. کلام و گفتار تنها بخشی از جریان ارتباط و تبادل نظر با دیگران است. والدین یا فرزندان، افکار، نگرش‌ها، معانی معارف مهدوی مختلف را بیشتر از طریق حرکات چهره، آهنگ حرکات و طرز نگاه کردن و بالأخره مجموعه رفتار غیرکلامی به طرف مقابل منتقل می‌سازند. رفتار غیرکلامی را می‌توان نیرومند تروحتی مؤثرتر از کلمات دانست. نیازی به درک اثرات ارتباط غیرکلامی، به ویژه در کار کردن با کودکان، از اهمیتی خاص برخوردار است؛ زیرا کودکان هنوز پیچیدگی‌ها و رموز ارتباط کلامی را به خوبی نمی‌دانند (ریچموند، ۱۳۸۷: ۱۹۲).

۵. پذیرش غیرمشروط

یکی دیگر از زمینه‌های بروز روابط عاطفی مهدوی والدین ارتباط مؤثر و پذیرش غیرمشروط نسبت به فرزندان است؛ بدین معنا که والدین، کودک و نوجوان را آن‌گونه که هست بپذیرند، هرچند ممکن است رفتار او مورد پذیرش آنان نباشد. بنابراین در تربیت زمینه ساز باید به فرزند به عنوان یک شخص مستقل احترام بگذارند و برای او به عنوان انسانی با توانایی‌ها و رغبت‌های خاص خود، ارج و ارزش قائل شوند. والدین باید درک کنند که رفتار برای فرد صاحب رفتار، اعم از کودک یا نوجوان، چه معنا و مفهومی دارد و سعی کنند نخست یک شنونده خوب باشند تا بتوانند در زمینه تعبیر و تفسیر اطلاعات و ارائه کمک و راهنمایی و تأثیرگذاری مطلوب اقدام ورزند (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۵: ۲۳).

۶. توجه به امنیت روانی

خانواده مهم‌ترین کانون تأمین‌کننده نیازهای جسمانی، روانی و دینی فرزندان است و تمام تلاش پدران و مادران مسئول و آگاه باید براین اصل مبتنی باشد که فضای خانه و خانواده مهدوی سرشار از امنیت، محبت و آرامش باشد. اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان باید در خانه احساس سازگاری و تعادل روانی کنند و کانون خانواده را بهترین و امن‌ترین پناهگاه بدانند. بین والدین و فرزندان باید رابطه‌ای ایجاد شود که آن‌ها بتوانند آزادانه احساسات، اضطراب‌ها و نگرانی‌های خود را بدون احساس ترس یا طرد شدن با والدین در میان بگذارند (سامانی و رضویه، ۱۳۸۶: ۳۳-۳۰).

۷. هویت‌بخشی به فرزندان

یکی از ویژگی‌های فرزندان به‌ویژه در دوران نوجوانی و جوانی تلاش برای کسب هویت و شناخت هویت واقعی خود است. در این دوره‌ها فرزندان نیازمند تعلق به گروه و پذیرفته و تأیید شدن است. برخوردهای افراطی و تفریطی والدین یا عدم برقراری رابطه عاطفی صحیح مهدوی با فرزندان، پیامدهای نامطلوبی به دنبال دارد. از این رو، پدر و مادر وظیفه دارند با شکیبایی و بردباری با فرزندانشان رابطه‌ای مهدوی برقرار کنند تا آن‌ها به سلامت این سال‌ها را پشت سر بگذارند و از منتظران واقعی حضرت باشند (بیگلان و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

۸. الگودهی

بی‌شک الگوپذیری و همانندسازی، از مهم‌ترین و اثربخش‌ترین روش‌های یادگیری و اجتماعی شدن فرزندان در تربیت زمینه‌ساز ظهور امام مهدی علیه السلام است. فرزندان به دلیل آمادگی ذهنی، سادگی و بی‌آلایشی روحی، پاکی سرشت و انگیزه گرایش‌شدید به انتخاب الگودر زندگی خود داشته و در اولین گام پدر و مادر را سرمشق و الگوی خویش قرار می‌دهند و در صورت فقدان روابط عاطفی والدین

تأثیرهای نامطلوبی بر شخصیت فرزندان خواهد گذاشت (فلاح رفیع، ۱۳۹۱: ۳۵)؛ بنابراین والدین باید با رفتار و اعمال خود که برگرفته شده از سیره پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام است، الگوهای شایسته‌ای برای فرزندان باشند و آنان را با الگوی برتر دینی - که امام مهدی ﷺ است - آشنا سازند و او را درزویای زندگی، نصب العین خویش قرار دهند (میرزاییگی، ۱۳۸۷: ۱۳۰-۱۲۹).

نتیجه

نهاد خانواده به مثابه جامعه کوچکی است که هر یک از اعضای آن به گونه‌ای بر دیگری تأثیرگذار است. رکن بودن روابط عاطفی والدین در خانواده، تأثیرگذاری مضاعف بر فضای عمومی خانواده، به ویژه فرزندان دارد؛ زیرا خانواده به صورت یک سیستم متعامل و به هم پیوسته است و هر کدام از اعضای آن متناسب با جایگاه و نقشی که دارند، در دیگران تأثیرگذار هستند. در این پژوهش ضمن بررسی انواع روابط عاطفی بین والدین، مناسب‌ترین بایسته‌ها و شاخص‌های شخصیت مطلوب عاطفی با عنوان‌های همسویی بینش‌ها و باورهای مهدوی، محبت، خوش‌رویی، تکریم و احترام متقابل، حسن ظن (مثبت‌نگری) ذکر گردید و در بحث مبانی، به مبانی روابط عاطفی والدین در تربیت زمینه‌ساز به از خود دانستن وجود فرزند، بشردوستی و هدیه الهی دانستن فرزند اشاره شد. در نهایت به ظهور روابط عاطفی والدین مانند دلبستگی، همدلی، ابراز عواطف مثبت، ارتباط غیرکلامی، پذیرش غیرمشروط، توجه به امنیت روانی، هویت‌بخشی به فرزندان و الگودهی در رفتار پرداخته شد. حاصل بررسی نشان‌گران است که پدر و مادر در جایگاه محوری‌ترین عنصر تعاملات خانوادگی، وقتی التزام اساسی به آموزه‌های اخلاقی، ارزشی، دینی و عاطفی در روابط همسری داشته باشند می‌توانند الگوی قابل قبول و ارزنده‌ای برای انتقال مفاهیم و آموزه‌های نظام ارزشی جهانی، انسانی، فرازمانی و فرامکانی مهدوی به فرزندان خویش باشند و شخصیت و هویت وجودی آنان را

پایه‌ریزی کنند. البته برای نیل به این مهم، والدینی موفق تر هستند که:

۱. بینش‌ها و باورهای دینی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی خودشان را همسومی کنند؛

۲. در ارتباط متقابل خود با همسر، همواره احترام همدیگر را حفظ می‌کنند؛

۳. در ارتباط کلامی، بالحنی محبت‌آمیز و با نیتی خیرخواهانه وارد می‌شوند؛

۴. اشکال‌ها و انتقادهای را در آرز حضور فرزندان بازگو و حل و فصل می‌کنند، به گونه‌ای که شخصیت و عزت و نفس فرد، همواره حفظ می‌شود.

۵. نگرش نعمتی به نسبت به یکدیگر دارند؛

۶. همدیگر را به بهترین نام و لقب خطاب می‌کنند؛

۷. اوقات خوش‌خانه را در ارتباط با یکدیگر، به سخنان و گفتاری که موجب

رشد و تعالی شخصیت خود و فرزندان می‌شود، صرف می‌کنند؛

۸. حقوق یکدیگر را کاملاً رعایت کنند تا امنیت روانی برای همدیگر فراهم سازند؛

۹. از الگو بودن خودشان برای فرزندان، با ارائه رفتارهای سالم و منطبق با

معیارهای دینی محافظت می‌کنند.

با توجه به نقش روابط عاطفی والدین در تربیت مهدوی فرزندان پیشنهاد

می‌شود کارشناسان و متولیان امور فرهنگی - تربیتی و مشاوران خانواده برای

زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر^{علیه السلام} به سوی توانمندسازی نهاد خانواده گام

بردارند و تمام سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های علمی، فکری و سیاسی خود را متوجه

تشکیل پایایی و پویایی روابط مطلوب عاطفی خانواده کنند تا نسلی فرهیخته و

منتظرانی کارآمد و مسئول تربیت شود.

منابع

- احمدی، محمدرضا، «مبانی روان‌شناختی ارتباط مؤثر والدین با فرزندان در محیط خانواده»، فصل‌نامه معرفت، ش ۱۰۴، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵ ش.
- اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ تربیت، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
- آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم ودررالکلم*، ترجمه: محمد خوانساری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
- امینی، ابراهیم، *اسلام و تعلیم و تربیت*، قم، بوستان کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ ش.
- انصاریان، حسین، *نظام خانواده در اسلام*، تهران، ام‌ایبها، چاپ شصت و نهم، ۱۳۸۹ ش.
- باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ج ۱، تهران، مدرسه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۹۰ ش.
- برنشتاین، فلیپ، *اچ، شناخت و درمان اختلال‌های زناشویی (زناشویی درمانی)*، ترجمه: حمیدرضا سهرابی، تهران، رسا، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- بیگلان، آنتونی و همکاران، *مشکلات رفتاری نوجوانان*، ترجمه: سیاوش جمال‌فر، تهران، نشر ویرایش، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
- پناهی، علی‌احمد؛ احمدحسین شریفی، «بایسته‌های اخلاقی همسران و نقش آن در تربیت فرزندان»، فصل‌نامه معرفت اخلاقی، سال اول، ش ۱، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
- پورسیدآقایی، سیدمسعود، «زمینه‌سازی ظهور»، فصل‌نامه مشرق موعود، سال سوم، ش ۱۰، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸ ش.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، بیروت، آل‌البیت، ۱۴۱۲ ق.
- حرّانی (ابن شعبه)، *ابی محمد حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول*، تحقیق:

- علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- حسین زاده، علی، *همسران سازگار، راه های سازگاری*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ سوم، ۱۳۸۸ش.
- حسینی، داود، *روابط سالم در خانواده*، قم، بوستان کتاب، چاپ یازدهم، ۱۳۸۸ش.
- خوانساری، جلال الدین محمد، *شرح غررالحکم و دررالحکم*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
- رشیدپور، مجید، *تعادل و استحکام خانواده*، تهران، اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.
- ریچموند، ویرجینیایی، *رفتار غیر کلامی در روابط میان فردی*، ترجمه: فاطمه سادات موسوی وژیلا عبدالله پور، تهران، دانژه، ۱۳۸۷ش.
- سامانی، سیامک؛ رضویه، اصغر، «رابطه همبستگی خانواده و استقلال عاطفی با مشکلات عاطفی»، فصل نامه پژوهش در سلامت روان شناختی، دوره اول، ش ۱، تهران، دانشگاه خوارزمی، ۱۳۸۶ش.
- سپاه منصور، مژگان؛ فاطمه شهابی زاده؛ الهه خوشنویس، «ادراک دل بستگی کودکان، دل بستگی بزرگسال و دل بستگی به خدا»، فصل نامه روان شناسی تحولی (*روان شناسان ایرانی*)، سال چهارم، ش ۱۵، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ۱۳۸۷ش.
- سیف، علی اکبر، *روان شناسی پرورشی نوین*، تهران، دوران، چاپ چهل و نهم، ۱۳۹۰ش.
- شریعتمداری، علی، *روان شناسی تربیتی*، تهران، امیرکبیر، چاپ بیست و یکم، ۱۳۹۰ش.
- شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، قم، جمال، ۱۳۸۷ش.
- شریف قریشی، باقر، *نظام تربیت اسلام*، تهران، فجر، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.

- شعبانی، حسن، *مهارت‌های آموزش و پرورش*، ج ۱، تهران، سمت، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۹ ش.
- صافی، احمد، *مدیریت و اقتصاد در خانواده*، تهران، انجمن اولیا و مربیان، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ ق.
- صمدی، معصومه؛ منیره رضایی، «بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین»، *فصل‌نامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال نوزدهم، دوره جدید، ش ۱۲، تهران، دانشگاه امام حسین، ۱۳۹۰ ش.
- ضیایی، زهرا؛ خدیجه ضیایی، «تأثیر روابط سالم والدین بر تربیت دینی فرزندان»، *فصل‌نامه طهورا (مطالعات زنان و خانواده)*، سال چهارم، ش ۱۰، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۰ ش.
- عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعه، *تفسیر نورالتقلین*، قم، نوید اسلام، ۱۳۷۳ ش.
- علاقه‌بند، علی، *مدیریت عمومی*، تهران، روان، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۹ ش.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضه الواعظین و بصیره المتعلمین*، قم، رضی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
- فرجاد، محمدحسین، *آسیب‌شناسی اجتماعی خانواده و طلاق*، تهران، بدر، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
- فرهادیان، رضا، *تربیت برتر؛ آن چه والدین و معلمان باید بدانند*، قم، بوستان کتاب، چاپ هفتم، ۱۳۸۸ ش.
- فقیهی، علی نقی، *تربیت جنسی، مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث*، قم، دارالحدیث، چاپ چهارم، ۱۳۹۰ ش.
- فلاح رفیع، علی، «روش‌شناسی الگو در انتقال ارزش‌ها»، *دوفصل‌نامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال چهارم، ش ۲، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱ ش.

- قائمی امیری، علی، *خانواده و مسائل همسران*، تهران، امیری، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۳ش.
- قزوینی (ابن ماجه)، محمد بن یزید، سنن، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، *دالفکر للطباعة و النشر*، ۱۳۹۵ق.
- کامران، فریدون، «نقش عدم همدلی والدین بر بزهکاری نوجوانان»، فصل نامه تخصصی *جامعه شناسی*، سال اول، ش ۴، آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، ۱۳۸۴ش.
- کلینکه، کریس. ال، *مهارت های زندگی*، ج ۱، ترجمه: شهرام محمدخانی،، تهران، اسپند، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، انتشارت علمیه اسلامی، ۱۳۴۴ش.
- گلدارد، دیوید، *مفاهیم و مباحث تخصصی در مشاوره، آموزش و کاربرد مهارت های خرد در مشاوره*، ترجمه: سیمین حسینیان، تهران، دیدار، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۰ش.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، تحقیق: حسن روزق، تصحیح: صفوه السقاء، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی، ۱۳۹۷ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری، ج ۲، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ ششم، ۱۳۸۷ش.
- ملکی، حسن، *چگونه با تفاهم زندگی کنیم (برای زوج های جوان و خانواده ها)*، زنجان، نیکان، چاپ سوم، ۱۳۸۵ش.
- موسوی زنجان رودی، مجتبی، *تربیت مذهبی کودک*، قم، میثم تمار، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
- موسوی، سید مهدی، «مدرسه مهدوی؛ درآمدی بر فلسفه و نظام آموزش و پرورش زمینه ساز»، فصل نامه *مشرق موعود*، سال سوم، ش ۱۰، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸ش.

- میرزاییگی، حسنعلی، *خانواده و امام خمینی* علیه السلام، قم، فراگفت، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
- نوابی نژاد، شکوه، *سه گفتار درباره راهنمایی تربیت فرزندان*، تهران، انجمن اولیا و مربیان، چاپ ششم، ۱۳۷۵ش.
- _____، *رفتارهای بهنجار و ناهنجار کودکان و نوجوانان و راه‌های پیش‌گیری و درمان ناهنجاری*، تهران، انجمن اولیا و مربیان، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش.
- نوری طبرسی، حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.
- نیک نژادی، فرزانه؛ هاشم گلستانی؛ احمد احمدی، «تأثیر آموزش روش‌های تربیتی بر اساس دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان»، فصل‌نامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، ش ۱۴، ۱۳۸۶ش.
- یوسفیان، نعمت الله، *تربیت دینی*، قم، زمزم هدایت، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
- Adkins, K.L. Predicting Self-esteem Based On Perceived Parental Favoritism And Birth Order. Retrieved Novamber 11, 2006, From: <http://submit.etsu.edu/etd/these/available/etd.0326103.094949/unrestricted/Adkins KD40803f. Pdf, 2003>.
- Becker, H & Epstein, J. Parent Invoiment:A Survey Of Teacher Practic.The Elementary School Journal, 83, 85-102, 1993.
- Brown, B & Francis, S. Participation In School:Perception Of Self & Family.Adolescence, 28, 383-391, 1993.
- Canter, K.A. Defemining The Effects On Parental Attitudes And Parenting Styles Towards Child Rearing After Particpation IN a Rural Parenting Program.Retrieved September 18.2006, From <http://etd.wvu.edu/templates/show ETD.cfm?Rechum=1486, 2002>.
- Eisenberg, N & Losoya, S. Emotionl Responding:Regulation, Social Correlates & Soilcialization(pp129-162)New York:Basic Book, 1997.
- Hendrson, A.T., And N.Berla. A New Generation Of Evidence:The Family Is Critical To Student Achievement.Washington, DC:National Committee For Citizens In Education.ERIC Document Reproduction Service No.ED37596, 1994.
- Moor, K.A.Guzman.L.Hair, Elizabeth.Lippman, Laura & Garrett, Sarah.

Parent-teen Relationships And Interaction. Retrived Februray 2.2006. From <http://www.childtrend.org>, 2004.

- Vincent, C & Tom, L. Hom-School Relationship: The Swarning Of Disciplinary Mechanism, ?In Ball, S.J. Sociology Of Education: Major Themes. London: Routledge Palmer, 2000.

تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به لحاظ میزان توجه به مباحث مهدویت

دکتر رضا جعفری هرندی*

چکیده

نوشتار حاضر به بررسی و تحلیل میزان توجه به مباحث مهدویت در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی می‌پردازد. روش پژوهش، توصیفی و از نوع تحلیل محتوا، و رویکرد آن کاربردی است. جامعه پژوهش شامل کتاب‌های درسی ابتدایی است که در سال ۱۳۸۹ چاپ شده و سه عنوان *هدیه‌های آسمانی*، *بخوانیم و تعلیمات اجتماعی* با مجموع ۱۲ جلد به صورت هدفمند در نمونه قرار گرفتند. ابزار اندازه‌گیری، چک‌لیست تحلیل محتوای ساخته شده توسط محقق است و نتایج پژوهش با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی، بررسی و تحلیل شده‌اند. عمده‌ترین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در مجموع، ۶۰۷ بار به محورها و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با مهدویت توجه شده و میزان آن در کتاب‌های *بخوانیم (فارسی)*، *هدیه‌های آسمانی* و *تعلیمات اجتماعی* به ترتیب ۲۶۳، ۲۵۲ و ۹۲ بار بوده است. همچنین بیشترین توجه به محور گفتار، رفتار، سیره، پایه پنجم و کتاب *هدیه‌های آسمانی* همین پایه، و کمترین توجه به محور ظهور و

رخدادهای پس از آن، پایهٔ اول ابتدایی و کتاب *تعلیمات اجتماعی* سال چهارم شده است.

واژگان کلیدی

محتوا، کتاب درسی، تحلیل محتوا، دوره ابتدایی، مهدویت.

مقدمه

محتوا^۱ یکی از عناصر هر برنامه درسی^۲ است. محتوای برنامه درسی شامل دانش‌ها، مهارت‌ها و فرایندها و ارزش‌هاست که دانش‌آموز در ضمن آموزش یا در فرایند یاددهی - یادگیری با آن در تعامل قرار می‌گیرد (نوریان، ۱۳۸۹). محتوای برنامه درسی^۳ دربردارنده دانش‌ها (حقایق، تبیین‌ها، اصول، تعاریف)، مهارت‌ها و فرایندها (خواندن، نوشتن، حساب کردن، تفکر منطقی، تصمیم‌گیری، ایجاد ارتباط) و ارزش‌ها (خوب و بد، درست و نادرست، زشت و زیبا) است (ملکی، ۱۳۸۸). در این باره کانلی^۴ (۲۰۰۶) نیز معتقد است محتوای برنامه درسی حقایق خاص، عقاید، اصول و مسائلی را شامل می‌شود که در یک درس خاص گنجانده شده است.

هر محتوایی، برای ارائه به دیگران نیازمند ابزار و وسایلی است. یک کتاب، یک روزنامه، سخنان یک فرد، یک فیلم، یک تصویر، یک نقاشی و... وسایل و ابزاری هستند که اطلاعات و داده‌ها در آن‌ها نگه‌داری شده و منتقل می‌شوند. این ابزارها و وسایل، رسانه^۵ نامیده می‌شود (ای. پی. ای، ۲۰۰۸). لذا محتوای برنامه درسی در رسانه‌های آموزشی، سازمان‌دهی شده و ارائه می‌گردد. یکی از پرکاربردترین و مهم‌ترین رسانه‌های آموزشی در نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف جهان، کتاب درسی^۶ است (نوریان، ۱۳۸۹). آل تباچ^۷ (۱۹۹۱) اعتقاد دارد کتاب‌های

1. Content
2. Curriculum
3. Content Curriculum
4. Connelly
5. Medium
6. textbook
7. Altbach

درسی همه روزه توسط معلمان و دانش‌آموزان به کار می‌رود و گاهی اوقات به عنوان تمام برنامه درسی، مورد تأکید معلمان قرار می‌گیرد. یونسکو (۲۰۰۵) در تعریف کتاب درسی می‌نویسد:

کتاب درسی، وسیله اصلی یادگیری است که برای دستیابی به مجموعه خاصی از نتایج آموزشی طراحی شده، و از متن، تصویر ویا متن و تصویر، تشکیل شده است و به طور سنتی، مجموعه چاپی مجلدی است که آسان‌سازی توالی فعالیت‌های یادگیری را هدایت و راهنمایی می‌کند. همچنین کتاب درسی، در نظام آموزشی متمرکز ایران، اهمیت ویژه‌ای دارد، به طوری که اغلب فعالیت‌های آموزشی و پرورشی در چارچوب کتاب درسی و محتوای آن انجام می‌شود. (یارمحمدیان، ۱۳۹۰)

با توجه به نقش و اهمیت کتاب‌های درسی، وظیفه انتخاب، تنظیم، تدوین و سازمان‌دهی محتوای کتاب‌های درسی مربوط به برنامه‌ریزان درسی است (تقی‌پور ظهیر، ۱۳۸۳). دست‌کم دو نوع محتوا در هر درس قابل شناسایی است؛ محتوای مکتوب که در واقع همان کتاب درسی مورد مطالعه دانش‌آموزان است، و محتوای شفاهی که نوشته شده نیست و شامل توضیحات معلم و نحوه تدریس وی در کلاس درس است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۰).

تهیه و تدوین محتوای کتاب‌های درسی باید بر اساس اصول برنامه‌ریزی درسی باشد. در این زمینه تناسب محتوا با نیازها، علایق و تجربیات زندگی دانش‌آموزان مورد توجه بوده، به علاوه برخی ضوابط عملی انتخاب محتوا شامل ارتباط با مسائل روز، توجه به میراث فرهنگی، پایه‌ای برای آموزش مداوم و فرصت مناسب برای فعالیت‌های یادگیری چندگانه نیز باید مورد توجه واقع شود (مارش، ۲۰۰۳؛ مشایخ، ۱۳۸۹). جنبه‌های نظری، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و فردی از جمله زمینه‌های پیچیده‌ای هستند که بر روی ماهیت تصمیمات مرتبط با محتوای برنامه درسی تأثیر می‌گذارند (مک‌نیل، ۲۰۰۵؛ نیکلس و دیگران، ۱۳۸۱).

میدگلی و اندرمان^۱ (۲۰۰۳) اهمیت محتوای دروس (کتاب‌ها) را در انتقال مفاهیم و ارزش‌ها بسیار مهم توصیف نموده‌اند. کتاب‌های درسی، از بهترین مراجعی است که مفاهیم و پیام‌های مختلف مثل مفاهیم مربوط به مهدویت را به نسل‌های آینده منتقل می‌کند. این محتوا می‌تواند در دوره ابتدایی به دلیل شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان تأثیری بیشتری بر جای گذارد (جعفری هرندی، ۱۳۸۱). دوره ابتدایی از نظر شکل‌گیری شخصیت، تربیت حواس، تربیت تخیل، شناخت استعدادها و رغبت‌های فردی دانش‌آموزان، پرورش فضایل اخلاقی و معنوی، افزایش تجارب و معلومات عمومی برای بهتر زیستن در جامعه و رشد تفکر علمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (صافی، ۱۳۸۸).

در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران - که بر مبنای جهان‌بینی اسلامی استوار است - انسان مطلوب دارای ویژگی‌هایی است که تجلی کامل آن صفات، تنها در وجود مقدس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت معصومین علیهم السلام تبلور یافته است (رهنما، ۱۳۸۴).

برای دوره ابتدایی اهداف اعتقادی، اخلاقی، علمی، فرهنگی، هنری، اجتماعی، زیستی، سیاسی و اقتصادی متعددی توسط سیاست‌گذاران آموزشی (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۵) مطرح شده که در برخی از این اهداف، توجه به موضوع مهدویت و حوزه‌ها و مؤلفه‌های آن می‌تواند بستر مناسبی برای تأمین اهداف مذکور و زمینه‌سازی رشد دانش‌آموزان باشد.

اندیشه مهدویت - که ریشه در اصل اعتقادی «امامت» دارد - از مهم‌ترین اصول اعتقادی و از پایه‌های اساسی مذهب شیعه به شمار می‌رود. این باور - که در واقع اعتقاد به ظهور فردی از سلاله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آخرالزمان به عنوان نجات‌بخش و عدل‌گستر است - بین تمامی مذاهب اسلامی اشتراک دارد. از سوی دیگر، اندیشه مهدویت در ابعاد گسترده‌ای از موضوعات مهم فردی و اجتماعی اثربخش بوده و به

1. Midgley & Anderson

عنوان محوری مهم در مبانی اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی، تربیتی و فرهنگی به شمار می‌آید (فقیهی، ۱۳۸۸).

موعودباوری یا اعتقاد به سررسید وعده‌ای درآینده دوریا نزدیک که در آن اوضاع آرمانی ادیان یا اقوام برآورده خواهد شد، اندیشه‌ای فراگیر و جهان‌شمول است. درحوزه‌اندیشه اسلامی، اندیشه منجی موعود با مفهوم مهدی، مهدویت و قائم تبیین می‌شود (موحدیان عطار، ۱۳۸۳)؛ موعودی که درسال ۲۵۵ درسامرا به دنیا آمده وهمچنان زنده است ودرحجاب غیبتی طولانی به سرمی‌برد (کلینی، ۱۴۱۳).

آموزش‌های مهدوی مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، نقش مهمی را در زمینه‌سازی برای ظهورنیزمی‌تواند ایفا نماید. آموزه‌های مهدویت وانتظارنیزاز ظرفیت‌ها ودلالات‌های فراوان تربیتی برای تأسیس فلسفه ونظام آموزش‌پرورش مهدوی برخورداراست. به همین دلیل، دولت زمینه‌ساز، باید به سیاست‌گذاری درامرتعلیم و تربیت و تدوین نظام آموزش وپرورش براساس آموزه‌های مهدویت و انتظاراهتمام ورزد (فقیهی، ۱۳۸۸).

یکی از عرصه‌های مناسب در زمینه ارائه مفاهیم مربوط به مهدویت وانتظار، کتاب‌های درسی است. نگاهی گذرا به اهداف تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران این حقیقت را آشکارمی‌کند که تربیت انسان آرمانی، بدون بهره‌گیری تام وتمام از مبانی نظری و عملی اسلام وتأسی به انسان‌های تربیت یافته دراین مکتب ودررأس آن‌ها، پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام میسر نیست. حال این سؤال مطرح است که در فرایند تعلیم و تربیت رسمی جمهوری اسلامی ایران، وجود مبارک حضرت مهدی علیه‌السلام چگونه وچقدر در مقام انسان نمونه جهان خلقت، برای الگوسازی به کودکان ونوجوانان معرفی شده است؟ با توجه به نقش وجایگاه کتاب‌های درسی در نظام آموزشی ایران به عنوان محصول برنامه درسی، کتاب‌های درسی دوره ابتدایی از منظر فوق، مورد بررسی

قرار گرفته اند.

در بررسی پیشینه پژوهش مشخص شد پژوهش‌های فراوانی به این موضوع پرداخته اند؛ اما به عنوان شاهد به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

نتایج پژوهش فقیهی (۱۳۸۸) با عنوان «نقد و بررسی وضعیت آموزشی مهدویت در کتب درسی بینش و معارف اسلامی نظام آموزش و پرورش کشور قبل و بعد از انقلاب»، حاکی از آن است که در کتب تحصیلی دوران بعد از انقلاب به شکل معناداری بیشتر از قبل از انقلاب به مباحث مربوط به مهدویت پرداخته است. در ضمن هر چند در بعد از انقلاب از نظر کمی افزایش داشته‌ایم، اما برای ایجاد ارتقای نگرش مناسب و کارآمد در دانش‌آموزان هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های ضروری لازم است.

مرزوقی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس» نشان داد که توجه نظام مند و برنامه‌ریزی شده‌ای در حوزه هدف‌گذاری و تدوین محتوا درباره گسترش تفکر مهدویت، وجود ندارد.

شفیعی سروستانی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «رویکردهای افراطی و تفریطی در حوزه مهدویت» شاخصه‌های رویکرد مهدوی در دوران پیش از انقلاب و بعد از انقلاب در ایران را کاملاً با یکدیگر متفاوت دانسته است.

گودرزی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه آموزه‌های مهدویت و تعلیم و تربیت اسلامی» اثرگذاری آموزه‌های مهدویت مثل معرفت امام عصر علیه السلام و انتظار بر تعلیم و تربیت را نشان داده است.

صالحی (۱۳۸۶) در پژوهشی نظام تربیتی مهدویت و رابطه آن با اهداف نظام تربیتی اسلام را بررسی کرده است و پس از آن بر اساس آیات و روایات اهداف نظام تربیتی مهدویت را معرفی نموده است. همچنین وی در پژوهشی دیگر، به مفهوم‌شناسی اصول تربیتی و جایگاه آن‌ها در نظام تربیتی مهدوی پرداخته است.

کلبعلی (۱۳۸۴) در پژوهشی به بررسی محتوای کتاب‌های دینی، اجتماعی و فارسی مقاطع ابتدایی و راهنمایی درباره آشناسازی دانش‌آموزان با ارزش‌های اسلامی و ایرانی پرداخته است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد ارزش‌های اسلامی در کتاب‌های فارسی و دینی از نظر کمی برابر با اهداف آن دروس است؛ ولی ارزش‌های ایرانی در حد اهداف دروس مذکور نیست. کتب اجتماعی به موضوعاتی چون مسائل روز، واقعیت جامعه و ارزش‌های آن توجه کرده، ولی به ارزش‌های اسلامی به ویژه اخلاق و احکام اسلامی نپرداخته‌اند.

شعبانی (۱۳۸۳) در تحقیق دیگری با عنوان بررسی تطبیقی برنامه‌های درسی دینی و اخلاقی دوره ابتدایی در ایران و چند کشور جهان پرداخته است.

مهرمحمدی و صمدی (۱۳۸۲) در پژوهشی با نام «بازنگری در الگوی آموزش دینی جوانان و نوجوانان در دوره متوسطه» الگویی برای آموزش دینی جوانان و نوجوانان دوره متوسطه معرفی کرده‌اند.

موسی‌پور (۱۳۸۲) به بررسی تحولات برنامه درسی آموزش دینی دوره ابتدایی ایران پرداخته و بیان کرده که در روند تحولی برنامه درسی آموزش دینی دوره ابتدایی، اصول سازمان‌دهی بیشتر رعایت شده و استفاده از شیوه ارائه کتبی غلبه یافته است. همچنین آموزش‌های دینی، به پایه‌های پایین‌تر تسری داده شده و مدت آموزش با فرازونشیب‌هایی همراه بوده است. همچنین ارزشیابی برنامه درسی نقش لازم را ایفا نکرده است. بنابراین در مجموع گرچه برنامه‌های آموزش دینی دوره ابتدایی روندی رو به بهبود داشته‌اند، اما با وضع مطلوب فاصله دارند و نیازمند بازنگری و اصلاح هستند.

مؤسسه CMIP (۲۰۰۷) در تحقیقی با نام «کتاب‌های درسی ایران، محتوا و زمینه»، از تحلیل ۸۵ کتاب درسی ایران، نتیجه‌گیری می‌گیرد که در تمام کتاب‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم به ارائه تعالیم مذهب شیعه همچون تعالیم جهاد و شهادت پرداخته شده است (SATC).

جرویس^۱ و توبیین^۲ در گزارش تحقیقی SAIC^۳ (۲۰۰۶) بیان کردند که تأکید بر اسلام در تمام کتاب‌های درسی مدارس ایران وجود دارد.

البنیانی^۴ (۲۰۰۵) به بررسی محتوای ارائه شده از مسلمانان و اعراب در ۱۸ کتاب درسی کشور آمریکا پرداخته است. براین اساس ۵۰٪ کتاب‌های مورد بررسی به مسائل عادی اسلام اشاره داشته‌اند؛ ۲۷/۸٪ کتاب‌ها دیدگاهی کاملاً منفی نسبت به اسلام، و ۲۲/۲٪ نکات مثبتی از اسلام ارائه کرده‌اند.

الخبیطی^۵ (۲۰۰۵) ۲۳ کتاب درسی فلسطین اشغالی را تحلیل کرده است؛ ۱۳٪ کتاب‌های مورد بررسی، به مسائل عادی اسلام اشاره داشته و ۴/۳٪ دارای نکات مثبتی از اسلام است و ۸۲/۶٪ کتاب‌ها دیدگاهی کاملاً منفی به اسلام داشته‌اند.

العقیلی^۶ (۲۰۰۵) در پژوهش دیگری سی کتاب درسی کشور انگلیس را تحلیل کرده است. براین اساس ۷۳٪ مباحث درباره مسائل معمولی آیین اسلام و ۱۷٪ مطالب مثبتی درباره اسلام و ۱۰٪ دارای مباحث منفی هستند.

به منظور شناسایی محورها و مؤلفه‌های مفهومی مطرح در حوزه مهدویت، نتایج پژوهش‌های انجام شده پیشین و همچنین متون مطرح و موجود کشور درباره موضوع مهدویت مورد بررسی قرار گرفت و اطلاعات آن در جدول شماره ۱ آمده است. جدول مذکور، هفت محور و ۵۷ مؤلفه مفهومی درباره مهدویت را تبیین می‌کند. گفتنی است مؤلفه‌های مفهومی (واژه‌ها) وقتی لحاظ می‌شوند که در متون کتاب‌ها معنای مهدویت دهند.

-
1. Groiss
 2. Thoobian
 3. Science Applications International Corporation
 4. Al- Banyan
 5. Al- khabti
 6. Al- Aqeeli

جدول شماره ۱ طبقه‌بندی محورها و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با مهدویت

مؤلفه‌های مفهومی	محورها
مهدی، قائم، یوسف، حجت بن الحسن، گل نرگس، محمد، امام زمان، بقیه الله	۱. اسامی و القاب
هدایت، رهبری، حکومت اسلامی، عزت بخشی، نابودکننده شرک، بخشندگی، پرهزگاری، برقراری عدالت، حفظ و نجات شیعیان، رازونیا، دوست صمیمی	۲. گفتار، رفتار، سیره
خروج سفیانی، خروج دجال، قتل نفس زکیه، خروج یمانی، بی حوصلگی، محزون، ترس، نمازجماعت، آرامش، گناه	۳. شرایط و علائم ظهور
امتحان و آزمایش مردم، بیعت نکردن با ستمگران، حفظ جان حضرت، پاسداری از آیین اسلام، امید، ولایت فقیه، تشنه عدالت، صبر، آرزوی دیدار	۴. دلایل غیبت و اثرات آن
دعای فرج، دعاکردن، خواندن نماز، زیارت عاشورا، اخلاص درعمل، بردباری، کمک به مردم، توجه به یدرومادر، احترام و قرائت قرآن، خدمت به فقیران	۵. فرمایشات و توقعات حضرت از مردم در غیبت
۳۱۳ نفر اصحاب، سراسر دنیا، بیعت با حضرت، یاران جوان، خوش چهره، وفادار، محکم چون کوه	۶. یاران حضرت مهدی <small>عج</small>
پرشدن عدل بر روی زمین، کاهش نیافتن بنیه آن حضرت	۷. ظهور و اتفاقات بعد از آن

روش

در این جا روش انجام پژوهش در چهار قسمت به بحث گذارده می‌شود.

۱. روش پژوهش

با توجه به تحلیل کمی، عینی و نظام دار کتاب‌های درسی درباره توجه به مفاهیم مرتبط با مهدویت و همچنین ابزار مورد استفاده، روش پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا^۱ بوده است. برلسون^۲ تحلیل محتوا را روشی پژوهشی برای توصیف عینی، منظم و کمی محتوا دانسته است (۲۰۰۴). واحد ثبت^۳

1. content analysis
2. Berlson
3. Recoding unit

در این تحقیق، مضمون است. واحد ثبت به بخش معنادار و قابل رمزگذاری محتوا اطلاق می‌شود و روش شمارش نیز فراوانی است. مقوله‌بندی در این تحقیق با روش جعبه‌ای^۱ است؛ یعنی طبقات (مقوله‌ها) پیش از اجرای تحقیق تعیین می‌شوند و به همین دلیل به آن، روش از پیش تعیین شده نیز می‌گویند (نوریان، ۱۳۸۷).

۲. جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری، شامل همه کتاب‌های درسی دوره ابتدایی چاپ سال ۱۳۸۹ است که جمعاً ۲۷ جلد کتاب درسی در پایه‌های گوناگون را دربر می‌گیرد. نمونه پژوهش، شامل کتاب‌های درسی *بخوانیم* (فارسی)، *هدیه‌های آسمانی و تعلیمات اجتماعی* است. این کتاب‌ها با توجه به ماهیت موضوع پژوهش انتخاب شده و لذا نمونه‌گیری ما با روش هدفمند صورت گرفته است. موضوع این کتاب‌ها به گونه‌ای است که انتظار می‌رود به موضوع پژوهش پرداخته باشند.

۳. ابزار اندازه‌گیری

ابزار گردآوری داده‌ها، چک‌لیست تحلیل محتوای کتاب‌های درسی محقق ساخته بوده که به منظور ساخت آن، ابتدا نتایج پژوهش‌های پیشین درباره مهدویت و همچنین متون مطرح و موجود درباره مهدویت همچون جلد ۱۳ *بحارالانوار* (مجلسی، ۱۴۱۳) و *چهره‌های درخشان چهارده معصوم* (حسینی دشتی، ۱۳۸۴)، به منظور دستیابی به محورها و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با موضوع مطالعه و بررسی شده که نتایج این بررسی با هفت محور و ۵۷ مؤلفه مفهومی در جدول شماره یک آمده است.

به منظور حصول اطمینان از وجود روایی^۲ محورها و مؤلفه‌های مفهومی

1. Procedure parboil
2. validity

استخراجی اولیه در اختیار گروهی از صاحب نظران در عرصه مهدویت و همچنین برنامه درسی گذارده شد و از آن‌ها خواسته شد محورها و مؤلفه‌های مفهومی را به لحاظ درجه تناسب با مفاهیم مرتبط با مهدویت در طیفی از یک تا پنج ارزش‌گذاری کنند. ماحصل بررسی نتایج ارزش‌گذاری‌های آنان تأیید محورها و مؤلفه‌های مفهومی دسته‌بندی شده در محورها با ارزش میانگین $4/25$ بوده است. افزون بر این در فرایند ساخت ابزار، برای اطمینان از وجود روایی صوری و محتوایی ابزار، چک‌لیست تهیه شده اولیه، مجدداً توسط صاحب نظران و متخصصان مذکور، مورد بررسی قرار گرفته و پس از اعمال نظریات اصلاحی آن‌ها فرم نهایی ابزار در طیفی از یک تا پنج ارزش‌گذاری شد که این بار نیز ارزش میانگین $4/4$ را به دست آورد.

برای تأمین پایایی^۱ ابزار از تکنیک اجرای مجدد استفاده شده است. بدین صورت که فرم نهایی تهیه شده به طور همزمان و مجزا در اختیار تحلیل‌گر محتوای متخصص دیگری نیز قرار داده شد که به طور مجزا، چند درس از برخی کتاب‌ها را تحلیل کنند. ضریب همبستگی داده‌های حاصل از تحلیل‌های انجام شده همزمان توسط پژوهشگر اصلی و متخصص مذکور، مورد محاسبه قرار گرفت که نتیجه حاصله مبین ضریب همبستگی $0/82$ بوده است.

۴. روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

با عنایت به روش انجام پژوهش و همچنین فقدان نمونه‌گیری و بررسی جامع سه عنوان کتاب درسی *بخوانیم* (فارسی)، *هدیه‌های آسمانی و تعلیمات اجتماعی* دوره ابتدایی، تحلیل آماری داده‌های پژوهش در سطح توصیفی انجام شده و در این ارتباط از شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی چون فراوانی، درصد، میانگین، رتبه‌بندی و جداول توصیفی استفاده شده است.

1. reliability

یافته‌های پژوهش

در این بخش، نتایج بررسی سؤال‌های پژوهش به تفکیک در پنج قسمت تشریح شده است:

۱. نتایج سؤال اول

در محتوای کتاب‌های درسی *بخوانیم* (فارسی) دوره ابتدایی، چقدر به مفاهیم مرتبط با مهدویت توجه شده است؟

بر اساس نتایج جدول‌های شماره دو، سه و هشت، مجموع فراوانی مؤلفه‌های تحلیل شده در کتاب‌های فارسی ابتدایی ۲۶۳ مورد است که ۴۳/۳ درصد از کل فراوانی‌های تحلیل را دربر می‌گیرد. از بین مؤلفه‌های مفهومی تحلیل شده بیشترین توجه به مؤلفه‌های هدایت، کمک به مردم و توجه به پدر و مادر با ۸ درصد است و تعداد زیادی از مؤلفه‌ها هرگز مورد توجه نبوده‌اند.

در بین کتاب‌های فارسی مورد بررسی، کتاب فارسی دوم با ۲۴/۴ درصد از فراوانی‌های تحلیل شده، بیشترین توجه را به مفاهیم مرتبط با مهدویت داشته، در حالی که کتاب فارسی اول با ۱۷/۱ درصد کمترین توجه را به این مفاهیم دارد. بنابراین تمامی پنج جلد کتاب‌های فارسی به مفاهیم مهدوی توجه کرده‌اند.

میانگین فراوانی مؤلفه‌های تحلیل شده در کتاب‌های فارسی ابتدایی ۵۲/۶ مورد است. لذا کتاب‌های فارسی دوم، چهارم و پنجم ابتدایی، بالاتر از میانگین و کتاب‌های فارسی اول و سوم، پایین‌تر از میانگین قرار دارند.

از بین محورهای مفهومی تحلیل شده بیشترین توجه به محور گفتار، رفتار، سیره با ۳۵ درصد، و به محور ظهور و اتفاقات بعد از آن اصلاً توجه نشده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل محتوای کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی به لحاظ توجه به مفاهیم مرتبط با مهدویت به تفکیک محور، مؤلفه و کلاس

محور	مؤلفه‌ها / کلاس	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	فراوانی	درصد
اسامی و القاب	مهدی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	قائم	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	یوسف	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	حجت بن الحسن	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	گل نرگس	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰/۴
	محمد	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰/۴
	امام زمان	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	بقیة الله	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	هدایت	۲	۸	۳	۴	۴	۲۱	۸
گفتار، رفتار، سیره	رهبری	۱	۱	۰	۲	۳	۷	۲/۷
	حکومت اسلامی	۱	۰	۰	۲	۲	۵	۱/۹
	عزت بخشی	۰	۱	۱	۳	۳	۸	۳
	نابودکننده شرک	۲	۱	۰	۲	۲	۷	۲/۷
	بخشندگی	۱	۳	۱	۲	۰	۷	۲/۷
	پرهیزگاری	۱	۱	۳	۱	۱	۷	۲/۷
	برقراری عدالت	۰	۰	۱	۱	۱	۳	۱/۱
	حفظ و نجات شیعیان	۱	۲	۰	۱	۱	۶	۲/۳
	راز و نیاز	۱	۱	۱	۱	۰	۴	۱/۵
	دوست صمیمی	۳	۷	۳	۳	۱	۱۷	۶/۵
شرایط و علایم ظهور	خروج سفیانی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	خروج دجال	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

مؤلفه ها / کلاس	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	فراوانی	درصد	محور
قتل نفس زکیه	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	شرایط و علایم ظهور
خروج یمانی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
بی حوصلگی	۰	۰	۰	۲	۰	۲	۰/۸	
محزون	۰	۲	۰	۲	۰	۴	۱/۵	
ترس	۰	۰	۱	۱	۱	۳	۱/۱	
نماز جماعت	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
آرامش	۲	۴	۳	۳	۵	۱۷	۶/۵	
گناه	۰	۰	۳	۰	۱	۴	۱/۵	
امتحان و آزمایش مردم	۰	۰	۱	۲	۱	۴	۱/۵	
بیعت نکردن با ستمگران	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰/۴	دلایل غیبت و اثرات آن
حفظ جان حضرت	۰	۰	۰	۲	۰	۲	۰/۸	
پاسداری از آیین اسلام	۲	۱	۰	۱	۲	۶	۲/۳	
امید	۰	۲	۰	۱	۰	۳	۱/۱	
ولایت فقیه	۲	۰	۰	۰	۰	۲	۰/۸	
تشنه عدالت	۰	۰	۳	۲	۰	۵	۱/۹	
صبر	۲	۳	۰	۲	۴	۱۱	۴/۲	
آروزی دیدار	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
دعای فرج	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
دعا کردن	۵	۴	۱	۴	۳	۱۷	۶/۵	
خواندن نماز	۲	۰	۱	۱	۰	۴	۱/۵	
زیارت عاشورا	۰	۱	۰	۱	۰	۲	۰/۸	مردم در غیبت
اخلاص در عمل	۱	۱	۲	۲	۱	۷	۲/۷	
بردباری	۰	۱	۰	۱	۰	۲	۰/۸	

محور	مؤلفه ها / کلاس	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	فراوانی	درصد	
فرمایشات و توقعات حضرت از مردم در غیبت	کمک به مردم	۲	۳	۸	۲	۶	۲۱	۸	
	توجه به پدر و مادر	۷	۲	۴	۴	۴	۲۱	۸	
	احترام و قرائت قرآن	۱	۰	۳	۰	۱	۵	۱/۹	
	خدمت به فقیران	۳	۱	۱	۰	۲	۷	۲/۷	
یاران حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۳۱۳ نفر اصحاب	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
	در سراسر دنیا	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
	بیعت با حضرت	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰/۴	
	یاران جوان	۰	۰	۰	۰	۲	۲	۰/۸	
	خوش چهره	۰	۳	۱	۰	۰	۴	۱/۵	
	وفادار	۲	۲	۲	۱	۲	۹	۳/۴	
ظهور و اتفاقات بعد از آن	محکم چون کوه	۰	۰	۱	۱	۱	۳	۱/۱	
	پرشدن عدل بر روی زمین	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
	کاهش نیافتن بنیه آن حضرت	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	
مجموع فراوانی		۴۵	۵۵	۴۸	۵۹	۵۶	۲۶۳	۱۰۰	
درصد		۱۷/۱	۲۰/۹	۱۸/۳	۲۲/۴	۲۱/۳	۱۰۰	*****	
میانگین فراوانی در پایه		۵۲/۶					*****		

جدول ۳ نتایج تحلیل محتوای کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی در توجه به مفاهیم مرتبط با مهدویت بر حسب محورها

محدوده‌های مفهومی	فراوانی	درصد فراوانی
اسامی و القاب	۲	۰/۸
گفتار، رفتار، سیره	۹۲	۳۵/۰
شرایط و علایم ظهور	۳۰	۱۱/۴
دلایل غیبت و اثرات آن	۳۴	۱۲/۹
فرمایشات و توقعات حضرت از مردم در غیبت	۸۶	۳۲/۷
یاران حضرت مهدی	۱۹	۷/۲
ظهور و اتفاقات بعد از آن	۰	۰
جمع	۲۶۳	۱۰۰

۲. نتایج بررسی سؤال دوم

در محتوای کتاب‌های درسی *هدیه‌های آسمانی* دوره ابتدایی، چقدر به مفاهیم مرتبط با مهدویت توجه شده است؟

بر اساس نتایج جدول‌های شماره چهار، پنج و هشت، مجموع فراوانی مؤلفه‌های تحلیل شده در کتاب‌های هدیه‌های آسمانی ابتدایی ۲۵۲ مورد است که ۴۱/۵ درصد از کل فراوانی‌های تحلیل را دربر می‌گیرد. از بین مؤلفه‌های مفهومی تحلیل شده، بیشترین توجه به مؤلفه دوست صمیمی، با شش درصد است و تعدادی از مؤلفه‌ها هرگز مورد توجه قرار نگرفته‌اند.

در بین کتاب‌های *هدیه‌های آسمانی* ابتدایی، کتاب مربوط به سال پنجم با ۳۱/۳ درصد از فراوانی‌های تحلیل شده، بیشترین توجه را به مفاهیم مرتبط با مهدویت کرده و در همین حال کتاب پایه دوم با ۱۶/۷ درصد از فراوانی‌های تحلیل شده، کمترین توجه را به این‌گونه مفاهیم داشته است. بنابراین تمامی چهار جلد کتاب‌های *هدیه‌های آسمانی* به مفاهیم مرتبط با مهدویت توجه کرده‌اند.

میانگین فراوانی مؤلفه‌های تحلیل شده در کتاب‌های *هدیه‌های آسمانی* دوره ابتدایی ۶۳ مورد است. از این رو کتاب‌های سال دوم و سوم بالاتر از میانگین و

کتاب‌های پایه چهارم و پنجم، پایین‌تر از میانگین قرار دارند. از بین محورهای مفهومی تحلیل شده بیشترین توجه به محور فرمایشات و توقعات حضرت از مردم در غیبت با ۲۹ درصد و به محور ظهور و اتفاقات بعد از آن اصلاً توجه نشده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل محتوای کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمانی دوره ابتدایی به لحاظ توجه به مفاهیم مرتبط با مهدویت به تفکیک محور، مؤلفه و کلاس

محور	مؤلفه‌ها / کلاس	دوم	سوم	چهارم	پنجم	فراوانی	درصد
اسامی و القاب	مهدی	۱	۱	۲	۲	۶	۲/۴
	قائم	۰	۱	۰	۰	۱	۰/۴
	یوسف	۱	۰	۰	۱	۲	۰/۸
	حجت بن الحسن	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	گل‌زنگس	۱	۰	۰	۰	۱	۰/۴
	محمد	۱	۳	۴	۵	۱۳	۵/۲
	امام زمان	۱	۱	۰	۱	۳	۱/۲
	بقیة الله	۰	۰	۰	۰	۰	۰
گفتار، رفتار، سیره	هدایت	۱	۲	۱	۳	۷	۲/۸
	رهبری	۱	۲	۱	۲	۶	۲/۴
	حکومت اسلامی	۰	۱	۰	۱	۲	۰/۸
	عزت بخشی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	نابودکننده شرک	۱	۰	۱	۱	۳	۱/۲
	بخشنده‌گی	۱	۲	۰	۱	۴	۱/۶
	پرهیزگاری	۰	۱	۱	۳	۵	۲
	برقراری عدالت	۱	۱	۱	۲	۵	۲
	حفظ و نجات شیعیان	۱	۰	۳	۳	۷	۲/۸
	راز و نیاز	۱	۱	۱	۳	۶	۲/۴
	دوست صمیمی	۳	۴	۶	۲	۱۵	۶
	خروج سفیانی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
شرایط و علائم ظهور	خروج دجال	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	قتل نفس زکیه	۰	۰	۰	۰	۰	۰

محور	مؤلفه ها / کلاس	دوم	سوم	چهارم	پنجم	فراوانی	درصد
شرایط و علایم ظهور	خروج یمانی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	بی حوصلگی	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	محزون	۲	۲	۲	۱	۷	۲/۸
	ترس	۱	۱	۳	۲	۷	۲/۸
	نماز جماعت	۲	۰	۱	۱	۴	۱/۶
	آرامش	۲	۲	۵	۲	۱۱	۴/۴
دلایل غیبت و اثرات آن	گناه	۰	۱	۱	۲	۴	۱/۶
	امتحان و آزمایش مردم	۱	۰	۱	۴	۶	۲/۴
	بیعت نکردن با ستمگران	۰	۲	۱	۲	۵	۲
	حفظ جان حضرت	۰	۱	۲	۱	۴	۱/۶
	پاسداری از آیین اسلام	۰	۱	۲	۳	۶	۲/۴
	امید	۱	۲	۰	۱	۴	۱/۶
	ولایت فقیه	۰	۰	۰	۱	۱	۰/۴
	تشنه عدالت	۰	۰	۰	۱	۱	۰/۴
	صبر	۱	۱	۴	۱	۷	۲/۸
	آروزی دیدار	۱	۰	۲	۳	۶	۲/۴
	دعای فرج	۰	۰	۰	۰	۰	۰
فرمایشات و توقعات حضرت از مردم در غیبت	دعا کردن	۱	۴	۴	۲	۱۱	۴/۴
	خواندن نماز	۴	۳	۳	۴	۱۴	۵/۶
	زیارت عاشورا	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	اخلاص در عمل	۰	۱	۱	۱	۳	۱/۲
	بردباری	۱	۰	۱	۱	۳	۱/۲
	کمک به مردم	۲	۵	۴	۲	۱۳	۵/۲
	توجه به پدر و مادر	۱	۵	۴	۳	۱۳	۵/۲
	احترام و قرائت قران	۲	۱	۳	۵	۱۱	۴/۴
	خدمت به فقیران	۱	۱	۲	۱	۵	۲

محور	مؤلفه ها / کلاس	دوم	سوم	چهارم	پنجم	فراوانی	درصد
یاران حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۳۱۳ نفر اصحاب	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	درس سراسر دنیا	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	بیعت با حضرت	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	یاران جوان	۰	۱	۱	۰	۲	۰/۸
	خوش چهره	۱	۰	۰	۳	۴	۱/۶
	وفادار	۳	۲	۷	۲	۱۴	۵/۶
	محکم چون کوه	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ظهور و اتفاقات بعد از آن	پرشدن عدل بر روی زمین	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	کاهش نیافتن بنیه آن حضرت	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مجموع فراوانی							
درصد							
۱۰۰							
۲۵۲							
۷۹							
۷۵							
۵۶							
۴۲							
۱۶/۷							
۲۲/۲							
۲۹/۸							
۳۱۱/۳							
۱۰۰							

میانگین فراوانی در پایه							
۶۳							

جدول ۵ نتایج تحلیل محتوای کتاب های درسی هدیه های آسمانی دوره ابتدایی به لحاظ توجه به مفاهیم مرتبط با مهدویت بر حسب محورها

محورهای مفهومی	فراوانی	درصد فراوانی
اسامی و القاب	۲۶	۱۰/۳
گفتار، رفتار، سیره	۶۰	۲۳/۸
شرایط و علایم ظهور	۳۳	۱۳/۱
دلایل غیبت و اثرات آن	۴۰	۱۵/۹
فرمایشات و توقعات حضرت از مردم در غیبت	۷۳	۲۹
یاران حضرت مهدی	۲۰	۷/۹
ظهور و اتفاقات بعد از آن	۰	۰
جمع	۲۵۲	۱۰۰

۳. نتایج بررسی سؤال سوم

به چه میزان در محتوای کتاب های درسی تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی به مفاهیم مرتبط با مهدویت توجه شده است؟

بر اساس نتایج جدول‌های شماره شش، هفت و هشت، مجموع فراوانی مؤلفه‌های تحلیل شده در کتاب‌های *تعلیمات اجتماعی* ابتدایی ۹۲ مورد است که ۱۵/۲ درصد از کل فراوانی‌های تحلیل را دربر می‌گیرد. از بین مؤلفه‌های مفهومی تحلیل شده بیشترین توجه به مؤلفه پاسداری از آیین اسلام با ۷/۶ درصد و به تعداد زیادی از مؤلفه‌ها هرگز توجه نشده است.

در بین کتاب‌های *تعلیمات اجتماعی* ابتدایی، کتاب سال سوم با ۴۴/۶ درصد از فراوانی‌های تحلیل شده بیشترین توجه و کتاب سال چهارم با ۱۹/۶ درصد، کمترین توجه را به مفاهیم مرتبط با مهدویت داشته است. بنابراین تمامی سه جلد کتاب‌های یاد شده به مفاهیم مهدوی توجه کرده‌اند.

میانگین فراوانی مؤلفه‌های تحلیل شده در کتاب‌های *تعلیمات اجتماعی* ابتدایی ۳۰/۷ مورد است. از این رو کتاب‌های سال‌های سوم و پنجم ابتدایی بالاتر از میانگین و کتاب سال چهارم پایین‌تر از میانگین قرار دارند.

از بین محورهای مفهومی تحلیل شده، بیشترین توجه به محور گفتار، رفتار، سیره با ۳۳/۷ درصد و به محور ظهور و اتفاقات بعد از آن هرگز توجه نشده است.

جدول ۶. نتایج تحلیل محتوای کتاب‌های درسی *تعلیمات اجتماعی* دوره ابتدایی به لحاظ توجه به مفاهیم مهدوی به تفکیک محور، مؤلفه و کلاس

محور	مؤلفه‌ها / کلاس	سوم	چهارم	پنجم	فراوانی	درصد
اسامی و القاب	مهدی	۰	۰	۰	۰	۰
	قائم	۰	۰	۰	۰	۰
	یوسف	۰	۰	۰	۰	۰
	حجت بن الحسن	۰	۰	۰	۰	۰
	گل‌نرگس	۰	۰	۰	۰	۰
	محمد	۰	۰	۳	۳	۳/۳
	امام زمان	۰	۰	۰	۰	۰
	بقیة الله	۰	۰	۰	۰	۰
گفتار، رفتار، سیره	هدایت	۲	۱	۱	۴	۴/۳
	رهبری	۴	۱	۱	۶	۶/۵

محور	مؤلفه ها / کلاس	سوم	چهارم	پنجم	فراوانی	درصد
گفتار، رفتار، سیره	حکومت اسلامی	۱	۰	۰	۱	۱/۱
	عزت بخشی	۱	۰	۰	۱	۱/۱
	نابودکننده شرک	۱	۱	۳	۵	۵/۴
	بخشنده‌گی	۰	۰	۰	۰	۰
	پرهیزگاری	۲	۱	۲	۵	۵/۴
	برقراری عدالت	۰	۱	۱	۲	۲/۲
	حفظ و نجات شیعیان	۱	۰	۱	۲	۲/۲
	راز و نیاز	۱	۰	۱	۲	۲/۲
	دوست صمیمی	۳	۰	۰	۳	۳/۳
شرایط و علایم ظهور	خروج سفیانی	۰	۰	۰	۰	۰
	خروج دجال	۰	۰	۰	۰	۰
	قتل نفس زکیه	۰	۰	۰	۰	۰
	خروج یمانی	۰	۰	۰	۰	۰
	بی حوصلگی	۰	۰	۰	۰	۰
	محزون	۰	۰	۰	۰	۰
	ترس	۱	۱	۰	۲	۲/۲
	نماز جماعت	۱	۰	۰	۱	۱/۱
	آرامش	۲	۰	۱	۳	۳/۳
	گناه	۰	۱	۲	۳	۳/۳
	امتحان و آزمایش مردم	۱	۱	۰	۲	۲/۲
	بیعت نکردن با ستمگران	۳	۱	۲	۶	۶/۵
	حفظ جان حضرت	۲	۰	۱	۳	۳/۳
دلایل غیبت و اثرات آن	پاسداری از آیین اسلام	۲	۲	۳	۷	۷/۶
	امید	۰	۰	۰	۰	۰
	ولایت فقیه	۱	۰	۲	۳	۳/۳
	تشنه عدالت	۰	۱	۱	۲	۲/۲
	صبر	۰	۰	۰	۰	۰
	آروزی دیدار	۰	۰	۰	۰	۰
	دعای فرج	۰	۰	۰	۰	۰
	دعا کردن	۰	۰	۱	۱	۱/۱
	خواندن نماز	۳	۰	۰	۳	۳/۳
	زیارت عاشورا	۰	۰	۰	۰	۰
فرمایشات و توقعات حضرت از مردم در غیبت	اخلاص در عمل	۲	۲	۱	۵	۵/۴

محور	مؤلفه ها / کلاس	سوم	چهارم	پنجم	فراوانی	درصد	
فرمایشات و توقعات حضرت از مردم در غیبت	بردباری	۰	۰	۰	۰	۰	
	کمک به مردم	۱	۲	۳	۶	۶/۵	
	توجه به پدر و مادر	۲	۰	۰	۲	۲/۲	
	احترام و قرائت قرآن	۰	۰	۰	۰	۰	
یاران حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	خدمت به فقیران	۰	۲	۰	۲	۲/۲	
	۳۱۳ نفر اصحاب	۰	۰	۰	۰	۰	
	در سراسر دنیا	۰	۰	۰	۰	۰	
	بیعت با حضرت	۰	۰	۱	۱	۱/۱	
	یاران جوان	۱	۰	۰	۱	۱/۱	
	خوش چهره	۰	۰	۰	۰	۰	
	وفادار	۳	۰	۲	۵	۵/۴	
	محکم چون کوه	۰	۰	۰	۰	۰	
	ظهور و اتفاقات بعد از آن	پرشدن عدل بر روی زمین	۰	۰	۰	۰	۰
		کاهش نیافتن بنیه آن حضرت	۰	۰	۰	۰	۰
مجموع فراوانی							
درصد							
		۴۴/۶	۱۹/۶	۳۵/۹	۱۰۰	****	
میانگین فراوانی در پایه		۳۰/۷		****			

جدول ۷ نتایج تحلیل محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی به لحاظ توجه به مفاهیم مهدوی بر حسب محورها

محوهای مفهومی	فراوانی	درصد فراوانی
اسامی و القاب	۳	۳/۳
گفتار، رفتار، سیره	۳۱	۳۳/۷
شرایط و علایم ظهور	۹	۹/۸
دلایل غیبت و اثرات آن	۲۳	۲۵
فرمایشات و توقعات حضرت از مردم در غیبت	۱۹	۲۰/۷
یاران حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۷	۷/۶
ظهور و اتفاقات بعد از آن	۰	۰
جمع	۹۲	۱۰۰

۴. نتایج بررسی سؤال چهارم

در محتوای مجموع کتاب‌های درسی سه گانه مورد بررسی دوره ابتدایی، چقدر به مفاهیم مرتبط با مهدویت توجه شده است؟

بر اساس نتایج جداول ۸ تا ۱۱، مجموع فراوانی مؤلفه‌های تحلیل شده درباره میزان توجه به مفاهیم مهدوی در کتاب‌های درسی سه گانه مورد بررسی ۶۰۷ مورد است. در بین کتاب‌های مورد بررسی، به ترتیب کتاب‌های فارسی ۴۳/۳ درصد، کتاب‌های هدیه‌های آسمانی ۴۱/۵ درصد و کتاب‌های تعلیمات اجتماعی ۱۵/۲ درصد توجه را به مفاهیم یاد شده داشته‌اند. میانگین فراوانی محورهای تحلیل شده در کتاب‌های درسی سه گانه مورد بررسی، بر حسب سه عنوان کتاب، ۲۰۲/۳ مورد است. از این رو کتاب‌های فارسی و هدیه‌های آسمانی بالاتراز میانگین و کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پایین‌تر از میانگین قرار دارند.

از بین محورهای مفهومی تحلیل شده در کتاب‌های درسی یاد شده، بیشترین توجه به محورهای گفتار، رفتار و سیره با ۳۰/۱ درصد شده، در حالی که به محور ظهور و اتفاقات بعد از آن اصلاً توجه نشده است.

بین پایه‌های مختلف دوره ابتدایی در کتاب‌های درسی مورد بررسی، در پایه پنجم با ۲۷/۷ درصد بیشترین توجه را به مفاهیم مرتبط با مهدویت شده است؛ در حالی که در پایه اول با ۷/۴ درصد، کمترین توجه به این مفاهیم به چشم می‌خورد. میانگین فراوانی محورهای مفهومی تحلیل شده در کتاب‌های مورد بررسی، بر حسب پایه‌های مختلف دوره ابتدایی، ۱۲۱/۴ مورد است. بنابراین پایه‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی بالاتراز میانگین قرار دارند و پایه‌های اول و دوم ابتدایی پایین‌تر از میانگین هستند.

در بین کتاب‌های بررسی شده، کتاب هدیه‌های آسمانی پنجم با ۱۳ درصد بیشترین توجه را به مفاهیم مرتبط با مهدویت داشته و کتاب، تعلیمات اجتماعی چهارم ابتدایی با سه درصد کمترین توجه را به این مفاهیم داشته است.

جدول ۸ رتبه‌بندی میزان توجه کتاب‌های درسی دوره ابتدایی
به مفاهیم مهدوی برحسب نوع درس

رتبه میزان توجه	درصد فراوانی	فراوانی	درس
اول	۴۳/۳	۲۶۳	فارسی (بخوانیم)
دوم	۴۱/۵	۲۵۲	هدیه‌های آسمانی
سوم	۱۵/۲	۹۲	تعلیمات اجتماعی
*****	۱۰۰	۶۰۷	جمع
۲۰۲/۳			میانگین فراوانی در هر عنوان کتاب درسی

جدول ۹ رتبه‌بندی میزان توجه کتاب‌های درسی دوره ابتدایی
به مفاهیم مهدوی برحسب محورهای مورد بررسی

رتبه میزان توجه	درصد فراوانی	فراوانی	محورهای مفهومی
ششم	۵/۱	۳۱	اسامی و القاب
اول	۳۰/۱	۱۸۳	گفتار، رفتار، سیره
چهارم	۱۱/۹	۷۲	شرایط و علائم ظهور
سوم	۱۶	۹۷	دلایل غیبت و اثرات آن
دوم	۲۹/۳	۱۷۸	فرمایشات و توقعات حضرت از مردم در غیبت
پنجم	۷/۶	۴۶	یازان حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه</small>
هفتم (آخر)	۰	۰	ظهور و اتفاقات بعد از آن
*****	۱۰۰	۶۰۷	جمع
۸۴/۴			میانگین فراوانی در هر محور مفهومی

جدول ۱۰ رتبه‌بندی میزان توجه کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به مفاهیم مهدوی
برحسب کتاب و پایه

رتبه میزان توجه	درصد فراوانی مؤلفه‌های تحلیل شده	فراوانی مؤلفه‌های تحلیل شده	کتاب / پایه
هشتم	۷/۴	۴۵	بخوانیم اول ابتدایی
ششم	۹/۱	۵۵	بخوانیم دوم ابتدایی
هفتم	۷/۹	۴۸	بخوانیم سوم ابتدایی
سوم	۹/۷	۵۹	بخوانیم چهارم ابتدایی
چهارم	۹/۲	۵۶	بخوانیم پنجم ابتدایی

رتبه میزان توجه	درصد فراوانی مؤلفه های تحلیل شده	فراوانی مؤلفه های تحلیل شده	کتاب / پایه
نهم	۶/۹	۴۲	هدیه های آسمانی دوم ابتدایی
پنجم	۹/۲	۵۶	هدیه های آسمانی سوم ابتدایی
دوم	۱۲/۴	۷۵	هدیه های آسمانی چهارم ابتدایی
اول	۱۳	۷۹	هدیه های آسمانی پنجم ابتدایی
دهم	۶/۸	۴۱	تعلیمات اجتماعی سوم ابتدایی
دوازدهم	۳	۱۸	تعلیمات اجتماعی چهارم ابتدایی
یازدهم	۵/۴	۳۳	تعلیمات اجتماعی پنجم ابتدایی
*****	۱۰۰	۶۰۷	جمع ۱۲ کتاب
۵۰/۶			میانگین فراوانی در هر کتاب

جدول ۱۱ رتبه بندی میزان توجه کتاب های درسی دوره ابتدایی به مفاهیم مهدوی بر حسب پایه

رتبه میزان توجه	درصد	فراوانی	پایه
پنجم	۷/۴	۴۵	اول ابتدایی
چهارم	۱۶	۹۷	دوم ابتدایی
سوم	۲۳/۹	۱۴۵	سوم ابتدایی
دوم	۲۵	۱۵۲	چهارم ابتدایی
اول	۲۷/۷	۱۶۸	پنجم ابتدایی
*****	۱۰۰	۶۰۷	جمع
۱۲۱/۴			میانگین فراوانی در هر پایه

نتیجه

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان توجه به مفاهیم مهدوی در کتاب های درسی فارسی، هدیه های آسمانی و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی (۱۲ کتاب درسی) در راستای چهار سؤال اصلی پژوهش انجام شده و در آن هفت محور و ۵۷ مؤلفه مفهومی مرتبط با مفاهیم مهدویت در محتوای کتاب های درسی مذکور بررسی شده است. هر چند این کتاب ها هم رتبه نیستند و مقایسه آن ها با یکدیگر باید همراه با احتیاط های لازم صورت گیرد. نتایج حاصل از بررسی سؤال های پژوهش

نشان داد:

۱. کتاب‌های *فارسی* (با ۲۶۳ مورد) نسبت به کتاب‌های *هدیه‌های آسمانی* (با ۲۵۲ مورد) و *تعلیمات اجتماعی* (با ۹۲ مورد) توجه بیشتری را به مفاهیم مهدوی و محورها و مؤلفه‌های مفهومی آن داشته‌اند و رتبه اول را به لحاظ توجه به این مفاهیم به خود اختصاص داده‌اند. هرچند در مقایسه کتاب‌های *فارسی* در پنج پایه ارائه شده، کتاب‌های *هدیه‌های آسمانی* در چهار پایه و کتاب‌های *اجتماعی* در سه پایه ارائه شده است. نتایج مذکور با نتایج پژوهش‌های مرزوقی (۱۳۸۷)، کلبعلی (۱۳۸۴)، مؤسسه CMIP (۲۰۰۷) و جرویس و توبیین (۲۰۰۶) تا حدودی همخوان بوده است. کتاب‌های مذکور به شش محور مفهومی و مؤلفه‌های آن پرداخته‌اند؛ اما به محور ظهور و اتفاقات پس از آن توجهی نشده است. رتبه اول توجه به مفاهیم مهدوی، به کتاب *فارسی* سال چهارم اختصاص دارد. در مجموع کتاب‌های مذکور توانسته‌اند تا حدودی به مفاهیم مرتبط با مهدویت توجه کنند؛ هرچند در برخی از کتاب‌های مذکور، نویسندگان می‌توانستند به محورها و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با مهدویت اشاره بهتری نمایند.

۲. کتاب‌های *هدیه‌های آسمانی* دوره ابتدایی به لحاظ توجه به مفاهیم مهدوی و محورها و مؤلفه‌های مفهومی آن، رتبه دوم را دارند. نتایج مذکور با نتایج تحقیقات پژوهش‌گران تا حدودی همخوان است. کتاب‌های مذکور به شش محور مفهومی و مؤلفه‌های آن توجه داشته‌اند، اما به محور ظهور و اتفاقات بعد از آن بی‌توجه‌اند. رتبه اول توجه به مفاهیم مرتبط با مهدویت را *هدیه‌های آسمانی* پنجم به خود اختصاص داده است. در مجموع کتاب‌های مذکور توانسته‌اند تا حدودی به مفاهیم مهدوی توجه کنند؛ اما مؤلفان می‌توانستند در برخی درس‌ها اشاره مطلوب‌تری به این مفاهیم داشته باشند. گفتنی است این کتاب‌ها، برخلاف کتاب‌های *فارسی* هنوز بر اساس راهنمای برنامه درسی دینی تهیه نشده‌اند، از این رو لازم است احتیاط در نتایج صورت گیرد.

۳. کتاب‌های *تعلیمات اجتماعی* دوره ابتدایی رتبه سوم توجه به مفاهیم مهدوی را دارند. نتایج مذکور با نتایج پژوهش‌های انجام شده تا حدودی همخوان است. این کتاب‌ها به شش محور مفهومی و مؤلفه‌های آن توجه داشته‌اند، اما به محور ظهور و اتفاقات پس از آن بی‌توجه بوده‌اند. رتبه اول توجه به مفاهیم مهدوی را *تعلیمات اجتماعی* سوم به خود اختصاص داده است.

۴. در مجموع به شش محور مرتبط با مهدویت پرداخته شده، اما به محور ظهور و اتفاقات پس از آن هرگز توجه نشده است. گفتنی است در پرداختن به محورها، بیشترین توجه به محور گفتار، رفتار، سیره بوده است.

۵. در پایه پنجم ابتدایی، بیشترین توجه به مفاهیم مهدوی صورت گرفته، در حالی که پایه اول، کمترین توجه را به این مفاهیم داشته است.

۶. در بین کتاب‌ها، *هدیه‌های آسمانی* سال پنجم به مفاهیم مرتبط با مهدویت بیشتر پرداخته، در حالی که *تعلیمات اجتماعی* سال چهارم کمترین توجه را به این مفاهیم داشته است. بنابراین می‌توان گفت در مجموع، تمام کتاب‌های مورد بررسی کم و بیش به چنین مفاهیمی پرداخته‌اند.

۷. بررسی روند نتایج پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد در کتاب‌های *بخوانیم* (فارسی)، *هدیه‌های آسمانی* و *تعلیمات اجتماعی* - که در سال‌های اخیر چاپ شده‌اند - میزان توجه به مفاهیم مهدوی از نظر کمی بیشتر شده است؛ اما باز هم به نظر می‌رسد در برخی کتاب‌ها و درس‌ها نویسندگان می‌توانستند به این موضوع اشاره‌های بهتری کنند. این نتیجه با پژوهش فقیهی (۱۳۸۸) کاملاً همخوان است.

۸. در مجموع باید گفت کتاب‌های درسی وظیفه انتقال و اشاعه مهدویت و انتظار به کودکان را برعهده دارند. نتایج پژوهش، میزان توجه کتاب‌های درسی را به مفاهیم مرتبط با مهدویت را تعیین کرد و نقاط قوت و ضعف بیان شد. گفتنی است میزان توجه فعلی به مفاهیم مرتبط با فرهنگ ایشار و شهادت به دلایلی

همچون نگرش برنامه‌ریزان درسی، ترجیحات مؤلفان کتاب‌های درسی به مباحث مختلف، محدودیت در حجم کتاب‌های درسی و تلقی کافی بودن فراوانی‌های بیان شده در کتاب‌های درسی است که باید با بررسی‌های میدانی و استفاده از نظریات صاحب‌نظران، کافی بودن مباحث ارائه شده مورد بررسی دقیق‌تر قرار گیرد.

پیشنهادهای عملی

۱. محورها و مؤلفه‌های پژوهش می‌تواند مورد استفاده کارشناسان دفتر تألیف کتاب‌های درسی قرار گیرد تا در هنگام نگارش یا تغییر و اصلاح از آن استفاده لازم را بنمایند. نتایج پژوهش نیز می‌تواند زمینه‌ای را برای بررسی و بازنگری محتوای کتاب‌های درسی فراهم کرده تا دست‌اندرکاران تألیف کتاب‌های درسی با مرور نتایج به دست آمده به بسترهای موجود و احیاناً غفلت‌های انجام شده بیشتر واقف شده و در بازنگری‌های پیوسته برنامه‌های درسی و پشتیبانی آن‌ها در سیستم آموزشی کشور به اصلاح، ترمیم و تکمیل مطالب کتاب‌های درسی مذکور بپردازند.

۲. از آن‌جا که تمام دروس مورد بررسی در پژوهش حاضر به تعبیر صاحب‌نظران از جمله دروسی بوده‌اند که امکان توجه به مباحث مهدوی را در خود داشته‌اند، ولی در برخی موارد به طور شایسته عمل نشده است، می‌توان ضمن تشویق کارشناسان تألیف کتاب‌های - که در این راستا موفقیت درخوری داشته‌اند - از آن‌ها در راستای آشناسازی بیشتر سایر گروه‌های نگارش کتاب‌های درسی در انتقال و توسعه این مفاهیم کمک گرفت.

۳. انتظار می‌رفت کتاب‌های هدیه‌های آسمانی در این راستا توجه بیشتری به مفاهیم مهدوی نمایند؛ اما در طول راه پژوهش مشخص شد این کتاب‌ها در مرتبه دوم توجه به مقوله مورد بررسی قرار دارند. شایسته است دست‌اندرکاران کتاب‌های مذکور دست‌کم در حد انتظار از این دروس بیش از پیش به این مفاهیم توجه کنند.

۴. همه کتاب‌های مورد بررسی، همچنان عرصه توجه بیشتر به مبحث مهم

مهدویت را در خود دارند، به طوری که در بحث و نتیجه‌گیری مواردی از فرصت‌های احتمالی موجود در کتاب‌های درسی که مورد غفلت واقع شده، بازگویی و بازشناسی شده است. در این راستا باید اذعان کرد که برای ایجاد تغییر رفتار در کودکان و نوجوانان، لازم است از طرف ادبا و نویسندگان بزرگ در متن‌ها و داستان‌های مهدوی به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم در کتاب‌ها بیان شود. البته باید توجه داشت سطح آموزش برخی از این مفاهیم فراتر از دوره سنی ابتدایی است.

۵. نویسندگان در برخی از دروس کتاب‌های مورد بررسی، زمینه این که به طور روشن‌تری به محورها و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با مهدویت پرداخته شود وجود داشته، ولی چنان که باید، از بسترهای مذکور استفاده نشده است. برای مثال، با توجه به نقش تصویرسازی در باورپذیری کودکان در تدوین ادبیات مصور مهدوی تلاشی مضاعف صورت گیرد.

۶. مؤلفان می‌توانند با گنجاندن مطالب مهدوی در برخی از دروس دیگر همچون ریاضی، علوم و... (مثلاً در تمرین‌های آن‌ها) بررسالت خود در انتقال ارزش‌ها از طریق کتاب‌های درسی موفق‌تر باشند.

۷. دست‌اندرکاران آموزش و پرورش می‌توانند به کمک آموزش‌های ضمن خدمت، اهمیت پرداختن به مفاهیم مرتبط با مهدویت را برای معلمان، دبیران و... توضیح و تشریح کنند تا آنان در فرصت‌ها و مناسبت‌های گوناگون برای دانش‌آموزان، موضوع مهدویت و انتظار را تبیین نمایند. در این راستا سعی شود معلمان، دانش‌آموزان را در زمان‌های مناسب کلاس با سیرت، هدف، علل غیبت و عوامل ظهور امام زمان علیه السلام آشنا کنند. همچنین می‌توان از فیلم‌هایی استفاده کرد که با موضوع مهدویت و انتظار باشد و برای فراگیران پخش شود.

۸. معلمان می‌توانند با دعوت از روحانیون و افراد خبره به کلاس، موضوع را بهتر برای دانش‌آموزان تشریح کنند.

منابع

- تقی پورظهیر، علی، *مقدمه‌ای بر برنامه ریزی آموزشی و درسی*، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۳ ش.
- جعفری هرنندی، رضا، *بررسی محتوای کتاب‌های درسی دوره آموزش عمومی از نظر وجود مفاهیم هشت سال دفاع مقدس*، اصفهان، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش، ۱۳۸۱ ش.
- حسینی دشتی، سید عبدالله، *چهره‌های درخشان چهارده معصوم*، قم، انتشارات موعود سالم، ۱۳۸۴ ش.
- رهنما، اکبر، *بررسی ویژگی‌های انسان مطلوب در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی، ۱۳۸۴ ش.
- شعبانی، زهرا، *بررسی تطبیقی برنامه‌های درسی دینی و اخلاقی دوره ابتدایی در ایران و چند کشور جهان*، تهران، مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۳ ش.
- شفیع‌ی سروسستانی، اسماعیل، «رویکردهای افراطی و تفریطی در حوزه مهدویت»، *ماه‌نامه موعود*، ش ۹۲، ۱۳۸۷ ش.
- صافی، احمد، *سازمان و اداره امور مدارس*، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۸ ش.
- صالحی، غلامرضا، «مهدویت و اهداف نظام تربیتی اسلام»، *مشرق موعود*، سال اول، ش ۳، ۱۳۸۶ ش.
- صالحی، غلامرضا، «مهدویت و اصول نظام تربیتی اسلام»، *مشرق موعود*، سال اول، ش ۴، ۱۳۸۶ ش.
- فتحی و اجارگاه، کوروش، *اصول و مفاهیم برنامه ریزی درسی*، تهران، انتشارات بال، ۱۳۹۰ ش.
- فقیهی، علی نقی، *نقد و بررسی وضعیت آموزشی مهدویت در کتب درسی پیش و معارف اسلامی نظام آموزش و پرورش کشور قبل و بعد از انقلاب اسلامی*، قم، مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی، با همکاری مؤسسه انتظار نور، ۱۳۸۸ ش.

- کلبعلی، ایراندخت، *محتوای کتاب‌های تعلیمات دینی، اجتماعی و ادبیات فارسی درباره آشناسازی دانش‌آموزان با ارزش‌های اسلامی و ایرانی*، گزارش پژوهش شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
- گودرزی، مجتبی، «بررسی رابطه آموزه‌های مهدویت و تعلیم و تربیت اسلامی»، *مشرق موعود*، سال اول، ش ۲، ۱۳۸۶ ش.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، ج ۱۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
- مرزوقی، رحمت‌الله، «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار»، *دوفصل‌نامه تربیت اسلامی*، سال سوم، ش ۷، ۱۳۸۷ ش.
- مشایخ، فریده، *فرایند برنامه‌ریزی آموزشی*، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۹ ش.
- ملکی، حسن، *برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)*، مشهد، دانشگاه فردوسی، مؤسسه انتشارات پیام اندیشه، ویراست دوم، چاپ هشتم، ۱۳۸۸ ش.
- موحدیان عطّار، علی، «ابعاد جهانی موعودباوری»، *نشریه معارف*، ش ۱۹، ۱۳۸۳ ش.
- موسی‌پور، نعمت‌الله، «تحولات برنامه درسی آموزش دینی دوره ابتدایی»، *دانش*، دوره ۱۰، ش ۳، ص ۶۹-۸۱، ۱۳۸۲ ش.
- مهرمحمدی، محمود؛ پروین صمدی، «بازنگری در الگوی آموزش دینی جوانان و نوجوانان در دوره تحصیلی متوسطه»، *فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی*، ش ۳، ۱۳۸۲ ش.
- نوریان، محمد، *تحلیل برنامه درسی دوره ابتدایی ایران*، تهران، انتشارات گویش نو، ۱۳۸۹ ش.
- نوریان، محمد، *تحلیل محتوای رسانه‌های آموزشی با تأکید بر کتاب‌های درسی*، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ۱۳۸۷ ش.
- نیکلس، ادری و هاوارد، *راهنمای عملی برنامه‌ریزی درسی*، ترجمه: داریوش دهقان، تهران، نشر قدیانی، ۱۳۸۱ ش.

- وزارت آموزش و پرورش، مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۵ش.
- یارمحمدیان، محمد حسین، اصول برنامه ریزی درسی، تهران، انتشارات یادواره کتاب، ۱۳۹۰ش.

- Al- Aqeeli, Abdul Muhsin S. Arab and Muslim Image in the public Education Textbooks of Britain (Study Summary), Educational Research, Ministry of Education, Kingdom of Saudi Arabia, <http://www. Islam online. net/ English/art culture, 2005>.
- Al- Banyan, Ahmed A. Arab and Muslim Image in Public Education Textbooks of the United States of States of Ametica Educational Research, Ministry of Education, Kingdom of Saudi Arabia, <http://www. Islam online. Net/English/ art culture, 2005>.
- Al- khabti, Ali, S. Arab and Muslim Image in the public Education Textbooks of Israel (Summary of Study), Educational Research, Ministry of Education, kingdom of Saudi Arabia, <http://www. Islam online. net/English/art culture, 2005>.
- Altabach, P. C. Textbook in American society: Politics, and Pedagogy. Albany, NY: state university of New York Press, 1991.
- American Psychological Association (APA), media online Etymology Dictionary. From Dictionary. Com. Website: <http:// dictionary refrence. Com, 2008>.
- Berelson, B. Content Analysis in Communication Research, Glencoe, Ill., The Free Press, 2004.
- Connelly, F. M. and Clandinin, D.J. 2006.
- Teachers as Curriculum planners. The Ontario institute For Studies in Education, Teachers College Columbia University.
- Groiss, Armin & Nethanel Toobian (Nahid), The Attitude to The other and to peace in Iranian School Book and Teachers Guudes Downlo Center for Monitoring the Impact of peace, Study Downloadable from: <http://www. Edume. Org, 2006>.
- Marsh , C. Key Concepts For Understanding Curriculum. London ; Falmer press, 2003.
- Mc neil , J. Curriculum: A comprehensive introduction (7 th ed). N Y: Harpercollins College Publishers, 2005.
- Midgley, C. & Anderman, E, L. Differences between elementary and middle school teachers and students. Journal of Early Adolescence, 15, 113-126, 2003.
- SATC, "Iranian Textbooks: Content and Context", Research Report, www. Fas. Org/irp/dni/ose/Iran text, 2007.
- Unesco, A Comprehensive Strategy for Textbooks and learning Materials, UNESCO, Paris, 2005.

انتظار و راهبردهای تربیت زمینه‌ساز در رسانه ملی با محوریت کلام امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری

دکتر مهین چناری*

فاطمه سادات بی‌طرفان**

چکیده

موضوع مهدویت و انتظار، از موضوعات فراگیر و همگانی است که به آرمانی جهانی تبدیل شده است. در این میان، مذهب تشیع، اعتقادی پایدارتر نسبت به منجی داشته و برای زمینه‌سازی ظهور امام عصر علیه السلام، تلاشی روزافزون می‌کند. در بین روش‌های متنوع زمینه‌سازی، مهم‌ترین و شاید بهترین روش، زمینه‌سازی از طریق تربیت افراد به شیوه‌ای است که بتوانند مسیر ظهور آن حضرت را هموارتر کنند. این نوع تربیت را تربیت زمینه‌ساز می‌گویند. از جمله ابزاری که نقش مهمی در تربیت افراد جامعه دارد، رسانه ملی است که رسانه‌ای فراگیر و عمومی به شمار می‌رود. بنابراین، استفاده درست از این ابزار برای ترویج فرهنگ مهدویت، می‌تواند نقش چشم‌گیری در شکل‌گیری باور مهدوی به صورت صحیح در افراد جامعه ایفا کند. از این رو در این نوشتار، ابتدا به مفهوم‌شناسی واژگان انتظار و زمینه‌سازی ظهور و

* استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم (mahin.chenari@gmail.com).

** دانشجوی رشته علوم تربیتی دانشگاه قم.

سپس به تبیین ضرورت آن پرداخته شده است. آن‌گاه تربیت زمینه‌ساز، مسئولیت‌زمینه‌سازی و نقش رسانه در زمینه‌سازی ظهور منجی در کلام امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری تبیین شده و در آخر نیز راهبردهای اساسی ترویج مهدویت در رسانه ملی، بیان گردیده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد انتظار و زمینه‌سازی برای ظهور منجی بسیار ضروری است و مسئولیت زمینه‌سازی در درجه اول بر عهده دولت زمینه‌ساز است. از اساسی‌ترین کارهایی که دولت زمینه‌ساز در این زمینه انجام می‌دهد، تدوین راهبرد است و در این میان، راهبردهای فرهنگی دارای اولویت هستند و در عرصه فرهنگی نیز رسانه ملی اهمیت بسیاری دارد. برای روشن‌تر شدن وظایف دولت زمینه‌ساز و رسانه ملی و نیز ارتباط بین این دو، الگوی شش‌وجهی شکل‌گیری فرهنگ انتظار که ارتباط فعالیت‌های دولت و رسانه حاصل می‌گردد، طراحی و تبیین شده است.

واژگان کلیدی

انتظار، تربیت زمینه‌ساز، رسانه، امام خمینی علیه السلام، مقام معظم رهبری، راهبرد.

مقدمه

اعتقاد به ظهور منجی و مصلح جهانی یا همان مسئله مهدویت، موضوعی همگانی و فراگیر به شمار می‌آید و در واقع، به آرمانی جهانی تبدیل شده است. این اعتقاد سبب توجه روزافزون منتظران به موضوع مهدویت و زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی علیه السلام گردیده است؛ لذا در این دوره، وظیفه منتظران سنگین‌تر و حساس‌تر شده است. در میان وظایف منتظران، ایجاد یک جامعه منتظر مهم‌ترین وظیفه آنان به شمار می‌رود. ساخت چنین جامعه ایده‌آلی نیاز به الزاماتی دارد که یکی از این الزامات، تربیت مهدوی افراد جامعه منتظر است.

تربیت، امری بسیار حساس و ظریف است؛ از این رو این وظیفه به افراد

متخصص واکذار شده و آنان در صورتی موفق به تربیت مهدوی افراد می‌شوند که خود نیز دارای چنین تربیتی باشند. تربیت افراد به اشکال متنوعی صورت می‌گیرد و یکی از مهم‌ترین آن‌ها، تربیت از طریق رسانه ملی است. رسانه ملی، رسانه‌ای همگانی و فراگیر است و در این میان تلویزیون به سبب سمعی و بصری بودن، قدرت نفوذ بیشتری نسبت به دیگر رسانه‌ها دارد؛ از این رو منظور از واژه رسانه ملی در این نوشتار، تلویزیون است. بنابراین، وظیفه دولت در زمینه‌سازی از طریق این رسانه، بسیار مهم و حیاتی است که با تدوین راهبردهای مناسب می‌توان این وظیفه را به سرانجام مطلوب رساند.

با توجه به آن چه گفته شد، در این نوشتار ابتدا به مفهوم‌شناسی واژگان انتظار و زمینه‌سازی ظهور و سپس به تبیین ضرورت آن می‌پردازیم؛ سپس تربیت زمینه‌ساز و مسئولیت زمینه‌سازی را برمی‌رسیم. در آخرین بخش رسانه را در زمینه‌سازی ظهور منجی، از کلام امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری تبیین نموده و راهبردهای اساسی ترویج مهدویت در رسانه ملی را بیان می‌کنیم.

مفهوم انتظار و زمینه‌سازی ظهور

برای بررسی هر موضوع، ابتدا لازم است مفاهیم مورد استفاده در آن موضوع را به روشنی تبیین کنیم تا برای همگان قابل فهم باشد و مسیر بررسی موضوع و دامنه مطالعه، مشخص و روشن شود؛ لذا در این مقاله نیز ابتدا به مفهوم‌شناسی واژگان انتظار و زمینه‌سازی می‌پردازیم و سپس وارد مباحث اصلی می‌شویم.

انتظار در لغت به معنای چشم به راه بودن، چیزی را چشم داشتن و چشم داشت است (عمید، ۱۳۶۷: ۲۳۸). در اصطلاح نیز انتظار عبارت است از امید به آینده‌ای که در آن، با ظهور منجی عالم بشریت، جهان از هرگونه ظلم و ستم پاک خواهد شد. همچنین «انتظار» یا «آینده‌نگری» به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کند. بنابراین، مسئله انتظار

حکومت حق و عدالت مهدی و قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است؛ عنصر «نفی» و عنصر «اثبات». عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود، و عنصر اثبات خواهان وضع بهتری بودن است (مکارم شیرازی، ۱۳۵۶: ۱۰۱). انتظار به معنای توقع و آمادگی است. در حدیثی می‌خوانیم:

برای قیام قائم علیه السلام، هر یک از شما آماده گردد؛ هر چند با تهیه کردن یک تیر.
(مجلسی، ۱۳۸۹: ج ۵۲، ۳۶۶)

انسان منتظر، توقعی بیش از آن چه هست دارد و برای این توقع آماده می‌شود. او با دیدگاهی که درباره انسان از اسلام گرفته است به آن چه هست، راضی و خشنود نیست و به آن چه باید باشد می‌اندیشد. انتظار امام موعود، انتظاری مایوس کننده نیست؛ انتظار شخصی است که می‌آید و در فاصله غیبت تا ظهور وی، منتظران، نهایت تلاش خویش را برای زمینه‌سازی ظهور او به کار می‌گیرند.

هدف انتظار، بررسی و محک زدن ایمان در راه این باور است. این بلا و امتحان یک سنت جاری در تشخیص مقدار مقاومت و اخلاص است (حیدری، ۱۳۸۰: ۲۲۸-۲۰۳). انتظار نسبت به ظهور امام عصر علیه السلام به عنوان محور هستی و واسطه همه فیوضات الهی، روح امید، نشاط و پویایی را در جامعه می‌دمد و آثار تربیتی جدی در اصلاح و خودسازی مردم برجای خواهد گذارد. انتظار صحیح، معنایی جز چشم به راه بودن ندارد و لازمه آن، بی تفاوت نبودن و تلاش برای رسیدن به هدف مورد نظر است (معین الاسلام و غلامی، ۱۳۸۸: ۹۶).

با شکل‌گیری دوران غیبت امام زمان علیه السلام، حالت انتظار و فرج به صورت محسوس در میان شیعیان شدت گرفت و انتظار نزد شیعیان به صورت یک مفهوم اجتماعی درآمد که در ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی، چگونگی نگرش به آینده و همچنین در ترسیم خط سیاسی، سهم بسزایی داشته است. هر چند انتظار برای ظهور منجی در کهن‌ترین ادوار تاریخ ریشه دارد و علاوه بر ادیان و مذاهب، بسیاری از مکتب‌های فلسفی، عرفانی و اجتماعی نیز به ضرورت یا

حقیقت آن قائلند، در هیچ کدام از آن‌ها بحث انتظار و منجی به اندازه مکتب تشیع پایدار، روشن و پویا نبوده است. شیعه - که از همان ابتدا دل درگرو مکتب علمی و عملی اهل بیت علیهم‌السلام گذارد - غمبارترین دوره‌های تاریخی خود را به پشتوانه انتظار فرج سپری کرد و مرحله به مرحله راه پیمود تا سرانجام در چهاردهمین قرن اسلامی موفق شد انقلابی بزرگ برای ایجاد مقدمات ظهور منجی به راه اندازد؛ انقلابی که تمامی رنج‌ها و سرزنش کشیدن‌های گذشته را معنا می‌کرد و نشان می‌داد یکی از نایبان عام امام غایبی که شیعیان از اوصافش می‌گویند، علم بر دوش گرفته و چنین تحول بزرگی را در صحنه جهانی پدید آورده است (طاهری، ۱۳۸۸: ۶۴).

دیگر مفهوم شکل گرفته در راستای مفهوم انتظار - که به نوعی در بطن واژه انتظار جای دارد - زمینه‌سازی برای ظهور منجی است. زمینه در لغت به معنای نقشه، طرح و موضوع است؛ بنابراین زمینه‌سازی نیز به معنای آماده کردن طرح و نقشه برای انجام دادن کاری است (عمید، ۱۳۶۷: ۷۳۹). از زمینه‌سازی ظهور، هم آمادگی برای ظهور را می‌توان اراده کرد و هم اقداماتی که سبب تعجیل ظهور می‌گردد. بی‌گمان رفتارهایی که باعث تعجیل در ظهور می‌شوند، به معنای تأثیرگذاری عملکرد انسان‌ها در تعجیل یا تأخیر ظهورند. در واقع زمینه‌سازی، به هر دو معنای آن درست و مستند به روایات است و عملکرد انسان‌ها تأثیر مستقیمی در غیبت و ظهور امام دارد. زمینه‌سازی وظیفه‌ای مستقل و متفاوت با مسئولیت‌های معهود دینی نیست؛ بلکه انجام دادن همین مسئولیت‌های معهود دینی، ظرفیت همراهی با امام را در مردم ایجاد می‌کند و زمینه‌های ظهور را فراهم می‌سازد (آیتی، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۹).

امام خمینی علیه‌السلام با اعتقاد به نظریه زمینه‌سازی و تأثیر رفتار مردم در ظهور فرمود:

ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن، تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما

نمی‌توانیم بکنیم؛ چون نمی‌توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند. اما ما باید فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم. کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت. (خمینی، ۱۳۷۱: ج ۲۱، ۱۷-۱۶)

ضرورت انتظار و زمینه‌سازی ظهور

انتظار، مفهومی سازنده و پویاست که به رفتار یک انسان ارزش داده و به حرکت‌های منتظران در راه رسیدن به حکوت عدالت و ایمان اسلامی جهت می‌بخشد. حالت انسان منتظر، نشان دهنده آمادگی و همچنین علاقه او به قیام امام زمان خویش است و تلاش و پایداری او به همین علاقه و دل‌بستگی‌اش به امام عصر علیه السلام وابسته است.

اگر زندگی، معنادار، غایت‌مند و هدف‌دار است و زندگی در امید داشتن برای دستیابی به هدف نهایی آن معنای می‌شود، اگر انتظار نیز به معنای داشتن هدف و امیدوار بودن برای رسیدن به هدف باشد، به زندگی انسان منتظر معنا می‌دهد و می‌توان گفت که انسان موجودی منتظر است و هر کس انسان تر است، منتظرتر است. حیات انسانی که هیچ انتظاری در وجودش نیست، سرد و بی‌روح است و زندگی او بی‌معناست (الله‌بداستی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). به عبارتی دیگر، زندگی انسان با انتظار و امید به آینده عجین شده است. زندگی انسان بدون انتظار معنایی ندارد و خالی از شور و نشاط است و بقای آن به امیدواری او به زندگی‌اش بستگی دارد؛ از این رو پیوند انتظار با زندگی انسان، پیوندی ناگسستنی است.

انتظار فرج، عاملی مهم در خودسازی فردی، اصلاح جامعه و کاهش جرایم و مفاسد به شمار می‌آید. بی‌تردید انتظار ظهور امام زمان علیه السلام در تمام ابعاد شخصیت انسان - اعم از فردی و اجتماعی - مؤثر است و همه مناسبات وی را فرا می‌گیرد و بالاترین کوشش و جهاد همه‌جانبه او در راه خداست. هنگامی که یک منتظر حقیقت‌جو به عنوان وظیفه‌ای الهی و انسانی دعا‌های دوران غیبت را می‌خواند و

عبارات تعالی بخش آن‌ها را از عمق جان زمزمه می‌کند، با دریایی از معارف به ویژه در عرصه امامت و جایگاه والای آن در باورهای شیعی روبه‌رو می‌شود و هر اندازه متن این میراث گران‌بهای اهل بیت علیهم‌السلام دقت و تدبر می‌کند، معرفت و شناخت او نسبت به ارزش‌های والای دینی بیشتر می‌شود و شناخت وسیع‌تر و عمیق‌تر، محبت و ایمان قلبی را در وجود او ثابت‌تر می‌گرداند. به این ترتیب، علاوه بر این که آگاهی و معرفت منتظر امام عصر علیه‌السلام افزایش می‌یابد، درصد ایمان و اعتقاداتش نیز بیشتر می‌شود. این جاست که دیگر هیچ نیروی شیطانی نمی‌تواند منتظر راستین را از جاده حقیقت جدا کند و او در برابر آسیب‌ها، آفات و هجوم‌های اعتقادی و فرهنگی کاملاً بیمه می‌شود و باورهایش به دژی تسخیرناپذیر تبدیل می‌گردد (حیدری نهند، ۱۳۸۴: ۷۱-۶۶).

ظهور امام مهدی علیه‌السلام شرایط و نشانه‌هایی دارد که از آن‌ها به عنوان زمینه‌های ظهور و علایم آن یاد می‌شود. تفاوت زمینه‌ها با علایم در این است که زمینه‌ها در تحقق ظهور تأثیر واقعی دارند و با فراهم شدن آن‌ها، ظهور اتفاق می‌افتد؛ ولی علایم در وقوع ظهور نقشی ندارند و تنها نشانه‌هایی هستند که به وسیله آن‌ها می‌توان به اصل ظهور یا نزدیک شدن آن پی برد.

از جمله زمینه‌های قیام انقلاب جهانی امام مهدی علیه‌السلام می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (معین الاسلام و غلامی، ۱۳۸۸: ۹۷).

۱. طرح و برنامه برای مبارزه با ناهنجاری‌های موجود و تدوین قانون کامل و جامع؛

۲. رهبری توانمند؛

۳. وجود یاران شایسته.

حرکت امام زمان علیه‌السلام بدون زمینه‌سازی ممکن نیست. منتظران واقعی برای قیام، تمهیداتی را به عهده می‌گیرند. در حدیثی به سرزمین و جغرافیای زمینه‌سازان اشاره، بلکه تصریح شده است:

مردانی از مشرق زمین خروج می‌کنند و زمینه‌ساز حاکمیت مهدی موعود عجله می‌گردند. (مجلسی، ۱۳۸۹: ج ۵، ۸۷)

نویسنده کتاب **عصر ظهور** با توجه به روایاتی (همو: ج ۶، ۲۱۶-۲۱۳) این موضوع را بر نهضت امام خمینی علیه السلام و از شهر قم تطبیق داده و شواهدی بر این مسئله ارائه کرده است. در این روایات بر قیام مردمی از قم - و نه اهل قم؛ زیرا امام خمینی علیه السلام متولد خمین بود، اما قیام را از قم شروع نمودند - و این که قم تبدیل به پایگاهی برای فضل و دانش شده و از این شهر دانش به شرق و غرب جهان انتشار می‌یابد، تصریح گردیده است (حیدری، ۱۳۸۰: ۲۳۲-۲۳۱).

حال که ضرورت انتظار و زمینه‌سازی برای ظهور امام علیه السلام مشخص و بیان شد، پیش از ورود به مبحث نقش رسانه ملی در ترویج فرهنگ مهدویت، تربیت زمینه‌ساز و مسئولیت زمینه‌سازی را تبیین می‌کنیم تا با نگاهی بازتر به بررسی نقش رسانه در تربیت و راهبردهای ترویج مهدویت از طریق رسانه ملی بپردازیم.

تربیت زمینه‌ساز و مسئولیت زمینه‌سازی

بین مفاهیم «تعلیم» و «تربیت» تفاوت وجود دارد. تعلیم در لغت به معنای آموزش و یاد دادن مطلبی است به دیگری است (عمید، ۱۳۶۷: ۴۴۳)؛ در حالی که تربیت یعنی پرورش دادن یک فرد و آموختن ادب و اخلاق به او (همو: ۴۲۵). تربیت است که شخصیت انسان را می‌سازد و به وسیله آن می‌توان جامعه را دگرگون ساخت. موضوع تربیت، انسان کمال‌پذیر و هدف آن، رساندن انسان به کمال بالقوه وجودی اوست.

تربیت زمینه‌ساز نیز تربیتی است که زمینه‌ها و شرایط لازم برای ولایت و حکومت امام در فرد و جامعه را فراهم می‌آورد. این تعریف در واقع همان تعریف تربیت اسلامی است که بر ارتباط اهداف آن با امام و ولایت او تأکید شده است. تربیت اسلامی می‌خواهد از انسان - که سرشار از استعدادها و توانایی‌هاست و کشش‌های

متفاوتی در او کارگراست - موجودی بسازد که از این کشش ها آزاد شده و بر آن ها حاکم شود و بهترین محبوب ها را برگزیند. انسان با این ویژگی ها برای تنظیم روابط خود با هستی و جامعه به رهبری الهی نیاز دارد و بر پایه این نیاز، امامت و ولایت مطرح می شود و هر فرد در جامعه حرکت خود را با اهداف امام و در طرح امام تنظیم می کند. چنین فردی در هر دوره، زمینه ساز ولایت و حکومت ائمه علیهم السلام و در عصر غیبت، زمینه ساز ظهور و حکومت امام زمان علیه السلام است.

در نظام و مکتب تربیتی حضرت مهدی علیه السلام - همانند مکتب تربیتی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله - اصول و قوانین تربیتی از متن حقایق قرآنی و وحیانی گرفته شده است که در فرایند تعلیم و تربیت به آن توجه می شود. بدیهی است متصدیان تربیتی دوران ظهور باید چنین اصولی را سرلوحه برنامه های تربیتی خود قرار دهند. در اصول تربیتی مهدوی، لوازم تربیت برای هدایت واقعی انسان ها، به شکل کامل محقق خواهد شد. بی شک بدون فراهم آوردن شرایط و مقدمات، تربیت صحیح شکل نخواهد گرفت. تربیت، فرایند پیچیده و گسترده ای است که پیش از ورود به مراحل اصلی آن، باید زمینه های لازم برای شکل گیری آن فراهم شود. در تربیت انسان، مواردی همچون محیط مناسب، زمان مناسب، امکانات مناسب، ارتباط مناسب، تلقینات و گفتار مناسب و مانند آن بسیار اهمیت دارد. باید گفت فرایند تربیت، تنها ارائه راه و روش و تبیین واقعیت های تربیتی برای تربیت شونده نیست؛ در کنار این گونه مسائل، باید شرایط و زمینه های تربیتی را مانند محیط، زمان، روابط، پیام رسانی و... برای تربیت شونده به وجود آورد. زیبا سخن گفتن همراه با ملایمت، زمینه سازی مطلوب برای تربیت به شمار می رود (صالحی، ۱۵۶: ۱۳۸۶)؛ چنان که قرآن کریم در این باره می فرماید:

﴿ذَهَبًا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۖ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْشَىٰ﴾؛ (طه):
(۴۳-۴۴)

به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته. و با او سخنی نرم گوید،

شاید که پند پذیرد یا بترسد.

امام باقر علیه السلام نیز دربارهٔ زمینه‌سازی و ایجاد شرایط مناسب برای تربیت دینی فرزندان و کودکان، خانواده‌ها را به آموزش‌های مقدماتی و ابتدایی کودکان فرا می‌خواند و چنین می‌فرماید:

وقتی کودک سه ساله شد، هفت بار به او یاد دهید تا «لا اله الا الله» بگوید... و وقتی به سن چهارسالگی رسید، هفت بار بگوید: «صلی الله علی محمد وآل محمد». در سن پنج سالگی وقتی که دست راست و چپش را یاد گرفت به او یاد دهید تا روزه قبله بایستد و سجده کند و... (غرویان، ۱۳۸۳: ۱۸۵)

بی‌تردید، همهٔ این سفارش‌های امام به دلیل زمینه‌سازی مطلوب و مؤثر برای تربیت صحیح کودکان و فرزندان و آماده‌سازی آن‌ها برای مراحل اساسی تربیت است. در مکتب تربیتی حضرت ولی عصر علیه السلام تمامی زمینه‌ها و شرایط نامناسب تربیتی، اعم از عوامل محیطی و انسانی - که دستاوردهای مکاتب انحرافی غربی و شیطانی به شمار می‌رود - از صحنهٔ حیات بشری محو خواهد شد و به جای آن، شرایطی مطلوب برای تربیت دینی و الهی انسان‌ها به وجود خواهد آمد. در چنین نظام تربیتی ایده‌آل، در مرحلهٔ نخست با عوامل مخرب تربیتی و دشمنان هدایت بشری، با نهایت جدیت و اقتدار برخورد می‌شود و دیگر مجاللی برای سردمداران مکتب‌های غیراخلاقی و ضد اسلامی همچون مکاتب لیبرالیستی و اومانیستی که زمینه‌ساز تربیت غیردینی و شیطانی بشرنده، نخواهد ماند.

در دوران ظهور، انسان‌ها با توجه به نوع توانمندی‌هایشان در جنبه‌های گوناگون تربیت می‌شوند. در چنین مکتب انسان‌سازی، انتظارات و مسئولیت‌ها با در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی تعیین می‌گردند. هرچند در مکتب تربیتی مهدوی، بشر با لطف امام معصوم علیه السلام به کمالات روحی و عقلائی دست می‌یابد، ولی نمی‌توان همهٔ انسان‌ها را در یک سطح قرار داد. از سویی امام عصر علیه السلام با توجه به توانایی و شناخت بالای یاران اصلی خویش - یعنی مدیران ارشد، حاکمان و قضایان - از این

گروه انتظاری ویژه خواهد داشت؛ به گونه‌ای که انجام کارهایی را که برای انسان‌های معمولی امکان‌پذیر نیست، برای آنان لازم می‌داند (صالحی، ۱۶۸: ۱۳۸۶).

توجه به وسع افراد در عرصه فهم و عمل، به منزله حفظ حرکت مستمر آنان در طریق تربیت و تحول است؛ چه بسا رعایت وسع یک فرد ضعیف، سبب می‌شود وی به سهم خویش، در راه مهیا شدن برای ظهور مهدی علیه السلام گام بردارد؛ اما بی‌توجهی به وسع فردی متوسط و خوب، او را از راه به دربرد. برای مثال، امام علی علیه السلام در حدیثی طولانی - که در آن از مهدی علیه السلام یاد کرده است - خطاب به حذیفه بن الیمان، فرمود:

ای حذیفه، با مردم آن چه را نمی‌دانند (نمی‌فهمند) نگو؛ که سرکشی کنند و کفر ورزند. همانا پاره‌ای از دانش‌ها سخت و گرانبار است که اگر کوه‌ها آن را بردوش کشند، از بردنش ناتوانند....

در این سخن، توجه به وسع فهمی و دانشی افراد، مورد تأکید قرار گرفته و به صراحت اظهار شده که نادیده گرفتن آن، موجب اغراض و بلکه کفرورزی خواهد شد. به تبع وسع فهمی، وسع عملی و حد طاقت افراد در به دوش کشیدن تکالیف نیز باید مورد توجه قرار گیرد. گفتنی است حتی دریاوران نزدیک مهدی علیه السلام، برخی وسع و طاقت بیشتری از دیگران نشان می‌دهند؛ اما به هر روی، هر کدام متناسب با وسع خویش، عمل می‌کنند (باقری، ۱۳۸۰: ۲۳۸-۲۳۷).

در جامعه ما، دیدگاه‌های مختلفی در زمینه مهدویت وجود دارد که می‌توان همه آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ دسته‌ای از افراد، برخوردی فعال با اندیشه انتظار دارند و دسته‌ای دیگر، برخوردی غیرفعال با این مقوله را در پیش گرفته‌اند. دسته اول یا همان اندیشه فعال، پیروان راه امام راحل علیه السلام و رهبر معظم انقلاب هستند. این گروه معتقدند که در زمان غیبت امام زمان علیه السلام نمی‌توان بدون هیچ تلاشی فقط منتظر ماند، بلکه باید زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم کرد. این در

حالی است که گروه دوم زمینه‌سازی برای ظهور را امری بیهوده می‌دانند و معتقدند تنها کاری که می‌توان برای ظهور آن حضرت انجام داد، دعا کردن است؛ لذا این دیدگاه را دیدگاه غیرفعال می‌نامیم.

درباره مسئولیت زمینه‌سازی، باید گفت افراد زیادی در این زمینه مسئول هستند؛ ما در این جا برای روشن شدن مسئولیت افراد در زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر^{علیه السلام} مسئولان این امر مهم (زمینه‌سازی ظهور) را به سه دسته کلی تقسیم می‌کنیم:

۱. مؤمنان؛

۲. دولت‌های اسلامی؛

۳. حضرت مهدی^{علیه السلام}.

مسئولیت مؤمنان برای زمینه‌سازی با توجه به روایات فراوان در این زمینه کاملاً روشن و واضح است؛ لذا از توضیح این مورد صرف نظر کرده و بیشتر درباره دوم قوله دیگر به بحث می‌پردازیم.

نظریه‌ای که معتقد به نقش محوری دولت در سطح زمینه‌سازی و تدوین راهبرد فرهنگ زمینه‌ساز ظهور است، دولت را به عنوان مرکزیت و نمایندگی نظام اجتماعی مبتنی بر بنیان دینی و به طور مشخص، فرهنگ انتظار، مطرح می‌سازد. در این دیدگاه، دولت اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین نهاد در نظام تکافل و موازنه‌سازی اجتماعی، مسئولیت سرپرستی، ارتقا و تکامل ساختارهای اجتماعی را بر عهده دارد. البته این بدان معنا نیست که نوع دیگری از سلطه‌گری بر نیازهای فرهنگی جامعه حاکم شود، بلکه فرهنگ اسلامی متولّی مدیریت گرایش‌ات روانی و اعتقادی جامعه بر پایه آزاداندیشی فقهی است که خداوند آن را در فطرت انسان استوار و به ودیعه نهاده است. بی‌گمان، اگر دولت اسلامی رهبری همه این ابعاد زندگی اجتماعی بشری را برای رسیدن به سعادت بشری و کمال انسانی بر عهده بگیرد، رهبری، نفوذ، کنترل و تکامل غیر الهی آن به دست دولت‌های سلطه طلب

ولایتیک خواهد افتاد؛ از این رو ضرورت حضور فعال دولت در تدوین راهبردهای زمینه‌سازی ظهور برای تغییر موازنه به نفع اسلام انقلابی و اسلام پیش‌رو اجتناب‌ناپذیر است (عصاریان نژاد و علوی، ۱۳۹۱: ۴۶-۴۵).

از آن جا که ظهور امام مهدی علیه السلام منشأ تمام فضیلت‌ها و کمالات به شمار می‌رود، تحقق آن نیز مطلوب امام و بلکه مهم‌ترین دغدغه و خواست آن حضرت است و اساساً اگر مؤمنان در برابر تحقق زمینه‌های ظهور مسئولیت دارند، این مسئولیت به طریق اولی بر عهده امام مؤمنان است. بنابراین، هم تحقق ظهور، هدف آن حضرت خواهد بود و هم آن حضرت برای تحقق این مهم طرحی خواهد داشت. در این میان، مؤمنان نیز با تعهد به مسئولیت‌های دینی و اخلاقی خود مسیر را برای ظهور هموار می‌کنند. به تعبیر دیگر، تلاش‌های امام در مسیر زمینه‌سازی، تلاشی معطوف به خود آن حضرت نیست، بلکه اقداماتی ناظر به انسان‌هاست که منجر به تغییر مثبت در آنان خواهد شد (آیتی، ۱۳۹۰: ۵۸-۵۷).

حال که تربیت زمینه‌ساز و مسئولیت‌زمینه‌سازی برای ظهور منجی عالم بشریت، تبیین شد، باید ابتدا به صورت کلی به ارتباط بین رسانه ملی و تربیت پرداخته و سپس به صورت ویژه، راهبردهای ترویج مهدویت از طریق رسانه ملی را بررسی کنیم.

رسانه و تربیت در کلام امام خمینی علیه السلام و رهبر معظم انقلاب

امروزه رادیو و تلویزیون در گونه‌های متفاوت خود، یکی از اساسی‌ترین وسایل ارتباط جمعی و ابزار اطلاع‌رسانی است که کارکردهای متعددی برای نظام اجتماعی دارد و نقش‌های عمده‌ای ایفا می‌کند. حضرت امام علیه السلام با توجه به همین واقعیت‌ها، مواضع کاملاً روشن و آشکاری نسبت به مسئولان و مدیران این دستگاه‌ها داشته و توصیه‌های لازم را ارائه کرده است؛ زیرا این دورس‌نامه به لحاظ قدرت تأثیرگذاری، هم در جهت اصلاح و هم در جهت افساد، قابل توجه است.

گسترده‌گی حوزه و قلمرو این وسایل ارتباطی به قدری است که ایشان آن را به مثابه دانشگاهی می‌دانند که کارکرد آموزشی دارد.

نکته قابل توجه دیگر در دیدگاه حضرت امام علیه السلام این است که چون این دو دستگاه امکانات فراوانی برای آموزش و پرورش اعضای جامعه فراهم می‌آورند، باید در زمینه تفکر دینی به عنوان یک وسیله و ابزار دین‌آموزی به کار گرفته شوند. در این صورت، نه تنها بد و مذموم نیستند، بلکه در خدمت اسلام خواهند بود. در به کارگیری آموزه‌های دینی برای آموزش دین از هیچ کوششی نباید دریغ کرد و از هیچ تهدید و تهمتی نیز نباید هراسید؛ هرچند اتهام ارتجاع و کهنه‌پرستی مطرح شود. نه تنها این دستگاه مهم را باید به لحاظ محتوایی اسلامی کرد، بلکه باید حضور فیزیکی و فکری وابستگان و غرب‌زدگان را نیز از بین برد؛ زیرا عناصر وابسته، جز به انحراف کارگزاران راضی نخواهند شد. وظیفه واقع‌نمایی، از رسالت‌های رادیو و تلویزیون است. در دیدگاه حضرت امام علیه السلام، رادیو و تلویزیون باید اخبار و اطلاعات واقعی و کاملاً تأیید شده را به اطلاع مردم برسانند. ضمن آن که نباید دستگاه‌ها و نهادهای درون نظام تضعیف شوند (حسامی، ۱۳۷۸: ۷۵-۷۴).

اهمیت وظیفه آموزشی وسایل ارتباط جمعی در جوامع معاصر به حدی است که بعضی از جامعه‌شناسان برای مطبوعات، رادیو و تلویزیون و سینما، نقش «آموزش موازی» یا «آموزش دائمی» قائل هستند. با بررسی اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام درباره وظیفه آموزشی رسانه ملی، می‌توان دو هنجار اصلی را دریافت:

۱. آموزش‌های رسانه‌ای باید در خدمت رشد سالم اخلاقی و علمی جامعه باشند.

۲. این آموزش‌ها نباید بدآموزی و ابتذال داشته باشند (باهر و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۴).

درواقع، اهمیت نقش رسانه‌های گروهی به عنوان یکی از عوامل تربیت، به دو دلیل است؛ یکی جذابیت بیشتر و عمومی و فراگیر بودن آن‌ها و دیگر، نقش

آموزشی این رسانه‌ها.

امام خمینی علیه السلام در توصیه به مسئولان مملکتی چنین سفارش می‌کند:

نگذارند این دستگاه‌های خبری و مطبوعات و مجله‌ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند... تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان، جلوگیری از آن‌ها واجب است و آزادی‌های مخرب باید جلوگیری شود. (خمینی، ۱۳۷۶: ۲۳۹)

ایشان در ارزیابی خود از نقش رسانه‌ها، بالاترین درجه اهمیت را برای تلویزیون قائل است و می‌فرماید:

این رسانه‌هایی که ما الآن داریم - چه مطبوعات و مجلات و روزنامه‌ها و چه سینماها و تئاترها و امثال ذلک و چه رادیو و تلویزیون - این‌ها آن‌چه از همه آن دستگاه‌ها بیشتر رابطه با انسان دارد، تلویزیون است، از دو جهت؛ یک جهت این‌که مطبوعات هرچه هم تیراژش زیاد باشد، اولاً در سطح یک مملکتی نیست و ثانیاً همه افراد نمی‌توانند از این استفاده کنند... سینماها در یک محیط محدود می‌توانند کار خودشان را انجام بدهند، رادیو هم در همه جا هست، در همه چیز هست، لکن فقط از راه سمع است... تلویزیون هم سمعی است و هم بصری، تبلیغات تلویزیون می‌تواند از راه سمع مردم را یا تربیت کند یا منهدم کند. (همو: ۲۴۰-۲۳۹)

در جای دیگر فرموده است:

من همیشه از رادیو و تلویزیون نگرانی داشته‌ام، برای این‌که این رادیو و تلویزیون یک بنگاهی است که از تمام دهات، در تمام شهرستان‌ها تقریباً عمومی شده است. رادیو و تلویزیون هم تقریباً و آن‌ها هر مطلبی واقع شود، همه جای ایران و خارج متوجه می‌شوند و این رادیو و تلویزیون باید اصلاح بشود، یعنی باید متحول بشود به یک بنگاه تعلیمی و تعلیمات اسلامی. اخباری که در این جا گفته می‌شود و واقع می‌شود، باید برخلاف موازین اسلام نباشد.

همچنین ایشان درباره نقش رادیو و تلویزیون در تربیت افراد می‌فرماید:

رادیو باید وسیله‌ای باشد برای پرورش یک ملت، با رادیو و تلویزیون از همه چیز بهتر می‌شود مملکت را پرورش داد، برای این که از رادیو و تلویزیون هم آدم بی‌سواد و هم آدم باسواد می‌توانند استفاده بکنند. الآن رادیو و تلویزیون طوری شده است که همه جا به آن گوش می‌دهند و شما می‌توانید از راه چشم و گوش به مردم خدمت کنید. در هر صورت این دستگاه‌ها باید تغییر بکنند و اگر تغییر نکرد باز همان بساط و همان برنامه‌های قبلی پیش می‌آید و برای آیندگان بدبختی خواهد بود. خداوند إن شاء الله همه ملت را بیدار کند و از آن نقشه‌هایی که برای ما کشیده‌اند مطلع بشوند و آن‌ها را خنثی کنند. (همو، ۱۳۶۴: ۴۵۲-۴۵۱)

به طور کلی می‌توان از رهنمودهای امام خمینی علیه السلام خطاب به مسئولان رسانه‌های جمعی، توصیه‌هایی تربیتی به شرح زیر استخراج کرد:

- مسئولان رسانه‌ها باید خود را باور داشته و در درون خود روحیه امیدواری به آینده را ایجاد کنند.
- مسئولان نه تنها باید خود دارای روحیه امیدواری باشند، بلکه باید به ملت هم روحیه بدهند.
- رسانه‌های گروهی باید استقلال طلبی را در مردم تقویت کنند.
- ایجاد روحیه امید و استقلال طلبی در مردم است که سبب پیروزی آن‌ها می‌شود؛ این روحیه را رسانه‌ها باید در مردم ایجاد کنند.
- رسانه‌ها باید توجه داشته باشند که در واقع آن‌ها فقط رسانه نیستند بلکه به مثابه دانشگاهی هستند که بزرگ‌ترین وظیفه آن، آموزش و پرورش افراد جامعه است.
- یکی از مهم‌ترین مسئولیت رسانه‌ها، آموزش راه و روش زندگی شرافتمندانه به مردم است.
- از دیگر مسئولیت‌های رسانه‌ها به ویژه مجلات، این است که انسان‌های

سالم، متفکر و خردمند تربیت کنند تا برای کشورشان مفید واقع شوند.
- رسانه‌های جمعی، توانایی ارائه خدمات ارزشمندی را به فرهنگ اسلامی -
ایرانی دارند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت الله خامنه‌ای (دام عزه) نیز در دیدار مدیران و
برنامه‌سازان رسانه‌ای کشور با ایشان (۱۳۸۵/۲/۲۶)، در بیان نقش و مسئولیت
صدا و سیما، چنین می‌فرماید:

طبیعتاً از وظایف صدا و سیما، ارتقای معرفت دینی و ایمان دینی است؛
هر دو، معرفت و ایمان، با هم تفاوت دارند. هم ایمان مردم باید تقویت
شود و هم معرفت و شناخت مردم. شناخت دینی مردم باید ارتقا پیدا
کند. در زمینه معرفت دینی، باید توجه داشت که ایمانی که مردم پیدا
می‌کنند، سست، عوامانه، سطحی و قشری نباشد. به شدت از این پرهیز
بشود. اکتفا نشود به تغلیظ احساسات مردم و تشریفات افراطی، هیچ
مفید نیست و تبلیغ دین محسوب نمی‌شود.

با توجه به سخنان ایشان، باید گفت که بالابردن درجه ایمان و همچنین
شناخت دینی مخاطبان، از وظایف صدا و سیماست؛ البته ایشان تصریح می‌کند
که منظور از این افزایش معرفت و ایمان دینی، افزایش سطحی و سست نیست؛ بلکه
تعمیق ایمان و معرفت دینی مخاطبان به صورت پایدار و به دور از برنامه‌های صرفاً
احساسی و عاطفی است. ایشان در جایی دیگر به نکته بسیار مهمی درباره
برنامه‌های دینی اشاره کرده و فرموده است:

برنامه دینی باید از ذهن شنونده شبهه‌زدا باشد؛ نه شبهه‌زا. گاهی
برخی بیانات دینی را از تلویزیون یا از رادیو گوش می‌کنم و می‌بینم شبهه
ایجاد می‌کند!

از سخنان ایشان مشخص می‌شود که مهم‌ترین ویژگی یک برنامه دینی
شبهه‌زدایی است و توجه به این ویژگی در تولید برنامه‌های دینی صدا و سیما به
دلیل نفوذ زیاد در مخاطبان خود، بسیار ضروری و با اهمیت است.

نکته دیگری که می‌توان از متن سخنان ارزشمند ایشان استخراج کرد، توجه به

تفاوت‌های فردی در بین مخاطبان صدا و سیماست؛ ایشان در این باره می‌فرماید:

درست است که ما تبیین دینی را در سطح نخبگان، در سطح متوسط، در سطح پایین و در سطح کودکان داریم، اما همان‌که در سطح کودکان است، مطلقاً باید صحیح باشد... آن‌چه در زمینه دین، به کودک یا به انسان عامی تفهیم می‌کنیم، مطلقاً نباید غلط باشد که بعد، در ارتقای معرفت دینی، ببیند آن حرف نادرست بوده است. نه! درست؛ منتها ساده. بنابراین، حرف دینی در همه سطوح باید صحیح باشد.

درواقع، رهبر انقلاب ضمن بیان این نکته که مسئولان باید برنامه‌های متنوعی را با توجه به سطح دانش و فهم مخاطبان خود عرضه کنند، ویژگی مشترک همه این برنامه‌ها را صحیح بودنشان می‌داند.

راهبردهای تربیت زمینه‌ساز در رسانه ملی

چنان‌که پیش از این نیز توضیح داده شد، انتظار به معنای آمادگی و زمینه‌سازی برای ظهور است و ایجاد جامعه منتظر و زمینه‌ساز از جمله وظیفه منتظران به شمار می‌رود. در این میان، مهم‌ترین وظیفه منتظران، طراحی راهبردها و راهکارهای دستیابی به جامعه منتظر است.

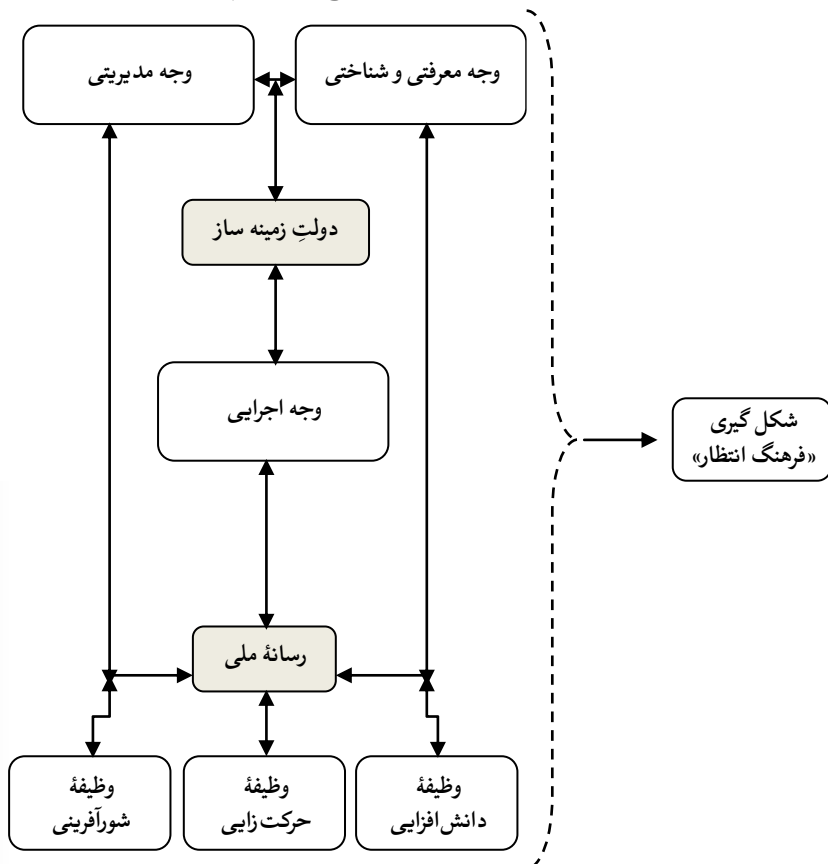
راهبرد معادل کلمه استراتژی^۱ است. استراتژی در لغت به معنای علم اداره کردن عملیات و حرکات ارتش در جنگ است (عمید، ۱۳۶۷: ۱۶۳). اساسی‌ترین راهبرد مهدویت، راهبرد فرهنگی است که رسانه در عرصه فرهنگی، نقشی بی‌بدیل دارد. در واقع رسانه ملی، رسانه‌ای عمومی و تأثیرگذار و یکی از مهم‌ترین ابزار زمینه‌سازی در قالب‌های آموزشی، تبلیغی و ترویجی به شمار می‌آید.

معارف مهدوی شیعی همه مراتب سه‌گانه «ذهنی - عقلی»، «قلبی - عاطفی» و «عینی - رفتاری» وجود آدمی را دربرمی‌گیرد و همه آن‌ها را به نوعی متأثر می‌سازد. از این رو، رسانه ملی در تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت و انتظار باید به «دانش‌افزایی»، «شورآفرینی» و «حرکت‌زایی» در کنار هم توجه کند تا همه وجوه این فرهنگ در

1. strategy

جامعه محقق شود. البته این سخن به این معنا نیست که یک برنامه همه این وجوه را داشته باشد، بلکه مراد این است که برآیند کلی برنامه‌های صدا و سیما و حاصل تولیدات متعدد و متنوع رسانه در عرصه مهدویت باید به گونه‌ای باشد که تصویری جامع از فرهنگ مهدویت و انتظار ارائه دهد و همه ابعاد وجودی انسان‌ها را از این فرهنگ متأثر سازد (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰: ۱۳۱).

پیش از این که به بیان راهبردهای ترویج مهدویت از طریق رسانه ملی بپردازیم، با ترسیم یک الگوی شش وجهی، اساسی‌ترین وظیفه دولت و رسانه ملی را در زمینه‌سازی ظهور، یعنی فرهنگ‌سازی انتظار را شرح می‌دهیم:



در توضیح این الگو باید گفت دولت زمینه‌ساز، با انجام این سه وجه از فعالیت خود، به فرهنگ جامعه سمت و سودا داده و در آخر، آن را به «فرهنگ انتظار» مبدل می‌کند. در هر کدام از این وجوه سه‌گانه، دولت زمینه‌ساز عهده‌دار مسئولیت‌های متفاوتی است که در عین حال همه این مسئولیت‌ها به همدیگر مرتبط بوده و به هم وابسته‌اند. حال، وظایف دولت زمینه‌ساز را در هر یک از این سه وجه به اختصار بیان می‌کنیم:

۱. **وجه معرفتی و شناختی:** اصلی‌ترین وظیفه دولت زمینه‌ساز درباره این وجه، بهینه‌سازی اطلاعات منتظر است.

۲. **وجه مدیریتی:** در این قسمت، دولت زمینه‌ساز باید شرایط لازم را برای شکل‌گیری فرهنگ انتظار در جامعه ایجاد کرده و برای تعهد مردم در این زمینه، باید این کار را با مشارکت افراد جامعه انجام دهد؛ نه این که این فرهنگ را به آنان تحمیل کند.

۳. **وجه اجرایی:** در این بخش نیز وظیفه دولت زمینه‌ساز، تثبیت فرهنگ انتظار و تداوم و توسعه همه‌جانبه آن است.

نکته دیگر این است که در این الگو، سه وجه فعالیتی دولت زمینه‌ساز را به سه وظیفه اصلی رسانه ملی مرتبط کردیم؛ به این ترتیب که وجه معرفتی و شناختی دولت به وظیفه دانش‌افزایی رسانه، وجه مدیریتی آن به شورا‌فرینی رسانه و وجه اجرایی دولت به وظیفه حرکت‌زایی رسانه مرتبط شده است. در واقع، مزیت این الگو این است که وظایف دولت زمینه‌ساز و رسانه ملی را در راستای هم و به گونه‌ای تفکیک‌ناپذیر از هم نشان می‌دهد و این خود گواه بر این است که دولت زمینه‌ساز و رسانه ملی باید دست به دست داده و همکاری لازم را با یکدیگر داشته باشند تا زمینه‌سازی برای ظهور و شکل‌گیری فرهنگ مهدوی به درستی شکل گیرد. همان‌طور که در الگو نیز نشان داده شده است، نتیجه فعالیت مشارکتی دولت زمینه‌ساز با رسانه ملی، شکل‌گیری «فرهنگ انتظار» است.

نکته پایانی این که همه این شش وجه به صورت تعاملی و در ارتباط با هم قرار دارند.

پس از بررسی وظایف دولت زمینه ساز درباره شکل دادن فرهنگ انتظار به طور عام، حال نوبت می رسد به بیان راهبردهای اساسی ترویج مهدویت از طریق رسانه ملی به طور خاص که مهم ترین ابزار تبلیغی، ترویجی و آموزشی در این باره است. تدوین و اجرای این راهبردها در سطح استانی، ملی و بین المللی نیز از وظایف دولت زمینه ساز ظهور است و بدون شکل گیری فرهنگ انتظار اجرای آن ها فایده ای نخواهد داشت. برخی از این راهبردها به شرح زیر می باشند:

- دولت زمینه ساز و ملت، باید در جهت زمینه سازی برای ظهور و شکل دادن فرهنگ انتظار، با یکدیگر هماهنگ و هم آوا بوده و به مطالبات همدیگر احترام بگذارند.

- ایجاد شبکه های ارتباطی نوین (مثل اینترنت)، برای برآوردن نیازهای منتظران در همه جهان.

- توجه رسانه ملی به توسعه اخلاق اجتماعی و مسئولیت پذیری.

- همکاری رسانه ها با مراکز تخصصی مهدویت و به مشارکت طلبیدن آن ها.

- اولویت دادن به پیام ها و تبلیغاتی که محتوای دینی دارند.

- همکاری رسانه های کشورهای مسلمان با هم و ایجاد شبکه های مشترک بین یکدیگر.

- تشویق پژوهش های راهبردی در زمینه مهدویت و تبلیغ برای چنین پژوهش هایی از طریق رسانه های جمعی.

- تربیت و تشویق کودکان و نوجوانان برای فهم ضرورت انتظار و زمینه سازی، از طریق فناوری های رسانه ای نوین.

- اختصاص بخشی از بودجه دولت برای تولید برنامه هایی با محتوای دینی.

- تولید برنامه هایی از قبیل نماهنگ، سرود، دل نوشته، برنامه های آموزشی،

- میزگردهای تخصصی و... جهت زمینه‌سازی برای ظهور منجی.
 - همکاری رسانه‌های جمعی با صاحب‌نظران و متخصصان امر، برای تدوین محتوا و متون آموزشی برنامه‌ها.
 - رسانه‌های گروهی علاوه بر همکاری با متخصصان، لازم است با دیگر سازمان‌ها و مؤسسات نیز همکاری کنند.
 - برای وحدت رویه لازم است یک سازمان نقش محوری داشته و سرپرستی دیگر ارگان‌ها و سازمان‌ها را برعهده گیرد؛ رسانه ملی بهترین گزینه برای این نقش است.
 - علاوه بر برنامه‌های آموزشی، لازم است برنامه‌هایی برای دعا جهت ظهور و سلامتی امام عصر^{علیه السلام} نیز، تولید و پخش شود.
 - برای تأثیرگذاری بهتر برنامه‌های دینی - به ویژه با موضوع مهدویت - بهتر است این برنامه‌ها هنگام اذان یا در زمان غروب آفتاب پخش شوند.
 - برپایی مجالس مذهبی و برنامه‌های آموزشی و دینی در مساجد، به عنوان پایگاه‌های اصلی مهدویت.
 - پخش اینترنتی و ماهواره‌ای برنامه‌های دینی، برای دسترسی مسلمانان دیگر کشورهای جهان به این‌گونه برنامه‌ها.
 - ایجاد انگیزه در مخاطبان برنامه‌ها از طریق برگزاری مسابقات و جوایز مادی و معنوی.
 - پشتیبانی مادی و معنوی از برنامه‌های دینی و مذهبی.
 - گرفتن بازخورد از مخاطبان برنامه‌های دینی، برای بازسازی و ارتقای کیفیت این برنامه‌ها، از طریق پیام کوتاه یا پست الکترونیک.
- به عنوان توصیه آخر نیز می‌توان گفت به نظرمی‌رسد اگر در برنامه‌های رسانه ملی تنها به مسائل عاطفی مهدویت پرداخته شود و شناخت عمیق‌تر موضوع مهدویت و فرهنگ انتظار کمتر مورد توجه قرار گیرد، نمی‌توان مطمئن بود رسانه ملی رسالت

واقعی خود را به درستی به انجام رساند. از این رو - چنان که قبلاً نیز گفته شد - باید انتظاری فعال، یعنی همان انتظاری که مد نظر امام راحل علیه السلام و رهبر معظم انقلاب است را در پیش گیریم.

نتیجه

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که انتظار و زمینه‌سازی برای ظهور منجی امری بسیار ضروری است و مسئولیت زمینه‌سازی در درجه اول بر عهده دولت زمینه‌ساز است. تدوین راهبرد اساسی‌ترین کارهای دولت زمینه‌ساز در این باره به شمار می‌آید. در میان راهبردها، راهبردهای فرهنگی دارای اولویت هستند و در عرصه فرهنگی نیز رسانه ملی اهمیت زیادی دارد. رسانه ملی نیز باید رسالت خود را در سه وجه دانش‌افزایی، شورآفرینی و حرکت‌زایی به انجام رساند و از راهبردهای تدوین شده در این باره به درستی استفاده کند. برای ساخت جامعه‌ای مهدوی، باید افراد جامعه و همچنین مسئولان امر تربیت، خود دارای تربیت مهدوی باشند؛ تربیتی که از آن با عنوان «تربیت زمینه‌ساز» یاد کردیم.

درباره مسئولیت زمینه‌سازی نیز گفتیم که هم مؤمنان، هم دولت‌های اسلامی و هم شخص امام زمان علیه السلام در این زمینه دخیل هستند. نقش رسانه در تربیت، در کلام امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌عزه) بررسی شد و دریافتیم رسانه ملی و به صورت ویژه تر تلویزیون، نقشی بسیار مهم در تربیت و همچنین ترویج فرهنگ مهدوی داشته و اصلی‌ترین وظیفه آن ارتقای معرفت و ایمان دینی مردم است و باید برنامه‌هایی متناسب با سن و سطح فهم مخاطبان خود عرضه دارد.

راهبردهای ترویج فرهنگ مهدویت از طریق رسانه ملی نیز تبیین شد؛ در این باره نیز یادآور شدیم که مهم‌ترین راهبرد، راهبرد فرهنگی است و در عرصه فرهنگ نیز مهم‌ترین نقش از آن رسانه ملی است و این رسانه باید در تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدویت انتظار، به دانش‌افزایی، شورآفرینی و حرکت‌زایی در کنار هم توجه کند.

در انتها نیز به بیان راهبردهای ارائه شده در زمینه ترویج فرهنگ مهدویت از طریق رسانه ملی پرداختیم. برای روشن تر شدن وظایف دولت زمینه ساز رسانه ملی و نیز ارتباط بین این دو، الگوی شش وجهی شکل گیری فرهنگ انتظار - که حاصل ارتباط فعالیت های دولت و رسانه است - طراحی و تبیین شد.

منابع

- الله بداشتی، علی، «نقش مهدویت در معناداری زندگی شیعیان»، فصل نامه مشرق موعود، ش ۲۲، ص ۱۰۸-۹۱، ۱۳۹۱ ش.
- آیتی، نصرت الله، «زمینه سازی ظهور؛ چیستی و چگونگی»، مشرق موعود، ش ۱۹، ۱۳۹۰ ش.
- باقری، خسرو، آسیب شناسی تربیتی مهدویت، انتظار موعود، ش ۱، ص ۲۳۹-۲۲۶، ۱۳۸۰ ش.
- باهنر، ناصر؛ محمدرضا روحانی، «فلسفه و هنجارهای کارکردی رسانه های جمعی در اندیشه امام خمینی علیه السلام»، پژوهش نامه متین، ش ۴۶، ۱۳۸۹ ش.
- حسامی، فاضل، «امام خمینی علیه السلام و رسانه های جمعی»، معرفت، ش ۳۱، ص ۷۶-۶۵، ۱۳۷۸ ش.
- حیدری نهند، کریم، «نقش فرهنگ انتظار در اصلاح جامعه»، مبلغان، ش ۷۰، ص ۷۵-۶۶، ۱۳۸۴ ش.
- حیدری، عزیزالله، حضرت مهدی علیه السلام؛ تجسم امید و نجات، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰ ش.
- خمینی، سید روح الله، آیین انقلاب اسلامی (گزیده ای از اندیشه و آرای امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۶ ش.
- _____، در جست وجوی راه از کلام امام (دفتر بیست و دوم: فرهنگ تعلیم و تربیت)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ ش.
- _____، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۱ ش.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم، «رسانه ملی و وجوه سه گانه فرهنگ مهدویت»، نشریه دانش راهبردی، ش ۱۱۰، ص ۱۵۸-۱۳۱، ۱۳۹۰ ش.
- صالحی، غلامرضا، «مهدویت و اصول نظام تربیتی اسلام»، مشرق موعود، ش ۴،

ص ۱۷۲-۱۵۳، ۱۳۸۶ ش.

- طاهری، سید مهدی، «تحلیلی بر زمینه سازی انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام در انقلاب اسلامی ایران»، ماه نامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، ش ۸۷-۸۶، ص ۶۹-۶۴، ۱۳۸۸ ش.
- عساریان نژاد، حسین؛ سید مجتبی علوی، «فرهنگ انتظار و راهبرد زمینه سازی ظهور»، دانش راهبردی، ش ۱، ص ۷۴-۷، ۱۳۹۱ ش.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ ش.
- غرویانی، محسن، تربیت فرزند با نشاط و سالم، قم، احمدیه، ۱۳۸۳ ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، قمی، ۱۳۸۹ ش.
- معین الاسلام، مریم؛ علی غلامی، زن متظر و منتظر پیروزی، قم، زلال کوثر، ۱۳۸۸ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، مهدی؛ انقلابی بزرگ، قم، انتشارات مطبوعاتی هدف، ۱۳۵۶ ش.

عوامل بنیادین ایجاد انگیزش در سیره تربیتی معصومان علیهم‌السلام

دکتر سید علیرضا حجازی*

چکیده

انگیزش، عاملی است که رفتار مشخصی را تحریک و هدایت می‌کند و پاسخی به این سؤال است که اساس یادگیری علم چیست؟ روان‌شناسان برای انگیزش، اهمیت بیشتری نسبت به هوش قائل می‌شوند. آنان انگیزش را حاصل عواملی مانند مشوق‌ها، نیازهای درونی، کنجکاوی، برانگیختگی و علت‌هایی می‌دانند که فرد برای رویدادها و نتایج اعمال می‌کند.

در این نوشتار، به عوامل بنیادین مؤثر بر انگیزه از جمله فرهنگ، خانواده، معلم، ویژگی‌های یادگیرنده، جو کلاس و متغیرهای آموزشی اشاره می‌کنیم و در پی آن، به اصل انگیزش در سیره معصومان علیهم‌السلام می‌پردازیم. در پایان نیز برخی راهکارهای ایجاد انگیزش در دانش‌آموزان بیان می‌شوند.

واژگان کلیدی

انگیزش، یادگیری، سیره تربیتی معصومان علیهم‌السلام، معلم، خانواده، فرهنگ.

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه قم و استاد جامعه المصطفی العالمیه
(sa.hejazi@yahoo.com).

چه عاملی دانش آموز را به یادگیری وادار می‌کند؟ چرا دانش آموزان با توانایی و استعداد یادگیری بسیار شبیه به هم، پیشرفت تحصیلی بسیار متفاوتی دارند؟ چرا بسیاری از دانش آموزان با وجود توانایی و ظرفیت یادگیری، ترک تحصیل می‌کنند؟ چرا برخی از معلمان پس از مدتی از حرفه خود احساس نارضایی می‌کنند؟ درباره یادگیری شرایط بسیاری مطرح شده است. برخی از آن‌ها - که بیشتر مورد توجه هستند - عبارتند از: شخصیت و توانایی‌های دانش آموز، آمادگی، انگیزه، تجارب گذشته، موقعیت و محیط یادگیری، روش تدریس معلم، رفتارهای آموزگار، تأثیر تمرین و تکرار، ویژگی‌ها تکالیف خاص یادگیری، مشوق‌ها و... انگیزش میان همه عوامل مؤثر بر یادگیری، اهمیت بیشتری دارد تا آن‌جا که گفته شده است سه عامل مهم در یادگیری عبارتند از: انگیزش، انگیزش، انگیزش (شعاری نژاد، ۱۳۷۸: ۱۶).

نقش انگیزش در یادگیری

بسیاری از معلمان ویژگی‌های دانش آموزان خوب را در ویژگی‌هایی نظیر سخت‌کوشی، همکاری و علاقه‌مندی می‌دانند و بعضی از آنان این ویژگی‌ها را به داشتن انگیزش دانش آموز منحصر می‌کنند. بسیاری از معلمان از دانش آموزان سخت‌کوشی صحبت می‌کنند که ترم تحصیلی را آهسته، ولی پیوسته به پایان می‌رسانند (اسپالدینگ، ۱۳۷۷: ۳).

پژوهش‌ها نیز نشان داده است که انگیزش دانش آموزان در یادگیری اهمیت مطلوب‌تری در مقایسه با هوش دارد. همچنین درباره تأثیر انگیزش بر یادگیری، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که انگیزش قوی به یادگیری استوار، و انگیزش کم به یادگیری کم می‌انجامد (سیف، ۱۳۸۳: ۳۴۷). در واقع انگیزش، موتور محرک تلاش و فعالیت برای یادگیری است و میزان یادگیری دانش آموزان را به حداکثر

می‌رساند.

دانش آموزی انگیزه نه تنها رغبتی به درس خواندن و یادگیری نشان نمی‌دهد، بلکه با بی‌تفاوتی و بی‌توجهی خود چه بسا برای کارکردن دانش‌آموزان دیگر در کلاس نیز مزاحمت ایجاد می‌کند. در این مورد، ضرب‌المثلی انگلیسی وجود دارد که می‌گوید: شما می‌توانید اسبی را که تشنه است تا کنار آب بکشانید، اما نمی‌توانید به نوشیدن آب وادارش کنید. مسئله انگیزش در دانش‌آموزان نیز همین‌گونه است (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۶۰)؛ یعنی ما باید دانش‌آموزان را تشنه یادگیری کنیم؛ زیرا با این کار خود او به دنبال یادگیری خواهد رفت.

به این نکته باید توجه داشت که هرچند انگیزه در امر آموزش نقش مهمی دارد، این‌گونه نیست که بدون انگیزه نتوان در فرد یادگیری ایجاد کرد (گانیه، ۱۳۶۸: ۴۱۱). در این زمینه آزیول می‌نویسد:

بین انگیزش و یادگیری رابطه دوسویه است، نه یک‌سویه؛ لزومی ندارد که فعالیت‌های یادگیری را به تعویق اندازیم تا این‌که علایق و انگیزه‌ها رشد یابند. اغلب بهترین راه برای آموزش به دانش‌آموز بدون انگیزش این است که حالت انگیزشی او به طور موقت نادیده گرفته شود و تا آن‌جا که ممکن است، به طور مؤثر به او آموزش داده شود (همو).

با توجه به اهمیت بحث انگیزش در یادگیری در این مقاله می‌کوشیم با تعریف آن، به طرح نظریه‌های موجود در این حوزه بپردازیم و برخی از راهکارهای ایجاد انگیزه در یادگیری مبتنی بر این نظریه‌ها را اشاره خواهیم کرد.

تعریف انگیزش

«انگیزش» اسم مصدر از «انگیزیدن» بوده و در لغت به معنای «تحریک»، «ترغیب»، «تحریض» و «هیجان» آمده است. واژه انگیزش در انگلیسی از کلمه لاتین «Mover» گرفته شده است. این اصطلاح همان‌گونه که از معنای رایج آن برمی‌آید، به علت و چرایی رفتار اشاره دارد (سیف، ۱۳۸۳: ۳۳۶).

انگیزش را می‌توان عامل نیرو دهنده، هدایت کننده و نگه دارنده رفتار تعریف کرد (همو: ۳۴۹). به زبان ساده، انگیزش چیزی است که فرد را به پیش رفتن وامی دارد؛ در حال پیش رفتن نگه می‌دارد و تعیین می‌کند که به کجا باید رفت (اسلاوین، ۱۳۸۵: ۳۶۰).

روان شناسان، انگیزش را عامل درونی می‌دانند^۱ که رفتار شخص را تحریک می‌کند و در جهت معین سوق می‌دهد و آن را هماهنگ می‌سازد. این نکته نیز مورد اتفاق است که انگیزه، سازه‌ای است که به طور مستقیم قابل مشاهده و اندازه‌گیری نیست، ولی وجود آن از رفتار شخص استنباط می‌شود.

اصطلاح انگیزه، اغلب با انگیزش مترادف به کار می‌رود. با این حال، می‌توان انگیزه را حالت مشخصی که سبب ایجاد رفتاری معین می‌شود، تعریف کرد. به دیگر سخن، انگیزه اصطلاحی دقیق‌تر از انگیزش است. انگیزش عمل کلی مولد رفتار به شمار می‌رود، اما انگیزه حالت اختصاصی رفتار خاص است (سیف، ۱۳۸۳: ۳۳۷).

نظریه‌های انگیزش در یادگیری

چون انگیزش نیز مانند بسیاری از مفاهیم روان‌شناسی، مفهومی انتزاعی است. طبیعی است که صاحب نظران درباره اهمیت و انواع آن اتفاق نظر نداشته باشند؛^۲ به همین دلیل، نظریه‌های معروف روان‌شناسی، یعنی نظریه رفتاری، نظریه

۱. تلاش و رفتارهای آدمی به عوامل متعددی مانند انگیزه (Motive)، علاقه (Interes)، نیاز (Need)، مشوق (Encourage)، ارزش (Value)، نگرش (Attitud) و... وابستگی دارد. این عوامل از هم جدا نیستند و بر یکدیگر اثرگذارند.

۲. روان‌شناسان انگیزه‌ها را به گونه‌های مختلفی بیان کرده‌اند و از همین رو دیدگاه‌های بسیار متنوعی درباره عوامل انگیزش ارائه شده است؛ چنان‌که فروید (Froud)، لیبیدو (Libido)، یا شور زندگی را اساس نیروی جنبش و فعالیت آدمی می‌شناسد. هرمان هسه (Herman Hesse) مفهوم دوگانگی را در نوشته‌ها و آثار خود مهم تلقی می‌کند. گروهی دیگر مانند موری (Murray) و مزلو (Maslow) نیازها را اساس بروز رفتار می‌دانند.

شناختی، نظریه انسان‌گرایی رویکرد اجتماعی، هریک درباره انگیزش توجیه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. در این جا، به اظهار نظرهای این سه نظریه درباره انگیزش اشاره می‌کنیم:

رویکرد رفتاری نگر به انگیزش

رفتارگراها کوشیده‌اند بدون سازه فرضی، ارتباط سببی و کارکرد بین عوامل عینی مشاهده شده (محرک و پاسخ) را مشخص کنند. بعدها این فرضیه ارائه شد که بین محرک و پاسخ یک متغیر فرضی رابط یا متغیر انگیزیمی وجود دارد.

رفتارگرایان در توجیه خود از انگیزش آن را حاصل عوامل بیرونی می‌دانند. به همین دلیل از انگیزش بیرونی سخن گفته‌اند. انگیزش بیرونی به انگیزشی اطلاق می‌شود که حاصل عوامل بیرون از خود یادگیرنده است. چشم‌انداز رفتاری بر پاداش و تنبیه‌های بیرونی به صورت کلید تعیین انگیزش دانش‌آموز، تأکید می‌کند. مشوق‌ها، محرک‌ها یا رویدادهای مثبت یا منفی هستند که می‌توانند رفتار دانش‌آموز را برانگیزند. مدافعان استفاده از مشوق‌ها تأکید می‌کنند که آن‌ها علاقه یا هیجان را به کلاس می‌افزایند و توجه را به رفتار مناسب معطوف می‌کنند و از رفتار نامناسب بازمی‌دارند. این مشوق‌ها در کلاس درس می‌تواند نمره‌های عددی، رتبه‌ای، دادن جوایز و پیشرفت یا اجازه برای انجام فعالیت‌های خاص باشد.

چنان‌که می‌دانیم، رفتاری که تقویت شود احتمال تکرار آن افزایش می‌یابد. تحسین معلم، چهره بشاش او و نمره‌های خوبی که به کارهای مورد قبول شاگردان می‌دهد، همگی پاداش‌هایی هستند که احتمال افزایش آن رفتار یعنی ارائه کار قابل قبول را فراهم می‌کنند (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۶۵). از آن‌چه گفته شد، درمی‌یابیم که اثربخش بودن رویکرد رفتاری به انگیزش قوی، به تقویت کننده‌ای مؤثر وابستگی دارد.

نظریه انسانی نگر به انگیزش

انگیزش از دیدگاه انسان‌گرایی، نیرویی فعال تلقی می‌شود که موجب می‌شود

همه انسان‌ها رشد کنند و تحول یابند. انگیزش چیزی بیرونی نیست که معلم برای دانش‌آموز یا کلاس انجام می‌دهد، بلکه پرورش تمایل مثبت از پیش موجود و فراهم کردن امکان رشد، توسعه و یکپارچه کردن تجربه‌هایی تازه است. هر فردی دارای یک (اصل نمو)^۱ درونی است که همه رفتارهای انسان را هدایت می‌کند و به آن نیرو می‌دهد (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۶۵).

دو عنصر از عناصر آموزش یادگیری برای انسان‌گراها اساسی است. این دو عامل عبارتند از: رابطه شاگرد - معلم و جو کلاسی... معلمان حمایت‌گرو دلسوز معتقدند دانش‌آموز فردی مهم است، و مطالب درسی را به گونه‌ای به وی ارائه می‌دهند که برای هر دانش‌آموز شخصاً معنا دار باشد و در هر کاری که در کلاس می‌کنند، رفاه عاطفی دانش‌آموزان را در نظر می‌گیرند (همو: ۱۷۶).

انگیزش به صورت سلسله مراتبی از نیازها

در رویکرد انسان‌گرایانه، چون بر رشد توانایی‌های فرد و آزادی انتخاب سرنوشت تأکید می‌شود، ارضای نیازهای اساسی مهم‌ترین انگیزه رفتاری است. مهم‌ترین نیازهای اساسی بر اساس طبقه‌بندی مزلو عبارتند از:

- نیازهای فیزیولوژیکی: گرسنگی، تشنگی و خواب؛
- نیاز به ایمنی: اطمینان از بقا، مانند محافظت شدن از جنگ و جنایت؛
- نیاز به عشق و تعلق: ایمنی عاطفه و مورد توجه دیگران بودن؛
- نیاز به احترام: احساس خوب درباره خود داشتن؛
- نیاز به خودشکوفایی و تحقق توانایی‌های خود.

مطابق با تقسیم مزلو بالاترین نیاز (نیاز به خودشکوفایی)، زمانی رخ می‌دهد که نیازهای سطح پایین تا حدی ارضا شده باشند. اما دیده شده در بسیاری از اوقات این نیازها بدون ترتیب مطرح شده، ارضا می‌شوند. برای مثال، برخی دانش‌آموزان

1. Griwth Principle

نیازهای شناختی شان برآورده شده، درحالی که نیازبه عشق وتعلق را تجربه نکرده اند (اسلاوین، ۱۳۸۵: ۴۰۵).

رویکرد شناختی به انگیزش

برخلاف نظریه های رفتاری، روان شناسان شناختی انگیزش را پاسخی در برابر نیازهای درونی در نظر می گیرند. بنابراین، از انگیزش درونی سخن می گویند. انگیزش درونی عبارت است از پاسخی که به نیازهای درون یادگیرنده از قبیل کنجکاوی، نیازبه دانستن واحساس قابلیت ورشد داده می شود.

انگیزش پیشرفت

یکی از نیازهایی که پژوهش های بسیاری را به خود اختصاص داده، نیازبه پیشرفت یا انگیزه پیشرفت است. گیج وبرلینر انگیزه پیشرفت را به صورت میل یا علاقه به کامیابی کلی یا کامیابی در زمینه فعالیت خاص تعریف کرده اند. پژوهش ها نشان داده اند که افراد از لحاظ این نیاز با هم تفاوت بسیاری دارند. بعضی افراد دارای انگیزه سطح بالایی هستند و در رقابت با دیگران و در کارهای خود، برای کسب پیروزی به سختی می کوشند. بعضی دیگر انگیزه چندانی به پیشرفت و پیروزی ندارند و از ترس شکست، آماده خطر کردن برای کامیابی نیستند (سیف، ۱۳۸۳: ۳۵۷).

انگیزش پیشرفت به عنوان تعریف شده است که به یادگیری تکالیف درسی سرعت می بخشد تا شخص با کیفیت یافتن و کامیابی، افتخار کسب کند. نیازبه پیشرفت، با انگیزه پرهیز از شکست تعدیل می شود (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۶۷).

نظریه برانگیختگی

اصطلاح برانگیختگی به حالت تهییج، توجه یا گوش به زنگ بودن اشاره می کند. برانگیختگی از معدود متغیرهای انگیزشی است که برای آن شاخص های

قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری فیزیولوژیکی وجود دارد. معلم در کلاس درس نقش محرک را بازی می‌کند و میزان تحریکاتی را که یادگیرندگان دریافت می‌کنند، تا حدودی فراوانی در اختیار دارد. معنادار بودن مطالب، پیچیدگی و سهولت گفتارهای معلم، طرز نگاه کردن و کیفیت نوشته‌های او بر روی تابلو همه به طور مستقیم توجه برمی‌انگیزد. همچنین معلم ممکن است از طریق ارائه مطالب کسل‌کننده و روش یکنواخت آموزشی، سطح برانگیختگی دانش‌آموزان را پایین آورد. از آن‌جا که سطح برانگیختگی با معناداری، تازگی و پیچیدگی محرکات نسبت مستقیم دارد، هر نوع تغییر در رفتار معلم، که به افزایش این عامل بینجامد، توجه دانش‌آموزان را بالا خواهد برد (سیف، ۱۳۸۳: ۳۵۸).

نظریه نسبت دادن

نخستین فرض اساسی نظریه اسناد این است که جست‌وجو برای درک و فهم امور و عوامل رویدادها، مهم‌ترین منبع انگیزشی انسان است. نظریه اسناد کوششی است برای ارائه علت یا دلیل وقوع رویدادها یا تجربه‌های شخصی. بنابراین، نظریه اسناد به علت‌هایی که فرد برای رویدادها یا نتایج اعمالش، به ویژه کسب کامیابی یا مواجهه با شکست، برمی‌گزیند اشاره دارد (همو: ۳۶۲).

دروان‌شناسی تربیتی، نظریه اسناد می‌کوشد تا تبیین‌های دانش‌آموزان را برای پیروزی و شکست‌های آنان در موقعیت‌های کلاسی به طور نامداری وصف کند. و این دریافت که اسنادها در الگوهای کلی جای می‌گیرند و افراد تمایل دارند پیروزی‌ها و شکست‌های خود را به چهار عامل اسناد بدهند: توانایی، تلاش، شانس و دشواری تکلیف. این اسنادها را می‌توان در سه بعد طبقه‌بندی کرد:

نخست بُعد مکان کنترل که می‌تواند درونی یا بیرونی باشد، به معنای این که علت درون یادگیرنده است یا بیرون از او.

بُعد دوم، بُعد پایداری است که معنای درجه ثبات در طول زمان یا قابلیت تغییر

آن است. تأثیر نخست بعد ثبات بر انتظار فرد از راه‌های اعمال فرد در آینده است. بعد سوم، بعد قابلیت کنترل است و از میزان کنترلی حکایت می‌کند که دانش‌آموز بر موقعیت یادگیری دارد؛ یعنی قابل کنترل یا کنترل‌نشده‌ی بودن موقعیت یادگیری (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۶۹).

افراد از لحاظ اعتقاد به مکان کنترل به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ گروهی که پیروزی‌ها و شکست‌های خود را به شخص خود و گروه دیگر که پیروزی‌ها و شکست‌های خود را به عوامل محیط بیرون از خود نسبت می‌دهند. گروه اول، افراد دارای منبع درونی کنترل نامیده شده‌اند و گروه دوم، افراد دارای منبع بیرونی کنترل نام گرفته‌اند. افراد دارای منبع درونی کنترل، که معتقدند رویدادهای مثبت زندگی، در نتیجه نقشه‌ریزی دقیق و کوشش پی‌گیر خود آنان به دست می‌آید. بدین جهت، برای هرگونه عمل و رفتار خود و پیامدهای ناشی از آن مسئولیت می‌پذیرند. برای مثال، دانش‌آموز دیر رسیدن به مدرسه را به دیر خارج شدن از خانه نسبت می‌دهد، نه به عوامل مبهم بیرونی. از سوی دیگر، افراد دارای منبع بیرونی کنترل، بین رفتار خود و رویدادها هیچ‌گونه رابطه علت و معلولی نمی‌بینند و بخت و اقبال، تصادف یا اشخاص دیگر را مسئول کنترل نتایج رفتار خود می‌دانند. در نتیجه، برای اعمال و رفتار خود مسئولیت نمی‌پذیرند و مثلاً نمره کم خود را به غرض‌ورزی معلم نسبت می‌دهند. چون افراد دارای منبع بیرونی کنترل، بر این باورند که رفتارها و مهارت‌های خود آنان بر تقویت‌هایی که دریافت می‌کنند چنان تأثیری ندارد، برای کوشش‌های خود ارزشی قائل نمی‌شوند. آن‌ها به کنترل زندگی خود به دست خویش در حال و آینده ایمانی ندارند. در مقابل، کسانی که معتقد به منبع درونی کنترل هستند، بر این باورند که کنترل زندگی خود را شخصاً در دست دارند و برای مهارت‌ها و توانایی‌های خود ارزش قائل می‌شوند.

یکی دیگر از پیامدهای نسبت دادن‌های علی در باره منابع درونی و بیرونی کنترل، رابطه آن با احساس احترام به خود یا عزت نفس است. پیامدهای مثبت

رفتار که به علت‌های درونی چون توانایی و کوشش نسبت داده می‌شود، در شخص احساس غرور و عزت نفس یا اعتماد به خود ایجاد می‌کند. اما توفیقی که به علل بیرونی چون بخت و اقبال یا کمک دیگران نسبت داده می‌شود، احساس غرور و اعتماد به خود ایجاد نمی‌کند. مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده برای فرد در انتخاب توانایی یا فقدان آن به صورت اسناد تاریخیچه گذشته فرد از پیروزی‌ها و شکست‌های اوست (سیف، ۱۳۸۳: ۳۶۵).

تحقیقات انجام شده درباره‌ی کندآموزان و عقب‌ماندگان خفیف نشان می‌دهد که آن‌ها به خودسرنزگیری در برابر شکست تمایل دارند و درباره‌ی پیروزی، اسنادهای بیرونی و ناپایدار می‌دهند. آن‌ها باور ندارند که کوشش‌هایشان عامل کامیابی آن‌ها و عدم تلاش آن‌ها علت شکست‌شان بوده است. برعکس، دانش‌آموزان موفق، توفیق خود را به علل درونی و پایدار اسناد می‌دهند. آن‌ها معتقدند که باهوشند و وقتی کار و تلاش می‌کنند، موفق می‌شوند. اگر شکست بخورند، ممکن است اسناد بیرونی بدهند. برای مثال، این که آزمون دشوار بوده است یا اسناد درونی بدهند؛ نظیر آن که به اندازه‌ی کافی کوشش نکرده‌اند. این‌گونه اسنادها و واکنش‌های مطلوبی هستند که به‌طور معمول به تلاش فزاینده و تلاش فزاینده به پیشرفت و مباحثات و احساس کنترل می‌انجامد.

اداراک‌های فردی دانش‌آموزان از کامیابی، در بطن نظریه‌ی اسناد و گوناگونی‌های آن نهفته است. اگر تلاش را عامل پیروزی و پیشرفت بدانند، انگیزش آن‌ها افزایش می‌یابد. برعکس، اگر احساس کنند که فقدان توانایی دلیل شکست آنان بوده و توانایی پایدار و کنترل‌نشده‌ی است، انگیزش کاهش می‌یابد. دشواری تکلیف نیز واکنش‌یادگیرنده‌ها را درباره‌ی پیروزی تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر کامیابی در یک تکلیف آسان به دست آید، احساس مباحثات درباره‌ی کامیابی کاهش می‌یابد. اما در صورتی که دانش‌آموزان تصور کنند تکالیف چالش‌انگیز بوده و تلاش آن‌ها در پیروزی‌شان مؤثر بوده است، احساس مباحثات در آنان افزایش می‌یابد.

کار معلم و مربی آن است که کامیابی شاگردان را افزایش دهند و در عین حال، به دانش آموزان کمک کنند تا به این نتیجه برسند که نتایج توفیق آمیز آن‌ها حاصل کار و تلاش سخت خودشان بود است.

درباره دانش آموزانی هم که شکست خورده‌اند و شکست خود را به عوامل کنترل نشدنی و پایدار اسناد می‌دهند، مربیان می‌توانند برنامه‌های بازآموزی اسنادی طراحی کرده، بکوشند تا اسناد آن‌ها را از عوامل کنترل نشدنی به عواملی قابل کنترل تغییر دهند. تحقیقات قابل توجهی در این زمینه انجام گرفته که مؤثر بودن روش‌های بازآموزی اسنادی را نشان داده‌اند.

مشکل بزرگ آموزش معلمان، وجود دانش آموزانی است که دارای مفهوم خود سطح پایین هستند که از شکست‌های پیاپی آنان در یادگیری ناشی شده است. این دانش آموزان بین پیروزی‌ها و اعمال خود رابطه نزدیکی نمی‌بینند و شکست خود را به فقدان توانایی نسبت می‌دهند. این اعتقاد که نتایج اعمال آن‌ها مستقل از اعمال آن‌هاست، به درماندگی آموخته شده می‌انجامد. این نوع اسنادها ناسازگارند و باید آن‌ها را تغییر داد. هدف برنامه‌های آموزشی تغییر دادن اسنادهای ناسازگار این است که روند ذیل تغییر کند.

رویکرد اجتماعی

افراد در نتیجه نیاز به پیوندجویی یا وابستگی، به برقراری رابطه با دیگران می‌پردازند. نیاز به پیوندجویی در دانش آموزان آن‌ها را برمی‌انگیزد تا اوقاتی را با دوستان همسالان معلمان والدین صرف کنند. ایجاد روابط بین فردی خصوصاً رابطه مثبت با معلم می‌تواند در انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش آموز مؤثر باشد.

راهکارهای مقابله با مشکل کمبود انگیزش یادگیری

انگیزش از دیدگاه‌های گوناگون مورد بحث قرار داده شد. روشن است که هیچ‌یک از آن‌ها به طور کامل و جامع پاسخ‌گوی مسئله انگیزش نیست. هر کدام

ویژگی‌های مهمی دارد که به انگیزش کمک می‌کند. در این بخش، ضمن اشاره به عناصر کلیدی در ایجاد انگیزش، کاربردی‌ترین عناصر قابل استفاده از دیدگاه‌های مطرح می‌شود. عناصر بنیادی فرهنگ، جامعه و خانواده، ویژگی‌های معلم و یادگیرنده و متغیرهای مربوط به جو کلاسی و متغیرهای آموزشی به طور کلی در انگیزش دانش‌آموزان تأثیرگذارند. وقتی این عناصر به صورت کامل به کار روند، انگیزش دانش‌آموز می‌تواند به میزان قابل توجهی افزایش یابد.

عوامل بنیادی مؤثر بر انگیزه

۱. فرهنگ

هنگامی که مذهب، افسانه‌ها، ادبیات عامیانه، قوانین مدنی درباره تعلیم و تربیت، موقعیت حقوق معلمان و انتظارات والدین از فرزندان در مدرسه و نقش آن‌ها در ارتباط با مدرسه همه بر اهمیت و ارزش دانش و دانش‌آموزی و پیشرفت علمی تأکید داشته باشند و اگر یادگیری و پیشرفت در مدرسه به صورت فضیلت شخصی مهم و موضوع معنوی تلقی شود و این امر واکنش مثبتی از سوی سایر دانش‌آموزان و خانواده داشته باشد، ترویج این فرهنگ می‌تواند یادگیرندگان را در پوییدن راه دانش با انگیزه سازد.

۲. خانواده

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که والدین، مهم‌ترین عامل مؤثر بر انگیزه فرزندان برای یادگیری هستند. نقش آنان در برانگیختن فرزندانشان به یادگیری در هر مرحله از رشد انکارناپذیر است؛ به طوری که این تأثیر تا سال‌های دبیرستان و فراتر از آن ادامه دارد (ولادکوفسکی، ۱۳۷۶: ۳۵).

خانواده‌هایی کارآمد، نگرش مثبتی به فرزندانشان می‌دهند که این به کامیابی

آن‌ها در مدرسه و زندگی کمک می‌کند. کلازک ویژگی‌های ذیل را به خانواده‌های کارآمد نسبت می‌دهد:

۱. احساس کنترل بر زندگی خویش؛
۲. ابراز انتظارات و توقعات بالا و بجا برای فرزندان (امید خانواده به کامیابی آینده آن‌ها)؛
۳. اعتقاد به این‌که سخت‌کوشی کلیدی برای پیروزی است؛
۴. شور زندگی فعال نه راکد و ساکن؛
۵. استفاده از امکانات اجتماع؛
۶. تا ۳۵ ساعت یادگیری در خانه در هفته؛
۷. بیان قواعد روشن و پی‌گیری اجرای آن؛
۸. تماس پیاپی با معلمان؛
۹. تأکید بر رشد معنوی (همو: ۳۸).

۳. معلم

معلمان، محیط آموزش را فراهم و آموزش را اعمال می‌کنند. جهت‌گیری آن‌ها درباره تدریس و یادگیری چارچوبی فراهم می‌کند که انگیزش کلاسی در آن چارچوب تحقق می‌یابد. اگر معلمان، فاقد ویژگی‌های لازم یعنی الگودهی، علاقه‌مندی، گرمی و هم‌حسی و انتظارات مثبت باشند، هیچ‌یک از عناصر یادگیری نمی‌تواند چندان مفید و مؤثر باشد. در ادامه، هر یک از این ویژگی‌ها توضیح داده می‌شوند.

الف) الگودهی معلم

رفتار معلم به خودی خود تأثیر مهمی بر رفتار دانش‌آموزان دارد. اگر معلمان به مطالبی که تدریس می‌کنند، بی‌علاقگی و بی‌رغبتی نشان دهند، ایجاد انگیزه در شاگردان عملاً غیرممکن خواهد بود. ذکر عبارت‌هایی نظیر «من می‌دانم این

مطلب کسالت آراست؛ ولی ما مجبوریم آن را یاد بگیریم» هیچ هدف مفیدی را دنبال نمی‌کند و برای انگیزش هم بسیار مخرب است.

ب) علاقه‌مندی معلم

علاقه‌مندی و دلسوزی معلم به صورت الگو، تأثیر بسیار مثبتی در جلب علاقه شاگردان به مطلب دارد. این علاقه‌مندی از طریق رفتارهای کلامی و هم رفتارهای غیرکلامی به شاگردان منتقل می‌شود.

ج) گرمی و هم‌حسی

«تدریس» عبارت از فعالیت انسانی است که در آن، انسان‌ها با هم ارتباط برقرار می‌کنند. در این سطح است که گرمی و هم‌حسی معلم تا این حد در تحت تأثیر قرار دادن انگیزش کلاسی مهم است. بهترین راهی که می‌توان گرمی و هم‌حسی را منتقل کرد، صرف زمان است. قدم زدن در حیاط و صحبت با دانش‌آموزان، یا اظهار نظر معمول درباره لباس شاگرد، علاقه و توجه معلم را به او نشان می‌دهد (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۸۴).

د) انتظارات معلم

انتظارات معلمان درباره پیشرفت درسی دانش‌آموزان به شکل ظریفی هر روز در کلاس به دانش‌آموزان منتقل می‌شود. این انتظارات هم به صورت کلامی و هم به صورت غیرکلامی انتقال می‌یابد و فضای کلاس، انگیزش دانش‌آموزان و سرانجام یادگیری آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شواهد قابل توجهی وجود دارد که نشان می‌دهند انتظارات معلمان واقعاً ادراک‌ها و پیشرفت تحصیلی شاگردان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. باور داشتن به این که دانش‌آموزان می‌توانند یاد بگیرند و یاد خواهند گرفت، متغیر کلیدی است که معلمان بتوانند از معلمان ناتوان و ناکارآمد متمایز می‌کند. متأسفانه معلمان اغلب تبعیض قائل می‌شوند و با دانش‌آموزانی که معتقدند پیشرفت خوبی دارند، رفتاری مساعدتر و مطلوب‌تر دارند تا با

دانش آموزانی که در انتهای ضعیف طیف پیشرفت قرار دارند. دانش آموزان نسبت به این رفتارهای متفاوت حساسند (همو: ۱۸۶).

مشکل کمبود انگیزش یادگیری دانش آموزان، با کمبود علاقه آنان به یادگیری موضوع های تازه ناشی از شکست های پی در پی قبلی در درس های مشابه درس جدید است. بنابراین، مهم ترین راه رفع مشکل این است که سطح رفتارهای ورودی شناختی دانش آموزان را بالا ببریم و کیفیت آموزش را نیز بهبود بخشیم. این اقدام ها سبب افزایش یادگیری و کسب کامیابی از سوی دانش آموز در درس های تازه خواهد شد. این کامیابی موجب می شود که یادگیرنده به تدریج به تصویری مثبت تر از توانایی های خود درباره یادگیری آموزشگاهی دست یابد. اگر این جریان در چند واحد یادگیری ادامه یابد، از تصورات منفی دانش آموز درباره توانایی اش در زمینه یادگیری مطالب آموزشگاهی کاسته می شود و به جای آن تصورات مثبت تری از این مورد کسب خواهد کرد که این خود علاقه و انگیزه یادگیری او را افزایش می دهد (سیف، ۱۳۸۳: ۱۷۰).

۴. یادگیرنده

آموختن در بسیاری جهات مثل کشت و کار است. هر دو به بستر رشد نیازمندند. معلم نمی تواند بیش از توان و تلاش دانش آموزان به آن ها چیزی بیاموزد. تا دانش آموز انگیزه یادگیری نداشته باشد، جریان آموزش به راحتی انجام نمی گیرد. پرسش این است که دانش آموز خوب و سالم و با انگیزه چه جلوه ای دارد؟

ویژگی دانش آموزان با انگیزه

دانش آموزان با انگیزه به درس توجه کامل دارند؛ زیرا به آن چه گفته می شود علاقه مندند، انگیزه درونی دارند و فرایند یادگیری را خوشایند می یابند. آنان فراوان می پرسند؛ در بحث های کلاسی شرکت دارند؛ یادگیرندگان خود تنظیمی هستند و تکالیف تعیین شده را با دقت و به موقع انجام می دهند و می دانند مسئولیت

اصلی یادگیری برعهده خودشان است. برای تلاش ارزش قائلند؛ مسائل را به خوبی حل می‌کنند و می‌دانند چگونه از منابع استفاده کنند. همچنین معلم را وامی دارند که برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های آن‌ها به منابع اضافی مراجعه کند و اطلاعات خود را افزایش دهد. نمره‌های خوبی می‌گیرند؛ اما این نمره‌ها را مختصر اطلاعی از کیفیت یادگیری می‌دانند، نه ملاک تلاش و توان خود. عموماً ارزش‌های خانواده و مدرسه خویش را درباره یادگیری می‌پذیرند. گاهی نگران می‌شوند و درباره برخی امتحانات دلشوره دارند. افت در یادگیری خویش را آگاهی از وضع خود تلقی می‌کنند، نه شکست در یادگیری (ولادکوفسکی، ۱۳۷۶: ۴۱).

۱. جو کلاسی

«جو کلاسی» به آن دسته از ویژگی‌های معلم و دانش‌آموزان اطلاق می‌شود که احساس ایمنی و امنیت و همین‌طور حس درک و تلاش را در دانش‌آموزان بالا می‌برد. جو کلاس از این نظر مهم است که به فراهم کردن محیط مهرآمیز پرورش دهنده برای یادگیری برپیشرفت و احساس رضای خاطر دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد. ویژگی‌های این جو عبارتند از:

الف) نظم و ایمنی

نظم و ایمنی در کلاس، هم برای انگیزش عمومی و هم برای انگیزش اختصاصی یادگیری ضرورت دارد. مدارس باید از نظر فیزیکی و روانی محیط‌های سالمی باشند تا شاگردان بتوانند در آن‌ها چیزی یاد بگیرند و دیدگاه‌های شناختی و انسان‌گرایی هر دو دلیل و منطق اساسی برای این عنصر را فراهم می‌کنند. یک راه برای ایجاد محیط ایمن و دارای نظم این است که نظامی از قواعد را به کارگیرند که به روشنی بیان شده و منصفانه اجرا شوند. قواعد مطابق با موقعیت‌های معلم تغییر می‌یابند. یک قاعده مهم که باید مورد نظر قرارگیرد، این است که دانش‌آموز همواره باید از خندیدن، ریشخند کردن، تحقیر کردن و خلاصه هر نوع آزار همکلاسان

خود در تمام موقعیت‌ها بپرهیزد. شکستن این قاعده باید در کلاس گناه کبیره تلقی شود. اعمال مداوم آن نه تنها احساس ایمنی ایجاد می‌کند، بلکه به ایجاد جوی که در آن دانش‌آموزان از یک دیگر حمایت کنند، کمک خواهد کرد.

ب) کامیابی

انتظار کامیابی مهم‌ترین متغیر جو کلاسی است. اهمیت آن تا حدودی به وسیله انتظار و ارزش تعیین می‌شود. کامیابی به احساس کفایت، کنترل و خودکارآمدی می‌انجامد که خود نیز به تلاش فزاینده می‌انجامد. تلاش بیشتر، اسنادهای مثبت برای کامیابی بیشتر را افزایش می‌دهد. همه این‌ها حرمت نفس را بهبود می‌بخشد. انگیزش بازم افزایش می‌یابد و این چرخه مثبت ادامه خواهد یافت.

۲. متغیرهای آموزشی

معلم و جو کلاس بر انگیزش عمومی برای یادگیری تأثیر می‌کنند تا چارچوبی فراهم آورند که معلم در آن چارچوب بتواند درس‌هایی انگیزه‌آفرین طراحی کند. یک دیدگاه درباره انگیزش اختصاصی برای یادگیری بر میزان توجهی که دانش‌آموز صرف تکلیف می‌کند و میزان درگیر شدن او در کار یادگیری متمرکز است. این بدان معناست که در آغاز باید توجه دانش‌آموزان را به نحوی جلب موضوع درس کرد. در این فرایند، آغاز درس بسیار حیاتی است و برای یادگیری و انگیزش هر دو اهمیت دارد. وقتی فعالیت یادگیری مستقیماً و شخصاً به دانش‌آموزان ربط داشته باشد و وقتی تقویت به حفظ توجه کمک کند، درگیر شدن و توجه شاگرد افزایش می‌یابد. همین عوامل متغیرهای اصلی آموزشی هستند که سبب افزایش انگیزش اختصاصی برای یادگیری می‌شوند.

۳. تمرکز مقدماتی

تمرکز مقدماتی اصطلاحی است که برای وصف روش معلم، در جلب توجه شاگردان در آغاز آموزش به کار می‌رود. دانش‌آموزان به وسیله رویدادهای منحصر به

فرد، جذاب، چشم‌گیر یا غیرمعمول برانگیخته می‌شوند؛ زیرا این‌گونه رویدادها حس کنجکاوی و چالش را در آن‌ها تحریک می‌کند.

۴. شخصی کردن

شخصی کردن، متغیری آموزشی است که محتوای درس را با استفاده از مثال‌های فکری یا عاطفی آشنا معنادارتر می‌کند. ارزش شخصی کردن مطالب از جهات گوناگون قابل درک است.

نخست، براساس تجربه‌های ساده در زندگی، همه ما می‌دانیم هر چیزی که شخصاً به ما ربط داشته باشد، بیشتر به سوی آن جذب می‌شویم.

دوم، ربط دادن محتوای مطالب درسی به زندگی دانش‌آموزان، هدف اصلی انسان‌گرایی است.

سوم، برخی از متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند معنادار بودن مطالب، یادگیری را افزایش می‌دهد و شخصی کردن یکی از راه‌ها برای معنادار کردن آن‌هاست. هرچه بتوانیم مطالب را به‌طور شخصی ربط بدهیم، برای ما محسوس‌تر از اطلاعات بی‌ارتباط و انتزاعی است (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۹۴).

سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام

۱. سیره

سیره برون «فعله» از کلمه «سیر» گرفته شده است. سیره به معنای حرکت و راه رفتن، و سیره به معنای رفتار است؛ چون وزن فعله در زبان عربی برنوع، کیفیت و هیئت عمل دلالت دارد، سیره به معنای حالت و چگونگی حرکت است؛ مانند: «جلسه جلیسه العبد؛ بنده وارنشستم» که چگونگی نشستن را بیان می‌کند.

برخی محققان از دلالت وزن فعله برنوع و هیئت عمل، چنین برداشت کرده‌اند که سیره برسبک و روش عمل دلالت دارد و از این رو گفته‌اند سیره‌نویسان معمولاً از

این نکته تخطی کرده‌اند و به رفتار پیامبر ﷺ پرداخته‌اند، نه سبک رفتار پیامبر ﷺ.

در بررسی این دیدگاه باید به این مطلب توجه داشت که سیره دو معنا دارد:

۱. سیره در اصطلاح، گاه به معنای چگونگی و نوع عمل است. این چگونگی همان هیئت و حالت فعالیت آدمی است و از آن جا که هیچ فعالیت بدون حالتی خاص تحقق نمی‌یابد و حالت رفتار، جدا از رفتار نیست؛ سیره در این مفهوم، همه رفتارها و فعالیت‌های آدمی را شامل می‌شود. این معنای نخست و اصیل سیره است که البته ربط چندانی به سبک و قاعده رفتار ندارد.

۲. معنای دوم سیره «سبک و قاعده رفتار» است. این معنا اخص از معنای اول است و از آن جا که معمولاً هر رفتار و عملکرد، به ویژه اگر از فاعل حکیم و به صورت پیوسته اتفاق افتد، تابع قانون و سبکی ویژه است، گاهی «سیره» به معنای سبک، شیوه و قاعده حاکم بر رفتار به کار می‌رود و آن چه استاد شهید مطهری بدان اشاره دارد، بر همین اصطلاح استوار است. اما در اصطلاح مورخان، «سیره» به همان معنای اول استعمال شده که هم رایج و هم دقیق است و جای خرده‌گیری بر آنان نیست. البته بررسی سیره به معنای اول، مقدمه‌ای است برای دستیابی به قواعد و سبک حاکم بر سیره، که همان معنای دوم است.

باید توجه داشت که منظور ما در این سلسله مباحث، سیره به معنای دوم است. در واقع، بنای ما در این مباحث بر سیره‌نگاری و تاریخ‌نویسی نیست؛ بلکه بر پایه سیره نقل شده در احادیث و تاریخ و به منظور دستیابی به قواعد، سبک‌ها و روش‌های تربیتی معصومان علیهم‌السلام بررسی و تحلیل انجام می‌شود.

نکته شایان توجه این که گفتار هم، چون به یک معنا جزو رفتار آدمی است، از لحاظ چگونگی صدور از گوینده می‌تواند سیره محسوب شود. از این روی سیره، به دو گونه «قولی» و «فعلی» تقسیم می‌شود. بنابراین در این مباحث، «سیره» علاوه بر رفتار تربیتی معصومان علیهم‌السلام چگونگی گفتارهای تربیتی - و نه محتوای گفتار - آنان را نیز شامل می‌شود.

از آن جا که مفهوم «سنت»، با «سیره» قرابتی ویژه دارد، نگاهی گذرا به مفهوم «سنت» و مقایسه آن با «سیره» نیز لازم است. سنت در لغت به معنای صورت، طریقه و سیره آمده است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ذیل ماده سنن) و در اصطلاح، به معنای متفاوتی به کار رفته است. نزد مورخان، «سنت» به معنای شرح حال، تاریخ زندگی و تولد رسول خدا ﷺ، شرح غزوات، تاریخ زندگی فرزندان و خاندان و یاران آن حضرت و مانند این‌هاست (طباطبایی، ۱۳۷۵).

در اصطلاح اصولیان و فقیهان، سنت عبارت از اقوال، افعال و تقریر معصوم است که البته از نظر عامه، تنها پیامبر ﷺ و از نظر شیعه، ائمه اطهار علیهم‌السلام را نیز شامل می‌شود. در اصطلاح دیگر فقهی - حدیثی، سنت عبارت است از احکام مستحب در مقابل احکام چهارگانه دیگر (واجب، حرام، مکروه و مباح) (همو).

در احادیث نیز گاهی سنت به معنای دیگری به کار رفته و آن کلیه مقرراتی است که از جانب رسول خدا ﷺ معین شده است؛ مانند تعداد رکعت‌های نمازهای واجب، کیفیت طلاق، تشهد، قرائت و مانند این‌ها (همو).

از معانی بسیار رایج سنت و در عین حال دور از موضوع بحث، راه و رسم زندگی و قوانینی است که دست‌کم در چندین نسل باقی مانده باشد. در عربستان قدیم به سنت، به این معنا، بسیار اهمیت می‌دادند و به آن احترام می‌گذاشتند.

با توجه به معنای ای که از سنت بیان شد می‌توان گفت در عرف مورخان، سیره و سنت به یک معناست و آن شرح حال و تاریخ زندگی پیامبر ﷺ (از نظر سنیان) و ائمه علیهم‌السلام (از نظر شیعه) است؛ اما در سایر حوزه‌ها، اصطلاح سیره و سنت تفاوت دارد.

از نظر لغت نیز می‌توان گفت سیره و سنت به یک معنا آمده و آن عبارت است از روش و طریقه پی‌موده شده. تفاوتی که میان سیره و سنت در اصطلاح فقهی - اصولی وجود دارد این است که سنت، بر اقوال و افعال و تقریر اطلاق می‌شود، در حالی که سیره تنها بر افعال اطلاق می‌شود. البته به کیفیت و هیئت قول نیز سیره

اطلاق می‌شود؛ مثلاً اگر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مقام سخن گفتن متین یا فصیح سخن می‌گفتند، می‌گوییم سیره قولی آن حضرت چنین بود و این غیر از خود قول و سخن است؛ چون در این جا با هیئت و چگونگی سخن گفتن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - که سخن گفتن هم خود نوعی فعل است - سروکار داریم.

۳. تربیت

تربیت از ماده «رَبَّوْ» به معنای افزودن و رشد و نمو کردن و علوآمده و در اصطلاح تعاریف متعددی از آن ارائه شده است و هرکس از زاویه‌ای بدان نگریسته و تعریفی خاص از آن داده است. یکی بر اساس هدف، دیگری بر اساس روش و سومی بر اساس تلفیقی از روش و هدف، تربیت را تعریف کرده است که در این بحث نه مجال ورود به آن تعریف‌هاست و نه ضرورتی دارد؛ ولی در این جا تعریفی کلی که تا حد بسیاری پذیرفتنی است به عنوان مبنا و محور بحث ذکر می‌کنیم.

تربیت عبارت است از هرگونه فعالیتی که معلم، والدین یا هر شخصی، به منظور اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار فردی دیگر، بر اساس اهداف از پیش معین شده انجام می‌دهد.

البته اهداف و محتوای تربیت نسبت به هر فرد، گروه یا مکتبی متفاوت است. طبق این تعریف، نه مربی تنها به معلم اطلاق می‌شود و نه مربی به دانش‌آموز. همچنین محیط تربیت نیز اعم از مدرسه و محیط‌های آموزشی است و شامل مدرسه، خانه، محل کار و حتی کوچه و بازار نیز می‌شود.

۴. اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام

منظور از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در این تحقیق، امیرمؤمنان حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام، حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام و یازده فرزند آن‌هاست که مشهور به امامان معصوم هستند. امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام از دیدگاه شیعه و در نظر بسیاری از مسلمانان علاوه بر آن که از صحابه و تابعین ممتاز پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به شمار می‌آیند، از عنوان مهم «اهل بیت» نیز

برخوردارند و آیه: ﴿ثُمَّ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ (احزاب: ۳۳)، به مقام ویژه آنان اشاره دارد و بسیاری از محققان و مفسران اهل سنت (نک: رازی، بی تا: ج ۲۵، ۲۰۹) هم با این تفسیر موافقتند. از این رو در این مباحث می توان با دید «فراشیعی» سیره آنان را ارزیابی و ارزش گذاری کرد و آنان را از اسوه ها و سرمشق های متعالی همه مسلمانان به شمار آورد. به همین دلیل در عنوان این مقال، برواژه اهل بیت علیهم السلام - که هم قرآنی است و هم مورد وفاق مسلمانان - تأکید شده است. اما گاه برای سهولت در تعبیر، از عنوان «معصومان» استفاده می کنیم که منظور همان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام هستند. واژه عصمت در *لسان العرب*، *تاج العروس* و *معجم مقاییس اللغة* - ذیل واژه عصم - به معنای بازداشتن و محافظت کردن آمده، و در اصطلاح دینی و کلامی «مصونیت شخص از گناه و خطا» است. درباره عصمت انبیا در میان فرقه های اسلامی اختلافات بلند دامنه ای پدید آمده که اعتقاد شیعه و مکتب تشیع بر عصمت همه آنان است. در کتاب های کلامی مانند *شرح موافق و شرح مقاصد*، این بحث مطرح شده و سید مرتضی در کتاب *تنزیه الانبیاء* از نظریه شیعه دفاع کرده است.

راز اهمیت سیره و رفتار معصومان علیهم السلام و لزوم تحقیق درباره آن، در عصمت آنان نهفته است و این نکته منشأ اعتبار و حجیت گفتار و رفتار آنان شده است.

درباره عصمت در میان مذاهب کلامی مسلمانان بحث های فراوانی مطرح شده است از جمله این که:

حقیقت عصمت چیست؟ علت و دلیل آن کدام است؟ دامنه و حدود معصومیت چقدر است؟ آیا عصمت به سخنان تبلیغی آنان اختصاص دارد یا شامل همه سخنان آنان و حتی رفتار آنان نیز می شود؟ آیا عصمت از گناه مورد نظر است، یا خطا را نیز شامل می شود؟ آیا تنها خطای عمدی را در بر می گیرد یا خطای غیر عمدی را هم شامل می شود؟ آیا مصونیت از ترک اولی نیز در معنای عصمت لحاظ شده است یا نه؟ آیا عصمت به پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص دارد یا اشخاص

دیگری هم مشمول آن هستند؟

پاسخ تفصیلی به این سؤال‌های مهم را در منابع و مآخذ کلامی باید جست‌وجو کرد، اما نوع پاسخ به هر یک از این مسائل، در رویکرد نهایی و موضوعی که نسبت به سیره عملی پیامبر ﷺ و امامان ائمه اطهار اتخاذ می‌کنیم و میزان اعتبار آن تأثیر دارد. پیش‌فرض مباحث این مقال، عصمت پیامبر ﷺ، حضرت زهرا ائمه اطهار و امامان دوازده‌گانه ائمه اطهار از گناه و خطا در اقوال و افعال است و این نظریه، مشهور و در مذهب تشیع مبنا و اصل موضوع تلقی شده است.

۵. سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ائمه اطهار

با توجه به تعریفی که از سیره، تربیت و عصمت ارائه کردیم، سیره تربیتی معصومان ائمه اطهار (پیامبر و اهل بیت) عبارت است از هرفرتاری که یکی از معصومان ائمه اطهار برای اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار دیگران - اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان، اصحاب و غیراصحاب، کودک و بزرگسال و فرزندان و خانواده خود یا دیگران - در محیط خانه، مسجد، کوچه و بازار یا هر جای دیگر انجام داده‌اند.

چنان‌که گفتیم در این تعریف منظور از «معصوم»، پیامبر اکرم ﷺ حضرت زهرا ائمه اطهار و امامان معصوم ائمه اطهار است. البته گرچه عنوان «معصوم» شامل سایر پیامبران الهی نیز می‌شود، اما در این جا درباره سیره آنان بحث نمی‌کنیم.

تأکید بر قید «تربیتی» برای محدود کردن موضوع و جداسازی سیره سیاسی، نظامی و مانند آن است. به دیگر سخن، رفتارهایی که معصومان ائمه اطهار در مقام حاکم، فرمانده جنگ، مبارز، سیاستمدار و... انجام داده‌اند، از دایره این بحث بیرون است. این رفتارها نیز گرچه بر دیگران اثرگذار بوده، اما این‌گونه تأثیر را به دلیل این که قصد تأثیرگذاری در کار نبوده است تأثیر تربیتی نمی‌نامیم؛ چون در اصطلاح رایج تربیت، قصد و عمد شرط است.

بنابراین، قلمرو بحث ما رفتارهایی است که از پیامبر ﷺ، حضرت زهرا علیها السلام و امامان معصوم علیهم السلام اختصاصاً در مقام تربیت دیگران صادر شده و دارای دلالت صریح تربیتی است.

یادآوری شویم که در بحث نقش تربیتی سیره، به صورت مبسوط از دو اصطلاح عام و خاص سیره تربیتی و تمایز آن دو، سخن خواهیم گفت و بر این نکته تأکید خواهیم کرد که عمدتاً در این طرح مقصود، سیره تربیتی به معنای خاص است. بنابراین سیره، گاه در معنای همه رفتارها و فعالیت‌های آدمی به کار می‌رود و گاه در معنای سبک و قاعده رفتار. منظور ما از سیره در این مقال، دستیابی به قواعد، سبک‌ها و روش‌های تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام است؛ یعنی علاوه بر رفتار تربیتی معصومان علیهم السلام چگونگی گفتارهای تربیتی - و نه محتوای گفتار - آنان نیز مورد نظر است.

- از نظر لغوی سیره و سنت به معنای روش و طریقه پیموده شده است. تفاوت این دو از لحاظ فقهی - اصولی است. سنت به اقوال و افعال و تقریر معصوم گفته می‌شود، در حالی که سیره تنها بر افعال آن‌ها دلالت دارد.
- تربیت عبارت است از هرگونه فعالیتی که معلمان، والدین و یا هر شخصی به منظور اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار فردی دیگر بر اساس اهداف از پیش تعیین شده انجام می‌دهد.
- اهل بیت علیهم السلام در مجموعه حاضر، افرادی از خاندان پیامبر علیهم السلام هستند که از صفت عصمت برخوردارند.
- با توجه به تعریف‌های اراده شده، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام عبارت است از هر رفتاری که یکی از معصومان علیهم السلام برای اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار دیگران در هر مکان و یا زمانی انجام داده‌اند.

توجه به اصل انگیزش در سیره معصومان علیهم السلام

معصومان علیهم السلام می‌کوشیدند انگیزه‌ی یادگیری را در مخاطبان خود ایجاد، یا انگیزه‌ی

موجود را از راه‌های گوناگون افزایش دهند. برخی از این شیوه‌ها عبارت است از:

۱. آگاهی بخشیدن درباره جهل

برای این کار، گاه معصومان علیهم‌السلام افراد را ابتدا به جهلشان آگاه می‌ساختند و پس از این که از درون به علم و آگاهی احساس نیاز می‌کردند و از امام آموزش می‌خواستند، امام به آموزش می‌پرداخت. در سیره پیامبر اکرم آمده است که حضرت روزی به مسجد آمد. مردی نیز وارد مسجد شد و نماز گزارد؛ سپس نزد پیامبر آمد و سلام کرد. پیامبر پاسخ او را داد و فرمود: «برگرد و نمازت را بخوان که نماز نخوانده‌ای!» آن مرد نمازش را دوباره خواند و نزد پیامبر آمد و سلام کرد. پیامبر باز فرمود: «برگرد و نماز بخوان که نماز نخواندی!» تا سه بار پیامبر چنین کرد. آن مرد پس از بار سوم که درمانده شده بود و نمی‌دانست عیب نمازش کجاست، عرض کرد: «به آن خدایی که تو را به حق برانگیخت، من بهتر از این نماز یاد ندارم تو آن را به من بیاموز...» (حسینی زاده، ۱۳۸۴: ۳۸).

۲. تشویق به علم‌آموزی

تشویق‌های مکرر به علم‌آموزی و یادگیری از سوی اهل بیت علیهم‌السلام، روش دیگری برای ایجاد انگیزه است. در این باره روایات بسیاری نقل شده است که به یکی از آن‌ها اشاره می‌شود: حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ اْعَلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ وَ أَنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ
أَوْجِبُ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ إِنَّ الْمَالَ مَقْسُومٌ بَيْنَكُمْ مَقْسُومٌ لَكُمْ قَدْ قَسَمَهُ
عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَ صَمْتَهُ سَيْفِي لَكُمْ بِهِ وَالْعِلْمُ مَحْزُونٌ عَلَيْكُمْ عِنْدَ أَهْلِهِ قَدْ أُمِرْتُمْ
بِطَلَبِهِ مِنْهُمْ فَاطْلُبُوهُ؛ (حرانی، ۱۴۰۴: ۱۹۶)

ای مردم، بدانید که کمال دین در طلب علم و عمل به آن است و طلب علم بر شما واجب‌تر از طلب مال است؛ زیرا مال بین شما تقسیم و برای شما تضمین شده است. عادل‌لی آن را بین شما قسمت و ضمانت کرده و به زودی به عهد خود وفا خواهد کرد؛ ولی علم را از شما پوشیده و نزد

اهلش اندوخته است و به شما دستور داد که به دنبالش بروید و آن را بجوید.

۳. تشویق و ترغیب دانش پژوهان

تشویق و تکریم دانش پژوهان، عامل دیگری در ایجاد انگیزه بیرونی است. در این زمینه در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که فرمود:

پدرم زین العابدین علیه السلام هرگاه به دانش پژوهان جوان برمی خورد، به آنان نزدیک می شد و می فرمود: آفرین بر شما! شما امانت داران علم هستید. امید است شما که اکنون کودکان قوم هستید، در آینده بزرگان قومی دیگر باشید. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۴، ۱۹۶)

این گونه برخوردهای معصومان موجب تشویق اصحاب به فراگیری علم و تقویت انگیزه آنان می شد.

۴. راهکارهای ایجاد انگیزش در دانش آموزان

- به دانش آموزان کمک شود تا نیازهای کمبود خود را برطرف کنند.
- آنان را یاری کنیم تا علاقه به پاسخ گویی به نیازهای وجود را در خود ایجاد کنند و به تعبیری ابراز وجود نمایند.
- احساس کامیابی در دانش آموزان ارتقا یابد.
- در آغاز درس، آنان از اهداف آموزشی آگاه شوند.
- در موقعیت های مقتضی، تشویق های کلامی به کار رود.
- از آزمون ها و نمره ها به صورت وسیله ای برای ایجاد انگیزش در یادگیرندگان استفاده شود.
- از خاصیت برانگیختگی مطالب بهره گیریم.
- از ایجاد رقابت و هم چشمی میان دانش آموزان جلوگیری کنیم.
- هنگام آموزش مطالب تازه از مثال های آشنا و هنگام کاربرد مطالب آموخته

- شده، از موقعیت‌های تازه استفاده شود.
- افزون بر توضیح و تشریح مطالب به صورت کلامی، تا آن‌جا که ممکن است، روش‌های دیگر آموزشی را نیز به کار گیریم.
 - دانش‌آموزان به مشارکت در یادگیری تشویق شوند.
 - پیامدهای منفی مشارکت یادگیرندگان در فعالیت یادگیری کاهش داده شود.
 - همواره دانش‌آموزان از روند یادگیری خود آگاه شوند.
 - به دانش‌آموزان مسائل و تکالیفی ارائه شود که نه خیلی ساده و نه خیلی دشوار باشد.
 - مطالب درسی تا آن‌جا که ممکن است به صورت معنادار ارائه شوند.
 - به دانش‌آموزان تکالیف و سؤالاتی بدهیم که آن‌ها را به تفکر وادارد تا درس‌ها را طوطی‌وار حفظ نکنند (سیف، ۱۳۸۳: ۳۷۷).

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- اسپالدینگ، چریل. ال، *انگیزش در کلاس درس*، ترجمه: محمدرضا نایینیان و اسماعیل بیابانگرد، تهران، وزارت آموزش و پرورش، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۷ش.
- اسلاوین، رابرت ایی، *روان شناسی تربیتی*، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، نشر روان، ۱۳۸۵ش.
- بیابانگرد، اسماعیل، *روان شناسی تربیتی*، تهران، نشر ویرایش، ۱۳۸۴ش.
- پارسا، محمد، *انگیزش و هیجان*، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۵ش.
- حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول* صلی الله علیه و آله و سلم، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- حسینی زاده، سیدعلی، *سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت* علیهم السلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴ش.
- خداپناهی، محمدرکیم، *انگیزش و هیجان*، تهران، سمت، ۱۳۷۶ش.
- دل تایان *شیوه های ایجاد انگیزه در افراد*، ترجمه: فرهاد نایینی، تهران، بازگانی، ۱۳۷۷ش.
- دینک میر، *تشویق کودکان به یادگیری*، ترجمه: رضوانی، مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۲ش.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، *تفسیر الفخر الرازی*، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- سیدمحمدی، یحیی، *روان شناسی یادگیری*، تهران، نشر روان، ۱۳۸۲ش.
- سیف، علی اکبر، *روان شناسی پرورشی*، تهران، آگاه، ۱۳۸۳ش.
- شعاری نژاد، علی اکبر، *یادداشت هایی درباره نظریه های انگیزش در آموزش و پرورش*، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸ش.

- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۵ ش.
- کریمی، یوسف، *روان شناسی تربیتی*، تهران، نشر ارسباران، ۱۳۸۵ ش.
- کلاور، جان ای، *روان شناسی تربیتی*، ترجمه: علی نقی خرازی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ ش.
- گانیه، روبرت، *شرایط یادگیری و نظریه آموزش*، ترجمه: نجفی زند، تهران، رشد، ۱۳۶۸ ش.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
- ولادکوفسکی، ریموند، *شوق یادگیری*، ترجمه: محمد پناهی شهری، تهران، آتیه، ۱۳۷۶ ش.

یادگیری و یاددهی حکمت بنیان؛ آموزش و پرورش در تراز آینده

دکتر مهدی فاتح‌راد*

حسن بیک محمدلو**

چکیده

از جمله مباحث اساسی در رشد و بالندگی انسان‌ها در سطح خانواده و جامعه، توجه اساسی به چگونگی آموزش و پرورش است. بررسی‌ها نشان می‌دهند آن‌چه به آموزش‌گیرنده انتقال می‌یابد - چه در دوران کودکی و چه در دوران آموزش‌های رسمی - مفاهیم و اطلاعاتی است که آن را می‌توان سواد نامید. این همان چیزی است که در ادبیات روز، آن را داده و اطلاعات می‌نامند. اما از منظر دیگر و از نگاه تعالیم دینی، آن‌چه باید به یک انسان آموزش داده شود تا سعادت‌مند گردد، حکمت است.

از سوی دیگر، فراهم کردن زمینه برای ظهور موعود، از وظایف منتظران به شمار آمده است. حال تربیت جامعه منتظر و چگونگی رشد و نمو منتظران، موضوعی است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد. از این رو

* عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف.

** دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه تهران (hmohammadlou@gmail.com).

نوشتار حاضر، گذری کوتاه بر مفهوم حکمت، راه‌های کسب و تعلیم و تعلم آن و همچنین آسیب‌شناسی کوتاهی از وضعیت یادگیری و یاددهی حکمت در آموزش و پرورش کنونی است و می‌کوشد جایگاه اساسی این مفهوم فراموش شده در ادبیات تعلیم و تعلم را بازنمایی و بازسازی کند.

واژگان کلیدی

یادگیری، یاددهی، حکمت بنیان، آموزش و پرورش، تراز آینده، تربیت زمینه‌ساز.

مقدمه

درنگی بر مفهوم حکمت

حکمت در اصل از ماده «حکَم» به معنای منع است، و از آن جا که علم و دانش و تدبیر - که از معانی حکمت است - انسان را از کارهای خلاف بازمی‌دارد، به آن حکمت می‌گویند. حکمت دارای معانی بسیار و مفهومی گسترده است؛ از جمله: معرفت، شناخت اسرار جهان هستی، آگاهی از حقایق، وصول به حق از نظر گفتار و عمل، شناخت خدا، شناخت اشیا - آن گونه که هستند - و نیز به معنای نور الهی که انسان را از وسوسه‌های شیطانی و تاریکی گمراهی‌ها نجات می‌بخشد. این که به درس فلسفه، حکمت می‌گویند از این روست که این علم، شاخه‌ای از حکمت است و می‌تواند انسان را در مسیر حکمت حقیقی قرار دهد.

حکمت در لغت یعنی دانشی که حق است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۹) و هیچ خلل و سستی در آن راه ندارد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ۱۴۰) و یکی از اصول سه‌گانه اخلاق اسلامی - در کنار شجاعت و عفت - است که دو بُعد افراط و تفریط را دربر دارد. افراط، همان زیرکی است که در آن، فکر در راه نادرست و در آن چه سزاوار و شایسته نیست یا بیش از اندازه شایسته است به کار برده می‌شود و علم به این امور ضد حکمت در بُعد افراط است و در اصطلاح اخلاق اسلامی «جریزه» نام

دارد؛ بُعد تفریط نیز همان کودنی است که عبارت است از تعطیل و به کار نبردن نیروی فکر در آن چه سزاوار است یا کمتر به کار بردن آن و در اصطلاح اخلاق اسلامی «بلاهت» نام دارد و چون برای آن (عقل) کندی و کودنی پیدا شود چیزی در نمی یابد و علم به حقایق برای او حاصل نمی شود و این همان جهل است که ضد حکمت در بُعد تفریط است (نراقی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۱۰ - ۱۱۲). گاهی نیز از اولی به فطانت و از دومی به جهل بسیط تعبیر می شود (نراقی، ۱۳۷۷: ۵۴).

حقیقت حکمت عبارت است از علم به حقایق اشیا و امور، چنان که هستند، و این متوقف بر اعتدال قوه عاقله است و چون عقل شدت و حدّتی خارج از حدّ اعتدال پیدا کند از حدّ شایسته خود بیرون می رود و به استخراج امور بسیار باریکی که با واقع مطابق نیست می پردازد؛ یعنی در خدمت وسواس یا حيله گری قرار می گیرد و وسواس مطابق با واقع بیرونی نیست و حيله هم آلوده به تزویر و دروغ است که مطابق واقع نیست. علم به این امور، ضدّ حکمت و در طرف افراط است و چون برای عقل حالت کندی و کودنی پیدا شود چیزی در نمی یابد و علم به حقایق برای او حاصل نمی شود و این همان جهل - ضدّ حکمت در بُعد تفریط - است (نراقی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۱۰ و ۱۱۱).

فضیلت حکمت در قرآن کریم و روایات

خدای متعال می فرماید:

﴿وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾؛ (بقره: ۲۶۹)

و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است.

امام صادق علیه السلام در شرح این آیه فرمود:

حکمت روشنایی و جلوه معرفت، میزان و میراث تقوا و میوه راستی و درستی است. پروردگار متعال به بنده ای احسان و انعام نفرموده است به چیزی که بزرگ تر، روشن تر، بهتر، و الاثر و ارزشمندتر باشد از نعمتی که در دل انسان پدیدار می شود و از آن چه خدای متعال در موضوع حکمت به

ودیعه گذاشته و در زمینه حکمت فراهم کرده است. از آن‌ها آگاه نمی‌شوند مگر آنان که بندگان خالص و مخصوص و برگزیده خدا هستند. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۴۴۹-۴۵۰)

رسول گرامی خدا ﷺ فرمود:

حکیم، گویا یک پیامبر است. (متقی هندی، ۱۴۱۳: ج ۱۶، ۶۵)

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

حکمت را بیاموزید گرچه از زبان منافقی صادر شود. (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶: ۵۸)

مقصد اصلی از سلوک به سوی خداوند، جوشش سرچشمه اصلی چشمه‌های حکمت بر قلب انسان سالک است که در عالم الهی قرار دارد و سالک با رسیدن به لقای الهی از یافتن حیات ابدی در بقای بالله از این علوم حقیقیه بهره می‌برد (بحرالعلوم، ۱۴۱۸: ۴۱-۴۶). برای حکمت، معانی فراوانی ذکر کرده‌اند؛ از جمله شناخت اسرار جهان هستی و آگاهی از حقایق قرآن و رسیدن به حق، از نظر گفتار و عمل و معرفت و شناسایی خداوند (مکارم شیرازی، بی‌تا: ج ۱۷، ۳۶). بنابراین با مراجعه به اصل کلمه، درمی‌یابیم که حکمت یک حالت و ویژگی درک و تشخیص است و به وسیله آن، شخص می‌تواند حق و واقعیت را درک کند و مانع از فساد شود و کار را متقن و محکم انجام دهد.

حکمت، حالت نفسانی و صفت روحی است، نه شیء خارجی، بلکه شیء محکم خارجی، از نتایج حکمت است (قرشی، ۱۳۶۱: ج ۱، ذیل کلمه حکمت). راغب می‌گوید: «حکمت، رسیدن به حق به سبب علم و عقل است.»^۱ در مجمع البیان می‌خوانیم: «حکمت همان علم و دانشی است که صاحبش را از جهل و نادانی مانع می‌شود» (طبرسی، ۱۴۱۸: ج ۱، ۱۱۲).

مقصود از دادن حکمت، علم و توفیق برای عمل است^۲ و به این دلیل حکمت

۱. الحکمة أصابة الحق بالعلم والعقل. (طریحی، بی‌تا: جزء اول، ۴۳۹)

۲. يعطى الحکمة ای العلم ویوفق للعمل. (همو)

گفته شده که مانع از جهل و نادانی و مرادف با فهم معانی است.^۱ در تفسیر جلالین آمده است:

يؤتى الحكمة اى العلم النافع المؤدى الى العمل؛ (محلّی و سیوطی، ۱۴۱۵: ۴۵،
ذیل آیه ۲۶۹ بقره)
این که حکمت می دهد، یعنی علم مفیدی که زمینه ساز عمل است و
بدان منجر می شود.

مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله می گوید:

الحكمة على ما يستفاد من موارد استعمالها هي المعرفة العلمية النافعة وهي
وسط الاعتدال بين الجهل والجريرة؛ (طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۱۶، ۲۳۶)
حکمت آن طور که از موارد استعمال و کاربردش استفاده می شود، همان
معرفت و شناخت علمی مفید است که از آن به حد وسط بین نادانی و
جریره^۲ تعبیر می شود.

به گفته علمای علم اخلاق، نخستین فضیلت و ملکه ارجمنندی که بشر را از
تمامی موجودات امتیاز می دهد، حکمت است.

آنان حکمت را چنین تعریف کرده اند: علم به حقیقت موجودات است از
حیثیت وجود آن ها (حکمت نظری) و این که شخص، امور معاش و معاد خود را
منظم و مرتب گرداند و به خوبی صلاح و فساد اعمال خود را از هم تمییز دهد
(حکمت عملی).

علما هفت قوه و ملکه را در تحت «حکمت» ذکر کرده اند، از جمله: ذکاوت،
تذکر، تعقل، سرعت فهم، وجودت ذهن، صفای ذهن، سهولت تعلم. آنان
معتقدند هر کس این قوا و ملکات در روی پدید گردد، برای قبول حکمت مستعد و
مهیا می گردد (ابن مسکویه، ۱۳۸۱: ۲۳۴). اما همه این معانی را می توان یک جا
جمع کرده و در تفسیر حکمت چنین گفت:

۱. الحکمة، فهم المعانی و سمیت الحکمة لأنها مانعة من الجهل. (همو)

۲. جریره به معنای فکر کردن در چیزهایی است که بالاتر از ادراک است و در آن ها نباید فکر کرد.

حکمتی که قرآن از آن سخن می‌گوید و خداوند به لقمان عطا فرموده: «لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» مجموعه‌ای از معرفت و علم و اخلاق پاک و تقوا و نورهدایت است» (مکارم شیرازی، بی تا: ج ۱۷، ۳۷).

امام موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر آیه ۱۲ سوره لقمان، خطاب به هشام بن حکم می‌فرماید:

مراد از حکمت، فهم و عقل است. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، کتاب العقل والجهل)

به محکم‌کار، حکیم می‌گویند؛ یعنی کسی که کار را از روی تشخیص و مصلحت انجام دهد. کلمه «حکیم» از اسماء حسناى الهی است؛ زیرا کارهای خداوند متقن و محکم و از روی حکمت و مصلحت است.

خداوند، حکیم مطلق است و ذات پاک او در قرآن، ۹۷ بار به عنوان «حکیم» یاد شده است. واژه «حکمة» بیست بار در قرآن آمده و از آن تمجید شده و تعلیم حکمت به عنوان هدف از آمدن رسولان خداوند بیان شده است (عبدالباقی، ۱۳۹۱: ۲۱۳ و ۲۱۴). اهمیت و ارزش حکمت از نظر قرآن در حدی است که خداوند در قرآن، دنیا را با آن همه وسعت، اندک و مایه فریب می‌داند و می‌فرماید:

﴿قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ﴾؛ (نساء: ۷۷)

به آن‌ها بگو: سرمایه زندگی دنیا، ناچیز است.

و نیز می‌فرماید:

﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾؛ (آل عمران: ۱۸۵)

و زندگی دنیا، چیزی جز سرمایه فریب نیست.

علی علیه السلام می‌فرماید:

الْحِكْمَةُ الَّتِي هِيَ حَيَاةٌ لِلْقَلْبِ الْمَيِّتِ؛ (شریف رضی، ۱۳۷۹: خطبه ۱۳۳)

حکمت مایه زنده شدن قلب مرده است.

۱. «وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نساء: ۲۶)؛ «إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (بقره: ۳۲)، «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران: ۶).

آن حضرت خطاب به امام حسن علیه السلام فرمود:

أَحْيِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ... وَتَوَزَّرْهُ بِالْحِكْمَةِ؛ (همو: نامه ۳۱)
قلبت را با موعظه زنده بدار... و به وسیله نورحکمت، نورانی کن.

ازاهمیت حکمت همین بس که آن حضرت فرمود:

الْحِكْمَةُ صَالَةٌ الْمُؤْمِنِ، فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَتَوَزَّرْهَا لِأَهْلِ التَّقَاتِ؛ (همو: حکمت ۸۰)
حکمت گمشده مؤمن است؛ آن را - حتی اگر از جانب منافقان باشد -
دریافت کن.

در تعبیری دیگری فرماید:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَجْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ؛ (همو: حکمت ۱۹۷)
این دل‌ها همانند تن‌ها خسته و افسرده می‌شوند؛ پس برای نشاط آن‌ها از
حکمت‌های زیبا و نشاط‌انگیز بهره‌گیری.

برداشت دینی و فلسفی از حکمت

دربداشت‌های دینی - چه نظری و چه عملی - حکمت امری الهی است و اگر هم آدمی از آن بهره‌ای ببرد، تنها به خواست و لطف خداوند است. در برداشت‌های غیردینی، حکمت برای آدمی امری دست‌یافتنی است و گوهر آن عبارت است از معرفت معطوف به عملی که آدمی را قادر می‌سازد از پس زندگی به خوبی برآید و زندگی خوبی را سپری کند. در برداشت‌های نظری - چه دینی و چه غیردینی - حکمت حتی به معنای نظامی فلسفی نیز می‌تواند باشد. در برداشت‌های عملی، معرفتی که در برداشت‌های نظری مورد تأکید است، تنها مقدمه‌ای - البته لازم - برای عمل است و اساساً دانش و معرفتی که به کار نیاید و تحقق نپذیرد حکمت نیست. به هر حال، تفکیک جنبه نظری و جنبه عملی حکمت از یکدیگر بسیار دشوار، و با جان‌مایه این مفهوم ناسازگار است. در بررسی برداشت‌های گوناگونی که در طول تاریخ از حکمت شده است، بیش از هر چیز توجه به نسبت این برداشت‌ها

با دو پدیده یا مفهوم بسیار مهم دیگر، یعنی دین و فلسفه ضرورت دارد. نسبت حکمت با دین در حوزه‌های فرهنگی دینی مختلف، متفاوت است. مثلاً در چین و آیین کنفوسیوس حکمت کمتر دینی و بیشتر اخلاقی - فلسفی است؛ اما در جاهای دیگر به شدت رنگ دینی گرفته است. در ادیان ابراهیمی نیز حکمت با دین پیوند نزدیکی دارد؛ جنبه حکمی بخش‌هایی از کتاب مقدس برجسته است؛ به ویژه در حکمت سلیمان، کتاب ایوب و کتاب جامعه. محققان غربی در بررسی مفهوم حکمت از منظر دینی - فرهنگی، در حوزه غربی به ترتیب تاریخی بر سهم بین‌النهرین (سومر و بابل)، مصر، یهودیت و مسیحیت، و در حوزه شرقی بر اهمیت آیین‌های هند و تائو بودا و کنفوسیوس تأکید می‌ورزند؛ اما در این میان عموماً از سهم شایان توجه ایران باستان و آیین زرتشت غفلت می‌شود.

ارتباط حکمت و فلسفه ظاهراً از ارتباط حکمت و دین هم وثیق‌تر است. هر چه باشد، فلسفه از نظر مفهومی با حکمت پیوند داشته و لفظاً هم با آن آغاز شده است. «فلسفه» (فیلسوفیا در یونانی) یعنی دوستداری حکمت (سوفیا). در واقع، بخش عمده‌ای از تاریخ فلسفه همان تاریخ حکمت است. بنابراین، با ظهور مسیحیت، فلسفه به معنای اولیه‌اش (راه روشی برای رسیدن به کمال و نوعی جهان‌نگری و شیوه زندگی)، کم‌کم در محاق رفت و مسیحیت خود تبدیل به چنین فلسفه‌ای شد. در قرون وسطا - که الهیات برترین علم بود و فلسفه نیز، به مثابه «خادمه» آن، تنها در کارتدارک نظری بود - نقش اولیه فلسفه را عرفان و اخلاق مسیحی برعهده گرفت. در عصر جدید، فلسفه استقلال خود را باز یافت، اما بسیاری از ویژگی‌های قرون وسطایی خود را حفظ کرد؛ از جمله اکتفا کردن به ساحت نظر و تغییر و اصلاح آدمی را وظیفه خود ندانستن. به همین دلیل مورخان معاصر فلسفه به ندرت به جنبه حکمی فلسفه رغبت نشان داده‌اند. اما به نظر نمی‌رسد که فلسفه حتی در قرون وسطای مسیحی کاملاً از شکل اولیه‌اش دور افتاده باشد و به هر حال، با توجه به مطالعات رو به گسترشی که هم از منظر

فلسفی - به ویژه از منظر روان‌شناختی - نیز در دوسه دهه اخیر درباره موضوع حکمت صورت گرفته است، می‌توان از گونه‌ای بازگشت به مفهوم سنتی حکمت در فلسفه و تفکر غربی سخن به میان آورد. فلسفه‌های شرقی را نیز اساساً باید گونه‌هایی از حکمت به شمار آورد. همچنین در سنت اسلامی، فلسفه و حکمت همواره درهم تنیده بوده‌اند و به کاربردن حکمت به معنای فلسفه، و حکیم به معنای فیلسوف امری معمول بوده است.

آثار حکمت

برای درک آثار حکمت به روایات شریف معصومان علیهم‌السلام مراجعه می‌کنیم. حضرت زهرا علیها‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که فرمود:

شِرَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ غَدُوا بِالنَّعِيمِ، الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَلْوَانَ الطَّعَامِ، وَيَلْبَسُونَ أَلْوَانَ اللَّيَابِ، وَيَتَشَدَّقُونَ فِي الْكَلَامِ؛ (سیوطی، بی‌تا: ۷۰)

بدترین امت من کسانی هستند که در ناز و نعمت و آسودگی پرورش می‌یابند؛ غذاها را رنگارنگ تناول می‌کنند؛ لباس‌های رنگارنگ برتن می‌کنند و در گفتار با مردم با ریشخند و دهن‌کجی سخن می‌گویند.

همچنین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

بِحَقِّ أَقْوَلُ لَكُمْ إِنَّ الصَّقَالَهَ تُضْلِحُ السَّيْفَ وَتَجْلُوهُ كَذَلِكَ الْحِكْمَةُ لِلْقَلْبِ تَضْفَلُهُ وَتَجْلُوهُ وَهِيَ فِي قَلْبِ الْحَكِيمِ مِثْلُ الْمَاءِ فِي الْأَرْضِ الْمَيْتَةِ تُحْيِي قَلْبَهُ كَمَا يُحْيِي الْمَاءُ الْأَرْضَ الْمَيْتَةَ وَهِيَ فِي قَلْبِ الْحَكِيمِ مِثْلُ الثُّورِ فِي الظَّلْمَةِ يَمْشِي بِهَا فِي النَّاسِ؛ (حزانی، ۱۳۶۳: ۶۱۸)

به حق به شما می‌گویم: صیقل دادن و زنگ‌زدایی شمشیر، آن را اصلاح کند و جلادهد و آب‌دار کند، حکمت نیز روح و روان را نورانی کرده و جلادهد. حکمت در قلب حکیم مانند آب در زمین مرده است؛ دل را زنده کند، چنان‌که آب زمین را زنده نماید و همانند نور در تاریکی است که انسان در پرتو آن، میان مردم راه رود.

لقمان درباره آثار درخشان حکمت، به فرزندش چنین می‌گوید:

يَا بَنِيَّ تَعَلَّمِ الْحِكْمَةَ تَشْرَفْ، فَإِنَّ الْحِكْمَةَ تَدُلُّ عَلَى الدِّينِ، وَتُشْرِفُ الْعَبْدَ
عَلَى الْحُرِّ، وَتَرْفَعُ الْمَسْكِينِ عَلَى الْعَنِيِّ، وَتُقَدِّمُ الصَّغِيرَ عَلَى الْكَبِيرِ، وَتُجَلِّسُ
الْمَسْكِينِ مَجَالِسَ الْمُلُوكِ، وَتَزِيدُ الشَّرِيفَ شَرَفًا، وَالسَّيِّدَ سُودًا، وَالْعَنِيَّ مَجْدًا؛
(مجلسی، ۱۴۱۰: ج ۱۳، ۴۳۰)

ای پسر جان، حکمت را بیاموز تا به مقام شامخ شرافت برسی؛ چرا که حکمت راهنمای دین است، و شرافت بخش غلام برآزاد است؛ تهی دست را ارجمندتر از ثروتمند می‌کند، و کوچک را بر بزرگ مقدم می‌دارد و فقیر درمانده را در جایگاه پادشاهان قرار می‌دهد، و بر شرافت انسان شریف می‌افزاید، و آقایی آقا را زیاد می‌کند، و ثروتمند را ستوده می‌نماید؛ دین و زندگی بدون حکمت گوارا نیست، و کار دنیا و آخرت، تنها در پرتو حکمت سامان می‌یابد. مثال حکمت منهای اطاعت از خدا، همچون پیکر بی روح یا زمین بی آب است؛ همان‌گونه که پیکر بدون روح و زمین بدون آب، نابسامان و بی نشاط است، همچنین حکمت بدون اطاعت خدا بی سامان و بی نشاط خواهد بود.

منابع حکمت

در قرآن کریم، عقل، خداوند، انبیا، اهل بیت، کتب آسمانی و رعایت اصول اخلاقی را از منابع حکمت بر شمرده شده است. در آیه ۲۶۹ سوره بقره - که پیش‌تر نقل شد - پس از بیان این که خداوند حکمت را به هر کس که بخواهد می‌دهد و حکمت خیر کثیر است، می‌فرماید:

﴿وَمَا يَذْكُرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾

و جز خردمندان، [این حقایق را درک نمی‌کنند، و] متذکر نمی‌گردند.

بنابراین شرط وجدان حکمت، عقل بوده و هر کس به میزان بهره‌مندی از عقل، از حکمت برخوردار است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ج ۲، ۳۹۶). در حدیثی مشهور - که در آن جنود عقل و جهل بیان شده - حکمت از جنود عقل، در مقابل هوئی از جنود جهل قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۲؛ حرانی، ۱۳۶۳: ۴۰۲؛ صدوق، بی تا: ۵۹۱). در احادیث بسیاری حکمت از آثار عقل شمرده شده و هوئی، هوس و

شهوت ضد عقل بیان گردیده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۰ و ۲۸؛ آمدی تمیمی، ۱۳۶۶: ح ۴۲۰۸ و ۵۴۲۰ و ۸۲۸۲؛ صدوق، بی تا: ج ۱۳، ح ۲۴۴؛ شریف رضی، ۱۳۷۹: خطبه ۱۰۹، حکمت ۴۲۴ و ۲۱۱؛ حرانی، ۱۳۶۳: ۲۰۸).

در آیاتی که تاکنون مورد بحث قرار گرفت، دیدیم که خدا معطی حکمت بیان شده است. مؤید این مطلب، آیات زیادی است که در آن‌ها خداوند خود را حکیم می‌نامد؛ اما سنت الهی این است که در اکثر موارد، مواهب الهی پس از آماده بودن زمینه‌های لازم، از طریق واسطه‌ها در اختیار آدمیان قرار گیرد. درباره حکمت نیز مطلب از همین قرار است و سنت الهی بر این قرار گرفته که حکمت یا بخش اعظم آن، از طریق پیامبران، کتاب‌های آسمانی و اولیای خاص و معصوم خدا برای مردم بیان شود. آیات و احادیث بسیاری در تأیید این مطلب وجود دارد که نقل و بررسی آن‌ها از حوصله این مختصر خارج است (نک: نحل: ۱۲۵؛ بقره: ۱۲۹، ۱۵۱، ۲۳۱؛ آل عمران: ۴۸، ۱۶۴؛ نساء: ۱۳۳؛ مائده: ۱۱۰؛ جمعه: ۲؛ قمر: ۴ و ۵؛ انعام: ۸۹).^۱

پیش‌تر در آیات و احادیث نیز خواندیم که حکمت به قرآن و تفقه در دین تفسیر شده بود. در سوره اسراء به ویژه آیات ۲۲ تا ۳۸، خدای حکیم این آیات را بخشی از حکمت معرفی کرده، می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ﴾. (اسراء: ۳۹)

خلاصه‌ای از مهم‌ترین مطالب مذکور در این آیات بدین قرار است: ۱. توحید و دوری از شرک؛ ۲. عبادت خدا؛ ۳. نیکی به والدین؛ ۴. رعایت حقوق نزدیکان و مستمندان؛ ۵. دوری از اسراف و تبذیر و رعایت اعتدال؛ ۶. پرهیز از کشتن فرزندان

۱. در روایاتی نیز ذیل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم السلام، بنا بر حکمت و ابواب و مفاتیح آن بیان شده‌اند. (شریف رضی، ۱۳۷۹: خطبه ۲، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۲۱؛ حرانی، ۱۳۶۳: ۱۶۳؛ آمدی تمیمی، ۱۳۶۶: ح ۱۰۰۶ و ۱۰۰۵ و ۲۷۸۶؛ مجلسی، ۱۳۶۲: ج ۳۸، ۳۱۸)

در روایاتی دیگر قرآن کریم با ویژگی‌های «منار الحکمة» و «حکمة ابلغ» ذکر گردیده و سوره حمد به عنوان سوره‌ای که جوامع حکمت در آن جمع است، معرفی شده است. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۵۹۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۱۳۶۶: ح ۱۱۰۴)

- از ترس فقر؛ ۷. دوری از زنا، فحشا و قتل؛ ۸. رعایت مال یتیم و وفای به عهد؛
 ۹. رعایت حقوق مردم؛ ۱۰. پیروی از علم و تحقیق علمی در امور.

علایم، اوصاف و آثار حکمت

از مصادیق خیر فراوان - که قرآن کریم از حکمت عطا شده به فرد به آن تعبیر می‌کند - می‌توان به امور ارزشمند زیر اشاره کرد:

۱. خالی بودن ماهیت حکمت از هرگونه شک (بحرالعلوم، ۱۴۱۸: ۴۷) به این معنا که عیار معرفت شناختی (اپیستمولوژیک) حکمت، بالاترین درجه ممکن برای بشر و عین واقع است و چون علوم دیگر - که گمانی و بسا آلوده به شک و تخیلات نادرست و... هستند و هر روز در تغییر و اصلاحند - نیست.

۲. ایجاد آرامش باطن و یقین؛ زیرا حکمت هیچ‌گاه از یقین و آرامش خاطر جدا نخواهد بود. بنابراین صرف فراگرفتن بعضی از مسائل و بیان کردن آن حتی به نحو شایسته و درست اما بدون وثوق و اطمینان قلب، حکمت نیست و فراگیرنده چنین چیزی حکیم نیست؛ زیرا حقیقت حکمت از اذعان یقینی منفک نیست و اوفاق این حال است. مَثَل او مانند تشبّه کودکان به مردان است، یا بعضی از حیوانات - همچون طوطی و میمون - که اقوال و افعال انسان را تقلید می‌کنند (نراقی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۱۹).

۳. خوف خدا؛ رسول گرامی خدا ﷺ فرمود: «اصل حکمت، خوف الهی است» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۴۳).

۴. وقار و هیبت؛ چنان‌که امام علی علیه السلام فرمود: «هر کس که به حکمت شناخته شود، چشم‌ها با وقار و مهابت به او نگاه می‌کنند» (وزام، ۱۴۱۰: ج ۲، ۴۰).

۵. داشتن تجرد روحی؛ امام خمینی رحمته الله علیه از یکی از بزرگان چنین نقل کرده است: حکیم آن است که بدن از برای او چون لباس باشد؛ هر وقت اراده نماید، او را رها کند (خمینی، ۱۳۷۸ - الف: ۹۱).

۶. مدارا با کسانى که چاره‌ای از معاشرت با آن‌ها وجود ندارد (حرّانى، ۱۳۶۳: ۲۱۸).

۷. اعراض از تعلق قلب به لذات و فانیات دنیوی و دل‌بستگی شدید به آخرت (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶: ۵۹).

۸. خودشناسی (مجلسی، ۱۴۱۰: ج ۷۵، ۸۱).

۹. تواضع برای خدا و خلق (خمینی، ۱۳۷۸ - الف: ۳۳۵).

۱۰. حق‌جویی و دوری از بی‌صدافتی؛ همان‌طور که امام علیه‌السلام فرمود: اصل حکمت در دوری از حيله‌گری (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶: ۲۹۱) و نیز ملازمت با حق (همو: ۵۹) است.

گفتنی است مرتبه کامل این آثار مخصوص درجات والای حکمت است و قطعاً مراتب خفیفی از آن‌ها یا برخی از این آثار در مراتب پایین حکمت نیز ظهور خواهد نمود و سالک اخلاق جوبه میزان تلاش در راه رسیدن به حکمت از گرمای طلایه‌های خورشید حکمت بهره‌مند خواهد شد.

راه‌های تحصیل حکمت

برای رسیدن به حکمت باید ابتدا شهوت و سپس غضب را تربیت و اصلاح کرد و به اعتدال آورد تا صفات عفت و شجاعت حاصل شوند و سپس قوه عقل را تعدیل نمود تا به حکمت آراسته گردد و البته این ترتیب کار را آسان می‌کند، اما عدم مراعات آن نیز تحصیل را غیرممکن نمی‌کند، بلکه دشوار می‌نماید (نراقی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۳۷).

پس از توجه لازم به اصل مذکور، توصیه‌های زیر از راه‌های اساسی در رسیدن به حکمت است:

۱. تولی به ولایت ائمه هدی علیهم‌السلام؛ رسول‌گرامی خدا فرمود: «من شهر حکمت هستم و علی در آن است و به شهر جز از راه در آن نمی‌توان وارد شد (صدوق، ۱۳۶۲: ۲۶۹).

۲. زهد در دنیا؛ امام صادق علیه السلام می فرماید: کسی که در دنیا زهد ورزد، خداوند حکمت را در قلبش استوار نموده و زبانش را به آن گویا می کند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۱۲۸). از نظر علمای اخلاق، حقیقت حکمت با ظلمت خودخواهی و خودبینی مصادف و منافراست و تا محبت دنیا و زخارف آن در قلب وجود دارد، از عیوب آن محتجب است (خمینی، ۱۳۷۸ - ب: ۳۰۸).

۳. گرسنگی؛ زیرا از اسباب تعلیم حکمت از طرف خداوند به فرد است (دیلمی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۰۵). رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هرکس غذایی را برای شهوت بخورد، خداوند حکمت را بر قلب او حرام می کند» (وزّام، ۱۴۱۰: ج ۲، ۱۱۶).

۴. حفظ زبان؛ به فرموده خداوند، حفظ زبان از اسباب تعلیم حکمت از سوی اوست (دیلمی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۰۵).

۵. عفت چشم و شکم (وزّام، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۳۰) که نگاه حلال و نیز حلال خوری است.

۶. دوری از شهوات (همو: ۱۲۲).

۷. راستگویی (همو: ۲۳۰).

۸. امانت داری (همو).

۹. صدق؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «حکمت ثمره صدق است» (بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۱، ۵۴۹).

۱۰. تواضع؛ زیرا حکمت در قلب متواضع می روید (حرانی، ۱۳۶۳: ۳۹۶).

۱۱. ترک بیهوده کاری ها و اشتغال به وظایف؛ از لقمان حکیم پرسیدند: دانایی و حکمت را بر چه چیز متمرکز کرده ای؟ گفت: به چیزی که برایم تضمین شده یا مسئولیتی نسبت به آن ندارم نمی پردازم و چیزی که مسئولیت آن را دارم را ضایع نمی کنم (حمیری، ۱۴۱۳: ۷۲).

مصادیق حکمت

هر دانش محکم و بدون خللی حکمت است؛ اما می توان گفت معرفت الهی،

اساس حکمت است. همان طور که خدای متعال فرموده است: «ما به لقمان حکمت دادیم» و در تفسیر آن می‌فرماید: «حکمت آن است که شکر الهی را به جای آوری» (لقمان: ۱۲). شکر در روایات ما به نسبت دادن هرگونه زیبایی و خوبی به خدای متعال تفسیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۹۷) که همان توحید حقیقی و معرفت خداست؛ زیرا حقیقت هستی همان ذات خدای متعال و ظهور کمالات اوست؛ اما در منابع اسلامی افزون بر معرفت الهی به طور خاص از سه مصداق زیر نیز به عنوان مصادیق حکمت یاد شده است که به نوعی با معرفت خدای متعال تلازم دارند:

۱. معرفت دین خدا و دین فهمی (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۵۱).
۲. شناخت امام علیه السلام و اطاعت از او (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۱۴۸). این معرفت در راستای همان شناخت خداست؛ زیرا اساساً راه شناخت خدای متعال در شناخت امام است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۹۹).
۳. شناخت امام و دوری از گناهان کبیره (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۵۹) که در واقع، مصداقی برای عنوان قبلی است؛ اما به دلیل اهمیت گناهان کبیره، بر ذکر آن تأکید شده است.

تعلیم و تربیت حکمت بنیان

موضوع مهمی که در این نوشتار به آن می‌پردازیم، این است که در نظام آموزش و پرورش دچار یکسری نارسایی‌ها هستیم، در حالی که در نظام اسلامی این تعلیم و تعلم باید مبتنی بر حکمت باشد. آن جا که راه را به بیراهه رفته‌ایم را می‌توان درد و بخش دسته‌بندی کرد که در آن از آموزش دینی عدول و به آموزش سکولار (عاری از دین) گرایش پیدا کرده‌ایم:

آموزش سکولار (دانش بنیان) در مقابل آموزش دینی (حکمت بنیان)

۱. استفاده از سیاست تذهیب (الحاق حدیث یا مطلبی دینی در درس)؛

۲. استفاده از سیاست تحویل (تقلیل معارف به علوم دقیقه برای اثبات انطباق و ایجاد فهم).

می‌دانیم تعلیم و تربیت، جزآن‌که یک مهارت به شمار می‌رود، دانشی است که اکنون در اوج استقلال و فربهی قرار دارد. امروزه متخصصان می‌کوشند مبانی فلسفی، انسان‌شناختی و روان‌شناختی تعلیم و تربیت را بکاوند و از فحوای این بحث‌های نظری، روش‌های مؤثرتر و کارآمدتر را در تعلیم و تربیت عملی استخراج کنند. در این میان، اسلام برای خود نظریه‌ای خاص در تعلیم و تربیت دارد که درخور توجهی ویژه است.

شهید مطهری به تاسی از حکما، برای فلسفه و حکمت به مفهوم عام و از نظرگاه‌های مختلف تقسیماتی قائل بود، از جمله حکمت استدلالی که متکی بر قیاس و برهان است و حکمت ذوقی که با ذوق و الهام و اشراق سروکار دارد. همچنین حکمت تجربی که سروکارش با حس و تجربه و آزمایش است و حکمت جدلی که بر اساس مشهورات در مسائل جهانی و کلی است. ایشان در کتب خود همواره بحث حکمت را مطرح کرده و اشاره دارد نظام آموزش و پرورش باید بر حکمت استوار باشد.

تحقق تربیت اسلامی مبتنی بر حکمت

جایگاه حکمت در تعلیم و تربیت اسلامی برکسی پوشیده نیست و باید اساس همه پرورش‌ها و تعلیم‌ها همین مبنا قرار گیرد و سیاست، اخلاق، علم‌آموزی، هنر، اقتصاد و... نیز این‌گونه باشد. در غیر این صورت، راهی عبث پیموده‌ایم و در مسائل خود، با ناکامی مواجه خواهیم شد.

شهید مطهری در مسئله تعلیم و تربیت، توجه خاصی به تعلیم حکمت دارد و آرزویش تحقق تعلیم و تربیت، بر اساس حکمت است؛ حکمتی که بر تعقل و تفکر و داشتن روح علمی و عدم تعصب، پایدار باشد. ایشان در این باره می‌گوید:

رشد شخصیت فکری و عقلانی باید در افراد و در جامعه پیدا بشود؛ یعنی قوه تجزیه و تحلیل در مسائل بالا برود. پس در تعلیم و تربیت، باید به دانش آموز مجال اندیشه داد، او را ترغیب به تفکر کرد. جای تردید نیست که در آموزش و پرورش، رشد فکری دادن به متعلم، به شاگرد، به کودک، به بزرگ و جامعه، باید هدف قرار بگیرد. اگر معلم یا استاد یا خطیب یا واعظ و هر که در مسند تعلیم جای دارد باید بکوشد که رشد فکری یعنی قوه تجزیه و تحلیل به دانش آموز بدهد. اگر همتش بر این قرار گیرد که هی بیاموزد و فراگیرد و حفظ کند، نتیجه ای نخواهد گرفت. آن چه که ما راجع به عقل می بینیم، می رساند که شخص به نیروی فکر کردن، قادر می شود که استنباط، اجتهاد و ردّ فرع بر اصل بکند. در ادبیات، فلسفه و منطق، فقه و اصول و نیز فیزیک و ریاضی، اجتهاد به همین گونه است. (مطهری، ۱۳۷۳: ۷)

دیگر اندیشمندان نیز این نظریات را تأیید کرده و معتقدند حکمت در سایه حیات معقول امکان دارد و شخصیت، در عبور از مراحل خام حیات طبیعی محض، به مراحل حیات معقول، قابل ساخته شدن است؛ به این شکل که:

- احساسات خام به احساسات تصعید شده، تبدیل گردد.
- جریانات ذهنی گسیخته به اندیشه های مربوط، تبدیل شود.
- محبت خام به محبت های معقول، بدل گردد.
- آرزوهای دور و دراز به امیدهای محرک، تبدیل شود.
- علاقه و عشق های صوری به عشق و علاقه های کمال بخش تغییر کند.
- قناعت به مفاهیمی بی اساس درباره خیر و کمال، به تلاش و تکاپو برای دریافت واقعیت خیر و کمال مبدل گردد.
- تقلید و پذیرش محض، به نظر و اندیشه واقع یابی اصیل و مستقیم، تبدیل شود.
- شطرنج بازی های عقل نظری جزئی به هماهنگی عقل سلیم و وجدان واقع بین، بدل گردد.

- بازی با تمایلات به اراده حساب شده مبدل شود.
 - خود را تافته جدا بافته از دیگرانسان‌ها دیدن، به درک وحدت عالی انسانی و
 تساوی انسان‌ها در هدف یا وسیله بودن، تبدیل گردد. (جعفری، ۱۳۶۲: ۷۷)
 بنابراین جایگاه عقل و تفکر در نظام تعلیم و تربیت ما، جایگاهی روشن دارد و
 باید این جایگاه را شناخت و در رشد و پرورش آن کوشید؛ چرا که در قرآن کریم و کلام
 معصومین علیهم‌السلام به این مطلب توجه خاصی شده است:

﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾؛ (انفال: ۲۲)

بدترین جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند.

امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید:

صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۱، ج ۱، کتاب عقل و
 جهل، ح ۴)

دوست راستین هر کس، عقل و هشیاری او و دشمن واقعی هر کس، جهل و
 نادانی اوست.

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرموده است:

قَدْ أَحْيَا عَقْلُهُ وَأَمَاتَ نَفْسَهُ؛ (شریف رضی، ۱۳۷۹: خطبه ۲۱۸)

[از جمله صفات انسان کامل و سالک الی الله، این است که] عقل خود را
 زنده کرده و نفس خود را میرانده است.

شهید مطهری با استفاده از کلام خدا و سخن معصومان علیهم‌السلام، نتیجه می‌گیرد خدا
 آن‌هایی را هدایت می‌کند که به راستی صاحبان عقلند (مطهری، ۱۳۷۳: ۷).
 بنابراین انسان باید بکوشد دارای حیاتی معقول (حیات طیبه) شود و رفته رفته
 خود را از حیات طبیعی محض بالا بکشد؛ زیرا زمینه ساز حکمت، حیات معقول
 است و بس، و حیات معقول با آن تعریفی که دارد، حق حیات برای عموم
 انسان‌هاست و این حق را نباید دستخوش بازی‌های بازیگران (حیات طبیعی
 محض) قرارداد. حفظ و نگه‌داری حیات انسان‌ها، از دستبرد تمایلات افراد

حیات نشناس به آن آسانی نیست که غالباً می خوانیم و می شنویم. این کار بزرگ به شکستن قلعه پولادین «حب ذات» و رها ساختن آن در مسیر گردیدن های عقلانی و وجدانی نیاز دارد که به جای تورم و گرفتن حق حیات دیگران، حیات دیگران را بشناسد و شایستگی آن را برای ادامه قانونی الهی خود واقعاً بپذیرد و در این گذرگاه، همه محصولات فکری و عقلانی خود را وسیله حیات روبه ورود در آهنگ کلی هستی تلقی کند (جعفری، ۱۳۶۲: ۱۰۲).

این جاست که تعلیم و تربیت باید در راستای تحقق حکمت قرار گیرد و فرهنگ اصلاح شود تا اشخاص حکیم و فرزانه در جامعه رشد یابند. اگر تعلیم و تربیت در راستای حیات طبیعی محض واقع شود، ثمره اش چیزی جز خلاف عقل و حکمت نیست. تعلیم و تربیت باید در راستای تقویت عوامل درک و فراگیری واقعیات حیات اصیل و تحریک نونهالان جامعه برای انتقال تدریجی «از حیات طبیعی محض» به ورود در «حیات معقول» باشد (همو: ۱۰۴). باید همه تلاش کنند آن چه خلاف مصالح حکمت است، از چهره اجتماع زدوده شود و باید کوشید مردم صاحب تربیتی عقلانی شوند تا در راستای حکمت گام برداشته و در حیات طیبه مسکن گزینند و تحقق این امر دشوار است، مگر:

- همراه کردن عقل و علم؛
- آزاد کردن عقل از حکومت تلقینات محیط و عرف و عادت های اجتماعی؛
- ترتیب اثر ندادن به قضاوت های مردم درباره انسان؛
- داشتن روح علمی و نه تنها توجه به محفوظات؛
- آینده نگری؛
- معاشرت با صالحان و نیکان؛
- فراهم کردن زمینه کار و تلاش؛
- تقویت اراده؛
- توجه به عبادت و پرستش؛

- حفظ شرافت و کرامت.

اصول تربیتی حکمت بنیان

اگرچه برخی از ویژگی‌های موجودات دیگر در انسان هست، ولی انسان به غیر از تمام موجودات است و با وجود مشترکات میان انسان و حیوان، امتیازاتی دارد که مختص اوست. از منظر اسلام و قرآن، بینش‌های غربی را مبنی بر این که انسان ماشینی پیچیده است یا به صورت یک حیوان تکامل یافته تصور شود را نمی‌پذیرد؛ بلکه انسان موجودی است که روح خدا در او دمیده و جسمش به خاک آمیخته و روحش به خدا؛ به طوری که در قرآن آمده که جهان هستی برای تو آفریده شده است. پس انسان باید از تمام هستی در شأن خود استفاده کند. بنابراین با توجه به این موجودیت راه ادب و پرورش انسان را باید بشناسیم و او را از انحرافات بازداریم و به فعلیت کمال انسانی اش برسانیم. کسی که خود به آداب انسان ساز متأدب نباشد نمی‌تواند انسانی را آموزش دهد و او را ادب کند؛ چرا که لازمه تأدیب کردن، معلمی مؤدب است که به روان آدمی آگاه باشد و مطابق با فطرت و روان آدمی روش‌های تربیت را در پیش گیرد. در نظام تربیتی روش‌های مختلفی برای تربیت انسان‌ها وجود دارد که می‌توان از آن‌ها به عنوان وظایف عملکردی مریبان در توسعه کیفیت امور تربیتی نام برد. در این بخش به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم و راه‌های آموزش و دستیابی به آن‌ها را در میان دانش‌آموزان مورد شناسایی و توجه قرار می‌دهیم:

۱. به تفکر واداشتن دانش‌آموزان

فکر در لغت به معنای اندیشه و خیال و تأمل است و در قرآن به معنای نوعی سیر و مرور بر معلومات موجود در ذهن است تا شاید از مرور در آن و بار دیگر در نظر گرفتن آن، مجهولاتی برای انسان کشف شود. دین اسلام، به تفکر و اندیشه بسیار اهمیت داده و همواره آن را برای انسان‌ها متذکر می‌شود. خداوند در موارد متعدد، انسان‌ها

را به اندیشه و تأمل امر می‌کند و بیان می‌دارد که هزاران راز و رمز در خلقت جهان و آن چه در آن است وجود دارد؛ اما فقط افراد متفکر و اهل مطالعه و محقق که نیروی فکر خود را به کار می‌گیرند از این رازها و رمزها مطلع می‌شوند.

۲. متکی بودن بر خود و کنترل کردن هواهای نفسانی

مربیان تربیتی باید در هدف اساسی خود در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان را طوری تربیت نمایند که آن‌ها خود اداره‌کننده خویش باشند، تمایلات یا هواهای نفسانی خود را تحت نظارت درآورده و خود را از آن چه غیر منطقی یا غیر عقلانی است، دور سازند و آن چه را شایسته انسان بودن اوست انجام دهند. لازم است دانش‌آموزان طوری تربیت شوند که بدون پشت کردن به دیگران و بدون نفی ارزش و احترام همکاری و معاضدت، روی پای خود بایستند و در تنظیم و اداره امور خود مزاحم و نیازمند دیگران نباشند.

۳. تعلیم حکمت به عنوان یک هدف تربیتی

حکمت به معنای حالت و خصیصه‌ای روحی و نفسانی است که بتواند حقایق و واقعیات را درک کند و اعمالش را محکم و متقن انجام دهد. حکیم کسی است که کارها را بر میزان تشخیص برحق و محکم‌کاری انجام می‌دهد و حکمت عملی خود بر سه قسمت تقسیم می‌شود:

الف) تهذیب اخلاق؛

ب) تدبیر منزل؛

ج) سیاست مدن.

آموزش سخن منطقی یا معرفت مدلل از لحاظ تربیتی دارای اهمیت ویژه‌ای است و یکی از کارهای مربی این است که به فرد کمک کند اولاً منطقی بودن یا نبودن چیزی را بشناسد و بعد آن چه را که منطقی است بپذیرد و غیر منطقی را رد کند و طبیعی است که پذیرش یا رد مطلبی مستلزم بررسی و قضاوت همان فرد

است. از این رو با آموزش حکمت، در واقع قدرت تشخیص و توانایی استدلال و قضاوت دانش‌آموز نیز تقویت می‌شود.

۴. پرورش روح عدالت‌خواهی

یکی دیگر از اهداف مریبان باید پرورش روح عدالت‌خواهی در دانش‌آموزان باشد. عدالت در لغت به معنای اعتدال و حد وسط بین عالی و دانی و میانه بین دو طرف افراط و تفریط است. از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «عدالت مرد در بین مسلمانان به چه چیز شناخته می‌شود تا شهادت‌هایی که له یا علیه آنان می‌دهد پذیرفته شود؟» فرمود: «کسی را می‌توان به عدالت شناخت که مسلمانان او را به سترو عفاف (تزکیه) و جلوگیری از شکم و شهوت و دست و زبان بشناسند و به اجتناب از گناهان کبیره‌ای که خداوند به مرتکب آن وعده آتش داده است؛ از قبیل می‌گساری، ربا، عقوق پدر و مادر و فرار از جنگ و امثال آن معروف باشد.»

۵. استفاده از پند و اندرز در تربیت متربیان

روش‌هایی که دین مبین اسلام در تربیت و پرورش انسان‌ها به کار می‌برد متعدد است. از جمله آن‌ها روشی است که آن را روش موعظه و پند و اندرز می‌نامیم. با توجه به وجود نیروی گویایی و تکلم و بیان در وجود انسان و همچنین بهره‌مندی او از نیروی شنوایی می‌توان گفت یکی از استعداد های وجود انسان که هم تحت تأثیر سخن قرار می‌گیرد و هم با استفاده از این توانایی دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از موارد کاربرد کلام و سخن این است که با استفاده از آن، هم خود را تربیت کنیم و هم دیگران را از طریق موعظه و پند و اندرز به جایگاه انسانی شان واقف سازیم که بدین وسیله رسیدن به هدف آفرینش - یعنی کمال و سعادت ابدی - تسریع و تسهیل شود.

الف) قرآن و روش موعظه و پند و اندرز

روش‌هایی را که قرآن کریم برای تعلیم و تربیت انسان‌ها به کار می‌برد، در عین

برخورداری از یک وحدت و هماهنگی و انسجام ناگسستنی در اصول و اهداف، متعدد و متنوعند و این تعدد و تنوع با فطرت و طبیعت انسان‌ها نیز سازگار است. قرآن کتابی است که گام به گام با نوآموزان خود جلوآمده و اشتباهات و نقایص اعمال آنان را در برابر دیدگان عقل آنان قرار می‌دهد تا این که خود با چراغ عقل، موارد تاریک اعمال خود را دریابند و در موارد بعدی از ارتکاب آن خودداری کنند.

ب) شرایط لازم برای موعظه و پند و اندرز

برای این که موعظه و پند و اندرز اثر لازم را در وجود تربیت شونده بگذارد لازم است او عملاً اثر پند و اندرز را در وجود و اعطی و اندرز دهنده آسان و اجرا شونده ببیند تا از او پیروی کند، وگرنه موعظه به تنهایی کافی نخواهد بود، بلکه آن واعظی می‌تواند سرمشق باشد و احساسات و افکار و رفتار مترقیانش را به خود وابسته کند که خود در منظر عام مقبول، اثرات و عطف و پندش در حرکات و رفتار او محسوس باشد. دعوت به حق و تربیت صحیح به وسیله موعظه و پند و اندرز، زمانی اثر بخش خواهند بود که خود واعظ، عمل به حق کند و به آن چه موعظه می‌کند، متعظ شود؛ وگرنه دعوت به حق به زبان، ولی اقدام به خلاف آن در عمل، در واقع دعوت به خلاف حق است نه به حق. همچنین دعوت به حق، به وسیله مجادله با مسلمانیات کاذب به خصم (یعنی با آن چه خصم با ما مجادله می‌کند) هر چند اظهار حق است، ولی چنین مجادله‌ای احیای باطل نیز هست؛ زیرا آن چه خصم به وسیله آن، با ما مجادله می‌کند، چون هم دعوت به حق نیست و هم در مقابل دعوت به حق قرار دارد، لامحاله باطل است.

باید از هر سخنی که خصم را بردعوتش تهییج می‌کند و او را به عناد و لجبازی وامی‌دارد، پرهیزد و تا آن جا که ممکن است از به کار بردن آن مقدمات کاذب - که خصم آن را مسلم و واقعی می‌پندارد - دوری کند. همچنین لازم است از بی‌عفتی در کلام و از سوءتعبیر اجتناب کند و به خصم خود و مقدسات او توهین نکند و فحش و ناسزا نگوید و از هر عمل و حرکت ناشی از نادانی‌های دیگر دوری کند و اگر

غیر از این کند، درست است که حق را احیا کرده، ولی به قیمت احیای باطلی دیگر یا کشتن حقی دیگر بوده است.

نتیجه

پرورش انسان حکیم - یعنی انسانی که در تراز جامعه مهدوی باشد - از اساسی‌ترین وظایف منتظران است. راه ساخت یک جامعه مهدوی از راه اصلاح نظام آموزش و پرورش آن می‌گذرد. بنابراین اصلاح و بازسازی نظام تعلیم و تعلم امری ضروری است. تعلیم و تربیت، مخصوص دیگران نیست؛ بلکه انسان قبل از هر کس باید خود متعلم و تربیت شونده از افراد عالم و اهل فن باشد؛ چنان که هر معلم و مربی در تعلیم و تربیت اسلامی، پیش از این که تعلیم و تربیت انسان‌های دیگر را برعهده گیرد، لازم است معلم و مربی خود باشد و خود را به آداب قرآن مؤدب کند و به اخلاق اسلامی متخلق سازد و در مکتب تربیتی اسلام تربیت شود و سپس گام در راه خدایی و لذت بخش و انسان ساز بگذارد. آن چه مبنا و محور این نظام تصویر می‌شود حکمت است. جایگاه حکمت در تعلیم و تربیت اسلامی بر کسی پوشیده نیست و باید اساس همه پرورش‌ها همین مبنا باشد و باید سیاست، اخلاق، علم‌آموزی، هنر، اقتصاد و... نیز این‌گونه باشد و اگر جز این باشد، راهی عبث پیموده‌ایم.

در نظام یادگیری و یاددهی کنونی، فرد با سواد و مطلع پرورش می‌یابد، در حالی که هدف نظام تعلیم و تعلم دینی، ایجاد سعه وجودی و شرح صدر برای کسب معرفت و حکمت است؛ جایی که علم و عالم یکی می‌شوند. هدف نظام سکولار دانشمندپروری، و آرمان نظام دینی، حکیم‌پروری است.

منابع

- ابن قولویه، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، نجف اشرف، دارالمرتضویه، چاپ اول، ۱۳۵۶ ش.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد، *تهذیب الاخلاق*، تهران، اساطیر، ۱۳۸۱ ش.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
- آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم ودرر الکلم*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- بحرالعلوم، سید محمد مهدی، *رساله سیر و سلوک (تحفة الملوک)*، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی، چاپ چهارم، ۱۴۱۸ ق.
- بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، قم، دارالکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
- جعفری، محمد تقی، *فکر* (دفتر دوم)، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
- حرانی (ابن شعبه)، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، ترجمه: احمد جنتی عطایی، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.
- حمیری، عبد الله بن جعفر، *قرب الإسناد*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- خمینی، سید روح الله، *چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، چاپ بیستم، ۱۳۷۸ ش - الف.
- _____، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش - ب.
- دیلمی، حسن، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم، منشورات الشریف الرضی، چاپ

- اول، ۱۴۱۲ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق - بیروت، دارالعلم - الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، *مسند فاطمة الزهراء علیها السلام*، هند، حیدرآباد دکن، بی تا.
- شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه و شرح: علی نقی فیض الاسلام، تهران، نشر فیض الاسلام، ۱۳۷۹ش.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *الأمالی*، بیروت، مؤسسة الاعلمی، چاپ پنجم، ۱۳۶۲ش.
- _____، *الخصال*، تصحیح: سید احمد فهری، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة، بی تا.
- طباطبائی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۳ق.
- طبرسی، ابوعلی، *مجمع البیان*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
- طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، بی جا، بی تا.
- عبدالباقی، محمد فؤاد، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، قم، نشر ژکان، چاپ سوم، ۱۳۹۱ش.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمیة، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.
- قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۶۱ش.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، *کنز العمال*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- _____، *بحار الأنوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۲ش.

- محلی، جلال الدین و جلال الدین سیوطی، *تفسیر الجلالین*، بیروت، دارالجلیل، چاپ سوم، ۱۴۱۵ق.
- مصطفوی، حسن، *مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة*، ترجمه: حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، چاپ اول، ۱۳۶۰ش.
- مطهری، مرتضی، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و سوم، ۱۳۷۳ش.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الإختصاص*، قم، المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، بی تا.
- نراقی، محمد مهدی بن ابی ذر، *جامع السعادات*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۲ش.
- نراقی، ملا احمد، *معراج السعادة*، قم، انتشارات هجرت، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ش.
- وزّام، ابن ابی فراس مسعود بن عیسی، *تنبيه الخواطر ونزهة النواظر المعروف بمجموعة وزّام*، قم، مکتبه فقیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.

مؤلفه‌های تربیتی مؤثر

درسبک زندگی اسلامی و زمینه‌سازی ظهور امام عصر^{علیه السلام}

اسماعیل خارستانی*

فاطمه سیفی**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی مؤلفه‌های تربیتی مؤثر درسبک زندگی اسلامی و تأثیرگذار در زمینه‌سازی ظهور امام عصر^{علیه السلام} است. در این تحقیق که به روش توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی انجام شده، جامعه آماری شامل قرآن کریم و احادیث و روایات منقول از پیامبر گرامی اسلام^{صلی الله علیه و آله} و ائمه اطهار^{علیهم السلام} و سایر بزرگان دینی است که در کتب، پژوهش‌ها و تحقیقات و نشریات مرتبط با موضوع تحقیق آمده‌اند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شده و بر این اساس، از منابع مذکور استفاده گردیده است. ابزار پژوهش نیز فیش برداری بوده و یافته‌های حاصل از آن، تحلیل شده‌اند. در این تحقیق، پس از تعریف مفاهیم و اصطلاحات انتظار، ظهور، زمینه‌سازی و تربیت و سبک زندگی، به اهمیت زمینه‌سازی اشاره شده و در ادامه، به بررسی جایگاه

* کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش (kharestani57@yahoo.com).

** کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی.

تربیت در زمینه‌سازی پرداخته‌ایم. در ادامه، مؤلفه‌های تربیتی مؤثر در سبک زندگی اسلامی و اثرگذار در زمینه‌سازی ظهور امام عصر (عج) بیان شده‌اند. در این باره بیش از چهل مؤلفه در ابعاد دینی و اعتقادی، اجتماعی - سیاسی، عاطفی، عقلانی، اقتصادی و اخلاقی استنتاج و استخراج شده و در پایان نیز برخی آثار تربیتی زمینه‌سازی بیان گردیده است.

از این تحقیق نتیجه می‌گیریم که زمینه‌سازی نیازمند به تربیت افراد شایسته‌ای است که بر اساس تأکیدات و سفارشات قرآن کریم و معصومین (ع) عمل کرده و در مسائل دینی، اعتقادی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... مطابق با سبک زندگی اسلامی رفتار نمایند. در این صورت با داشتن هدفی عالی که همان رضایت و خشنودی خداوند متعال است، زمینه‌ساز ظهور حضرت ولی عصر (عج) خواهند بود.

واژگان کلیدی

مؤلفه‌های تربیتی، زمینه‌سازی، سبک زندگی اسلامی.

مقدمه

از دیدگاه شیعه، ظهور منجی از جمله تغییرات اجتماعی است که سرچشمه‌ای الهی دارد و انقلاب مهدی موعود (عج) از نظر اجرا، همانند همه انقلاب‌ها به زمینه‌های عینی و خارجی بستگی دارد و باید فضای مناسب برای آن موجود باشد. خداوند توانایی دارد همه مشکلات و سختی‌ها را هموار و با اعجاز، فضای مناسب ایجاد کند؛ ولی این روش را انتخاب نکرده است؛ زیرا امتحان و ابتلاورنجی که مایه تکامل انسان می‌شود، در صورتی تحقق می‌یابد که تحولات، طبیعی و مطابق با شرایط خارجی باشد. امام باقر (ع) می‌فرماید:

إِذَا اجْتَمَعَ لِلْإِمَامِ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ وَجَبَ عَلَيْهِ الْقِيَامُ وَ التَّعْيِيرُ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۷، ۴۹، ح ۱۸)

هرگاه به تعداد اصحاب شرکت‌کننده در جنگ بدر (۳۱۳ نفر) گرد امام جمع شوند، قیام و تعییر دادن امور بر ایشان واجب می‌شود.

مهم ترین رکن زمینه سازی ظهور و تغییر جامعه به سمت آمادگی برای حضور حجت خدا، توجه به مؤلفه های تربیتی و اهتمام به رشد، توسعه و ارتقای شخصیت انسان ها و پرورش کمالات انسانی است که در پرتو گزینش ایده آل برتر از راه تعلیم و تربیت امکان پذیر است.

نیروسازی و تربیت منتظران کارآمد و مسئول، محوری ترین عامل در زمینه سازی ظهور است. آمادگی جامعه برای ظهور حکومت حضرت مهدی علیه السلام، نیازمند تربیت آن هاست. کسانی می توانند در نهضت مهدوی حضور و مشارکت صحیح داشته باشند که از تربیت مناسب برخوردار بوده و بر اثر بلوغ و رشد فکری و روحی، توان شرکت در جامعه سازی داشته باشند.

انتقال فرهنگ مهدویت به نسل نو و تربیت آن ها به عنوان منتظران ظهور حضرت مهدی علیه السلام بدون بهره گیری مؤلفه های خاص خود ممکن نخواهد بود. مؤلفه هایی که در سبک زندگی مؤثرند. از این رو، جایگاه تربیت بس رفیع تر از جایگاه همه مناسبات و معاملات مدنی و فرهنگی به شمار می آید. در آیات قرآن و روایات به تربیت برای زمینه سازی توجه ویژه ای شده است. امام هادی علیه السلام می فرماید:

اگر پس از غیبت قائم شما، از دانشمندان کسانی نباشند که مردم را به سوی امام زمان علیه السلام بخوانند و به جانب او راهنمایی کنند و با برهان های خدایی، از دینش پاسداری کنند و بندگان ضعیف خدا را از شبکه های ابلیس و یاران او و دام های دشمنان اهل بیت که زمام دل ضعیفان شیعه را گرفته اند، چنان که سکان کشتی را رهایی بخشند، کسی به جای نمی ماند، مگر این که از دین خدا برگردد. چنین دانشمندانی، نزد خداوند، از گروه برتران به شمار می آیند. (عاملی، ۱۳۸۱: ۲۰۸)

با توجه به نقش اصلی عامل انسانی در تغییرات اجتماعی (مطهری، ۱۳۷۹: ج ۲، ۱۶۲)، توجه به مؤلفه های تربیتی و اهتمام به رشد، توسعه و ارتقای شخصیت انسان ها و پرورش کمالات انسانی مهم ترین رکن زمینه سازی و تغییر جامعه به

سمت آمادگی برای نوسازی است. برای تغییر و نوسازی باید انسان‌ها آموزش ببینند و مهیای پذیرش تحول و نوسازی باشند (روکس برو، ۱۳۷۰: ۵۳). تعلیم و تربیت، مجموعه‌ای تدابیر با هدف پرورش دادن استعداد های درونی و به فعلیت درآوردن و شکوفاسازی شخصیت انسان است (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۸۳).

بیان مسئله

رسالت منتظران در عصر غیبت، زمینه‌سازی برای ظهور است رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

يُخْرِجُ نَأْسًا مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْطِنُونَ لِمَهْدِي يَعْنِي سُلْطَانَهُ؛ (قزوینی، ۱۴۱۸، ج ۲، ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۸)
جماعتی از مشرق زمین (ایران) به پا می‌خیزند و زمینه‌ساز حکومت [حضرت] مهدی می‌شوند.

در آستانه ظهور، مسئولیت بسیار سنگین فعالان و منتظران امام عصر عجله الله تعالی فرجه، مراقبت از خویش است تا با هجوم فساد و ناهنجاری‌ها در جامعه، مبارزه کنند و خود را هم از تیررس دشمن بزرگ - که هوای نفس و وسواس خناس، شیطان رحیم است - دورنگه دارند. به همین سبب، مؤلفه‌هایی در سبک زندگی و در ارتباط با تربیت وجود دارد که زمینه‌ساز ظهورند.

با مطالعه و بررسی آیات و روایات مربوط به ظهور امام زمان عجله الله تعالی فرجه به دست می‌آید که زمینه‌سازی ظهور، مسئله‌ای راحت نیست و با یک یا چند قیام و قعود به دست نمی‌آید باید در راه آن عرق‌ها و خون‌ها ریخته شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۵۸). آوردن حق، زمینه می‌خواهد. این رسالت، روشن‌گری و بینات می‌خواهد که نظام تربیتی اسلام عهده‌دار است. امروزه این زمینه‌سازی را «انقلاب فرهنگی» می‌نامند (صفایی حائری، ۱۳۸۲: ۳۰-۳۱).

مؤلفه‌های تربیتی در ابعاد گوناگون اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی سیاسی، عقلانی و اعتقادی و دینی مسئله‌ای است که این تحقیق به دنبال شناخت آن

می باشد. همان گونه که دین حقیقی یک مجموعه عمیق و اهرم قوی و همه جانبه برای رشد در همه ابعاد است، ظهور نیز نیاز به زمینه سازی و تربیت افراد در تمامی زمینه ها و ابعاد گوناگون دارد.

روش پژوهش

طبق روش پژوهشی غالب در این گونه مسائل، روش ما در این تحقیق، تلفیقی از دوروش تحلیلی و توصیفی است. تلاش بر آن است تا با مراجعه به قرآن کریم و مطالعه و بازنگاری متون و منابع دینی و آموزه های معصومین علیهم السلام و اندیشمندان مسلمان در فهم و تبیین مبانی تربیتی زمینه ساز ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام ضمن توصیف و جمع بندی آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام و بیانات بزرگان و اندیشمندان، به تبیین مؤلفه های تربیتی که در سبک زندگی اسلامی مؤثر بوده و در زمینه سازی ظهور امام عصر علیه السلام اثرگذار است پرداخته و مورد تحلیل قرار دهد.

اصطلاح شناسی

۱. انتظار

انتظار، به معنای ترقب و توقع، چیزی را چشم داشتن و نیز به معنای چشم به راه داشتن به کاررفته است (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۳، ۳۴۵۳-۳۴۵۴).

انتظار در اصطلاح، به معنای فرجام اندیشی^۱ و چشم به راه آمدن فردایی بس روشن و امیدبخش به کار می رود.

انتظار، کیفیتی روحی است که باعث به وجود آمدن حالت آمادگی (انسان ها) برای آن چه انتظار دارند، می شود و ضد آن، یأس و ناامیدی است. هر چه انتظار بیشتر باشد و هر چه شعله آن فروزان تر و پر فروغ تر باشد، تحرک و پویایی او و در نتیجه آمادگی نیز بیشتر خواهد بود (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۲: ج ۲، ۲۳۵).

1. Futurism

۲. زمینه‌سازی

مقدمه‌چینی، آماده ساختن استعداد و تهیه مقدمات برای منظوری را زمینه‌سازی گویند (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه زمینه‌سازی).
حقیقت انتظار، همان آمادگی و زمینه‌سازی است و برای زمینه‌سازی، به چیزی بیش از روایات انتظار‌نیازی نیست. علاوه بر این‌ها در روایتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شد، از واژه «یوظئون» از مصدر «وطأ» به معنای زمینه‌سازی استفاده شده است. زمینه‌سازی در لغت فارسی، به معنای مقدمه‌چینی، آماده ساختن، تهیه مقدمات برای منظوری است (دهخدا، ۱۳۷۳). اما در لغت عرب با توجه به ویژگی لغوی «وَطَأً» نه هر زمینه‌سازی، بلکه زمینه‌های چیزی را کاملاً فراهم کردن و راه را از هر جهت هموار کردن و بر آن تسلط داشتن است.^۱

۳. ظهور

ظهور در لغت، آشکار شدن چیز پنهان (فراهیدی، ۱۴۱۰؛ ابن منظور، ۱۳۸۳)، پدیدار شدن و هویدایی را گویند (دهخدا، ۱۳۷۳). ظهور در مباحث مهدویت به معنای ظاهر شدن حضرت مهدی علیه السلام پس از زیستن طولانی، برای برپایی حکومت عدل جهانی است. نکته مهم در ظهور، مسبوق بودن آن به غیبت است (سلیمان، ۱۳۸۳: ۲۶۷).

۴. تربیت

تربیت از دیدگاه اسلام عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل رشد و تکامل همه‌جانبه انسان و هدایت مسیر تکاملی او به سوی وجود کامل مطلق با برنامه‌ای منظم و سنجیده مبتنی بر اصول و محتوای از پیش تعیین شده. بنابراین تربیت فرایندی مداوم و پیوسته است که در تمام مراحل زندگی انسان مؤثر است

^۱ وطاء: کلمة تدل علی تمهید شیء و تسهیله؛ کلمه‌ای است که برآمده‌سازی و آسان کردن چیزی دلالت می‌کند. (ابن فارس، ۱۴۰۴)

(ابراهیم زاده، ۱۳۸۳: ۳۵).

«تربیت» به مفهوم عام آن، شامل جنبه‌های گوناگون جسمانی، روانی، عاطفی، عقلانی، اجتماعی، اخلاقی و دینی است و هر یک از این ابعاد به لحاظ روان‌شناختی و تربیتی در زندگی انسان اهمیت فراوان دارد. آنچه در دوره نخست زندگی توجه بدان لازم است پرورش و رشد هماهنگ و منظم ابعاد وجودی کودک است؛ به گونه‌ای که اگر در بعضی آن‌ها، دچار نارسایی گردد و یا حیثاً رشد مطلوب نیابد در آینده دچار مشکل خواهد شد. تحقق این امر، مسئولیت بزرگی است که بردوش مربیان کودک و نوجوان، اعم از والدین، آموزگاران و دست‌اندرکاران امورتربیتی مدارس، گذاشته شده است (شریعت‌مداری، ۱۳۷۴: ۱۹۱ - ۱۹۲).

۵. سبک زندگی

سبک زندگی به بیان ساده، شیوه زندگی است و دال بر الگوهای فردی مطلوب از زندگی که جهان‌بینی، نگرش‌ها و ارزش‌ها، عادات، وسایل زندگی و همچنین الگوهای روابط اجتماعی، اوقات فراغت و مصرف را دربرمی‌گیرد. سبک زندگی اغلب «بیانگرانه» است. شخص خود را از طریق سبک زندگی به جهان پیرامون معرفی می‌کند. این بدان معناست که سبک زندگی از طریق چهره‌ها (انتخاب لباس‌ها و رفتارها)، اعمال و کردار (انتخاب فعالیت‌های فراغتی)، یا انتخاب وسایل زندگی و حتی انتخاب دوستان بیان می‌شود (گیبینز و بوریمر، ۱۳۸۱: ۱۰۴).

گیدنز سبک زندگی را به مجموعه‌ای از رفتار تعبیر کرده است که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد تا نه فقط نیازهای جاری خود را برآورد، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران نیز مجسم سازد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۰).

اهمیت زمینه‌سازی

زمینه‌سازی به مثابه ضرورت اسلام و قرآن مطرح، و وظیفه تمام مسلمین است. دلایل عقلی و نقلی، ما را به این مسئله رهنمون می‌سازد؛ زیرا مسلمانی که خود را

پای بند احکام اسلام می‌داند، اجازه نمی‌دهد هیچ‌یک از آیات و روایاتی که درباره امر به معروف و نهی از منکر، حدود و دیات، جهاد، کمک به محرومان، چگونگی برخورد با ظلم و عدم تسلیم در برابرستم و... هستند، تعطیل و عمل نشود (شفیعی سروستانی، ۱۳۷۵).

زمینه‌سازی و آمادگی برای ظهور امام عصر^{علیه السلام} در روایات، بیان گراهمیت نقش مردان و زنان مؤمن است (همو، ۱۳۸۴: ۱۷۶ - ۱۸۰). مهم‌ترین دلیل ضرورت موعود جهانی، همان فلسفه بعثت انبیاست که فلسفه خلقت نیز هست (مطهری، ۱۳۷۲: ۶۹ - ۷۳). فلسفه خلقت، عبادت و عبودیت است که حقیقت عبودیت، تقرب به خداست و فلسفه بعثت نیز طبق آیات متعددی از قرآن کریم، توحید و عدالت اجتماعی معرفی شده که مطابق شرح دقیق شهید مطهری، عدالت نیز برای توحید است (همو: ۷۴ - ۸۵)، و مهم‌ترین ضرورت قیام موعود جهانی نیز پرکردن زمین از عدل و قسط است.

امام سجاد^{علیه السلام} می‌فرماید:

وَاللّٰهُ لَا يَخْرُجُ أَحَدٌ مِّنَّا قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ إِلَّا كَانَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ فَوْخِ طَارٍ مِّنْ وَكْرِهِ
قَبْلَ أَنْ يَسْتَوِيَ جَنَاحَاهُ فَأَخَذَهُ الصَّبِيَّانُ فَعَبَّوْا بِهِ؛ (نعمانی، ۱۳۷۹: ۱۵۹،
ب، ح ۹)

به خدا سوگند، هیچ‌یک از ما [اهل بیت] قبل از قیام قائم خروج نمی‌کند، مگر این که مثل او مانند جوجه‌ای است که قبل از محکم شدن بال‌هایش از آشیانه پرواز کرده باشد. در نتیجه، کودکان او را می‌گیرند و با او بازی می‌کنند.

به گفته برتراند راسل، دنیا چشم به راه مصلحی است که همگان را در سایه یک پرچم و یک شعار متحد سازد (عمیدی، ۱۳۷۹: ۴۵).
راسل در جایی دیگر می‌نویسد:

اگر رفتاری‌های امروزی را بتوان مغلوب ساخت، بشر می‌تواند در آرزوی آینده‌ای باشد که از گذشته‌اش بی‌نهایت طولانی‌تر است و نهال امید

دیرپایش از سرچشمه کامیابی‌های پی‌درپی آبیاری می‌شود. (راسل،

۱۳۴۴: ۲۵۲)

انسان مدرن با ویژگی‌هایی همچون عقل‌گرایی، انسان‌گرایی، علم‌گرایی و آزادی خواهی، تعریف شده و محصول مدرنیته‌ای^۱ است که طبق تعریف آنتونی گیدنز^۲ شیوه زندگی اجتماعی و تشکیلات و سازمان‌های اجتماعی، در حوالی قرن هفدهم به این طرف در اروپا بود و به تدریج دامنه نفوذ آن در دیگر نقاط جهان نیز گسترش یافت و بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اداری و دینی جامعه اثر گذاشت (پیرسون، ۱۳۸۰: ۱۶۳؛ گیدنز، ۱۳۷۷: ۴).

مهدویت و انتظار در قالب گفتمان تشیع، مقتضیات جهان‌شناختی و انسان‌شناختی و ابعاد ارزشی فراوانی در درون خود دارد که در تبیین مبانی تعلیم و تربیت و پایه‌های سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های تربیتی و آموزشی تأثیرگذار است. استاد شهید مطهری می‌نویسد:

آرمان قیام و انقلاب مهدی علیه السلام یک فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی است. این آرمان بزرگ، گذشته از این که الهام‌بخش ایده و راه‌گشایی به سوی آینده است، آینه بسیار مناسبی برای شناخت آرمان‌های اسلامی است. این نوید، ارکان و عناصر مختلفی دارد که برخی، فلسفی و جهانی است و جزئی از جهان‌بینی اسلامی است. برخی، فرهنگی و تربیتی است و برخی، سیاسی است و برخی، اقتصادی است و برخی، اجتماعی است و برخی، انسانی یا انسانی طبیعی است. (مطهری، ۱۳۸۲: ۵-۷)

حکومت امام عصر علیه السلام بدون مقدمه نیست، بلکه با مقدمه و زمینه‌سازی انجام می‌پذیرد؛ بدین‌گونه که منتظران در محیط خویش به پا می‌خیزند و قیام می‌کنند و حکومتی تشکیل می‌دهند و همین حکومت‌ها زمینه‌هایی می‌شود برای گرد هم آمدن و به هم پیوستن صفوف یاران مؤمن، بصیر و متحرک که هسته اصلی مقاومت مؤمنان و وارثان زمین را تشکیل می‌دهند و از قیام حضرت پشتیبانی کرده و کارهای

1. Modernity
2. Anthony Giddens

حکومت جهانی را انجام می دهند. در احادیث می خوانیم حضرت مهدی علیه السلام از مردم یاری می طلبد و می فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ وَ مَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ... (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۳۸)

همچنین فرمود:

أَنَا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ الْيَوْمَ وَ كُلَّ مُسْلِمٍ... (همو: ۲۲۳)

در طول تاریخ حیات پرافتخار تشیع، مهم ترین عاملی که شیعیان را در برابر حکومت های جور و ستم از زوال و انقراض نگه داشته است مسئله انتظار و عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام بوده است.

جایگاه تربیت در زمینه سازی ظهور

زمینه سازی، ابعاد مختلف تربیتی دارد و با بسیاری از اهداف آموزش و پرورش سازگار است و می تواند در پیش برد آن اهداف، نقش آفرین باشد. انتظار پیامدهای تربیتی معینی دارد که با هدف های تربیتی همسوست. فرهنگ انتظار در متن جریان زندگی منتظران، منشأ آگاهی و هشیاری و بیداری دایمی است و یک رویارویی فعال به شمار می رود، نه انفعالی و واکنشی که در درون خود، تغییر و تحوّل را به همراه دارد (موسوی اصفهانی، ۱۳۷۲: ج ۲، ۱۵۲؛ مطهری، ۱۳۸۲: ۱۴). از این رو، انتظار نوعی حالت روانی است که زمینه ساز آمادگی و تحوّل در معرفت، احساس، رفتار و عمل آدمی می شود. خاصیت انتظار سازنده و اصیل، تنظیم فکر و روحیه است که انسان را بر اساس طرح و برنامه به حرکت و عمل درمی آورد و الهام بخش مسئولیت هر فرد در برابر خود و جامعه و آماده باش در سایه تغییر و تحوّل، صبر و استقامت و تعهد و تحرک به اقدام و عمل می انجامد (موسوی، ۱۳۸۷: ۲۸).

مربیان ما باید در کلیه فعالیت های تربیتی، ایده آل های اجتماعی و ارزش ها و

اعتقادات عمومی را در نظر داشته باشند. ارتباط معلم با شاگرد، روش تدریس، روابط شاگردان با هم، هدف‌هایی که شاگرد و معلم برای نیل به آن‌ها تلاش می‌کنند، انتخاب مطالب و مواد درسی، تراز ارزش سنجی پیشرفت شاگردان و توسعه تعلیم و تربیت مردم ایران، همه باید با ایده‌آل‌های اجتماعی این مردم هماهنگ و سازگار باشد (شریعتمداری، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

آموزش و پرورش، یکی از محوری‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین نهادها در تحقق تربیت نیروی انسانی مطلوب و ماهر برای هراساست. هر نظام آموزش و پرورش مبتنی بر پایه‌های فلسفی و جهان‌بینی خاص خود است (مطهری، ۱۳۷۹: ج ۲، ۱۶۴) و نگرش فلاسفه تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش به انسان و آینده او در شکل‌گیری اصول و راهبردهای تربیتی آنان تأثیر مستقیم و محوری دارد (نلر، ۱۳۸۵: ۱۶؛ بهشتی، ۱۳۸۶: ۲۳؛ همو، ۱۳۸۵: ۱۰۹). نظام فرهنگی و ورزشی، چونان معیار و خط‌کشی، حد و مرز اعمال را معلوم می‌سازند و باید و نبایدهای تربیت، سیاست و اقتصاد را مشخص می‌سازد.

تعلیم و تربیت باید رشد متوازن و هماهنگ کل شخصیت انسان را از خلال تربیت روحی، خود عقلائی، هیجانان و احساسات بدنی پی‌گیری کند؛ بنابراین، تربیت، باید تمام ابعاد وجود، یعنی روحی، عقلائی، تخیلی، جسمانی، علمی و زبانی را - هم به طور فردی و هم جمعی - رشد داده و به سوی خیر و دستیابی به کمال راهنمایی کند. هدف نهایی تعلیم و تربیت اسلامی، به طور کلی نیل به کمال تسلیم در برابر خداوند در سطوح فردی، اجتماعی و انسانیّت است. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید:

اسلام برای ساختن انسان آمده است. کتاب آسمانی اسلام که آن قرآن مجید است، کتاب تربیت انسان است. انسان را به همه ابعادی که دارد، به بُعد روحانی و به بُعد جسمانی، بُعدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، همه بُعدها، ... اسلام آمده است که به ما راه تربیت را نشان دهد. (خمینی، ۱۳۶۹: ج ۵، ۲۸۳)

مؤلفه‌های تربیتی

مؤلفه‌های تربیت دینی و اعتقادی که در سبک زندگی اسلامی مؤثر بوده و در زمینه‌سازی ظهور تأثیر دارند، کدامند؟

دائرة المعارف جهانی «تربیت دینی» را این‌گونه تعریف می‌کند:

آموزشی منظم و برنامه‌ریزی شده که سعی دارد در مسائلی همچون وجود خدا، حقیقت هستی، حیات، رابطه فرد با خالق و با افراد دیگری که در یک جامعه با آن‌ها زندگی می‌کند، بلکه با تمامی افراد بشر، انسان را از اعتقاداتی بهره‌مند سازد. (توماس، ۱۹۹۰: ۴۲-۷۵)

تربیت دینی باعث تعالی نفس، صفای روح و سلامت روانی او از انواع بیماری‌ها و رذایل اخلاقی می‌گردد و آرامش و آسودگی را برای او به ارمغان می‌آورد علاوه بر این چنین تربیتی خشیت خداوند و تفکر در عظمت و ادراک اسرار آفرینش و التزام به او را در آنان تقویت خواهد نمود. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود، دل‌هایشان هراسان می‌گردد [و در انجام نیکی‌ها و خوبی‌ها بیشتر می‌کوشند] و هنگامی که آیات او برایشان خوانده شود، برایشان افزوده می‌شود و به پروردگار خود توکل می‌نمایند. (سوره انفال، آیه ۲)

در این جا به برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های دینی و اعتقادی تربیت که از شاخص‌های سبک زندگی اسلامی بوده و در زمینه‌سازی ظهور اثرگذارند، اشاره می‌کنیم:

۱. یاد خدا

یاد و ذکر خداوند از صفات بسیار مهم و ضروری برای موفقیت در زندگی دنیا و آخرت، و از مؤلفه‌های تربیت دینی و اعتقادی است که قرآن کریم مرتب به آن سفارش می‌کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ (احزاب: ۴۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را بسیار یاد کنید.

﴿وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (جمعه: ۱۰)

و خدا را بسیار یاد کنید شاید که رستگار شوید.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم در مناجات شعبانیه از خداوند یاد او را درخواست می‌کند:

إِلَهِي وَ أَلْهَمْنِي وَهَلَا بِذِكْرِكَ إِلِي ذِكْرِكَ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۴، ۹۸)
خدایا، مرا شیفته و سرگشته یاد خودت فرما.

۲. تقوا محوری

یکی دیگر از مؤلفه‌های تربیت اعتقادی و دینی و از شاخص‌های یک فرد زمینه‌ساز، تقوا و پرهیزکاری او می‌باشد. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مُحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ (نعمانی، ۱۳۷۹: ۲۰۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۴۰)

هر کس می‌خواهد از یاوران حضرت قائم باشد، باید انتظار بکشد و در همین حال، خود را به تقوا و سجایای اخلاقی بیاراید.

در این حدیث، امام صادق علیه السلام از جمله اوصاف یاران امام مهدی علیه السلام را پرهیزکاری و تقوای الهی دانسته و خلق نیکورا سفارش کرده است. همان طور که روایت دیگری، پرهیزکاری را از دین امامان خوانده و فرموده است:

مِنْ دِينِ الْأَئِمَّةِ الْوَرَعُ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۱۲۲)

درنامه‌ای که خود امام عصر علیه السلام به شیخ مفید نوشته است، به تقوای الهی سفارش کرده و به شیعیان و علاقه‌مندان خویش می‌فرماید:

فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ حَبِيبَتِنَا وَ يَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتَهُ فُجَاءَةً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَى حَوَیَّةٍ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۱۷۶)

پس هر یک از شما باید آن چه را که موجب دوستی ما می‌شود، پیشه خود

سازد و از هر آن چه موجب خشم و ناخشنودی ما می‌گردد، دوری‌گزیند؛ زیرا امر ما به یک باره و ناگهانی فرامی‌رسد و در آن زمان، توجه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پیشیمانی از گناه، کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد.

۳. مراجعه به علمای دین

یکی دیگر از مؤلفه‌های تربیت دینی و اعتقادی و از شاخص‌های سبک زندگی اسلامی، رجوع به علما برای حل مسائل است. این مؤلفه از مواردی است که در طول تاریخ مسلمانان و به خصوص شیعیان بدان اعتقاد راسخ داشته‌اند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می‌فرماید:

و اما دربارهٔ اتفاقات مهم، به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند و من نیز حجت خدا بر آن‌ها هستم. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۲۶۷)

امام هادی علیه السلام نیز فرموده است:

اگر در زمان غیبت قائم ما، دانشمندانی که مردم را به سوی خدا دعوت کنند، به سوی او راهنمایی نمایند و با دلایل و براهین الهی از آیین او دفاع کنند، دست بندگان مستضعف را بگیرند و آن‌ها را از دام‌های شیطان و شبکه‌های ناصبیان (دشمنان سرسخت اهل بیت علیهم السلام) نجات دهند نبودند، هیچ کس باقی نمی‌ماند مگر این که از دین خدا مرتد می‌شد؛ اما آن دانشمندان رشتهٔ دل‌های ضعیف‌های شیعه را می‌گیرند، همچنان که ناخدای کشتی، سگان کشتی را می‌گیرد. آن‌ها در نزد خدای - عزوجل - از هر طبقه‌ای برترند. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۲۳۸)

۴. دعا

دعا و نیایش، در فرهنگ اسلامی جایگاه والایی دارد. یکی از مصادیق دعا می‌تواند رفع گرفتاری‌های همه انسان‌ها باشد. در نگاه شیعه، این مهم تحقق نمی‌یابد، مگر آن زمانی که واپسین ذخیره الهی از پس پرده غیبت بیرون آمده جهان

را به نورخود روشن سازد، از این روست که در برخی روایات سفارش شده است برای فرج و گشایش دست به دعا برداریم.

در روایت است که خود آن حضرت، در بخشی از توفیق شریف فرمود:

وَ أَكْثِرُوا الدَّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۸۳، ح ۴)
و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید.

۵. ولایتمداری

از مؤلفه‌های تربیت اعتقادی و از شاخص‌های سبک زندگی اسلامی و مؤثر در زمینه‌سازی، پذیرفتن ولایت و رهبری است. پذیرش ولایت و سرپرستی، سنگ زیرین زمینه‌سازی ظهور است. ولایت در مقایسه با دیگر ارزش‌های اسلام، مانند کلیدی است که با آن درب سایر ارزش‌ها به روی جامعه گشوده می‌شود و ارج و ارزش پیدا می‌کند (عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۸).

همان‌گونه که در صدر اسلام رهنمودهای رهبر شایسته نقش اساسی در تربیت داشت، امروز نیز در راه انتظار حضرت مهدی علیه السلام و زمینه‌سازی برای حکومت جهانی آن حضرت حتماً باید این خط حفظ گردد، تا مسلمانان در نظم و انسجام خاص تحت رهنمودهای رهبری شایسته - که امروز آن به ولایت فقیه تعبیر می‌شود - راه زمینه‌سازی صحیح را دریابند و با پشت‌گرمی معنوی خاصی آن را دنبال کنند. امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ تَبَتَّ عَلَيَّ مُؤَلِّمَاتِنَا [وَلَايَتِنَا] فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأَحُدٍ؛ (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۲ - ب: ح ۱۲۵۶)
هر کس در غیبت قائم ما بر ولایت ما ثابت بماند، خداوند متعال اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او عطا می‌فرماید.

۶. اطاعت‌پذیری

زمینه‌سازی برای ظهور، نیاز به این دارد که شخص منتظر خواسته‌اش را در

خواسته امام خویش بداند و معیار دوستی خویش را در فرمان پذیری از حضرتش بطلبد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَيَتَوَلَّى
أَوْلِيَاءَهُ وَيُعَادِي أَعْدَاءَهُ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۷۲)

خوشا به حال آنان که قائم خاندان مرا درک کرده و در زمان غیبت و قبل از قیامت به او تاسی می جویند. دوستانش را دوست می دارند و با دشمنانش دشمن هستند.

تسلیم شدن به امام عَلَيْهِ السَّلَام بالاترین بندگی خدا و روح همه اعمال عبادی است و خداوند بیش از هر چیز به همین اعتقاد و قبول ولایت و فرمان پذیری و اطاعت محض از امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام بندگی می شود.

۷. توکل

توکل یعنی اعتماد و وانهادن امور به دیگری (مصطفوی تبریزی، ۱۳۶۹: ج ۱۳، ۱۹۳).

توکل پیوندگاه با حیات حق تعالی و تکیه گاه حیات طیبه است؛ زیرا از دیدگاه عرفانی، زنده کسی است که حیاتش به حیات خالقش بستگی داشته باشد، (گوهرین، ۱۳۶۸: ج ۴، ۳۱۴) و این همان زمینه سازی برای ظهور است.

توکل بر خداوند - یعنی اعتماد و تکیه بر قدرت او در همه امور زندگی - از آثار ایمان به خداست. گاهی سستی اراده، ترس، غم، اضطراب و اشراف کامل نداشتن بر موقعیت ها موجب می شود فرد نتواند از روش های مقدر و برای حل مشکل بهره برداری مناسب کند. توکل بر خدا باعث تقویت اراده و تأثیر کمتر عوامل مخمل روانی شده و فرد را در کوشش برای حل مسائل زندگی و رسیدن به تعادل و سازگاری، توانا تر می کند (دیماثو، ۱۳۷۸: ج ۲، ۷۵۷).

لقمان حکیم به فرزندش نصیحت می کرد و می گفت:

يَا بُنَيَّ! تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ثُمَّ سَلْ فِي النَّاسِ مَنْ ذَا الَّذِي تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ فَلَمْ

يَكْفِيهِ؛ (کراجکی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۶۶)

ای پسر، به خدا توکل کن سپس از مردم بپرس: کیست که به خدا توکل کرده، ولی خدا او را کافی نبوده است؟

روحیه قوی و اطمینان قلب و اعتماد به نفس از عوامل سازنده و پیش برنده و زمینه ساز و از بین برنده موانع موجود بر سر راه است. این چنین روحیه و آرامش و استواری قلب در سایه ایمان به خدا و توکل به او به دست می آید که دعا و مناجات و نماز و روزه تقویت کننده چنین ایمان و توکل است.

۸. یاد امام عصر علیه السلام

آن چه منتظران را در کسب معرفت امام و پیروی از آن بزرگوار یاری می دهد و پایداری در راه انتظار را به دنبال دارد، پیوستگی و ارتباط مداوم با امام عصر علیه السلام است.

زمینه ساز واقعی در هر حالی امام خود را در نظر می گیرد و به هر بهانه دست توسل به دامن پرمهر او می زند و به اشتیاق ظهور مبارک او و دیدن جمال بی مثالش ناله سر می دهد که:

عَزِيزٌ عَلَيَّ اَنْ اَرَى الْحَلَقَ وَلَا تُرَى؛ (قمی، ۱۳۷۹: دعای ندبه)
سخت است بر من که همه را ببینم و تو دیده نشوی.

۹. انس با قرآن

یکی از مؤلفه های تربیت اعتقادی و دینی که زمینه سازان ظهور است و باید به آن اهمیت داد، انس گرفتن با قرآن و عمل به آن است؛ چرا که قرآن و عترت در کنار یکدیگر قرار گرفته و در صورتی که با قرآن انس نگیریم، در مسیر اطاعت از ولایت و امامت نیز قرار نخواهیم گرفت.

حضرت علی علیه السلام در وصیت خود به امام حسن و امام حسین علیهما السلام می فرماید:

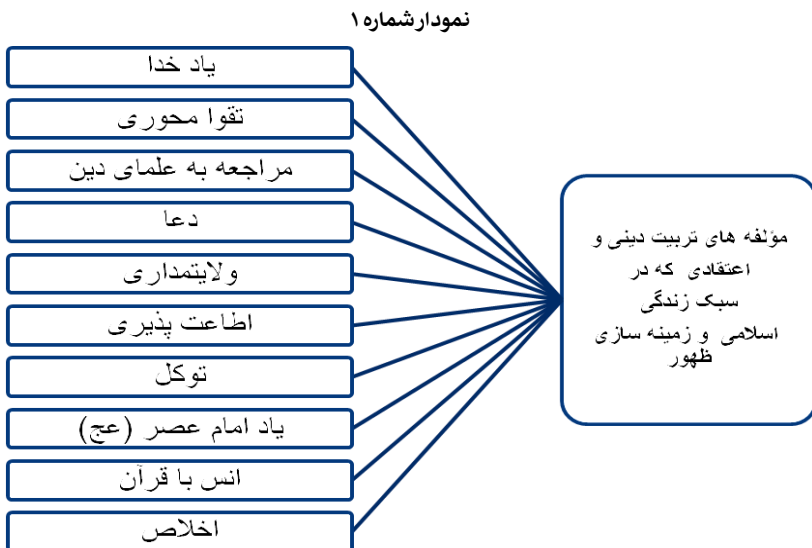
اللّٰهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ؛ (شریف رضی، ۱۳۸۲: نامه ۴۷)

خدا را، خدا را، درباره قرآن مواظب باشید؛ مبادا دیگران در عمل به آن از شما پیشی گیرند!

۱۰. اخلاص

برای زمینه‌سازی مقدمات ظهور، هیچ عاملی در کاربرد امور و پیمودن پله‌ها و پشت سر گذاشتن موانع مانند اخلاص در کار نیست. اخلاص، به کارها روح و نشاط می‌بخشد و انسان را به آخرین درجه آمادگی و اراده قاطع و طبیعی بودن بدون منت - که همان زمینه‌سازی است - سوق می‌دهد، خداوند متعال پشتیبان افراد مخلص است. شیطان و هوس‌های نفسانی که ضررها و ضربات سختی بر رشد انسان‌ها وارد می‌آورند از افراد مخلص دورند (ص: ۸۱).

آزاداندیشی واقعی در سایه اخلاص به دست می‌آید. توکل به خدا و اعتماد به نفس، و عزت و شرافت - که هر یک عاملی برای زمینه‌سازی ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام است - در پرتو اخلاص، جان می‌گیرند و تحقق می‌یابند.



مؤلفه‌های تربیت اجتماعی - سیاسی

۱. پایداری و ایستادگی

انتظار سازنده، از بزرگ‌ترین عوامل مقاومت و پایداری است و از آن جهت که مسلمانان و به‌ویژه شیعیان را در برابر ظلم‌ها، فسادها و... ثابت و پایرجا نگه می‌دارد و به آنان دل و جرأت می‌دهد تا در برابر دشمنان اسلام مقاومت و ایستادگی کنند و در عقیده خود محکم و استوار و ثابت قدم بمانند، سرمایه روحی بزرگی برای منتظران است (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۰: ۲۲۴).

از این رو فرد مسلمان با عمل مطابق با سبک زندگی اسلامی که در آن به پایداری و مقاومت در برابر ظلم سفارش شده، آمادگی خود را برای ظهور و حجت حفظ خواهد کرد.

۲. عدالت‌گرایی

عدالت‌گرایی، محور قرار گرفتن اصل عدالت در تمامی رفتارهاست. آموزه‌های دینی بیان‌گر سفارش‌های متعددی نسبت به این اصل هستند و با تأکید بر اهمیت آن، این اصل را برخاسته از رسالت پیامبران معرفی می‌کند. قرآن کریم در آیات متعددی به این اصل سفارش می‌کند. از جمله خداوند خطاب به مؤمنان می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا ۖ اِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ﴾ (مائده: ۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است.

انسان زمینه‌ساز باید به زیور عدالت، تقوا و پارسایی آراسته باشد. منتظران ظهور مهدی که در انتظار حکومت عدل جهانی به سر می‌برند، باید پیوسته، نمونه عدل و

عدل طلبی باشند (حکیمی، ۱۳۸۰: ۲۸۰).

اگر فردی با اجتناب از معاصی و رعایت تقوای الهی، بتواند ملکه عدالت را در خود پدید آورد و با ایجاد تعادل در میان قوای نفسانی خود، ارکان حیات اجتماعی را در وجود خود نهادینه سازد، آن گاه می تواند در عصر ظهور که عصر استقرار عدل ناب و مطلق است خویشتن را با شرایط نوین تمدن توحیدی مهدوی هماهنگ سازد. در غیر این صورت شخصیت فرد، قدرت جذب مؤلفه های فرهنگی عدالت محور دولت مهدی را نخواهد داشت.

۳. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از اوامری که قرآن پیرامون سبک زندگی اسلامی می دهد و اهمیت والایی نیز دارد، مسئله امر به معروف و نهی از منکر است.

دایره امر به معروف و نهی از منکر آن قدر گسترده است که تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی مسلمین را در بر می گیرد و محو اصلی آن، ترویج خوبی ها و ممانعت از زشتی ها در جامعه است. اهمیت این فریضه از آن جهت است که تغییر در رفتار اجتماع و گرایش مردم به اعمال نیک، پیش نیاز ضروری انقلاب جهانی مصلح بشریت است؛ زیرا ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیازمند جامعه ای است که آماده پذیرش آن است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و روش صالحان و فریضه بزرگی است که به سبب آن، فرایض برپا، راه ها امن، کسب ها حلال، مظالم [به صاحبانش] بازگردانده، زمین آباد و حق از دشمنان گرفته می شود و امر [حکومت اسلامی] تحکیم می یابد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۴۷)

به همین علت از جمله کارهای تربیتی امام عصر علیه السلام زنده کردن امر به معروف و نهی از منکر است:

الْمُهْدِيَّ وَ أَصْحَابِهِ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ. (حسینی استرآبادی،

۴. مشارکت سیاسی - اجتماعی

از دیدگاه اسلام، مشارکت در زندگی سیاسی اجتماعی یک حق و درعین حال، تکلیف به حساب می‌آید. در این منابع، آموزه‌های متعددی بر اصل مشارکت طلبی در زندگی سیاسی و اجتماعی دلالت می‌کنند. استاد مطهری می‌نویسد:

اهمیت ندادن به پست‌ها و سنگرهای اجتماعی و رها کردن آن‌ها، عین واگذاری آن پست‌ها به دشمنان [است] یکی از علایم بی‌رشدی ما این است که ما مسلمانان پست‌های حساس اجتماعی را دوستی به دشمنان خود مان واگذار می‌کنیم. آن‌ها مثل کسی که بچه را گول بزند، کخ می‌کنند و ما هم آن‌ها را جلوی آن‌ها می‌اندازیم و در واقع، دوست دشمنان خود، و دشمنان خود هستیم. (مطهری، ۱۳۷۹: ج ۴، ۴۷۳)

انسان منتظر باید در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی محیط خود، ناظری فعال و کنش‌گری تأثیرگذار باشد تا شرایط را آن گونه که می‌پسندد، تغییر دهد و زمینه ظهور و موعود را آماده سازد. امامان معصوم علیهم‌السلام در روایات متعددی بر اهمیت مشارکت در زمینه‌سازی ظهور تأکید کرده‌اند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم عده فراهم کند، هر چند یک تیر باشد. (نعمانی، ۱۳۷۹: ۳۲۰، ح ۱)

۵. انعطاف‌پذیری و تحول‌گرایی

قرآن کریم به نکوهش مردمانی می‌پردازد که از هرگونه نخواستاری و تحوّل می‌هراسند و به تمامی سنت‌های پدران خود وابسته‌اند و هرگز حاضر به جداشدن از آن‌ها نیستند. تعصب و تقلید، دو نتیجه تحجرگرایی و جمود است که راه را بر اصلاح و پیشرفت جامعه می‌بندد (بقره: ۱۷۰؛ احزاب: ۶۷). در این میان، انسان منتظر زمینه‌ساز باید با پای بندی به مبانی و اصول، تحول‌گرا باشد؛ زیرا تحول‌گرایی و انعطاف‌پذیری در مقابل مقتضیات زمان، راه ماندگاری و پیشبرد اهداف و اصول

را فراهم می‌سازد. بنابراین، انسان منتظر برای نقش‌آفرینی در جامعه و فراهم آوردن زمینه‌های پیشرفت و ارتقای علمی و فرهنگی اجتماع باید همواره به صورت مستمر، رفتار خود را بررسی کند و بر مبنای ارزش‌یابی واقع‌بینانه از شرایط متحول شونده بیرونی، در ساختار و تاکتیک‌های خود تغییرات لازم را بدهد و راهبردهای تازه و کارآمدتری را برای دستیابی به اهداف مورد نظر تدوین کند. از این رو، میانه‌روی، انعطاف‌پذیری و تحول‌گرایی در مقابل تحجر، جمود و بی‌اعتنایی، از اصول مهم فعالیت‌ها و مشارکت‌های زمینه‌سازان است.

۶. ظلم‌ستیزی

مسلمان معتقد به اصل انتظار در برابر بی‌عدالتی‌ها ایستادگی می‌کند و هرگز تسلیم زورگویی‌های مستکبران نمی‌شود و همواره می‌کوشد از طریق برطرف ساختن تمام نارسایی‌ها زمینه برای تشکیل حکومت عدل جهانی فراهم شود و در این راستا اگر در برهه‌ای از زمان به سبب تسلط بیش از حد زورمداران و طاغوت‌ها دچار انواع شکنجه‌ها و فشارها شد، نه تنها روحیه خود را نمی‌بازد، بلکه وعده صدق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را یادآور می‌شود که فرمود:

اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی باشد، خداوند متعال آن یک روز را به اندازه‌ای طولانی خواهند ساخت تا مردی از فرزندان من - که نامش نام من و کنیه‌اش کنیه من است - ظهور نماید و زمین را پس از پرشدن از ظلم و ستم با عدل و داد پر سازد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۷۴)

۷. الگوپذیری

از دیگر مؤلفه‌های تربیت اجتماعی - سیاسی مؤثر در سبک زندگی اسلامی و زمینه‌سازی الگوگیری و الگوپذیری است. یکی از الگوهای همه انسان‌ها به ویژه شیعیان، حضرت مهدی علیه السلام است.

درباره الگوپذیری در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این گونه وارد شده است:

خوشا به حال کسی که قائم خاندان مراد رک کند؛ درحالی که پیش از دوران قائم، به او امامان قبل از او اقتدا کرده و از دشمنان او اعلام بیزارى کرده باشد. آنان دوستان و همراهان من و گرامی ترین امت نزد من هستند. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، باب ۲۵، ح ۳، ۵۳۵)

منتظران واقعی کسانی هستند که همه همت خود را صرف تربیت فرزندان خود می نمایند. هدف تربیت، ایجاد انسان های متدین، باتقوا، دین باور، مسئولیت پذیر و مردم گرا و به عبارت دیگر رسیدن به قرب الی الله است.

انسان باید چنان ساخته شود که با دوری از رذایل و آلودگی ها، استعداد های عالیّه روحی و ملکوتی اش شکوفا شده و چنان به کمالات علوی و فضایل ملکوتی آراسته گردد که استعداد و لیاقت قدم نهادن در آستان قرب ربوبی را کسب کند و با وصال به حق، به سعادت جاویدان برسد؛ سعادتى که شرح آن در قالب الفاظ نگنجد و به وصف و بیان نیاید.

۸. اتحاد و انسجام

باید طرح و برنامه ای داشته باشند که در راستای اهداف امام و حجت الهی باشد. به بیان دیگر اجتماع منتظر لازم است که تلاش و حرکت خود را در مسیر رضایت رهبر موعود قرار دهند. بنابراین جامعه منتظر بر آن است که عهد و پیمان خود را با امام به انجام رساند تا زمینه مناسب برای ظهور امام زمان علیه السلام فراهم شود. امام عصر علیه السلام در یکی از بیانات خود به چنین جمعیتی این گونه بشارت داده است:

اگر شیعیان ما - که خداوند آنان را در راه اطاعتش یاری دهد - در وفای پیمانی که از ایشان گرفته یک دل و مصمم باشند؛ البته نعمت دیدار، از آنان به تأخیر نیفتد و سعادت ملاقات ما برای آن ها با معرفت کامل و راستین نسبت به ما، تعجیل می گردد. (طبرسی، ۱۴۱۶: ج ۲، ش ۶۰، ۶۰۰)

برای زمینه سازی حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت جهانی، اتحاد و انسجام مسلمانان نقش اساسی را خواهد داشت و مسلمانان باید از هرگونه

اختلاف پرهیزکنند و با اتحاد و وحدت و هماهنگی خود بتوانند راه را برای ظهور مصلح کل جهانی هموار سازند.

۹. مسئولیت‌پذیری

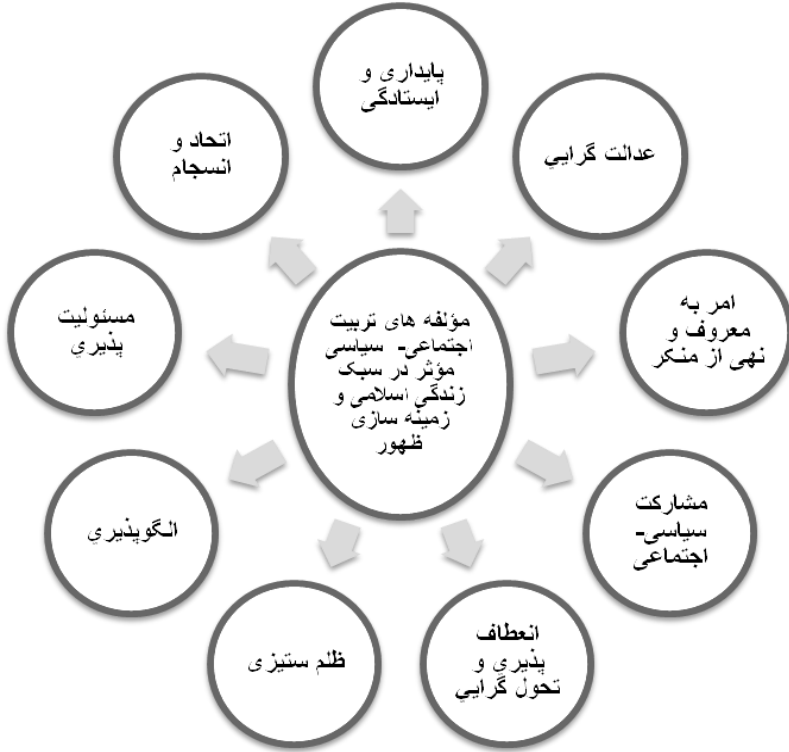
آموزه‌های اجتماعی - سیاسی در زندگی اسلامی همواره انسان را موجودی مسئول در برابر سرنوشت خود و جامعه معرفی کرده‌اند. بر اساس این آموزه‌ها یک شهروند مسلمان هیچ‌گاه نباید نسبت به این سرنوشت بی‌اعتنا باشد و موظف است در حوادث مختلف واکنش مناسبی انجام دهد. از این‌رو دیدگاه اسلام، بی‌اعتنایی در زندگی سیاسی و اجتماعی، مردود است و انسان، مسئول شناخته می‌شود. این مسئولیت‌پذیری در سطح فردی ناظر به سرنوشت فردی است. انسان مسلمان نسبت به سرنوشت خود همواره مسئول شناخته می‌شود. این مسئولیت‌پذیری از خصلت ذاتی اراده و اختیاروی برمی‌خیزد. این ویژگی، شخصیتی مستقل و آزاد به انسان می‌بخشد و به همین دلیل، وی از نظر تکوینی، در انتخاب راه، آزاد است.

قرآن کریم به مسئله مسئولیت اجتماعی (آل عمران: ۱۰۴) و توجه به امور هم نوعان توجهی ویژه دارد و از انسان‌ها خواسته است با یکدیگر در ارتباط باشند و در امور مختلف، از یکدیگر پشتیبانی کنند (آل عمران: ۲۰۰). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مثل مؤمنان در ترخم و دوست داشتن یکدیگر، مانند پیکر واحدی است که اگر عضوی را ناراحتی برسد، سبب تب و بیداری دیگر اعضای او از خواب می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۸، ۱۵۰، باب ۴۳، ۲۹)

بنابراین روایات مسئولیت‌پذیری افراد در عصر غیبت یکی از مؤلفه‌های اجتماعی - سیاسی مؤثر در زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل الله فرجه است.

نمودار شماره ۲



مؤلفه های تربیت اقتصادی

مسئله اقتصاد، مسئله ای ساده و بی اهمیت یا کم اهمیت نیست. دین داری و معنویت، بقا و عزت، سربلندی، حماسه و اقدام، عفت و اخلاق، هنر و فرهنگ، امید و تکاپو و شورآوری و سازندگی هر جامعه ای بستگی دارد به چگونگی نظام اقتصادی آن جامعه، حتی باید اعتراف کرد که بروز شایسته نبوغ و استعداد نسل ها، در شعبه های گوناگون علم و صنعت و اختراع و هنر و فکر و تعقل، متوقف بر جو اقتصادی سالم است. در جو سالم اقتصادی است که یک متفکر می تواند درست

بیندیشد و یک جراح، عمل دقیق خود را به خوبی انجام دهد و یک هنرمند، بیافریند و یک اخلاقی، تربیت کند (حکیمی، ۱۳۸۵: ۲۴۳-۲۴۴). در این جا به برخی از مؤلفه‌های تربیت اقتصادی که درسبک زندگی اسلامی و زمینه‌سازی ظهور مؤثرند، اشاره می‌شود:

۱. دستگیری از ضعفا و فقیران

یکی از مؤلفه‌های مهم تربیت اقتصادی و تأثیرگذار درسبک زندگی اسلامی و زمینه‌سازی ظهور، کمک به ضعفا و محرومان در همهٔ زمان‌هاست و در دین اسلام به آن سفارش شده است که در دوران غیبت امام عصر علیه السلام ارزش بیشتری دارد. امام باقر علیه السلام فرمود:

هرآینه باید قوی شما ضعیفان را کمک نماید و باید عطوفت کند
ثروتمندان برفقیرتان و فرد برای برادر دینی خود خیرخواهی نماید... پس
اگر شخص در این حال از دنیا رفت پیش از آن که قائم ظهور کند، شهید از
دنیا رفته است... (طبری آملی، ۱۴۲۲: ۱۱۳)

۲. ساده‌زیستی

زمینه‌سازان حکومت عدل الهی در زندگی عملی خود باید، ساده‌زیستی را به نمایش بگذارند تا هم درد ورنج محرومان را درک کنند و به فکر رفع گرفتاری و محرومیت‌های آنان باشند و هم بتوانند به عنوان یک کارگزار مصلح در جامعه‌ای اسلامی مورد خطاب کلام امام علی علیه السلام قرار گیرند. امام خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

فَأَيْتَهُمْ... أَقَلُّ فِي الْمَطَامِعِ [إِشْرَافًا] إِشْرَاقًا؛ (شریف رضی، ۱۳۸۲: نامه ۵۳)
آن‌ها (کارگزاران مصلح) از نظر روش اجتماعی، دارای کمترین طمع
هستند.

امام علی علیه السلام در سخن دیگری فرمود:

لا يكون الرجل سيّد قومه حتّى لا يبالي إى ثوبيه لبس؛ (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۲: ج ۴، ۲۷۲)

آدمی آقا و سید اجتماع خود نیست، مگر این که [زندگی ساده ای داشته باشد تا آن جا که] برایش فرق نکند، [در برابر لباس اشرف و فخر فروشان] چه لباسی بپوشد.

کسی که تقوای لازم را ندارد و اهل معنویات نیست و اهل دنیاست و فقط برای نام و نشان و استفاده های شخصی، تلاش می کند، لایق حضور در رکاب امام زمان علیه السلام یا قرار گرفتن در شمار زمینه سازان ظهور نیست.

۳. دوری از تمتع غلط دنیا

یکی دیگر از مؤلفه های تربیت اقتصادی - که از ویژگی افراد زمینه ساز به شمار می رود - پرهیز از زرق و برق های دنیوی و اجتناب از تمتع های غلط دنیوی است. چیزی که امروز بیشتر مردم در دام آن گرفتار شده اند. در آیه ۱۴ سوره آل عمران آمده است:

﴿زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَالِ﴾ (آل عمران: ۱۴)

محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب های ممتاز و چارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است؛ [تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند؛ ولی] این ها [در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند] سرمایه زندگی پست [مادی] است؛ و سرانجام نیک [و زندگی والا و جاویدان]، نزد خداست.

زمینه سازی برای ظهور با غرق شدن در امور دنیوی در یک راستا قرار نمی گیرند.

۴. کار و تلاش

درسبک زندگی بسیاری مکاتب تحریف شده یا بشری دعوت به انزوا و سکون و سکوت به طور افراطی وجود دارد اما سبک زندگی اسلامی دقیقاً در مقابل آن است.

قرآن کریم دعوت به سعی و تلاش را در انحاء مختلف انجام داده است:

﴿كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ﴾؛ (رحمن: ۲۹)

هر روز خدا در کاری است.

﴿وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾؛ (نجم: ۳۹)

انسان چیزی جز سعیش ندارد.

﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَ...﴾؛ (اسرا: ۱۹)

هر کس آخرت را خواست و برایش سعی کرد...

براین اساس زندگی انسان مسلمان مشحون از تلاش و کوشش عملی و فکری است. انسان مسلمان آرام و قرار ندارد، همان گونه که کشتی در دریای آرام یا توفانی توقفی ندارد.

زمینه سازان ظهور که در مکتب قرآن کریم و معصومین علیهم السلام تربیت شده اند، به خوبی می دانند که باید سعی و تلاش نموده کار و تلاششان در حد اعتدال و آن هم در راستای یاری از حضرت امام عصر علیه السلام باشد.

۵. قناعت در زندگی

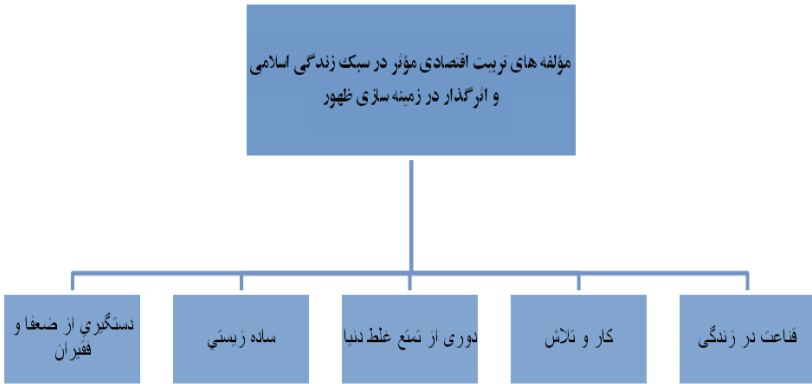
از دیگر مؤلفه های تربیت اقتصادی - که از شاخص های سبک زندگی اسلامی و از عوامل اثرگذار در زمینه سازی به شمار می آید - قناعت در زندگی است. افراد تربیت شده در مکتب اسلام در این باره نیز این آیه قرآن را مد نظر قرار می دهند:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾؛ (فرقان: ۶۷)

و آنان هستند که هنگام انفاق به مسکینان اسراف نکرده و بخل هم نورزند، بلکه در احساس میانه رو و معتدل باشند.

قناعت آثار فراوان و سودمندی دارد و موجب پیش گیری بسیاری از مشکلات می گردد. به همین اساس زمینه سازان ظهور به این مؤلفه تربیتی توجه ویژه ای دارند.

نمودار شماره ۲



مؤلفه‌های تربیت عاطفی

تربیت عاطفی عنوانی است که به تازگی مورد استعمال قرار گرفته و برای نشان دادن طرح سیستم تعلیم و تربیت در نحوه پرورش بعد عاطفی انسان و میزان توجه به عواطف آدمی به کار می‌رود. در تعریف کلی عاطفه عبارت است از یک استعداد روانی که از تمرکز یافتن گروهی از انفعالات پیرامون موضوع مشخص در نتیجه تکرار برخورد و ارتباط یافتن گروهی از انفعالات و ارتباط فرد با این موضوع پدید می‌آید (غزت، ۱۹۵۳: ۱۵۴).

در این جا به برخی از مؤلفه‌های تربیت عاطفی اشاره می‌شود:

۱. محبت

کارسازترین شیوه در تربیت و راهنمایی دیگران، محبت و شفقت است. بزرگ‌ترین معجزه یک مربی و ارشادگر، در مهربانی و نیک‌دلی او نهفته است. پایه و اساس تربیت عاطفی انسان‌ها، دوستی با مردم و ابراز عشق و علاقه به آنان است. به یقین می‌توان گفت: تعلیم و تربیتی که از روی مهرورزی و دلسوزی باشد، بهترین و ماندنی‌ترین آثار را برجای خواهد گذاشت.

براین اساس، امام سجّاد علیه السلام می‌فرماید:

حَقُّ كَسِيٍّ كَيْهَ اَزْتَوْنَصِيحَتِ مِيْ خَوَاهِدْ، اَيْنَ اسْتِ كِهَ اَوْرَا تَا حَدَّ تَوَانَايِي
اسْتِ، نَصِيحَتِ كُنِيْ وَا اَوْمَدَا رَا كَرْدِهَ وَا مَهْرِيَانِ بَاشِيْ. (صدوق، ۱۴۰۴:
ج ۲، ۳۷۶)

در این رویکرد، «تربیت» فراتر از یک وظیفه و حتی دلسوزی است و نشئت گرفته از روح مهرورزانسان دوست مرتبی و مبلّغ دین است. عشق به خوبی‌ها و عشق به سعادت و نیک‌فرجامی انسان‌ها، او را به اصلاح و تربیت آنان وامی‌دارد و از روی شفقت و محبت، راهنمایی و پرورش روحی آن‌ها را برعهده می‌گیرد.

انسان زمینه‌سازی که خود وهستی را شناخته و با این شناخت، «خدا» را دریافته است به او عشق می‌ورزد و با همین ویژگی، عاشق همه موجودات او نیز می‌شود. در این میان، بیشترین علاقه او، به «انسان» به عنوان هم‌نوع خویش است و نیازها و خواسته‌های همانند او دارد. لذا درسراسر آموزه‌های دینی، مهر و محبت به بندگان خدا، نشانه بارز ایمان شناخته شده است. اساساً بنا به فرمایش امام صادق علیه السلام دین چیزی جز محبت نیست: «هَلْ الدِّينَ اِلَّا الْحُبُّ» (عیاشی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۱۶۷).

این حالت مهرورزی را در فرد منتظر، تقویت می‌کند؛ زیرا باید منتظران ظهور او را دوست داشت و از احوالشان جو یا شد و به آنان مهرورزید.

این محبت و مهرورزی باید به بندگان ویژه خدا بیشتر باشد و هر مؤمنی به دلیل ویژگی‌های فطری خود باید بکوشد با عمل به واجبات و ترک محرمات و نیز دیگر وسیله‌ها، زمینه‌های محبت، به اهل بیت را فراهم آورد، امام زمان علیه السلام می‌فرماید:

فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۱۷۵)

۲. خودباوری و اعتماد به نفس

یکی از مؤلفه‌های تربیت عاطفی و از شاخص‌های زمینه‌سازی، اعتماد به نفس

وراه ندادن ترس و ضعف به خود است. در حقیقت، آن چیزی که ستمگران و زورمندان را نسبت به ناتوانان و افراد جامعه گستاخ می‌کند، همان ضعف و ناتوانی و نداشتن اعتماد به نفس است. از این رو، مؤمنان و یاوران موسی علیه السلام پس از آن که توکل کردند، از خداوند خواستند نتیجه ضعف را که همان فتنه است و سبب ذلت آن‌ها می‌شود، از باطن آن‌ها سلب کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۰، ۱۸۲؛ یونس: ۸۵) همچنین خداوند متعال به مادر موسی علیه السلام امر فرمود که کودک خود را به دریا افکن و دیگر نترس و ناراحتی به خود راه مده (قصص: ۷)؛ زیرا امور زمین و آسمان در دست قادر متعال است.

زمینه‌سازان باید اعتماد به نفس و خودباوری را در خود و دیگران پرورش دهند. این مؤلفه تربیتی عامل بسیار مؤثری در زمینه‌سازی و سبک زندگی اسلامی است.

۳. صله ارحام

از دیگر مؤلفه‌های تربیت عاطفی و تأثیرگذار در سبک زندگی اسلامی و زمینه‌سازی ظهور، صله رحم است.

خداوند ما را به صله ارحام بسیار سفارش کرده است. در قرآن کریم می‌خوانیم:

«... وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء: ۱)

و بترسید از خدایی که به نام او از یکدیگر می‌پرسید. [همگی به عظمت او اعتراف می‌کنید و هرگاه می‌خواهید از یکدیگر چیزی پرسید و بگیری، نام مقدس او را مطرح می‌کنید و می‌گویید تو را به خدا...] و از خویشاوندان بهراسید [که مبادا قطع رابطه کنید] همانا خداوند رقیب [و مراقب] شماست. (قرآنی، ۱۳۸۳: ج ۲، ۲۷۳)

در سبک زندگی اسلامی صله رحم بسیار مورد توجه است که از طریق آن فرد آمادگی خود را برای ظهور فراهم می‌سازد. از این طریق فرد خود را طوری تربیت می‌کند که همیشه دوستدار و ارادتمند حضرت امام عصر علیه السلام بماند.

نمودار شماره ۴



مؤلفه های تربیت عقلانی

در میان نظام های فکری هیچ نظام فکری و عملی همچون اسلام، بر تفکر و تعقل تأکید نداشته است. مکتب اسلام، برای برانگیختن انسان ها به تفکر چنان تأکید دارد که ساعتی تفکر برتر از یک عمر عبادت به شمار آمده است.

۱. خردورزی

زیربنای تربیت و پرورش مهدوی، بالابردن توان فکری و اندیشه ای انسان و بالندگی و شکوفایی خردورزی و عقل گرایی او ریشه کنی جهل و نادانی و کم خردی است. قرآن کریم در موارد متعدد و به مناسبت های مختلف، بر ضرورت به کارگیری عقل تأکید کرده است تا رشد و شکوفایی عقلی انسان ها در زندگی فراهم شود. از این رو، می توان نتیجه گرفت که از دیدگاه قرآن کریم و روایات، انسان ها با برخورداری از عقل و به کارگیری آن می توانند درست را از نادرست تشخیص دهند. به همین دلیل، قرآن کریم انسان ها را تغییر دهنده سرنوشت خود معرفی می کند. (رعد: ۱۱) آموزه مهدویت به عقل و عقلانیت اصیل و مستحکم و شکوفایی آن توجه ویژه دارد و یکی از اهداف حکومت موعود را عقلانیت دانسته است:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَيْنَ عُقُولِهِمْ وَكَمَلَتْ بَيْنَهُمَا

أَخْلَامُهُمْ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۳۶)

هنگامی که قائم قیام کند، دست شریفش را بر سر بندگان می‌گذارد و خرده‌های آن‌ها را گرد می‌آورد و اخلاق آن‌ها را کامل می‌گرداند.

۲. عاقبت اندیشی و آینده‌نگری

یکی دیگر از مؤلفه‌های تربیت عقلانی مؤثر در سبک زندگی اسلامی و اثرگذار در زمینه‌سازی ظهور عاقبت اندیشی و آینده‌نگری است.

آینده‌نگری، آینده‌اندیشی و توجه به امکانات و آینده‌هایی که احتمال پدیدار شدن آن‌ها زیاد است، از جنبه‌های مهم و اساسی یک فرد زمینه‌ساز به شمار می‌رود. توجه به آینده، برخلاف تحجر، ماندن و درجا زدن، سبب ارتقا، رشد و پیشرفت فردی و اجتماعی می‌شود. بنابراین، بدون فرجام‌شناسی، شناخت آینده و چگونگی سیر حال به آینده، نمی‌توان به تربیت سازنده دست یافت. زمینه‌سازی برای ظهور مستلزم توجه به آینده و موقعیت‌های فرارو خواهد بود.

کانت - از فلاسفه بزرگ غرب - می‌نویسد:

یکی از اصول تعلیم و تربیت که باید همواره مد نظر طراحان برنامه‌های تربیتی باشد، این است که کودکان را نباید تنها بر حسب وضع فعلی نوع بشر، بلکه برای شرایط بهتر احتمالی آینده آن - یعنی منطبق با انگاره آدمیت و مقصد کلی آن - تربیت کرد. (کانت، ۱۳۷۴: ۶۹)

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

أَلَا وَإِنَّ مَنْ أَدْرَكَهَا مَتَا تَسْرِي فِيهَا بَسْرَاجٍ مُنِيرٍ وَيَحْدُو فِيهَا عَلَى مِثَالِ الصَّالِحِينَ لِيُحِلَّ فِيهَا رِبْقًا وَيُعَيِّقَ فِيهَا رِقًا وَيَصْدَعْ شَعْبًا وَيَشْعَبَ صَدْعًا فِي سُنْتَرَةٍ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ الْقَائِفُ أَثَرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ؛ (شریف‌رضی، ۱۳۸۲: خطبه ۱۵۰، ۲۷۴)

بیدار باشید و به راستی آن کس از ما [یعنی حضرت مهدی علیه السلام] که فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشن‌گرد آن گام می‌نهد، و بر همان روش صالحان (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان گذشته) رفتار می‌کند تا گره‌ها را بگشاید، بردگان [و ملت‌های اسیر] را آزاد سازد، و جمعیت گمراه [و

ستمگرا] پراکنده، و حق جریان پراکنده را جمع آوری کند. [حضرت مهدی علیه السلام] سال‌های طولانی در پنهانی از مردم به سر می‌برد آن چنان‌که اثرشناس اشرقدمش را نمی‌یابد [گرچه دریافتن شانه‌ها] تلاش فراوان نماید.

۳. هدفمندی زندگی

از نظر اسلام جهان بیهوده خلق نشده است و آفرینش انسان هم عبث و بیهوده نیست:

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾. (مؤمنون: ۱۱۵)

براین اساس برنامه‌های تربیتی باید با هدف زمینه‌سازی ظهور هماهنگ باشد و با این هدف، انسان به هدف‌های زندگی که همان کمال حقیقی است، برسد.

۴. به‌کار انداختن اندیشیده

بدون شک علم و فکر، بسیاری از کارها را آسان‌تر کرده و بسیاری از راه‌ها را نزدیک‌تر نموده و بسیاری از گره‌ها را در زمینه‌های گوناگون گشوده است و گاهی راه صد ساله به وسیله علم و دانش یک شبه طی می‌شود.

برای پیشرفت و زمینه‌سازی حکومت ایده‌آل جهانی اسلام به رهبری امام مهدی علیه السلام یکی از شاخص‌های اصلی، تحصیل علم و دانش و کاراندازی آن است. در صورتی که این دو بر اساس شناخت و اولویت‌ها و کارهای مثبت و عادلانه به کار رود. به این فرمایش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم توجه کنید:

إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَعَامَةً وَدَعَامَةَ هَذَا الدِّينِ الْفَقْهُ وَلَفَقِيهِ وَاحِدٌ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ؛ (پابنده، ۱۳۶۳: ح ۹۰)

هر چیزی، اساس و پایه دارد، پایه این دین (اسلام) فهم و شناخت است، و موضع‌گیری یک مسلمان فهیم و دارای شناخت در برابر شیطان و هرگونه فساد، محکم‌تر و بیشتر از هزاران مسلمان بدون شناخت است.

بنابراین باید همه مسلمانان در تحصیل علوم مختلف و عینیت بخشیدن آن

علوم در جامعه تلاش کنند و بدین وسیله زمینه فکری و علمی را در همه ابعاد برای حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه فراهم سازند.

۵. هشیاری و هوشمندی

جهت هشیاری باید از عوامل بازدارنده و غافل کننده مانند سنت گرایي و گذشته نگری نادرست، شخصیت گرایي، پیش داوری و گم بودن، عُجب و خودبینی که پیروی از هوس های نفسانی، تکیه بر حدس و گمان، وابستگی ها و... به شدت پرهیز کرد.

این مطلب مهم را رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در عبارتی کوتاه فرموده است:

لولا تكثير في كلامكم و تمريج في قلوبكم لرأيتم ما أرى و لسمعتم ما أسمع؛
(طباطبایی، ۱۳۷۵: ج ۵، ۲۹۲)

اگر زیاده روی در سخن شما (شعار تو خالی)، هرزه چرانی در دل شما (پر کردن ذهن از امور واهی) نبود هر چه من می بینم شما هم می دیدید و هر چه من می شنوم شما هم می شنیدید.

زمینه سازی نیاز به تربیت و هوشمندی بالایی دارد. از این رو عمل مطابق با سفارشات قرآن کریم و روایات معصومین عليهم السلام در این زمینه ما را در حرکت در مسیر سبک زندگی اسلامی - که آماده کننده ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه است - یاری می کند.

۶. بصیرت و بینش

یکی از مؤلفه های تربیت عقلانی و از شاخص های اساسی در سبک زندگی اسلامی، بصیرت و بینش است. آگاهی و روشن بینی همراه مهدی عجل الله تعالی فرجه سبب می شود که اسیر تند باد شایعه ها و تهدیدها نشویم و تن به شک و شبهه ندهیم. حضرت علی عليه السلام می فرماید:

چون فرمان خدا آزمایش را به سر آورد، شمشیرها را در راه حق بکشیدند و بصیرتی را که در کار دین داشتند، آشکار کردند. طاعت پروردگارشان را پذیرفتند و فرمان و اعظشان را شنیدند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۲: ج ۹، ۱۳۰)

۷. نظم و ترتیب

یکی دیگر از عوامل و مؤلفه‌های تربیت عقلانی تأثیرگذار در زمینه‌سازی، نظم و ترتیب است. یکپارچگی و هماهنگی، تدبیر و نظام، سیره عملی و پیام رفتاری یاران حضرت مهدی علیه السلام است. حرکت و سکون، آرامش و پیشرفت و عملکرد آنان با نظم آراسته شده است؛ شیوه‌ای پسندیده که امیرمؤمنان، علی علیه السلام از آن چنین یاد می‌کند:

گویا آنان را می‌نگرم، زی و هیئتی یکسان، قدر و قامتی برابر، در جمال و برازندگی همانند و هم لباسند. (ابن طاووس، ۱۳۸۳: ۱۴۸)

نمودار شماره ۵



مؤلفه‌های تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی بعدی از تربیت است که هر فرد برای خود و شاید بیش از آن برای فرزندان خود می‌طلبد و هرکس جویای طریق و روشی است که این مهم را میسر سازد؛ ولی انجام آن با مشکلات زیادی همراه است و آن کس که در این راه قدم

نهاده باشد، به یقین پی برده که راهی دشوار و پریپیچ و خم درپیش دارد. این نوع تربیت خواسته یا ناخواسته جریان دارد و نمی‌توان آن را به مکان خاص محدود کرد. فضایل اخلاقی عبارت است از رسیدن خیر به شخص و این ممکن نیست، مگر آن که انسان ابتدا خیر را برای دیگران بخواهد (میرزا محمدی، ۱۳۸۴).

آن چه از آیات و روایات معصومین به دست می‌آید، بیانگر آن است که گستره اخلاق در اسلام وسیع‌تر از اخلاقی است که عقل آدمی آن را ادراک می‌کند؛ زیرا بحثی از واجبات و فرایض یا منکرات در زیر مسائل اخلاقی به شمار آمده که از طریق وحی به انسان رسیده است و عقل از درک آن ناتوان است. قرآن به پیامبر ﷺ می‌فرماید:

﴿يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾. (اعراف: ۱۵۷)

بنابراین برای شناسایی اصول اخلاقی و ارزش‌های والای انسانی در نگاه معصومین عليهم السلام دو ملاک وجود دارد: امور فطری و ذاتی که عقل قدرت درک آن‌ها را دارد، و وحی الهی که به وسیله قلم تسریع معین شده و توسط پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای بشر آورده شده است.

به برخی از مؤلفه‌های تربیت اخلاقی که در سبک زندگی اسلامی مؤثر بوده و در زمینه‌سازی ظهور امام عصر علیه السلام اثر گذرند، اشاره می‌شود:

۱. امید

اولین جزء و معنای سازنده انتظار، امید ورجاست؛ زیرا در صورت یأس مطلق، حالت انتظار و زمینه‌سازی در انسان شکل نمی‌گیرد و تحقق خارجی پیدا نمی‌کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

در انتظار فرج و گشایش باشید و از رحمت خدا ناامید نشوید. (مجلسی،

۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۲۳، ح ۷)

۲. سعه صدر

صبر و سعه صدر از جمله ارزش‌های اخلاقی یک مسلمان است. یک فرد مسلمان باید آراسته به صبر و سعه صدر باشد. از این رو حضرت موسی علیه السلام وقتی می‌خواهد رسالت بزرگ خود را شروع کند از خدا سعه صدر درخواست می‌کند:

﴿رَبِّ اسْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ (طه: ۲۵)

پروردگارا، سینه‌ام را گشاده کن.

به فرموده علی علیه السلام، ابزار ریاست سعه صدر است. بنابراین زمینه‌سازان واقعی در فعالیت‌های فردی و تشکیلاتی باید در برابر سختی‌ها و مشکلات از حوصله و تحمل بالایی برخوردار باشند تا بتوانند بر شتاب زدگی خود مسلط شده و در برخورد با مسائل و مشکلات پیش رو، عاقلانه و مدبرانه عمل کنند.

حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ...﴾ (بقره: ۱۵۵) فرمود:

والبتّه شما [یعنی مؤمنان، قبل از قیام امام مهدی علیه السلام] را به سختی‌هایی همچون ترس، گرسنگی، نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم و به صابران بشارت بده. ... یعنی بشارت بده به صابران در چنین زمانی به این که فرج و ظهور نزدیک است. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۱۷۶)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز می‌فرماید:

برترین عبادت، صبر کردن و سکوت و انتظار فرج است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴، ۷۴، ۴۲۲)

همچنین فرمود:

صبرانه در انتظار فرج بودن، عبادت است. (راوندی، ۱۴۰۷: ج ۴۱، ۱۰۱)

۳. کمال جویی

گرایش به رشد و تعالی در نهاد هر انسانی نهفته است. انسان رشد یافته کسی است که شایستگی و لیاقت اداره و نگه‌داری و بهره‌برداری از سرمایه‌ها و امکانات

مادی یا معنوی را - که به او سپرده می شود - داشته باشد (مطهری، ۱۳۷۸: ج ۳، ۳۱۴). کسانی که از این ویژگی برخوردار باشند، می توانند در جامعه نقش آفرین و تأثیرگذار باشند و مسیر جامعه را به سمت پیشرفت و تعالی هدایت و حرکت دهند. رشد و تعالی، شرط اصلی آزادی و مسئولیت است و بدون این ملکه مهم نمی توان زمام کار خود و جامعه را به دست گرفت. رشد انواعی دارد از جمله رشد مالی، رشد خانوادگی، رشد اخلاقی، رشد اجتماعی، رشد سیاسی، رشد دینی و اسلامی (همو، ۱۳۷۹: ج ۴، ۴۷۰). از این رو، از جمله مؤلفه های اخلاقی سبک زندگی زمینه ساز ظهور، رشد، تعالی و کمال جویی است؛ زیرا زمینه سازی ظهور در حقیقت، بسیج کردن نیرو و امکانات و بهره برداری صحیح از آن ها است. منتظر تربیت شده واقعی، کسی است که امکانات و سرمایه های خود، دردهای و کمبودها و موانع کارش را تشخیص دهد و راه چاره آن دردها و رفع آن نیازها را بشناسد و نسبت به آن ها دغدغه داشته باشد. تربیت زمینه ساز باید نسبت به انواع رشد، برنامه و طرح اجرایی داشته باشد؛ زیرا آموزه مهدویت، نمونه ای از تعالیم رشد دهنده دین اسلام است. استاد مطهری می نویسد:

رشد اسلامی متضمن رشد اخلاقی و رشد اجتماعی و رشد سیاسی هم هست؛ زیرا در اسلام، هم اخلاق است و هم مسئولیت اجتماعی و هم مسئولیت سیاسی و هم مسئولیت رهبری حزبی و رهبری معنوی. (همو: ۴۷۳)

۴. کرامت انسان

انسان از نظر اسلام، موجودی شریف و باارزش و جانشین خداوند در روی زمین است. خداوند می فرماید:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾. (بقره: ۳۰)

آن گاه به ملائکه امر می کند تا بر او سجده کنند و مطیع او باشند. انسان به صورت متوازن و متعادل خلق شده و سپس روح خدایی در او دمیده شده است

(سجده: ۹؛ غافر: ۶۴؛ اسراء: ۷۰).

امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ
الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۴۰، ح ۵۰)

هرکس دوست بدارد از اصحاب و یاوران قائم علیه السلام باشد باید انتظار بکشد
و بر اساس پرهیزکاری و نیکوی اخلاق رفتار نماید؛ درحالی که چشم انتظار
ظهور است.

۵. برابری و مساوات

تساوی انسان‌ها در اسلام به صورت یک واقعیت پذیرفته شده است. اسلام
بر اساس جهان بینی الهی و توحیدی می‌گوید که انسان‌ها همه با یکدیگر برابرند
و این یک واقعیت طبیعی و سنت خداوندی است؛ چراکه همه از یک نفس
آفریده شده‌اند.

در اسلام افراد با هم برابرند و تنها امتیاز آنان در ایمان، تقوا، علم و مجاهدت در
راه خداست. اصل مساوات در تربیت، نه تنها فرصت‌های برابر را پدید می‌آورد،
بلکه هر نوع تبعیض و اندیشه طبقاتی را از بین می‌برد. وقتی ایمان، تقوا، علم و...
معیار و ملاک ارزش و فضیلت باشد، هر فردی برای کسب این خصلت‌ها تلاش
می‌کند و جامعه‌ای مؤمن و متقی و آگاه و کوشا به وجود می‌آید.

بنابراین برابری و مساوات از مؤلفه‌های تربیت اخلاقی و از شاخص‌های مؤثر در
زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام است که باید طبق سفارشات و تأکیدات قرآن کریم
و روایات معصومین علیهم السلام بدان عمل کرد.

۶. تعاون و همکاری

در دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام - که فتنه‌ها به فزونی می‌رسد و
نابسامانی‌های اجتماعی افزایش می‌یابد - بسیاری از کسانی که زیرستم قرار می‌گیرند
و از حقوق مسلم خویش محروم می‌مانند. شیعه منتظر اگرچه نتواند تغییری

بنیادین در جامعه ایجاد کند، دست کم تا آن جا که توان دارد ضعیفان و بیچارگان را دست گیری می نماید، به فقیران و مستمندان، عطوفت می ورزد و در خیرخواهی دیگران کوتاهی نمی کند. اسرار دیگران را حفظ می کند، تحمل مسئولیت می نماید، در رفع مشکلات دیگران می کوشد و هرگز کمبودهای مردم را به گردن رهبران معصوم خویش نمی اندازد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

باید نیرومندان شما به ناتوانان کمک کنند و توانگران به مستمندان برسند، هریک از شما باید چنان که نیک خواه خویش است، در مقابل برادر دینی خود نیز چنین باشد. شما باید اسرار آل محمد علیهم السلام را فاش نسازید و مردم را بر سرما نشورانید... اگر این چنین بودید و بدین گونه که سفارش می کنیم رفتار کردید. هریک از شما اگر از جهان درگذرد و قائم ما را درک نکرده باشد، شهید به شمار خواهد آمد. (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۲: ۵۱۲)

به راستی یکی از زیباترین مؤلفه های اخلاقی اثرگذار در زمینه سازی ظهور، همین یاری رسانی هاست. کسی که خود را آماده می کند تا در دوران ظهور در رکاب امام قائم خویش برای براندازی ستم و برقراری عدالت در سراسر گیتی جهاد و مبارزه کند، اکنون در دوران غیبت چگونه می تواند در برابر رنج ستم دیدگان و محرومان و بیچارگان ساکت و بی تفاوت باشد.

برادری اسلامی و رسیدگی به دردهای اجتماعی و تأسیس واحدهای وسیع و پدافند در این زمینه نیز در نوع خود برای انسجام و پیوند و به هم پیوستگی هر چه بیشتر، زمینه ساز آینده ای درخشان است و نقش اجتماعی مؤثری در پیش برد هدف ها دارد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۰۱).

۷. اخلاق نیکو

مؤلفه تربیت اخلاقی مهمی که می توان از «انتظار» توقع داشت، آراستن فرد زمینه ساز به اخلاق پسندیده و حسن معاشرت با مردم است. بی شک زمینه سازان

واقعی ظهور، وی را همچون پیامبرگرامی اسلام ﷺ، تلاشگری بزرگ در جهت تکمیل مکارم اخلاق می‌دانند و اساساً ظهور او را برای همین منظور، لازم می‌دانند؛ یعنی برای اصلاح زشتی‌های اخلاقی و پلیدی‌های اجتماعی. از این رو، خود باید به بهترین اخلاق آراسته باشند. یاوران آن حضرت، خوش اخلاق‌ترین افراد جامعه اسلامی اند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

وَ انْتَظَارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ وَ حُسْنُ الصُّحْبَةِ وَ حُسْنُ الْجَوَارِ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۴۰)

مطابق این حدیث، انتظار به حرف و سخن نیست، بلکه با صبر، با نیکو سخن گفتن با رفتارهای پسندیده در همسایگی و همنشینی، در کردار نیکوی شخص نمایان می‌گردد.

۸. وفای به عهد

از دیگر مؤلفه‌های تربیت اخلاقی، وفاداری به عهد و پیمان است. مهم‌ترین عهد و پیمان، عهدی است که با امام زمان علیه السلام خود بستیم. عهدی که خداوند در قرآن کریم به این‌گونه از آن یاد می‌کند:

«مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»؛ (احزاب: ۲۳)

از مؤمنان مردانی هستند که در عهدی که با خدا بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان پیمانشان را به انجام رساندند و برخی از آنان انتظار می‌برند و هیچ تغییر و تبدیلی در پیمانشان نداده‌اند.

یک فرد زمینه‌ساز همچنان که در دعا‌های خود وفای به عهد با امام عصر علیه السلام با زبان بیان می‌کند، در عمل نیز بدان وفادار خواهد بود.

۹. خودسازی

آموزه‌ای که در اسلام، بر آن بسیار تأکید شده است و فلسفه ارسال رسولان و نازل

شدن کتاب‌های آسمانی بر آن بوده که نخست، فرد به سازندگی خویش بپردازد و صفت‌های ناپسند را از خود دور سازد و زنگارهای گوناگونی که بر قلب می‌نشیند، بردارد. چنان‌که قرآن وظیفه پیامبر ﷺ را همین تهذیب ذکر می‌کند:

﴿يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾. (جمعه: ۲)

پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز می‌فرماید:

إِنِّي بَعَثْتُ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۸، ۵۲)
من برانگیخته شدم تا مکارم اخلاق را تکمیل کنم.

آن‌چه انتظار را معنا دار می‌کند، خودسازی است؛ زیرا فردی که در انتظار مصلح نشسته است، باید صالح و خودساخته باشد.

۱۰. تهذیب نفس

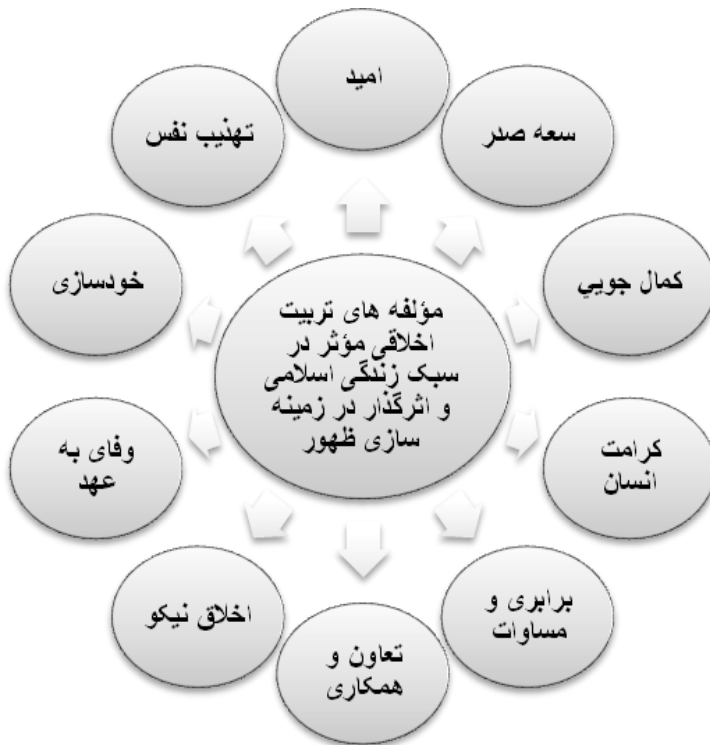
از جمله مؤلفه‌های مهم تربیت اخلاقی که هر شیعه منتظر بر عهده دارد، تهذیب نفس است؛ چنان‌که نعمانی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

هر کس از این‌که جزویاران قائم علیهم السلام باشد، شادمان می‌شود، باید منتظر باشد و در حال انتظار، اهل عمل به نیکی‌های اخلاقی باشد. پس اگر [در چنین حالی] از دنیا برود و قائم علیه السلام پس از او ظهور کند، پاداشی همچون پاداش کسانی که او را درک کرده‌اند، خواهد داشت. پس [حال که چنین است] بکوشید و در انتظار باشید. گوارایتان باد ای گروه مورد رحمت قرار گرفته! (نعمانی، ۱۳۷۹: باب ۱۱، ح ۱۶)

موضوع تهذیب نفس و دوری گزیدن از گناهان و کارهای ناشایست، به عنوان یکی از وظایف منتظران در عصر غیبت، چنان اهمیتی دارد که در توفیق شریف حضرت صاحب الامر علیه السلام به مرحوم شیخ مفید، اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان آن حضرت سر می‌زند، یکی از اسباب یا تنها سبب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از لقای آن دُرّ منیر شمرده شده است:

... تنها چیزی که ما را از آنان (شیعیان) پوشیده می‌دارد، همانا چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما می‌رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی‌رود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۳، ج ۱۷۷)

نمودار شماره ۶



آثار و ثمرات تربیتی زمینه‌ساز ظهور

زمینه‌سازی ظهور حضرت امام عصر علیه السلام آثار و ثمرات تربیتی فراوانی دارد که به چهار مورد مهم، به اختصار اشاره می‌شود:

۱. اصلاح طلبی و ظلم‌ستیزی

انسان منتظر باید در راه اصلاح خود و جامعه، استقرار عدالت و رفع ظلم و تعدی

تلاش ورزد. آن که منتظر مصلح جهانی است خود باید صالح و مصلح باشد. در اسلام در قالب امر به معروف و نهی از منکر، بر لزوم مبارزه با هرگونه فساد اخلاقی، سیاسی و اجتماعی تأکید بسیاری شده است. امر به معروف و نهی از منکر از منظر فقه اسلامی وظیفه شرعی و همگانی است. نتیجه مستقیم انجام این فریضه «اصلاح» و مجری آن «مصلح» نامیده می شود. برای درک اهمیت این اصل اسلامی، به ذکر یک آیه و حدیث بسنده می کنیم:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾ (آل عمران: ۱۱۰)

شما بهترین امتی هستید که برای انسان ها پدیدار شده است [زیرا] امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.

رسول خدا ﷺ فرمود:

باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه خداوند بدترین و شریرترین شما را بر نیکان و پاکانتان چیره می کند و دعای خوبانتان را مستجاب و روا نمی گرداند. (احسان بخش، ۱۳۶۶: ج ۱، ۱۲۵، ح ۲۲)

رضایت و خشنودی حضرت مهدی علیه السلام در آن است که «معروف» عملی شود و منکر ترک گردد. بنابراین انسان منتظر نباید در این باره بی تفاوت باشد. خود حضرت در روزگار ظهور، بزرگ ترین امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر است. جامعه منتظر، قطعاً خشنودی و رضایت حضرت مهدی علیه السلام را می خواهد و به او اقتدا می کند و برای اقامه احکام خدایی، تنبلی و بی تفاوتی را از خویشتن دور می سازد (حکیمی، ۱۳۸۰: ۲۷۲).

۲. آرامش و امنیت

تأمین و تضمین آرامش و امنیت خاطر در تمامی جهات - اعم از امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی - مهم ترین خواسته هرانسانی در تمامی

دوران هاست. گزارش کمیسیون اداره مسائل جهانی نیز می‌گوید:

مفهوم امنیت جهانی باید چنان توسعه یابد که افزون بر ملاحظات سنتی امنیت - که ناظر بر امنیت دولت هاست - امنیت مردم و زمین را نیز دربر گیرد. (تهرانیان و دیگران، ۱۳۸۰: ۵۸)

در جایی دیگر آمده است:

ما به دنبال جهانی شدن با ابعاد اجتماعی هستیم که ارزش‌های انسانی را پاس بدارد و رفاه مردم را از حیث آزادی، آسایش و امنیت ارتقا دهد. (قلیان، ۱۳۸۴: ۶)

اینستاین - متفکر بزرگ و تئوری پرداز «نظریه نسبیت» - نیز - البته با اشاره ناآگاهانه به یکی از رهاوردهای دولت کریمه منجی موعود - این‌گونه اظهار نظر می‌کند: فرارسیدن آن روزی که در جای جای جهان، صلح و صفا حکومت کند و همه اعضای جامعه بشری با یکدیگر دوست و برادر باشند، دیری نخواهد پایید. (همو: ۷)

۳. آزادی

انسان مدرن، خواهان آزادی در تمام ابعاد زندگی است. جان استوارت میل^۱ می‌گوید: جامعه‌ای که به صورتی آزادی را محدود کند، افرادی کم عقل و کم جرأت و به طور خلاصه کم استعداد به بار می‌آورد. (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸: ۱۳۱)

روسو نیز می‌گوید:

کسی که از آزادی صرف نظر کند، از مقام آدمیت و از حقوق و وظایف بشریت صرف نظر نموده است و هیچ چیزی نمی‌تواند این خسارت را جبران کند. (روسو، ۱۳۴۵: ۱۳)

با این حال، بی‌شک آزادی کامل، تنها رهایی از قید و بندهای بیرونی نیست؛ زیرا چنین برداشتی خود به نسبی شدن این مفهوم متعالی می‌انجامد؛ چنان که

1. John Stuart Mill

رابرت بورک^۱ می‌نویسد:

این طبیعی است که انسان‌ها برای آزاد شدن از نزدیک‌ترین قید و بند تلاش می‌کنند، ولی زمانی که از آن قید یا فشار نجات یافتند، به سراغ قید و بند بعدی می‌روند. این مهم‌ترین دلیل برای تغییر دایمی برنامه‌های لیبرالیستی است و درست به همین دلیل است که لیبرال‌های هر دوره و عصری، غالباً با لیبرال‌های دوران‌های دیگر کاملاً بیگانه‌اند و غالباً لقب لیبرال را شایسته یکدیگر نمی‌دانند؛ زیرا شناخت درستی از هم ندارند. (بورک، ۱۳۷۹: ۱۶۰)

بنابراین، آزادی زمانی ارزشمند است که به زنده شدن ارزش‌های انسانی نیز بینجامد. نوستراداموس نیز در پیش‌گویی‌های خود درباره موعودی که آزادی را به انسان خواهد بخشید، چنین می‌نویسد:

بعد از آن که نژادهای بشر از وضعیت طبیعی خود خارج شد، گرداننده بزرگ، قرن‌ها را احیا خواهد کرد.

او در جای دیگر می‌گوید:

فردی با اراده ملکوت، ناگهان وارد می‌شود و شیطان را به بند می‌کشد و از آن پس بین افراد بشر، صلح جهانی برقرار خواهد شد و کلیسای حضرت مسیح، یک پارچه شده و از فرقه‌های خود آزاد خواهد شد.

۴. پیشرفت علمی و عملی

آرزوی ترقی علم و پیشرفت عملی در هر تفکر و فرهنگی، ارزش و قداست خاصی دارد و انسان مدرن نیز معتقد است که علم می‌تواند همه مسائل مربوط به ارزش و اعمال ارزش‌ها را در زندگی انسانی حل کند و بر مبنای مشاهدات تجربی، رفتار انسان را پیش‌بینی و حمایت نماید (گولد و کوب، ۱۳۷۶: ۵۹۷). انسان امروزی نیز می‌داند که علم و پیشرفت را باید در سیری صعودی و به تدریج به دست آورد تا در نهایت به رشد نهایی مطلوب دست یابد؛ چنان‌که کانت معتقد

1. Robert. H. Bork

بود، ترقی عبارت است از توسعه آرام و ممتد پاره‌ای از حالات عمده طبیعت؛ اگرچه سیر آن بطیء باشد. به اعتقاد او، تاریخ نوع بشر را به طور کلی می‌توان ایضاً یک طرح مکتوم طبیعت دانست که هدفش ایجاد یک بنیان مدنی کامل برای جامعه است... و این تنها وضعیتی است در جامعه که در آن طبع بشری به طور کامل می‌شکفتد. برتراند راسل نیز می‌نویسد:

من در دیده اندیشه خود، جهانی سرشار از افتخار و شادمانی می‌بینم؛ جهانی که در آن اندیشه وسعت می‌پذیرد، امید به ناامیدی نمی‌انجامد و فضیلت به بهانه آن که به فلان و بهمان هدف بی‌مقدار آسیب وارد می‌کند، به عنوان عملی خیانت‌کار محکوم نمی‌شود. (راسل، ۱۳۴۴: ۲۵۲)

در دگرترین مهدویت، حاکم جامعه جهانی باید انسان مافوق - نه مافوق انسان - و ممکن مافوق - نه مافوق ممکن - باشد که تمام هویتش فقط فقر و احساس نیاز به خدای بی‌نیاز است نه هیچ کس دیگر. چنین حاکمی بیشترین استعدادها را دارد و به کسب بیشترین عنایات و عطیات و افاضات الهی به حکم «العطیات بقدر القابلیات» نیز نایل می‌گردد (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۲: ۳۶).

موجود در دگرترین مهدویت، از انواع بدی‌ها و زشتی‌های جسمی و روحی و آلودگی‌ها و لغزش‌ها پیراسته است. چنین فردی پس از انتخاب، حق هیچ‌گونه تشریع و قانون‌گذاری از جانب خود ندارد. از آن جا که خداوند به حکم آفرینش و به طور طبیعی بر همه حق حکومت دارد، شخص حاکم نیز بر اساس همان قوانین، حکومت خواهد کرد و مهم‌تر از همه این که چنین حاکم جهانی، باید از خطا و سرپیچی و عصیان به درجه مصونیت برسد. به عبارت دیگر، به واسطه داشتن قوه عصمت، از تعدی و تجاوز مصون باشد (سبحانی، ۱۳۶۶: ۶۳).

نتیجه

انتظار و زمینه‌سازی مفهومی است که در زندگی اجتماعی و فردی بشر نقش بسزایی را ایفا می‌کند، به گونه‌ای که حرکت و زمینه‌سازی همیشه در کنار هم قرار

دارند و از هم جدا نمی‌شوند. اگر زمینه‌سازی از انسان گرفته شود امیدواری به آینده از او جدا شده است و این انسان، ادامه حیات برایش بی‌لذت خواهد بود و هیچ رشدی نخواهد داشت. برای زمینه‌سازی نیز مؤلفه‌های تربیتی در ابعاد دینی و اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، عاطفی، عقلانی و اقتصادی و براساس سبک زندگی اسلامی وجود دارد که تربیت براساس این مؤلفه‌ها، زمینه‌ساز ظهور امام عصر علیه السلام خواهد بود.

زمینه اصلی ظهور، زمانی فراهم می‌شود که اراده اصلاح در مردم پدید آید؛ یعنی آن‌که اندیشه کاردارد، آماده بذل جان خویش در این راه باشد و همچنین در این مسیر، دچار هیچ‌گونه سازش‌کاری، دودلی یا پیروی از خواسته‌های نفسانی نشود. از جمله ارکان پیدایی اراده اصلاح، پرورش خردهاست تا مردم در عین شناخت جایگاه امام، خود به داوری امور بپردازند و این رشد فکری، از جمله وظیفه‌های دولت اسلامی است. بر این اساس، یک اصل راهبردی این است که باید همه رفتارها، حرکت‌ها، جهت‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در جهت سبک زندگی اسلامی باشد.

زمینه‌سازی و آماده کردن جامعه متناسب با شرایط و مقتضیات فرهنگ و ارزش‌های دینی و توحیدی برای ظهور منجی بشر، نیازمند توجه به نقش انسان و نیروسازی است؛ زیرا اراده و محتوای باطنی انسان، علت‌العلل تمامی تغییر و تحولات اجتماعی به شمار می‌رود.

طبق آموزه‌های دین مبین اسلام، یگانه هدف خلقت انسان رسیدن به عبودیت و قرب الی الله است و ظهور آخرین حجت حق و سرسپردگی به هدایت‌های ایشان، تنها راه قرارگرفتن در این مسیر به شمار می‌آید. این نجات‌بخشی در پرتو ظهور حضرت علیه السلام خاص دین اسلام نیست، بلکه همه ملت‌های آزاده جهان انتظار این منجی جهانی را می‌کشند. پس ظهور حضرت آمادگی جهانی را می‌طلبد و این آمادگی نیاز به زمینه‌سازی دارد و همه منتظران ظهور به نوبه خود باید در زمینه‌سازی ظهور سهیم باشند.

منابع

- ابراهیم زاده، عیسی، *فلسفه تربیت* (رشته علوم تربیتی)، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۳ ش.
- ابن ابی الحدید، عزالدین بن حسین، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۸۲ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، *الملاحم*، قم، انتشارات صلوات، ۱۳۸۳ ش.
- ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- احسان بخش، صادق، *آثار الصادقین*، قم، انتشارات دار القلم، ج ۱، ۱۳۶۶ ش.
- بورک، رابرت اچ، *لیبرالیسم مدرن*، ترجمه: الهه هاشمی حائری، تهران، انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
- بهشتی، سعید، «فلسفه تعلیم و تربیت در جهان امروز»، *مجله قیاسات*، ش ۳۹، ۱۳۸۵ ش.
- _____، *زمینه ای برای بازشناسی و نقادی فلسفه تعلیم و تربیت در جهان غرب*، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۳ ش.
- پیرسون، کریستوفر، *معنای مدرنیت*، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران، بی نا، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- تهرانیان، مجید و دیگران، *جهانی شدن، چالش ها و ناامنی ها*، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- حسینی استرآبادی، شرف الدین، *تأویل الآیات*، قم، مدرسه الامام المهدي علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
- حکیمی، محمدرضا، *خورشید مغرب*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ

هجد هم، ۱۳۸۰ ش.

- خمینی، سید روح الله، *صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام علیه السلام)*، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، نشر دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
- دیمائتو، رابین، *روان شناسی سلامت*، ترجمه: محمد کاویانی و همکاران، تهران، سمت، ۱۳۷۸ ش.
- راسل، برتراند، *آیا بشر آینده ای هم دارد؟*، ترجمه: م، منصور، تهران، انتشارات مروارید، چاپ دوم، ۱۳۴۴ ش.
- راوندی، قطب الدین، *الدعوات*، قم: مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۷ ق.
- روسو، ژان ژاک، *قرارداد اجتماعی*، ترجمه: عنایت الله بخشی، تهران، بنگاه مطبوعاتی فرخی، چاپ سوم، ۱۳۴۵ ش.
- روکس برو، یان، *نظریه های توسعه نیافتگی*، جامعه شناسی توسعه، ترجمه: مصطفی ازکیا، تهران، نشر توسعه، ۱۳۷۰ ش.
- سبحانی، جعفر، *رهبری امت*، تهران، انتشارات کتابخانه صدرا، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ق.
- سلیمیان، خدامراد، *فرهنگ نامه مهدویت*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
- شریعتمداری، علی، *جامعه و تعلیم و تربیت*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰ ش.
- _____، *روان شناسی تربیتی*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۴ ش.
- شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه: محمد دشتی، قم، انتشارات کمال الملک، ۱۳۸۲ ش.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم، «نقش انتظار در پویایی جامعه»، ماه نامه موعود، پیش شماره ۲، ۱۳۷۵ ش.
- _____، *معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران*، تهران، انتشارات موعود عصر، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

- صافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش - الف.
- _____، منتخب الاثر، تهران، انتشارات مکتب الصدر، ۱۳۷۲ش - ب.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- _____، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
- صفایی حائری، علی، درس های از انقلاب؛ انتظار، قم، لیلۃ القدر، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تهران، اسوه، ۱۴۱۶ق.
- طبری آملی، محمد بن ابی القاسم، بشارۃ المصطفی لشعبة المرتضى، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۲ق.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، منیة المرید فی آداب المفید والمستفید، سبزوار، خمسة النجباء، ۱۳۹۱ش.
- عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ج ۱، ۱۴۰۹ق.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۴، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
- عمیدی، ثامر هاشم، درانتظار قفنوس، ترجمه و تحقیق: مهدی علی زاده، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹ش.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، المکتبه العلمیة الاسلامیة، ۱۳۶۳ش.

- غزت، احمد، *اصول علم النفس*، قاهره: دارالکتب، ۱۹۵۳م.
- فراهیدی، خلیل، *العین*، قم، دارالهجره، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- قرائتی، محسن، *تفسیر نور*، ج ۲، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ش.
- قزوینی، محمد بن یزید، *سنن ابن ماجه*، ج ۲، بیروت، دارالجیل، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- قلیان، عبدالاحد علی، *کمیسیون جهانی بررسی ابعاد جهانی شدن، جهانی شدن منصفانه*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
- قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، تهران، هاد، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
- کانت، امانوئل، *تعلیم و تربیت (اندیشه‌هایی درباره آموزش و پرورش)*، ترجمه: غلام حسین شکوهی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ش.
- کراچکی، ابوالفتح، *کنزالفوائد*، قم، مکتب المصطفوی، ۱۴۱۰ق.
- کریمی، عبدالعظیم، *سازه‌های تربیت و دموکراسی*، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۰ش.
- کفعمی، تقی‌الدین ابراهیم بن علی، *مصباح*، نجف، دارالکتب العلمیه، ۱۳۴۹ش.
- گولد، جولینوس؛ ویلیام ل کوب، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ویراستار: محمدجواد زاهدی مازندرانی، تهران، انتشارات مازیار، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
- گوهرین، سیدصادق، *شرح اصطلاحات تصوف*، ج ۴، تهران، زوار، ۱۳۶۸ش.
- گیبینز، جان؛ جان بوریم، *سیاست پست مدرنیته*، ترجمه: منصور انصاری، تهران، گام نو، ۱۳۸۱ش.
- گیدنز، آنتونی، *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات مرکز، ۱۳۷۷ش.
- _____، *تجدد و تشخص*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران، نشرنی، ۱۳۷۸ش.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، ج ۹۷، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

- مصطفوی تبریزی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۱۳، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۹ ش.
- مطهری، مرتضی، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۴ ش.
- _____، *تکامل اجتماعی انسان*، تهران، انتشارات صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۷۲ ش.
- _____، *قیام و انقلاب امام مهدی (علیه السلام) از دیدگاه فلسفه تاریخ*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ ش.
- _____، *مجموعه آثار*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ ش.
- _____، *یادداشت ها*، ج ۲، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹ ش.
- موسوی اصفهانی، محمد تقی، *مکیال المکارم*، ج ۲، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، تهران، انتشارات بدن، ۱۳۷۲ ش.
- موسوی، سید مهدی، «تربیت سیاسی در پرتو انتظار»، فصل نامه مشرق موعود، سال دوم، ش ۶، ۱۳۸۷ ش.
- میرزاحمدی، محمد حسن، *فارابی و تعلیم و تربیت*، تهران، انتشارات یسپرون، ۱۳۸۴ ش.
- نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، ترجمه: محمد جواد غفاری، تهران، انتشارات مکتبه الصدوق، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش.
- نلر، جی. اف، *آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش*، ترجمه: فریدون بازرگان دیلمقانی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵ ش.
- هادوی تهرانی، مهدی، *مهدی، ولایت و دیانت*، قم، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- هاشمی شهیدی، سید اسدالله، *ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان*، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۰ ش.
- Thomas, "Religious Education", Published in the international Encyclopedia of Education, edited by: Husen and T. Postle Waite, vol.7, pp. 42-75, Pergamon press, 1990.

عوامل تأثیرگذار بر تربیت مهدوی

قدسی بنده کریم*

چکیده

تعلیم و تربیت مهدوی، کوششی برای فعلیت یافتن همه استعدادها در جهت تقرب و بندگی خدا و تحقق شرایط و زمینه‌های لازم برای ولایت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام است. در این نظام تربیتی - که مبتنی بر قرآن و سیره معصومین علیهم السلام است - تربیت و هدایت مردم در رأس همه برنامه‌ها قرار دارد و دارای اصولی چون فطرت، کمال جویی، پویایی، چندبعدی بودن، مختار و مسئول بودن، برابری همه انسان‌ها، تفاوت‌های فردی، تقدم تزکیه بر تعلیم، اجتماعی و جهانی بودن، کرامت، تبشیر و انذار است و ویژگی‌هایی مثل شناخت انسان کامل، تعهد و مسئولیت در برابر خود و دیگران، وجدان اخلاقی و ناظر بودن خدا بر اعمال و رفتار، جامعیت، توصیه به تأمین دنیا در عین توجه به حیات اخروی، تأکید بر علم و عقل و تجربه و برنامه‌های قابل تحقق دارد. در تربیت مهدوی، وراثت، محیط و اراده نقشی مهم دارند. عوامل محیطی را می‌توان به عوامل انسانی و غیر انسانی تقسیم کرد. عوامل غیر انسانی به طور مستقیم یا غیرمستقیم در تربیت مؤثرند؛ اما عوامل انسانی تأثیرگذار در تربیت عبارتند از: الف) محیط خانه و خانواده؛ ب) محیط مدرسه بعد از والدین؛ ج) محیط رفاقت و

معاشرت؛ د) محیط اجتماع.

در تعلیم و تربیت مهدوی، انسان با تمام ابعاد جسمانی و روحانی مورد توجه است و از آن جا که این ابعاد غالباً در حال تغییر و تحولند، برای پرورش آن‌ها باید از روش‌های پویا و متنوع بهره گرفت. روش الگوی محبت و موعظه از روش‌های مؤثر در انتقال مفاهیم مهدویت به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی

تعلیم و تربیت مهدوی، انسان‌شناسی، فطرت.

مقدمه

اعتقاد به ظهور حضرت مهدی علیه السلام از ضروریات دین اسلام است و در اهمیت این شناخت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛

هرکس بمیرد، در حالی که امام عصر خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.

آرزوی تحقق حکومتی که تکامل اجتماعی و طبیعی نوع انسان به همراه دارد در روایات انتظار فرج نامیده می‌شود. انتظاری که توأم با نوعی آینده‌نگری و آینده‌سازی است و از لحاظ محتوا امید، تلاش، تعهد، مسئولیت و سازندگی به همراه دارد؛ به گونه‌ای که انسان با توجه به آینده‌ای روشن به سوی هدف پیش می‌رود و اطمینان دارد که وعده الهی حق است و به یقین روزی بساط ظلم و تباهی از جهان برچیده خواهد شد. با درک صحیح این مفهوم راهی روشن برای فرد و جامعه ترسیم می‌شود، به گونه‌ای که همه روابط خود را بر پایه امام و تبعیت از او تنظیم می‌کند. یک جامعه منتظر، عصر غیبت را عصر آماده‌باش برای یاری امام می‌داند. در روایات اسلامی از گروهی یاد شده که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می‌شوند. در این جا تنها به ذکر دو نمونه اکتفا می‌کنیم.

مفضل می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

وَقَدْ وَاقَاهُ ثَلَاثِمِائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فَيُبَايِعُونَهُ وَ يُقِيمُ بِمَكَّةَ حَتَّى يَتِمَّ أَصْحَابُهُ
عَشْرَةَ آلَافٍ أَنْفُسٍ ثُمَّ يَسِيرُ مِنْهَا إِلَى الْمَدِينَةِ؛

سیصد و سیزده نفر به حضور او می‌رسند و با او بیعت می‌کنند و در مکه توقف می‌کنند تا تعداد یارانشان به ده هزار نفر می‌رسد سپس از آن جا به سوی مدینه رهسپار می‌گردد.

در روایتی دیگر حضرت علی علیه السلام تعداد یاران آن حضرت را بیش از دوازده هزار نفر ذکر می‌کنند و این روایات بیانگر تلاش در جهت پرورش یاران حق است. اما به راستی چگونه می‌توان افراد را برای تحقق چنین هدف مهمی تربیت نمود؟ عوامل تأثیرگذار بر تربیت مهدوی چیست؟ از چه شیوه‌هایی باید در تربیت بهره گرفت تا فرد و جامعه را به سوی این هدف سوق داد؟ این مقاله با بهره‌گیری از قرآن و روایات در صدد پاسخ‌گویی به سؤالات فوق است.

تربیت

تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعداد های انسان در جهت مطلوب که باید با کوشش و مساعی خود متربی توأم گردد تا به منتهای کمال نسبی خود به میزان طاقت و توانایی نایل شود. (حجتی، بی تا: ۱۱۸)

واژه تعلیم در مفهوم محدود تر به کار می‌رود در تعلم و یادگیری یک رشد ذهنی در فرد ایجاد می‌شود، ولی این رشد ذهنی منجر به تحول و تکامل در رفتار نمی‌شود؛ در مفهوم تربیت حرکت از نقص به کمال وجود دارد و انسان با تربیت صاحب کمالاتی که دیگران از آن بی‌بهره‌اند و هر اندازه ابعاد این کمالات بیشتر باشد صاحب آن دارای تربیت والاتر است.

از دیدگاه اسلام تربیت مقدم بر تعلیم است و اهمیت این مطلب را می‌توان در اولین آیاتی که بر پیامبر نازل شد درک نمود:

﴿أَفْرَأَ بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * أَفْرَأَ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ *
الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾. (علق: ۱-۵)

در این آیات قبل از هر چیز تکیه بر مسئله ربوبیت پروردگار شده است و می دانیم رب به معنای مالک مصلح است؛ کسی که هم صاحب چیزی است و هم به اصلاح و تربیت آن می پردازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۷، ۱۵۵). قرآن واژه تزکیه را فقط درباره نفس و روح و جنبه های معنوی انسان به کار می برد. قرآن می فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾ (اعلی: ۱۴)، ولی درباره جنبه های جسمانی، تربیت را به کار برده است؛ مانند این سخن فرعون خطاب به موسی علیه السلام که گفت:

﴿أَلَمْ تُزَكِّكْ فِينَا وَلِيداً وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ﴾؛ (شعراء: ۱۸)

آیا ما تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم، و سال هایی از زندگی ات را در میان ما نبودی؟

بدون تردید تربیت موسی علیه السلام توسط فرعون هرگز پرورش عواطف و ایمان و جنبه های انسانی و معنوی موسی نبوده است، بلکه فراهم آمدن امکانات مادی و رشد جسمانی است.

قرآن ضمن بیان هدف از بعثت پیامبران علیهم السلام به اهمیت تزکیه و تقدم آن بر تعلیم اشاره می کند:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ
الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾. (جمعه: ۲)

تقدم تزکیه بر تعلیم، گویای این حقیقت که بشر می تواند بدون بسیاری از معلومات ذهنی به زندگی خود ادامه دهد، ولی هرگز نمی تواند با داشتن همه معارف و تکنیک ها بدون تزکیه و تربیت صحیح به زندگی انسانی دست یابد. با تعلیم و تربیت صحیح می توان به رشد و ارتقای جسمانی و روحانی فرد کمک نمود و نیازهای فردی، اجتماعی، اقتصادی و... را تأمین کرد و اصولاً زندگی فردی و اجتماعی بشر با تربیت ارتباط دارد.

در حقیقت تعلیم و تربیت مهدوی، تلاش و کوششی برای فعلیت یافتن همه استعدادها در جهت تقرب و بندگی خدا و ایجاد شرایط لازم برای ولایت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام است. در این نظام تربیتی که مبتنی بر قرآن و سیره معصومین است، تربیت و هدایت مردم در رأس همه برنامه‌ها قرار دارد؛ به گونه‌ای که حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین پس از بازگرفتن شریعه آب از سپاه معاویه و آزاد گذاشتن آن برای دوست و دشمن، حضرت چند روزی آتش بس اعلام کرد و فرمود:

به خدا قسم یک روز جنگ کردن را به تأخیر نینداختم مگر برای آن که می‌خواهم گروهی بیدار شده و به من ملحق گشته و هدایت شوند و با چشم کم نور خود روشنی مرا ببینند و این تأمل و درنگ در کارزار نزد من محبوب تر است که گمراهان را بکشم.

آن حضرت در میدان‌های جنگ به تربیت دسته‌جمعی و گروهی اکتفا نمی‌کرد، بلکه به تربیت فردی هم می‌پرداخت. شیخ صدوق در کتاب توحید نقل می‌کند که عربی در جنگ جمل از امیرالمؤمنین پرسید: «آیا اعتقاد دارید خدا یکی است؟ اصحاب تعجب کردند که در این موقعیت حساس این چه سؤالی است؟ ولی حضرت فرمود: بگذارید جواب سؤال خود را بگیرید و نسبت به خدا معرفتی به دست آورد. سپس آن چنان مسئله توحید را برای او شرح داد تا کاملاً قانع شد.

ویژگی‌های تربیت و تعلم مهدوی

۱. مسئول بودن هر مسلمان برای تزکیه و اصلاح خویش در تربیت مهدوی؛ در وجود انسان نیازهای متعددی وجود دارد و با اعتدال در نیازها می‌تواند در جهت سعادت دنیا و آخرت گام بردارد. از این رو در قرآن و روایات بارها انسان به خودشناسی دعوت شده است.

«أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْتَاهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا»؛ (مریم: ۶۷)

آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما او را آفریدیم و حال آن که چیزی نبوده است؟

از دیدگاه قرآن وظیفه اهل ایمان خودشناسی است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾. (مائده: ۱۰۵)

در کلام حضرت علی علیه السلام از خودشناسی با تعبیر «انفع المعارف» یاد شده است. آن حضرت می‌فرماید:

در شگفتی از کسی که چیزی از خود گم می‌کند و در جست‌وجویش برمی‌آید، و خود را گم کرده، اما جست‌وجو نمی‌کند.

خودشناسی اسلامی آینه‌ای است که همه معارف الهی را می‌توان در آن مشاهده کرد. یکی از نتایج مهم خویش‌شناسی برای انسان، دستیابی به عزت نفس و احساس کرامت و بزرگواری است. تفاوت میان اخلاق اسلامی با سایر نظام‌های اخلاقی ناشی از اختلاف در زمینه انسان‌شناسی است. اخلاق اسلامی بر محور خودشناسی و احساس کرامت استوار است. اصولاً رسیدن به قرب الهی جز با تحصیل کمالات روحی و فضایل اخلاقی امکان‌پذیر نیست و بی‌تردید سازندگی درونی انسان و اصلاح نفس در سعادت فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی نقش بسزایی دارد و اگر انسان در تمامی علوم پیشرفت کند ولی از تسلط بر نفس خویش ناتوان باشد، هرگز نمی‌تواند به سعادت و کمال نایل گردد. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات دنیای امروز، فقدان معنویت و دوری از اخلاق است. کلیه مفاسده‌ی که در جوامع بشری دامن‌گیر زندگی فردی و اجتماعی انسان شده ناشی از جهل و نادانی، تبعیت از هوئی وهوس و غفلت از یاد خداست. قرآن کریم در سوره عبس برنامه‌ای جامع برای خودسازی ارائه می‌دهد:

الف) در آفرینش خود دقت کنید؛ تأمل در آفرینش سبب دستیابی به عزت نفس و مانع از غرور و تکبر است.

ب) قرآن هدایت‌های الهی (اعم از عقل و وحی) را به عنوان بهترین زاد و توشه این راه معرفی می‌کند.

ج) توجه به غذای جسمانی به سبب درک صحیح نعمت‌ها و سرتعظیم فرود آوردن در مقابل خالق هستی و تأمل در چگونگی تحصیل آن اهمیت خاصی دارد؛ چراکه غذای پاک و حلال یکی از پایه‌های مهم خودسازی است.

د) توجه به غذای روح و این‌که از کدام تعلیمات حاصل شده است؛ آیا از سرچشمه پاکی چون قرآن و سنت بهره گرفته یا خیر؟

ه) توجه به قیامت و به یاد آوردن صحنه محشر برای بیدار شدن از خواب غفلت؛ قرآن کریم در چندین مورد، انکار معاد را عاملی برای فسق و فجور می‌داند.

۲. مسئولیت هر مسلمان برای هدایت و حفاظت از دیگران در تربیت مهدوی؛ در روایت «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» به اهمیت این مطلب پی می‌بریم. مؤمن نمی‌تواند در برابر هرگونه اعمال و افعال خلافی که دیگران انجام می‌دهند ساکت و بی‌تفاوت بماند.

۳. در نظام تربیتی مهدوی هر مسلمان علاوه بر وجدان خود خدا را ناظر بر همه اعمال خویش می‌بیند.

۴. این تربیت در همان حال که توصیه به تأمین دنیا دارد، حیات اخروی را برتر و جاودانه معرفی می‌کند.

۵. تربیت و تعلیم مهدوی، جامعیت دارد. در نظام تربیتی مهدوی که برگرفته از اسلام است، به همه جوانب مادی، معنوی، جسمی، روحی، فردی، اجتماعی، دنیایی و آخرتی توجه نموده و همه روابط انسان از قبیل رابطه انسان با خودش، خدا، هم‌نوعانش و طبیعت را در نظر گرفته و تکالیف و وظایفی را معین کرده است.

۶. در تربیت و تعلیم مهدوی، بر علم و عقل و تجربه تأکید شده است. در قرآن کریم بارها به علم، عقل، حجت، یقین و برهان تأکید شده و پیروی کورکورانه، تقلید، ظن و شک مورد نکوهش قرار گرفته است.

۷. تربیت مهدوی برنامه‌ای ارائه می‌کند که قابلیت تحقق دارد.

۸. در این تربیت، شناخت انسان کامل ضروری است. در وجود انسان کامل

همه ارزش‌های انسانی در حد اعلا پرورش یافته و رشدی هماهنگ دارد؛ در این منظر، انسان کامل یک انسان ایده‌آل و خیالی نیست. انسان کامل در هر زمان واسطه فیض برای رساندن نعمت‌های مادی و معنوی به دیگر موجودات است. به همین جهت، بهره بردن از امام عصر علیه السلام در زمان غیبت به خورشید پشت ابر تشبیه شده است. امام زمان علیه السلام در نامه‌ای به شیخ مفید می‌فرماید:

ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی‌ماند. ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر جز این بود دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان شما را ریشه‌کن می‌کردند. (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲، ۵۹۶)

امام خمینی علیه السلام درباره ولایت معنوی امام زمان علیه السلام می‌گوید:

امروز وجود مقدس حضرت حجت در میان انسان‌های روی زمین منبع برکت، علم، درخشندگی، زیبایی و همه خیرات است. چشم‌های ناقابل ما آن چهره ملکوتی را نمی‌بیند، اما او مثل خورشیدی درخشان است، با دل‌ها مرتبط و با روح‌ها متصل است و برای انسانی که دارای معرفت باشد، موهبتی از این برتر نیست که احساس کند ولی خدا در میان همه بندگان عالم و مخاطب خلافت الهی در زمین با او، و در کنار او است؛ او را می‌بیند و با او مرتبط است.

از همین مطلب می‌توان به یکی از القاب حضرت مهدی، یعنی «صاحب الزمان» پی برد که به معنای صاحب اختیار ولایت در عصر و زمان خویش بر موجودات است. این ولایت باطنی، شامل تکوین و تشریح می‌شود. اگر چنین مرتبه‌ای از ولایت قطع شود، فیض الهی نیز منقطع می‌گردد. از این رو در روایت ذکر شده است:

لولا الحجة لساخت الأرض بأهلها؛

اگر حجت نباشد زمین اهل خود را فرومی‌برد.

با تأمل در آیات سوره قدر می‌توان دریافت در سال شبی هست که ارزش و

فضیلت خاصی دارد و در این شب قدر، فرشتگان به همراه بزرگ خویش - روح - به زمین می‌آیند و هر امر و تقدیری را که از سوی خدا معین شده است، برای یک سال به نزد «ولی مطلق زمان» می‌آورند. در زمان پیامبر ﷺ فرشتگان شب قدر به نزد پیامبر می‌آمدند، ولی این شب فقط منحصر به زمان پیامبر نیست، بلکه تا قیامت شب قدر وجود دارد. پس وجود صاحب شب قدر نیز در هر عصری لازم است. امام جواد علیه السلام در این باره می‌فرماید:

خداوند متعال شب قدر را در ابتدای آفرینش دنیا آفرید... بی شک پیامبران با شب قدر در ارتباط بوده‌اند. پس از پیامبران نیز باید حجت خدا وجود داشته باشد؛ زیرا زمین از نخستین روز خلقت خود تا آخر بی حجت نخواهد بود. خداوند در شب قدر، مقدرات را به نزد آن کس که اراده فرموده است (وصی و حجت) فرومی‌فرستد. به خدا سوگند، روح و ملائکه در شب قدر، بر آدم نازل شدند و مقدرات امور را نزد او می‌آوردند. و حضرت آدم درنگذشت مگر این که برای خود وصی و جانشین تعیین کرد. همه پیامبرانی که پس از آدم آمدند نیز بر هر کدام در شب قدر، امر خداوند نازل می‌گشت. و هر پیامبری، این مرتبت را به وصی خویش می‌سپرد. (حکیمی، ۱۳۶۴: ۱۳۶)

از مجموع مطالب می‌توان به این حقیقت دست یافت که تربیت مهدوی همان تربیت اسلامی است که در اهداف و روش یکی است و در هر جامعه‌ای به مقتضای فرد و جامعه نقش می‌آفریند.

مبانی تعلیم و تربیت مهدوی

منظور از مبانی، نظام فکری و مقدماتی است که تعلیم و تربیت بر آن استوار است. هر مکتبی بر اساس شناختی که از جهان و انسان ارائه می‌کند، اهداف و روش‌های تربیتی خویش را استوار می‌سازد. در دیدگاه اسلام، خداوند جهان و انسان را بر اساس حکمت خلق کرده؛ انسان خلیفه خداوند در روی زمین است که برای رسیدن به قرب الهی به برنامه نیاز دارد و این برنامه شامل اخلاق و احکام

فقهی است. این مبانی عبارتند از:

۱. بحث انسان‌شناسی

قرآن در ضمن آیات متعدد به مراحل خلقت انسان و برتری او بر ملائکه اشاره کرده و از دو نوع آفرینش یاد می‌کند:

الف) خلقت آدم که آفرینشی متمایز از فرزندانش دارد و از خاک خلق شده است.

ب) خلقت فرزندان آدم که از نطفه، علقه و مضغه تشکیل شده و سپس تمام سلول‌ها به سلول‌های استخوانی تبدیل می‌گردد و بعد از آن به تدریج با عضلات و گوشت روی آن پوشانده می‌شود و پس از موزون شدن ساحت جسمانی روح به آن تعلق می‌گیرد.

بنابراین انسان از دو ساحت جسمانی و روحانی تشکیل شده و برتری انسان مربوط به ساحت روحانی است که در حقیقت محور تعالیم انبیا را تشکیل می‌دهد. درنگرش اسلام، انسان موجودی الهی است. قرآن، هدف از خلقت چنین موجودی را عبادت و پرستش بیان می‌کند (ذاریات: ۵۶). در برخی از آیات به امتیازات ذاتی انسان نسبت به سایر موجودات اشاره می‌کند و او را شخصیتی مستقل و آزاد می‌داند که امانت دار خداست؛ رسالت و مسئولیت دارد و از او خواسته شده با کار و ابتکار، زمین را آباد سازد و با انتخاب خود یکی از دو راه سعادت و شقاوت را اختیار کند (نک: احزاب: ۷۲؛ انسان: ۳). انسان از وجدانی اخلاقی برخوردار است و به حکم الهامی فطری، زشت و زیبا را درک می‌کند (شمس: ۸-۹)؛ تنها با یاد خدا به آرامش می‌رسد، خواسته‌های او بی‌نهایت است؛ به هرچه برسد از آن سیر و دل زده می‌شود، مگر آن‌که به ذات بی‌حد و نهایت بپیوندد (نک: رعد: ۲۸؛ انشقاق: ۶)؛ خلیفه خداوند در روی زمین است. این مقام بیانگر استعداد های تکوینی و قابلیت های غیرمتناهی انسان در دستیابی به سوی

کمال است.

او مسجود فرشتگان و دارای ظرفیت والای علمی است و بر سایر موجودات کرامت ذاتی دارد؛ به طوری که قرآن کریم چنین می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾. (اسراء: ۷۰)

در قرآن کریم، عالی‌ترین مدح‌ها مربوط به انسان است. از طرفی همین موجود مورد بزرگ‌ترین نکوهش‌ها و ملامت‌ها قرار گرفته است. انسان عجز، شتاب‌گرو بسیار ناسپاس، آن‌گاه که خود را مستغنی می‌بیند طغیان می‌کند. او مجادله‌گرتترین مخلوقات و تنگ‌چشم است.

درواقع از مطالب گذشته به خوبی می‌توان به اهمیت ارزش‌های معنوی در وجود انسان پی برد به گونه‌ای که اگر انسان بر بعد حیوانی وجود خویش غالب شود، در جهت فعلیت بخشیدن به بعد ملکوتی وجودش تلاش کند و ارزش‌های متعالی را در وجودش پرورش دهد، مقام او از فرشتگان نیز برتر خواهد بود؛ اما اگر تنها به بعد حیوانی توجه نماید، شایسته مذمت و نکوهش خواهد بود و به گفته قرآن کریم، از چارپایان نیز فرومایه‌تر است. برای آگاهی از ساختمان روحی انسان، شناخت واژه‌های روح، نفس، قلب و عقل ضروری است.

«روح» این واژه به صورت مفرد در ۲۵ آیه قرآن کریم ذکر شده است و دارای معانی گوناگونی مانند عامل حیات و زندگی از جانب خداوند،^۱ وحی و فرشته‌ای که وحی الهی می‌رساند،^۲ تأیید معنوی^۳ است.

«نفس»، این واژه به صورت جمع و مفرد در سیصد آیه در قرآن ذکر شده است و دارای معانی گوناگونی مانند خود و خویشتن،^۴ ابعاد خاص در درون

۱. ﴿ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ (سجده: ۹).

۲. ﴿يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ مِنْ يَسَاءٍ مِنْ عِبَادِهِ﴾ (غافر: ۱۵).

۳. ﴿كُتِبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ﴾ (مجادله: ۲۲).

۴. ﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ (تحریم: ۶).

انسان،^۱ اصل و بن انسان^۲ است. پس در مجموع بر تمام وجود و ابعاد انسان دلالت دارد. در فرهنگ قرآن مراتب نفس آدمی عبارتند از: یکم. نفس اماره که در این حالت عقل مغلوب شده و هوای نفس بر انسان چیره گشته است.

دوم. نفس لؤامه یا انتقادگر که آدمی را در مقابل گناه سرزنش می‌کند. قرآن به نفس لؤامه سوگند یاد می‌کند.

سوم. نفس مطمئنه برترین که مرحله تهذیب نفس است و در این حالت قوای سه‌گانه وجود انسان - شهوت، غضب و وهم - تحت کنترل عقل درمی‌آیند و درون انسان تجلی‌گاه اصل عدل می‌گردد. در حقیقت کمال انسان از رشد استعداد های فطری او در جهت قرب الهی حاصل می‌شود و هر عملی که انسان را به این هدف نزدیک تر سازد از ارزش و فضیلت برخوردار است؛ بر این اساس شناخت انسان کامل از دیدگاه قرآن و سنت ضروری است.

در تعلیمات اسلامی به همه ابعاد انسان، اعم از جسمی، روحی، مادی، معنوی، دنیایی، آخرتی، فردی، اجتماعی، فکری و عاطفی توجه عمیق شده است. اگرچه انسان در ساحت جسمانی شباهت زیادی با حیوان دارد، اما در ساحت روحانی از سایر موجودات برتر است و همواره میان این دو ساحت ارتباط و تعامل وجود دارد. جسم بدون روح جمادی بیش نیست؛ لذا باید تمام تلاش انسان صرف شکوفا کردن استعداد های معنوی گردد. البته این امر بدین معنا نیست که برای جسم ارزشی قائل نباشیم. اسلام در عین توجه به پرورش بدن و مراقبت از آن با تن پروری و شهوت پرستی برخورد نموده و همواره به پرورش عقل و اراده و کسب استقلال فکری عنایتی خاص دارد. در تربیت انسان، دیدی همه جانبه دارد و پرورش همه ارزش های انسانی را مورد توجه قرار می‌دهد. برای مثال در کنار ارزش هایی چون

۱. «لَا أُفْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامَةِ» (قیامه: ۲).

۲. «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (اعراف: ۱۸۹).

عبادت، زهد و اخلاص و امثال آن، به تحصیل علم، انجام وظایف خانوادگی، اجتماعی و سیاسی نیز سفارش شده است. پیشوایان اسلام - که نمونه‌های اعلای تربیت اسلامی هستند - در همه زمینه‌ها نمونه و سرمشق بوده‌اند.

از نظر قرآن، قلب، ابزار شناخت است و مخاطب بخش عمده‌ای از پیام‌های قرآن، دل انسان است. برای حفظ و نگه‌داری این ابزار از تزکیه نفس و روشنایی قلب و صفای دل سخن گفته شده است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس: ۹). انسان‌ها باید تمام تلاش خود را برای تصفیه و تزکیه محیط اجتماعی به کار برند و اگر دل فاسد شد، نه تنها عقل کار نمی‌کند، بلکه خود تبدیل به زنجیری بزرگ‌تر بر دست و پای انسان می‌گردد.

«عقل» راهبر انسان در بندگی خدا و عامل مهم در دستیابی به بهشت است. در هیچ عبادتی عقل و به کارنداختن آن فراموش نشده و رهنمودهای اسلام در تقویت این بعد بسیار دقیق و عمیق است. در روایات اسلامی، از عقل به عنوان حجت باطنی در کنار حجت ظاهری (پیامبر) یاد شده و اگر عقل درست حرکت کند به نتیجه‌ای غیر از دین نمی‌رسد. حضرت علی علیه السلام درباره عقل می‌فرماید:

العقل عقلان مطبوع و مسموع؛

عقل بردوگونه است: عقل طبیعی و فطری؛ عقل اکتسابی و مسموع.

اگر عقل فطری نباشد عقل اکتسابی و مسموع سودی ندارد. هر جا در قرآن از نگاهش و مذمت کفر یاد می‌کند، مقصود عقل اکتسابی است.

از مطالب گذشته به این نتیجه می‌رسیم که انسان دارای دوساحت جسمانی و روحانی است. در تعالیم اسلامی همه افراد موظف به مراقبت از جسم و بدن خود هستند و به هیچ فردی اجازه نمی‌دهد به بدن و تن خود آسیب برساند، حتی در احکام اسلامی مثل روزه، وضو، حج و... اما در تعالیم اسلامی، رشد جسم هدفی است ابزارگونه که باید در خدمت به عقل و روح آدمی به کار گرفته شود و جسم و روح برای رضایت خداوند گام بردارند. حضرت علی علیه السلام در دعای کمیل می‌فرماید:

۲. فطرت

«فطرت» در تعلیم و تربیت نقشی بسیار حساس دارد. این واژه تنها در آیه سی ام سوره روم ذکر شده است. فطرت، فصل ممیز انسان از حیوان به شمار می آید و بر خلاف غرایز به امور مادی محدود نمی شود و عامل بروز و ظهور رفتارهایی است که آن ها را مسائل انسانی می نامند. آثار فطرت را می توان از دو جهت مورد توجه قرارداد: الف) شناخت ها و ادراکات؛ ب) گرایش ها و خواسته ها.

یکی از شناخت های فطری بشر، شناخت خداوند است که آیه ۳۰ سوره روم و ۱۷۲ سوره اعراف و آیات دیگر، به فطری بودن خداشناسی تصریح کرده اند. حضرت علی علیه السلام هدف از بعثت پیامبران را به یاد آوردن عهد و پیمان فطری انسان است و نعمت های فراموش شده خدا می داند که با ابلاغ احکام الهی حجت را برای آن ها تمام کند و توانمندی های پنهان عقل را برانگیزند و آیات با عظمت الهی را به آنان بنمایند. یکی از وظایف بزرگ انبیای الهی، بیدار کردن فطریات بشری و کار انداختن سرمایه های وجودی آن ها است. در قرآن کریم، پیامبر صلی الله علیه و آله با لفظ مذکر یاد شده است: ﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ﴾ (غاشیه: ۲۱).

وجود فطرت در انسان و شناخت فطری از خداوند و دیگر حقایق به این معنا نیست که همه انسان ها حق طلب هستند، بلکه عوامل مختلفی مثل نبودن محیط مناسب، غفلت، پیروی از هوای نفس، وابستگی شدید به امور مادی و نبودن مذكرات الهی در زندگی انسان باعث پوشیده شدن فطرت و فراموشی انسان می شود. در مقابل، سختی ها عاملی برای شکوفا شدن این میل فطری در انسان هستند.

در بُعد گرایشات، می توان از حقیقت جویی، زیبادوستی، گرایش به نیکی، پرستش و خلاقیت و ابتکار نام برد.

اصول حاکم بر تربیت مهدوی

اصل به معنای ریشه، بیخ و بنیاد است. اگر تعلیم و تربیت مهدوی را به درختی تشبیه کنیم، مبانی ریشه‌های آن، اصول، تنه یا ساقه‌های اصلی و هدف‌ها میوه آن است.

اصول مهم در این تربیت عبارتند از: فطرت، کمال جویی، پویایی، چندبعدی بودن یا جامعیت، مختار بودن، مسئول بودن، برابری همه انسان‌ها، تفاوت‌های فردی، تقدم ترکیه بر تعلیم، اجتماعی و جهانی بودن، کرامت، تبشیر، انذار و عدل.

منابع تربیت

همان منابعی که برای استنباط جهان بینی و ایدئولوژی اسلامی احکام مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ یعنی کتاب، سنت، عقل و اجماع. قرآن راهنمایی است که بهترین طریق را ارائه می‌دهد. حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۳۳ درباره قرآن می‌فرماید:

کتاب خدا در میان شماست؛ سخن‌گویی است که زبانش از گفتن خسته نمی‌شود؛ سرایی است که ارکانش ویران نمی‌گردد و عزتی است که یارانش شکست نمی‌خورند. با مراجعه به قرآن به دریافت مبانی اهداف و روش‌ها نایل می‌شویم. (شیروانی، ۱۳۸۸: ۲۲۷۱)

قرآن نصیحت‌گری است که خیانت نمی‌ورزد و هدایت‌گری است که گمراه نمی‌سازد؛ گوینده‌ای است که دروغ نمی‌گوید و هرکس با قرآن نشست، این کتاب الهی چیزی بر او افزود یا از او کاست؛ بر هدایت او افزود یا از کوردلی‌اش کاست. (همو: ۳۰۱، خطبه ۱۷۶)

مقصود از سنت، قول و فعل و تقریر معصوم است. حضرت علی علیه السلام در ضمن خطبه‌هایی متعدد به نقش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه در هدایت مردم اشاره می‌کنند. در خطبه سوم می‌فرماید:

خاندان پیامبر جایگاه اسرار خداوند، پناهگاه امرا، معدن علم او، مرجع

حکم او، مخازن کتاب‌های او و کوه استوار دین او بند که خداوند توسط آن‌ها خمیدگی پشت دین را راست نمود و لرزش اندام‌هایش را از میان برد.

مقصود از عقل، استعداد و نیرویی است که به وسیله آن، حق از باطل و درست از نادرست تشخیص داده می‌شود. پس عقل معیاری است که همه تصمیمات آموزشی و تربیتی بر اساس آن تنظیم شود. منظور از اجماع، اتفاق نظرهایی است که بین عالمان صاحب نظر در تعلیم و تربیت اسلامی وجود دارد که این نظریات ممکن است حاصل تحقیقات و پژوهش‌ها یا درک آن‌ها از حقیقت اسلام و نظام تربیتی آن است.

عوامل مؤثر بر تربیت

این عوامل عبارتند از: وراثت، محیط، اراده و عوامل ماوراء طبیعت. فرزندان نه تنها صفات ظاهری را از والدین به ارث می‌برند، بلکه روحيات و صفات باطنی پدر و مادر نیز به فرزندان منتقل می‌شود. حضرت علی علیه السلام درباره اهمیت وراثت و نقش آن می‌فرماید:

سجایای اخلاقی دلیل پاکی وراثت و فضیلت ریشه خانوادگی است.

در جنگ جمل، محمد حنفیه - فرزند علی علیه السلام - علمدار لشکر بود. او به سوی دشمن حمله کرد، ولی پس از مدتی از پیش روی ایستاد. حضرت خود را به او رساند و فرمود: «از ضربات دشمن نترس». او قدری پیش روی کرد و باز ایستاد. حضرت فرمود: «این ضعف و ترس را از مادرت به ارث برده‌ای!»
روایات اسلامی همواره افراد را از ازدواج با احمق، شراب‌خوار و زن زیبایی که در خاندان پلید رشد کرده بر حذر داشته‌اند.

محیط

محیط عبارت از هرامری است که انسان را احاطه کرده است. هرچه انسان رشد می‌کند، محیط او نیز وسیع‌تر می‌گردد.

عوامل محیطی را می‌توان به عوامل انسانی و غیرانسانی تقسیم کرد. عوامل غیرانسانی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در تربیت مؤثرند عبارتند از وسایل ارتباط جمعی، مجلات، روزنامه، اینترنت و... عوامل انسانی تأثیرگذار در تربیت عبارتند از:

الف) محیط خانه و خانواده

خانواده بهترین محیط برای تربیت فرزند است و ارزش‌های اخلاقی به سبب خانواده به فرزندان منتقل می‌شود. اگر خانواده‌ها در ایفای این مسئولیت کوتاهی کنند، نسلی بی‌هویت و بی‌ریشه به وجود می‌آید. تربیت فرزندان در درجه اول بر عهده والدین است. حضرت علی علیه السلام در نامه ۳۱ به امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

تورا جزئی از خود، بلکه تمام خود یافتم، به طوری که اگر چیزی به تورو آورد مانند آن است که مرا دریافته و درانده افکند مرا کارتو، به طوری که کارخودم مرا درانده افکند.

این سخنان بیانگر دیدگاه حضرت علی علیه السلام نسبت به فرزند است. با توجه به هدف تعلیم و تربیت اسلامی به خوبی به این حقیقت رهنمون می‌شویم که تربیت فرزندان صالح مهم‌ترین وظیفه والدین است و فرزند ناخلف دنیا و آخرت والدین را تباہ می‌کند. حضرت علی علیه السلام درباره زبیر فرمود:

پیوسته زبیر مردی از ما اهل بیت بود تا این که فرزند ناخلف او - عبدالله - بزرگ شد و او را از ما جدا کرد.

در اسلام، زمینه‌سازی تربیت با رهنمودهای اسلام درباره ازدواج و انتخاب همسر آغاز می‌شود بر اساس روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هفت سال اول زندگی فرزند را دوران سیادت نامیده‌اند و هفت سال دوم زندگی را مرحله اطاعت و عبادت نامیدند و در این دوره تأدیب و تعلیم اهمیت خاصی دارد و زمان آموزش عقاید، دستورات اخلاقی، اجرای نماز و احکام است. در هفت سال اول، فرزند شاهد انجام آداب اسلامی در خانه بوده و در دوره دوم، به مرحله شعور و آگاهی رسیده و آمادگی

فراگیری آداب اسلامی را دارد. هفت سال سوم را دوره وزارت نامیده‌اند. حضرت علی علیه السلام درباره اهمیت این دوران می‌فرماید:

به درستی که دل جوان همچون زمین ناکشته است؛ هرچه در آن افکنند، بپذیرد. پس به ادب آموختن پرداختم، پیش از آن که دلت سخت شود و خردت هوایی دیگرگیرد تا با اندیشه‌ای استوار در کارها به امری روی آوری که مردم کارآموزده تو را از طلب و آزمودن آن بی‌نیاز ساخته‌اند. در نتیجه از رنج طلب آسوده گشته و دیگر محتاج آن نیستی که خودآزمون را از سرگیری. (همو: ۴۶۸، نامه ۳۱)

همچنین فرموده است:

... چون به کارتو چونان پدری مهربان عنایت داشتم و بر ادب آموختن همت گماشتم، چنان دیدم که این عنایت در عنفوان جوانی‌ات به کار رود و در بهار زندگانی که نیتی پاک داری و نفسی صاف و بی‌آلایش...

علی علیه السلام دوران نوجوانی را از سه جهت بسیار حساس بیان می‌کند: اول. این که قلب نوجوان مانند زمین، خالی و مساعد است که هرچه در آن بکاری همان درو می‌کنی:

إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْحَالِيَةِ مَهْمَا أَلْتَمِسَ فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَبْلَهُ.

دوم. این که دوران نوجوانی زودگذر است و گوشزد می‌فرماید سریعاً آن را دریابید:

بَادِرُ شَبَابِكَ قَبْلَ هَرَمِكَ وَ صِحَّتِكَ قَبْلَ سُقْمِكَ.

سوم. این که شیطان در این زمان به نوجوان زیاد روی می‌آورد و لازم است برای آن پناهگاه خوبی در نظر گرفت که قرآن کریم، ائمه علیهم السلام و ادعیه بهترین پناهگاه‌ها هستند، و گرنه گناه، انسان را درد دنیا و آخرت رسوا می‌سازد و برکت را از مال او برمی‌دارد و ناراحتی‌های روانی را نصیبش می‌سازد.

از نظر علی علیه السلام هر گناهی آثاری سوء از قبیل عدم استجابت دعا، سلب توفیق، هم و غم و نازل شدن بلا در زندگی انسان دارد.

درسیره امام علی علیه السلام به نمونه‌هایی از تربیت دینی والدین اشاره شده است:

۱. نماز: بزرگ‌ترین فریضه الهی و شرط قبولی سایر اعمال و عبادات است. در وصیتی به امام حسن علیه السلام و تمامی خانواده و فرزندان آن‌ها را به نماز سفارش کرده، می‌فرماید:

الله الله في الصلاة فإتتها خَيْرُ الْعَمَلِ وَإِنَّهَا عَمُودُ دِينِكُمْ؛
از خدا بترسید، از خدا بترسید درباره نماز؛ زیرا که نماز بهترین کارها و ستون دین شماس.

در این مرحله بر آمادگی و زمینه‌سازی برای اقامه نماز تأکید شده است.

۲. آموزش قرآن: قرآن سرچشمه معارف الهی است و در تعلیم و تربیت جایگاهی عظیم دارد. علی علیه السلام در نامه خود به فرزندش امام حسن علیه السلام نخستین اقدامش را آموزش قرآن و معارف و احکام حلال و حرام آن بیان می‌کند. همچنین آن حضرت در توصیه به فرزندش محمد بن حنیفه فرمود:

بر تو باد به خواندن قرآن و عمل کردن به آن چه در آن است و این که به مقررات و دستورات حلال و حرام آن و امر و نهی آن پایبند باشی و خواندن قرآن را در شب و روز و هنگام تهجد بر خود لازم بدانی.

تلاوت قرآن و عمل به دستورات آن وظیفه هر مسلمانی است. با شناخت بیشتر از قرآن و گام نهادن در مسیر آن می‌توان به سعادت دنیا و آخرت نایل شد. آن حضرت درباره حق فرزند بر پدر می‌فرماید:

نام نیکو بر او نهی، رفتارش را نیکو نماید و به او قرآن بیاموزاند. (همو: ۶۵۶، حکمت ۳۹۹)

با آموزش قرآن و توجه به آیاتی که آینده تاریخ را روشن بیان می‌کند و از پیروزی حق بر باطل و حاکم شدن ارزش‌های اخلاقی سخن می‌گوید، بابتی مهم را برای آشنایی با حضرت مهدی علیه السلام باز کرد.

۳. تعلیم دعا: در تربیت دینی، دعا و درخواست از خداوند جایگاهی ویژه دارد.

پیامبر اسلام دعا را مغز عبادت، سلاح مؤمن و نور آسمان‌ها و زمین می‌داند و می‌فرماید:

خدا را بخوانید و به اجابت دعای خود یقین داشته باشید و بدانید که خداوند دعا را از قلب غافل بی‌خبر نمی‌پذیرد.

با دعا کردن برای تعجیل ظهور امام زمان و صدقه دادن برای آن حضرت و برخاستن برای تعظیم با شنیدن نام مبارکش - به ویژه قائم - می‌توان فرزند را با عشق و توجه به او بزرگ کرد. این نحوه تعظیم از سوی ائمه علیهم‌السلام مثل امام صادق و امام رضا علیه‌السلام به شیعیان آموزش داده شده است:

از امام صادق سؤال شد: چرا هنگام شنیدن نام امام زمان از جای برخیزیم؟ فرمود: چون غیبت حضرت مهدی طولانی است، از شدت محبتی که به دوستان خود دارد، هر زمان که شخصی آن را یاد کند، به او نگاه می‌کند و سزوار است یادکننده به جهت احترام و تعظیم از جای خود برخیزد. هنگامی که مولای خویش او را به نظر مهر و عطف نگاه می‌کند، پس از جای خود برخیزد و از خدای متعال تعجیل فرج او را خواهد. (طبری، ۱۳۸۴: ۸۴)

در روایت آمده است:

روزی شاعر معروف اهل بیت - دعبل خزاعی - به خدمت امام رضا علیه‌السلام رسید و اشعارش را قرائت کرد. وقتی به ابیاتی که درباره امام زمان علیه‌السلام سروده بود رسید. امام رضا علیه‌السلام دست خود را بر سر گذارد و به احترام از جای برخاست. (همو)

با استمداد و واستغاثه به آن حضرت، درسختی، گرفتاری، بیماری و فتنه‌ها عملاً به فرزند آموزش می‌دهیم که بهترین بندگان خدا را واسطه در اجابت دعا قرار دهد و به برکت وجود آن امام، مشکلات و سختی‌ها برطرف شود.

۴. **آشنایی با علوم اهل بیت علیهم‌السلام**: آشنا نمودن فرزندان با معارف اهل بیت و سخنان آنان ضرورت دارد. در روایت معصوم آمده است: احادیث اسلامی را به

نوجوانان بیاموزید، پیش از آن که مخالفان گمراه بر شما پیشی گیرند. آشنایی با مهدویت و دل سپردن به حضرت مهدی علیه السلام از وظایف مهم والدین است. این آشنایی از طرق مختلف صورت می‌گیرد. آن‌ها عملاً با رفتار و گفتار و سبک زندگی خویش این حقیقت را تعلیم می‌دهند. پدر و مادری که در انتظار ظهور مهدی علیه السلام هستند باید این شور و اشتیاق را به فرزندان منتقل کنند.

۵. آموزش فقه و شناخت احکام پنج‌گانه تکلیف: پدر و مادری که مقید به حلال و حرام الهی هستند و رضایت الهی مهم‌ترین امر برای آن‌ها محسوب می‌شود، عملاً تبعیت از امام را محور زندگی خویش قرار داده‌اند و با رفتار خود انتظار واقعی را به فرزند آموزش می‌دهند. نمی‌توان دم از عاشقی امام زد، در حالی که زندگی هیچ سنخیتی با اهداف متعالی او ندارد.

۶. آموزش تاریخ به صورت تحلیلی و نتیجه‌گیری اعمال گذشتگان و انتخاب قسمت‌های روشن و مفید این درس: با یادآوری این حقیقت که در طول تاریخ بین حق و باطل درگیری وجود داشته و با ظهور حضرت مهدی علیه السلام مبارزات پیوسته حق و باطل سرانجام به پیروزی اهل حق منتهی می‌شود و کسانی در این پیروزی سهیمند که در دوران حیات خود عملاً در جبهه اهل حق باشند. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾. (اسراء: ۸۱)

۷. آموزش تمام علوم و فنونی که فرد در بزرگسالی به آن‌ها نیازمند است.

ب) محیط مدرسه

بعد از والدین، معلم و مدرسه مهم‌ترین نقش را در تربیت فرزند دارند؛ به طوری که غزالی می‌گوید:

اگر دانشمندان و معلمان نمی‌بودند، مردم چون چارپایان زندگی می‌کردند؛ یعنی مردم در سایه تعلیم از مرحله حیوانی به مقام انسانی ارتقا می‌یابند. (شریعت‌مداری، ۱۳۹۰: ۴۹)

معلم تربیت کننده افراد مورد نیاز اجتماع و حفظ کننده فرهنگ جامعه است و درحقیقت کلید سعادت و تباهی یک ملت در دست معلمان آن ملت به شمار می رود. ارسطو در این باره می گوید:

کسانی که کودکان را تربیت می کنند، باید بیش از افرادی که آنان را به بار می آورند مورد احترام قرار گیرند؛ زیرا اینان تنها به کودک زندگی می بخشند، در حالی که معلمان هنر بهتر زیستن را به او می آموزند.

با توجه به این مطلب، وظیفه معلمان در تربیت فرزندان باید عمده‌تاً متوجه هدف‌های اعتقادی، اخلاقی، آموزشی، اجتماعی، هنری و زیستی باشد. اسلام علاوه بر پرورش حس و عقل، به پرورش قلب و دل نیز اهمیت می دهد. مربی موظف است که فرزند را با بیماری‌های قلب آشنا کند و راه‌های رسیدن به سلامت نفسانی برای زندگی متعادل را عنوان کند. او با توجه به ولایت اخلاقی که بر فرد دارد، موظف است برای حل دشواری‌های آینده به او راه و روش یاد دهد و رفتار و اخلاق ارزنده‌ای به او بیاموزد که اسباب کشف استعداد های او را فراهم آورد و او را در مسیری قرار دهد که حاصل آن احیا و تربیت باشد. وظایف اصلی معلم در چند جهت است: ۱. آموزش، ۲. پرورش، ۳. ایجاد روح فعال.

از جهت آموزش، آشنایی با مبانی اعتقادی چون توحید، معاد، نبوت، امامت و الفت دانش آموز با قرآن و سنت پیامبر و مهدویت امری ضروری است. در آموزش، تقویت بعد عقلانی مورد توجه است؛ اگرچه جنبه‌های اجتماعی و عاطفی نیز در حد وسیع تحت نفوذ جنبه عقلانی قرار دارد؛ به طوری که در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام آمده است:

ای علی، فقری سخت تر از نادانی نیست و مالی بهره دار تر از خردمندی نیست؛ هیچ چیز هراسناک تر از خود بینی نیست و هیچ نوع همکاری نیکوتر از مشورت کردن نیست؛ هیچ خردی مانند اندیشه کردن نیست و هیچ نسبت خانوادگی مانند خوش خلقی نیست و هیچ عبادتی مانند تفکر نیست. (همو)

تقویت رشد عقلانی دانش‌آموز مستلزم عاقلانه عمل کردن اوست. تشخیص موقعیت، توجه به امکانات موجود و انتخاب بهترین راه حل برای برخورد با مشکلات، بیانگر بعد عقلانی است. استاد شهید مطهری می‌گوید:

معلم باید نیروی فکری متعلم را پرورش و استقلال دهد و قوه ابتکار او را زنده کند. در تعلیم هدف این نیست که فقط یک سلسله معلومات در مغز متعلم بریزد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «علم برد و قسم است: ۱. علم فرا گرفته شده، ۲. علم مطبوع»، یعنی که از طبیعت و سرشت انسان سرچشمه می‌گیرد؛ علمی که انسان از دیگری یاد نگرفته و معلوم است که همان قوه ابتکار شخص است و بعد می‌فرماید: «علم مسموع اگر علم مطبوع نباشد فایده ندارد». (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۸)

در تعلیم و تربیت باید این علم مطبوع را ایجاد کرد و باید در افراد و در جامعه رشد شخصیت فکری و عقلانی پیدا شود؛ یعنی قوه تجزیه و تحلیل در مسائل پدید آید و دانش‌آموز را به فکر کردن واداشت؛ زیرا تفکر بدون تعلیم و تعلم امکان پذیر نیست. در تعلیم و تربیت باید کاری کرد که روح حقیقت‌جویی و عاری از بیماری‌ها که انسان را از حالت حقیقت‌جویی منحرف می‌کند؛ یعنی تعصب‌ها، جحودها، غرور و تکبر در او پدید آید (همو: ۵۱).

توجه به اندیشیدن در تمام امور به منظور موفق بودن در کارها امری ضروری است و حتی ایمانی که بدون معرفت و بینش حاصل شود، در دیدگاه اسلام فاقد ارزش است. تعقل همان امانت الهی است که در آیه ۷۲ سوره احزاب به آن اشاره شده است:

﴿أَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾

ما امانت را بر آسمان و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم. پس از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند و انسان آن را برداشت. راستی اوستمگری نادان بود.

قرآن درباره رشد عقلانی می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ
أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (زمر: ۱۸)

آن‌ها که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند،
آن‌ها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، خردمندان و
صاحبان عقلند.

این دوایه که به صورت یک شعار اسلامی درآمده، آزاداندیشی مسلمانان و
انتخابگری آن‌ها را در مسائل مختلف به خوبی نشان می‌دهد. جالب این‌که قرآن
در آیه فوق صاحبان هدایت الهی را منحصر در این قوم شمرده، همان‌گونه که
خردمندان را منحصر به این گروه دانسته است. اشاره به این‌که این گروه مشمول
هدایت ظاهر و باطنند، هدایت ظاهر از طریق عقل و خرد و هدایت باطن از طریق
نور الهی و امداد غیبی، و این دو افتخار بزرگ بر این حقیقت جوین آزاداندیش است
(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۹، ۴۱۲ - ۴۱۳). علاوه بر شناخت وظایف معلم،
بررسی شخصیت معلم اهمیت خاصی دارد. شخصیت معلم در رفتار او تجلی
می‌کند. کسی که می‌خواهد عهده دار منصب تعلیم گردد باید قبلاً مراتب صلاحیت
و شایستگی خویش را برای احراز چنین مقامی فراهم آورده باشد و باید این
شایستگی در تمام زوایای وجود او پدیدار باشد؛ یعنی سیما و چهره و طرز سخن
گفتن و گفتارش نمایانگر اهلیت و شایستگی او برای احراز چنین مقامی باشد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

آن‌که خود را پیشوای مردم قرار دهد، باید پیش از دیگران ادب آموزد و خود
را تعلیم دهد و باید پیش از آن‌که با زبانش تربیت کند با کردارش
فرهیختگی را تعلیم دهد و آن‌که خویش را دانش و ادب آموزد به تعظیم
سزاوارتر است از کسی که فقط دیگران را دانش و ادب می‌آموزد. (شیروانی،
۱۳۸۸: ۵۷۱، حکمت ۷۳)

درباره لزوم خودسازی می‌فرماید:

مردم، خوشا به حال کسی که رسیدگی به عیب‌هایش او را از عیب‌جویی دیگران بازدارد. (همو: ۳۰۵، خطبه ۱۷۶)

مهم‌ترین شرط در ارتباط با کار معلم، خلوص نیت است؛ چون ارزش هر عملی مبتنی بر قصد و نیت فرد است و معلم باید در ادای وظیفه صرفاً خدا و اطاعت او را هدف نهایی قرار دهد و هرگز نباید اغراض نادرست و کم‌ارزشی چون حب مال، جاه‌طلبی، تشخیص طلبی و... را ملاک قرار دهد. اگر معلمی فاقد چنین خصوصیتی باشد، چگونه می‌تواند به رشد و تربیت دانش‌آموزان بپردازد؟ در حالی که بذرعلم و دانش بدون تطهیر و پاکسازی مجالی برای رشد پیدا نمی‌کند، همان‌طور که کشت و زرع در زمین بایر فایده‌ای ندارد و از آن سودی حاصل نمی‌شود. تربیتی اثر دارد که معلم به آن چه می‌آموزد ایمان داشته باشد، اما کسی که اصلاً به گفته‌هایش ایمان ندارد یا بر طبق آن عمل نمی‌کند، نباید امیدی به تربیتش داشت.

ج) محیط رفاقت و معاشرت

انسان همواره نیازمند رفاقت و دوستی با دیگران است و دوست شایسته و بافضیلت سبب دستیابی انسان به سعادت دنیا و آخرت است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

دوستی ورزیدن نیمی از عقل است. اگرچه رفاقت دوستی در تکوین شخصیت اهمیت دارد، اما رعایت اعتدال در دوستی ضروری است ... دوست را بیش از اندازه دوست مدار، شاید روزی دشمنت گردد و دشمن خود را بیش از اندازه دشمن مدار؛ شاید روزی دوست تو گردد. (همو: ۶۲۴، حکمت ۲۶۸)

آن حضرت در سفارش به امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

از دوستی با بی‌خرد بپرهیز؛ هرچه می‌خواهد تو را سودی بخشد، اما زیان می‌رساند. از دوستی با بخیل دوری‌گزين که آن‌چه بدان نیازمندی از تو دریغ دارد. از دوستی با بدکار بجزر باش که تو را با بهایی اندک می‌فروشد

از دوستی با دروغ‌گوکناره‌گیر که همچون سراب است دور را در دیده‌ات
نزدیک می‌سازد و نزدیک را دور. (همو: ۵۶۴، حکمت ۳۸)

د) محیط اجتماع

منظور از اجتماع تمام افرادی است که غیر از خانواده و مدرسه با فرزند ارتباط دارند. علی علیه السلام تأثیر محیط و جامعه بر تربیت فرزندان را چنین گوشزد می‌کند:

در شهرهای بزرگ - که مرکز اجتماع مسلمانان است - مسکن گزین و از محیطی که اهل غفلت و ستمکاری هستند و در آن یاران مطیع خدا کمتر یافت می‌شود بپرهیز!

آن حضرت در تأثیر محیط آلوده می‌فرماید:

سرزمین شما به آب نزدیک و از آسمان دور است. عقلتان سبک و افکارتان بی‌پایه و سفیهانه است. از این رو هدفی برای تیرانداز و لقمه‌ای برای خورنده و شکاری برای صیاد به شمار می‌آید.

یک جامعه معتقد به ظهور مهدی علیه السلام در جهت حاکمیت بخشیدن به ارزش‌های توحیدی گام برمی‌دارد و تلاش در راستای کسب دین‌داری، مزین شدن به اخلاق اسلامی، نگهبانی از دین خدا و گسترش اعتقادات دینی، نپذیرفتن باطل و دوری از ظلم، صبر و بردباری و پیروی از خط ممتد رهبری را در رأس امور قرار می‌دهد. فرد یا جامعه منتظر به دلیل شناخت صحیح از مفهوم انتظار، در خط مستقیم قرار می‌گیرد و از هرگونه سستی و انحراف دوری می‌کند و افراد این جامعه باید چنان در عمل به ارزش‌های اسلامی پایبند باشند که برای پیاده شدن آن از هیچ کوششی دریغ نورزند.

اگر فرد یا جامعه‌ای ملزم به عدالت نباشند، چگونه می‌توانند انتظاریک منجی عدالت‌گستر را داشته باشند. منتظران واقعی به رفتارهای اصلاحی و بازداشتن جامعه از پلیدی‌ها بی‌تفاوت نیستند و با اهمیت دادن به فریضه امر به معروف و نهی از منکر در راستای اصلاح فرد و اجتماع گام برمی‌دارند.

بدون تردید، ظهور و پیروزی هر انقلاب به یک سلسله شرایط و موقیت‌های عینی و خارجی بستگی دارد که بدون فراهم شدن آن شرایط نمی‌تواند به هدفش برسد، اگرچه قسمتی از شرایط و موقیت‌های انقلاب حضرت مهدی علیه السلام خدایی است؛ ولی اجرای کلی مأموریت آن حضرت بدون فراهم نمودن شرایط عینی و خارجی امکان‌پذیر نیست. مسلماً یکی از مهم‌ترین عوامل در این پیروزی، وجود حامیان دلسوز و مخلص است و این انقلاب مانند همه حوادث تاریخی و رویدادهای اجتماعی به تدریج رخ می‌دهد و هیچ معلولی در جهان هستی بدون علت نیست. باید اسباب و شرایط هر پدیده به حد کمال برسد تا معلول پدید آید. تلاش پی‌گیر گروه حق در تربیت افراد شایسته و پرورش روح معنوی جامعه، زمینه برای پذیرفتن حکومت حق را فراهم خواهد کرد و زمانی که جامعه بشری به شایستگی لازم برسد و افکار عمومی برای پشتیبانی آن حضرت آماده گردد، خداوند رحمتش را شامل حال آن‌ها می‌کند.

روش تربیت

برای موفقیت در هر کار، آگاهی به اسباب و وسایلی که بتواند ما را در رسیدن به هدف یاری دهد لازم است. اسلام مؤمنان را به اتخاذ شیوه‌های درست در انجام کارها توصیه کرده است. در سوره بقره، آیه ۱۸۹ می‌فرماید:

﴿وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود:

«أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» یعنی باید هر کار را از راه خودش انجام داد.

موضوع، تعلیم و تربیت مهدوی انسان با تمام ابعاد جسمانی و روحانی است و از آن‌جا که این ابعاد غالباً در حال تغییر و تحولند و در افراد مختلف متفاوتند برای پرورش آن‌ها باید از روش‌های پویا و متنوع بهره گرفت. پیشوایان اسلام در تربیت و

هدایت افراد به فراخور موفقیت و شرایط خاص آن‌ها از روش‌هایی پویا بهره می‌گرفتند؛ گاه با محبت، گاه با قهر و زمانی با عفو و اغماض. همچنین از آن‌جا که دامنه تربیت انسان بسیار گسترده است، هیچ‌گاه نمی‌توان تربیت او را در چارچوب روش‌هایی محدود، محصور و محدود کرد. با این حال ضرورت آشنایی با روش‌های تربیت اسلام ضروری است. در این‌جا به چند روش مهم اشاره می‌کنیم:

۱. روش الگویی

در تربیت اسلامی به ارائه الگو توجه فراوانی شده است. در قرآن کریم، پیامبر ﷺ الگوی مؤمنان معرفی شده که با تاسی به او می‌توانند در راستای سعادت دنیا و آخرت گام بردارند. این روش موفق‌ترین روش تربیتی است. فرزندان، رفتار پدر و مادر را مشاهده و سپس تقلید می‌کنند. خانواده‌ای که عشق حضرت مهدی ﷺ در آن مطرح است، با اعمال خود نقش مهمی در شکل افکار و عواطف فرزند و پدید آمدن این عشق از کودکی دارند.

۲. روش محبت

محبت نیاز اساسی انسان و بالأخص کودکان است و مهم‌ترین عامل سلامت روانی محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که کمبود آن می‌تواند عوارض جسمی و روحی به همراه آورد. والدین می‌توانند با محبت کردن به فرزندان خود و خریدن هدیه و عیدی دادن در مناسبت‌های مختلف - به ویژه در ایام ولادت و امامت حضرت مهدی ﷺ - آن‌ها را با امام و یاد او آشنا کنند.

۳. روش موعظه و نصیحت

موعظه کلامی است که به دل، نرمی و رقت می‌دهد؛ قساوت را از دل می‌برد؛ خشم و شهوت را فرومی‌نشاند؛ هواهای نفسانی را تسکین می‌دهد و به دل صفا می‌بخشد و هیچ‌کس از موعظه بی‌نیاز نیست؛ زیرا دانستن، یک مطلب است و

تحت تأثیر یک نفع و اعظم مؤمن قرار گرفتن، مطلبی دیگر حضرت علی علیه السلام به یکی از اصحابش می فرمود: «مرا موعظه کن» و آن گاه می فرمود: «در شنیدن اثری هست که در دانستن نیست.» گاه لازم است والدین موعظه ای متناسب با سن فرزند درباره مهدویت داشته باشند، همان گونه که حضرت لقمان فرزندش را موعظه می کند. از دیگر روش های مؤثر در این امر، می توان به روش تکریم شخصیت و نیز روش تشویق اشاره کرد.

نتیجه

در تربیت باید هدف را مشخص کنیم و بدانیم چگونه انسانی را می خواهیم پرورش دهیم؛ این که در صورت مؤثر واقع شدن به سبب تربیت، چه تغییری در مرتبگی حاصل شود و با توجه به این هدف، برنامه هایی همه جانبه و هماهنگ طرح شوند و با روش هایی مطلوب به اجرای این هدف بپردازیم. هدف غایی در تربیت مهدوی آن است که مقدمات حرکت و هدایت آدمی در صراط مستقیم و پرستش پروردگار فراهم آورده شود و باید انسانی ساخته شود که با دوری از ذایل و با عمل صالح و کسب مدارج علم و ایمان، برای ایجاد شرایط و زمینه های ظهور حضرت مهدی علیه السلام گام بردارد.

منابع

- الهامی، داود؛ علی اکبر مهدی پور، *او خواهد آمد*، قم، دارالتبلیغ اسلامی، بی تا.
- امینی، ابراهیم، *دادگستر جهان*، قم، انتشارات شفق، ۱۳۸۰ ش.
- بهشتی، مهدی، *ادیان و مهدویت یا بررسی شناخت جهانی مهدی موعود*، تهران، انتشارات بهمن، ۱۳۶۱ ش.
- حاجتی، سید محمد باقر، *اسلام و تعلیم و تربیت*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
- حکیمی، محمد رضا، *خورشید مغرب*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهاردهم، ۱۳۶۴ ش.
- دوانی، علی، *مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار)*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی ام، ۱۳۸۴ ش.
- شریعتمداری، علی، *تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و سوم، ۱۳۹۰ ش.
- شیروانی، علی، *ترجمه نهج البلاغه*، قم، دارالعلم، چاپ هفتم، ۱۳۸۸ ش.
- طباطبایی، سید محمد حسین، *شيعه در اسلام*، تهران، انتشارات کتابخانه بزرگ اسلامی، بی تا.
- طبسی، محمد جواد، *بامداد بشریت*، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۴ ش.
- مطهری، مرتضی، *امامت و رهبری*، تهران، انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.
- _____، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۷۵ ش.
- _____، *سیری در سیره ائمه*، تهران، صدرا، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۹ ش.
- _____، *قیام و انقلاب مهدی*، تهران، صدرا، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۳ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب اسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
- _____، *مهدی؛ انقلابی بزرگ*، قم، انتشارات هدف، ۱۳۵۶ ش.

بررسی و مقایسه میزان توجه به مفاهیم مهدویت
در کتب درسی معارف اسلامی آموزش و پرورش
(از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۷)

دکتر علی نقی فقیهی*

دکتر رضا جعفری هرندی**

حسن نجفی***

چکیده

هدف این نوشتار، بررسی و مقایسه میزان توجه به مفاهیم مهدویت در کتب درسی معارف اسلامی نظام آموزش و پرورش کشور در حوزه برنامه درسی است. این مباحث شامل ویژگی‌های فردی حضرت، عصر پیش از ظهور (عصر غیبت)، عصر ظهور و عصر بعد از ظهور (دوران حکومت) است. روش پژوهش، توصیفی از نوع تحلیل محتوا، و رویکرد آن کاربردی است. جامعه پژوهش، همه کتاب‌های درسی معارف اسلامی وزارت آموزش و پرورش در سه دوره تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۷ را دربر می‌گیرد. نمونه بررسی شده، نود عنوان کتاب درسی معارف اسلامی است که با استفاده از

* دانشیار دانشگاه قم و مدیر مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی.

** استادیار دانشگاه قم.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شاهد (hnajafih@yahoo.com).

روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس انتخاب شد و ابزار اندازه‌گیری، چک‌لیست تحلیل محتوای محقق ساخته بود. نتایج پژوهش با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار) و استنباطی (آزمون T مستقل) و با کمک نرم افزار SPSS فرم ۲۰ مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. عمده‌ترین نتایج این پژوهش بیانگر آن است که اختلاف بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت در دو دوره پیش از انقلاب اسلامی (۱۹/۳۶) و بعد از انقلاب اسلامی (۲۶/۶۴) در سطح $p < 0/05$ معنادار است.

واژگان کلیدی

مفاهیم مهدویت، تحلیل محتوا، کتب درسی معارف اسلامی.

مقدمه

مهدویت به عنوان مدینه فاضله اسلامی و ظهور منجی موعود، تدبیری الهی است تا آمال و آرزوهای بشر در طول قرن‌ها تحقق یابد. تحقق چنین عصری مستلزم آماده بودن زمینه‌ها و شرایط لازم است (حسینیان، ۱۳۸۶: ۴۶).

از جمله شرایط زمینه‌سازی ظهور و تغییر روش‌ها و نگرش‌های افراد جامعه به سمت آمادگی برای حضور حجت خدا، توجه به عوامل فرهنگی و اهتمام به رشد، توسعه و ارتقای شخصیت انسان‌ها و پرورش کمالات انسانی است که در پرتو گزینش ایده آل برتر از راه تعلیم و تربیت امکان پذیر است (موسوی، ۱۳۸۸: ۹۰).

تعلیم و تربیت در گذشته‌ای نه چندان دور، بردوش والدین بود و در محیط خانواده صورت می‌پذیرفت. در این میان باورهای دینی والدین، انجام فرایض و آداب آیینی از سوی آنان و الزاماتی که در این خصوص بر فرزندان وارد می‌ساختند بیشترین سهم را در انتقال آموزه‌های دینی به نسل‌های بعدی داشت. طبیعی است که تعلیم و تربیت دینی در فضایی این‌گونه بیش از آن که مبتنی بر روش و محتوای ابداع‌کننده باشد تکیه بر نقش‌پذیری و الگوگیری فرزندان از والدین دارد که در عین اهمیت بی‌بدیلی که این مسئله دارد در صورت عدم توفیق در فرایند

الگوسازی و الگوپذیری، مرجع جایگزینی یا تقویت‌کننده‌ای در این امر مورد انتظار نخواهد بود. اما با گذشت زمان و پیچیده‌تر شدن مشکلات زندگی، والدین بخش عمده‌ای از مسئولیت آموزشی و تربیتی خود در این میان، آموزش مذهبی را به نهادهای رسمی آموزشی محول می‌کنند (دادستان، ۱۳۸۷: ۲۳۱).

کتاب درسی^۱ یا محتوا در نظام‌های آموزشی به خصوص نهاد آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از ابزارهای بسیار مهم و اساسی برای آموزش دانش‌آموزان است و سند مکتوب و مدون تعلیم و تربیت محسوب می‌شود که فعالیت‌ها و تجارب یادگیرندگان، بر محور آن سازمان‌دهی می‌شود (دیبایی صابرو همکاران، ۱۳۸۹: ۳۰). نقش کتاب درسی، فراهم کردن امکانات و شرایط مناسب برای ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار دانش‌آموزان از طریق فرایند یاددهی - یادگیری است. از این نظر، محتوای برنامه درسی از نظر نقشی که در تحقق اهداف ایفا می‌کند، از اهمیت خاص برخوردار است. از آن‌جا که برنامه‌ریزی، تدوین، تغییر و روزآمد کردن کتب درسی یکی از الزامات نظام آموزشی است، تحلیل و بررسی علمی آن اهمیتی مضاعف دارد. این تحلیل به دست اندرکاران و مؤلفان کتاب‌های درسی کمک می‌کند که در هنگام تدوین، گزینش و انتخاب محتوای کتاب‌های درسی بیشتر دقت کرده تا ضمن تسهیل یادگیری، زمینه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را فراهم آورند. در حقیقت تحلیل محتوا کمک می‌کند تا مفاهیم، اصول، نگرش‌ها، باورها و همه اجزای مطرح شده در قالب درس‌های کتاب، مورد بررسی علمی قرار گیرد و با اهداف‌های برنامه درسی^۲، مقایسه و ارزشیابی^۳ شود (یارمحمدیان، ۱۳۸۱: ۱۴۹؛ ادری و نیکلس^۴ ۱۳۸۱: ۶۲).

1. Text book
2. Curriculum
3. Evaluation
4. Audrey & Howard nicholls

شیوه تحلیل محتوا به عنوان برجسته‌ترین ابزار شناخته شده برای بررسی محتوای کتب درسی، در برنامه‌های درسی کاربرد بسیاری دارد. در این جهت، برنامه‌ریزان درسی با این سؤال اساسی سروکار دارند که درنیل به اهداف یادگیری چه موضوعاتی باید گنجانید؟ سپس به این پرسش می‌پردازند که چگونه باید محتوایی را که برای یادگیری برگزیده شده، سازمان‌دهی و ارائه داد تا دانش‌آموزان بتوانند آن را یاد بگیرند و تجربه کنند. به عبارت دیگر، ابتدا آن‌ها به طور اخص به دانش و محتوا، سپس به تدریس و تجربیات یادگیری می‌پردازند (ارنستاین و هانکینز، ۱۹۹۳: ۲۱۰). تمامی برنامه‌های درسی، صرف‌نظر از طرح یا الگوی تدوین دارای محتوا هستند، نحوه نگرش افراد به محتوا تحت تأثیر دیدگاه آن‌ها نسبت به دانش و واقعیت، یعنی تحت تأثیر دیدگاه‌های فلسفی آن‌هاست. گروه‌هایی که طرح‌ریزی برنامه درسی را برعهده دارند درباره محتوا حق انتخاب دارند که تحت تأثیر آن‌ها در واقع با گزینه بیش از حد روبه‌رو هستند و آن‌ها محتوایی را برمی‌گزینند که برای دانش‌آموزان امکان یادگیری بیشتر را فراهم آورد. با این تفاسیر محتوا، خلاصه‌ای از حقایق، مفاهیم، تعمیم‌ها، اصول و نظریه‌های مشابه با دانش منظم است. محتوای برگزیده شده باید به دانش‌آموزان یا ارتقای سطوح درک و فهم آن‌ها کمک کند (ملکی، ۱۳۸۹: ۶۸).

با توجه به نقش محوری تعلیم و تربیت و نظام آموزش و پرورش در تعیین اهداف، طراحی و تدوین محتواها و اجرای آموزش‌های «مهدویت» و نیز لزوم انتقال ارزش‌های موجود در آن به دانش‌آموزان و نیز آسیب‌های موجود در این زمینه، برآنیم تا در این پژوهش به بررسی وضعیت و مقایسه میزان توجه به مفاهیم مهدویت در کتب درسی معارف اسلامی از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۷ بپردازیم و جایگاه و وضعیت آن را در نظام آموزش و پرورش کشورمان چه در دوران قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب بررسی، توصیف و مقایسه نماییم.

پیشینه پژوهشی

پژوهش‌های یافت شده درباره مهدویت و تعلیم و تربیت به شرح زیرند: مرزوقی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس»، نشان داد که در منابع درسی آموزش و پرورش، توجه نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده‌ای در حوزه هدف‌گذاری و تدوین محتوا درباره گسترش تفکر مهدویت، وجود ندارد.

شفیعی سروستانی (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان «رویکردهای افراطی و تفریطی در حوزه مهدویت»، به تبیین رویکردهای موجود نسبت به مسئله مهدویت در قبل و بعد از انقلاب پرداخته است. در این پژوهش، شاخصه‌های رویکرد مهدوی در دوران پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران کاملاً با یکدیگر متفاوت دانسته شده است.

صالحی (۱۳۸۶) نظام تربیتی مهدویت و رابطه آن با اهداف نظام تربیتی اسلام را مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش، اهداف نظام تربیتی مهدویت بر اساس آیات و روایات به چهاربخش کلی اهداف تربیتی مهدویت در وظایف انسان نسبت به خداوند، خود، دیگران و طبیعت دسته‌بندی شده است.

گودرزی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه آموزه‌های مهدویت و تعلیم و تربیت اسلامی»، اثرگذاری مؤلفه‌ها و آموزه‌های مهدویت را بر تعلیم و تربیت اسلامی را بررسی کرده است.

حاتمی (۱۳۸۶) به ارائه پژوهشی با هدف تبیین ارزش‌های مهدوی و طبقه‌بندی آن‌ها از نگاه متون دینی و ارائه راهکارهایی برای رشد و توسعه آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی پرداخته و با برشمردن جایگاه و اهمیت نقش خانواده در انتقال ارزش‌ها، اصول لازم برای ایجاد و رشد ارزش‌ها در خانواده را که شامل مهر و محبت، الگو قرار گرفتن والدین، ترغیب ارزش‌ها و همسویی خانه و مدرسه می‌شود را تبیین می‌نماید.

مهرمحمدی و صمدی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «بازنگری در الگوی آموزش دینی جوانان و نوجوانان در دوره تحصیلی متوسطه» به ارائه الگویی برای آموزش دینی جوانان و نوجوانان دوره متوسطه تحصیلی پرداخته‌اند.

حسن‌زاده (۱۳۸۲) در مقاله خود به نقش و کارکرد نهادهای آموزشی در انتقال ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی پرداخته و معتقد است نهادهای آموزشی هر کشور در انتقال ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی نقشی مهم داشته و منعکس‌کننده ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی - اجتماعی آن جامعه محسوب می‌شود.

روزنانی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای پیرامون اسلامی کردن برنامه آموزشی و تحصیلی، کوشیده است مشکلات موجود برنامه‌ریزی در نظام آموزشی کشورهای اسلامی را بررسی کند. نتایج پژوهش نشان داد محتوای برنامه درسی، یعنی رشته‌ها یا موضوعات ارائه شده در نهادهای آموزشی اسلامی، از سطح ابتدایی گرفته تا سطح متوسطه، به خصوص در علوم اکتسابی عاریت گرفته از دیدگاه غیردینی غربی است؛ بنابراین، دانش آموخته شده، از ارزش‌های مذهبی به دور است. حتی اگر چنین هم نباشد، مملو از ارزش‌های ناسازگار با عقاید و ارزش‌های دینی است.

یافته‌های آیزنر^۱ (۱۹۹۴) و شوفیلد^۲ (۱۹۸۹)، به نقل از مرزوقی، (۱۳۸۷) برای نکته اشاره دارد که مدارس باید با تدوین برنامه درسی به پرورش و رشد باورها، نگرش‌ها و رفتارهایی بپردازد که نسل نورا قادر سازد تا جامعه‌ای بهتر ایجاد کنند.

پژوهش‌های دیگری نیز مانند نیمی و جون^۳ (۱۹۹۳) و رایبیا^۴ (۱۹۹۷) نشان می‌دهند که آموزش ارزش‌ها از طریق درس‌های مختلف، بسیار مؤثر است.

روش تحقیق

با توجه به تحلیل کمی، عینی و نظام‌دار کتاب‌های درسی در زمینه

1. Eisner
2. Schofield
3. Niemei & Junn
4. Ryba

توجه به مفاهیم مرتبط با مهدویت و همچنین ابزار مورد استفاده، روش پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا^۱ بوده است. کرلینجر^۲ (به نقل از بیابانگرد، ۱۳۸۴: ۳۹۰) تحلیل محتوا را روشی پژوهشی برای توصیف عینی، منظم و کمی متغیرها دانسته است. واحد ثبت^۳ در این تحقیق، مضمون است. واحد ثبت به بخش معنادار و قابل رمزگذاری محتوا اطلاق می‌شود و روش شمارش نیز فراوانی است.

مقوله بندی و تعیین شاخص‌ها در این تحقیق با روش جعبه ای^۴ است؛ یعنی طبقات (مقوله‌ها) قبل از اجرای تحقیق تعیین می‌شوند و به همین دلیل به آن، روش از پیش تعیین شده نیز می‌گویند (نوریان، ۱۳۸۷: ۶۵).

در این پژوهش با استفاده از فیش برداری و جد اول طبقه بندی اطلاعات جهت استخراج دسته بندی اطلاعات مربوط به ابعاد سیمای مهدویت در کتاب‌های درسی معارف اسلامی دوران قبل و بعد از انقلاب استفاده شده است. به منظور طراحی و تنظیم ابزارهای تحقیق ابتدا اطلاعات مربوط، شناسایی و پس از بررسی بر اساس چارچوب‌های تعیین شده، فرم‌های مربوط طراحی و تنظیم گردید و اطلاعات استخراج شده بر اساس آن‌ها دسته بندی شد.

جامعه و نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل کتب درسی معارف اسلامی دوره‌های (ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه) آموزش و پرورش در دوران پیش از انقلاب و بعد از انقلاب (از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۷) است. نمونه مورد بررسی نود عنوان کتاب درسی معارف اسلامی بوده است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی در دسترس انتخاب شد.

1. content analysis
2. kerlinger
3. Recoding unit
4. Procedure parboil

ابزار جمع‌آوری اطلاعات

ابزار گردآوری داده‌ها، چک‌لیست تحلیل محتوای کتاب‌های درسی محقق ساخته بوده که به منظور ساخت آن، ابتدا نتایج پژوهش‌های انجام شده در زمینه مفاهیم مرتبط با ابعاد سیمای مهدویت در حوزه برنامه درسی و همچنین متون مطرح و موجود در زمینه فوق به منظور دستیابی به محورها و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با موضوع مطالعه و بررسی شده که نتایج این بررسی با یک محور و چهار مؤلفه مفهومی در جدول ذیل آورده شده است.

جدول شماره ۱. مؤلفه‌های مربوط به مهدویت

مؤلفه‌ها	محور
۱. ویژگی‌های فردی حضرت	مهدویت
۲. عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	
۳. عصر ظهور	
۴. عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	

به منظور حصول اطمینان از وجود روایی^۱ محورها و مؤلفه‌های مفهومی استخراجی اولیه در اختیار گروهی از صاحب‌نظران برنامه درسی و متخصصان حوزه مهدویت گذارده شد و از آن‌ها خواسته شد محورها و مؤلفه‌های مفهومی را به لحاظ درجه تناسب با مفاهیم مرتبط با ابعاد سیمای مهدویت در حوزه برنامه درسی در طیفی از یک تا پنج ارزش‌گذاری کنند. دستاورد بررسی نتایج ارزش‌گذاری‌های آنان تأیید محور و مؤلفه‌های مفهومی دسته‌بندی شده در محورها با ارزش میانگین ۴/۴ از پنج بوده است. به علاوه در فرایند ساخت ابزار، برای اطمینان از وجود روایی صوری و محتوایی ابزار، چک‌لیست تهیه شده اولیه، مجدداً توسط صاحب‌نظران و متخصصان مذکور، مورد بررسی قرار گرفت و پس از اعمال نظریات اصلاحی آن‌ها فرم نهایی ابزار در طیفی از یک تا پنج ارزش‌گذاری شد که این بار نیز ارزش میانگین ۴/۲ از پنج را به دست آورد.

1. validity

برای تأمین پایایی^۱ ابزار از تکنیک اجرای مجدد استفاده شده است. بدین صورت که فرم نهایی تهیه شده به طور همزمان و مجزا در اختیار تحلیل‌گر محتوای متخصص دیگری نیز قرار داده شد که به طور مجزا، چند درس از برخی کتاب‌ها را تحلیل نمایند. ضریب همبستگی داده‌های حاصل از تحلیل‌های انجام شده همزمان توسط پژوهشگر اصلی و متخصص مذکور، مورد محاسبه قرار گرفت که نتیجه حاصله مبین ضریب همبستگی ۰/۸۹ بوده است.

روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش‌های آماری مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد برای تعیین جایگاه هریک شاخص‌ها در کتب درسی نمونه هریک از دو دوره، استفاده از آزمون t مستقل برای مقایسه نتایج کلی دو دوره قبل از انقلاب و بعد از انقلاب و همچنین مقایسه هریک از دوره‌های تحصیلی (از نظر شاخص‌های مهدوی) به طور مجزا در دوران قبل و بعد از انقلاب.

یافته‌های پژوهش

نتایج سؤال اول پژوهش: به چه میزان کتب درسی معارف اسلامی قبل و بعد از انقلاب اسلامی به مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت در حوزه برنامه درسی پرداخته‌اند؟

جدول ۲. نتایج تحلیل محتوای کتب درسی معارف اسلامی در پرداختن به مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بر حسب مؤلفه و دوره

مؤلفه	دوره	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
ویژگی‌های فردی حضرت	قبل از انقلاب	۳۰۴	۳۵	۶/۷۶	۲/۴۰
	بعد از انقلاب	۴۵۰	۳۷/۴	۱۰/۰۰	۲/۶۵
عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	قبل از انقلاب	۲۴۴	۲۸	۵/۴۲	۱/۹۲
	بعد از انقلاب	۳۱۶	۲۶/۳	۷/۰۲	۱/۷۶

1. reliability

مؤلفه	دوره	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
عصر ظهور	قبل از انقلاب	۱۷۴	۲۰	۳/۸۷	۲/۰۹
	بعد از انقلاب	۲۴۳	۲۰/۲	۵/۴۰	۱/۹۱
عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	قبل از انقلاب	۱۴۸	۱۷	۳/۲۹	۱/۶۴
	بعد از انقلاب	۱۹۳	۱۶/۱	۴/۲۹	۱/۴۷
مجموع	قبل از انقلاب	۸۷۱	۱۰۰	۱۹/۳۶	۳/۸۲
	بعد از انقلاب	۱۱۹۹	۱۰۰	۲۶/۶۴	۳/۷۶

نتایج جدول فوق فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت را به تفکیک دوره زمانی مشخص نموده است.

جدول ۳. نتایج آزمون t مستقل برای مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت

مؤلفه	t	df	سطح معناداری (Sig)
ویژگی‌های فردی حضرت	-۶/۰۷۷	۸۸	<۰/۰۰۰۵
عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	-۴/۱۱۱	۸۸	<۰/۰۰۰۵
عصر ظهور	-۳/۶۲۶	۸۸	<۰/۰۰۰۵
عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	-۳/۰۳۸	۸۸	۰/۰۰۳
مجموع	-۹/۱۱۳	۸۸	<۰/۰۰۰۵

مطابق نتایج جدول آزمون t مستقل فوق اختلاف مشاهده شده بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت در دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی معنادار است؛ زیرا در این مؤلفه‌ها، مقدار سطح معناداری (ارزش یا مقدار p) کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. همچنین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بعد از انقلاب اسلامی (۲۶/۶۴) به طور معناداری بیشتر از میانگین مؤلفه‌های مهدویت قبل از انقلاب اسلامی (۱۹/۳۶) است.

نتایج سؤال دوم پژوهش: کتب درسی معارف اسلامی دوره‌های تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه) قبل و بعد از انقلاب اسلامی، چقدر به مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت در حوزه برنامه درسی پرداخته‌اند؟

جدول ۴. نتایج تحلیل محتوای کتب درسی معارف اسلامی دوره ابتدایی
در پرداختن به مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بر حسب مؤلفه و دوره

مؤلفه	دوره	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
ویژگی‌های فردی حضرت	قبل از انقلاب	۱۱۳	۴۴	۷/۵۳	۳/۳۷
	بعد از انقلاب	۱۹۰	۴۴/۷	۱۲/۶۷	۱/۸۳
عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	قبل از انقلاب	۷۹	۳۰/۷	۵/۲۷	۱/۷۹
	بعد از انقلاب	۱۲۰	۲۸/۲	۸/۰۰	۱/۱۹
عصر ظهور	قبل از انقلاب	۳۰	۱۱/۷	۲/۰۰	۰/۷۵
	بعد از انقلاب	۶۳	۱۴/۸	۴/۲۰	۰/۹۴
عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	قبل از انقلاب	۳۵	۱۳/۶	۲/۳۳	۱/۲۹
	بعد از انقلاب	۵۲	۱۲/۲	۳/۴۷	۱/۴۵
مجموع	قبل از انقلاب	۲۵۷	۱۰۰	۱۷/۱۳	۴/۰۸
	بعد از انقلاب	۴۲۵	۱۰۰	۲۸/۱۳	۳/۴۶

نتایج جدول فوق فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت در کتب معارف اسلامی دوره ابتدایی را به تفکیک دوره زمانی مشخص نموده است.

جدول ۵: نتایج آزمون t مستقل برای مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت

مؤلفه	t	df	سطح معناداری (Sig)
ویژگی‌های فردی حضرت	-۵/۱۷	۲۸	<۰/۰۰۰۵
عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	-۴/۹۱	۲۸	<۰/۰۰۰۵
عصر ظهور	-۷/۰۵	۲۸	<۰/۰۰۰۵
عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	-۲/۲۵	۲۸	۰/۰۳۲
مجموع	-۷/۹۵	۲۸	<۰/۰۰۰۵

مطابق نتایج جدول آزمون t مستقل فوق اختلاف مشاهده شده بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت کتب معارف اسلامی دوره ابتدایی در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی معنادار است؛ زیرا در این مؤلفه‌ها، مقدار سطح معناداری (ارزش یا مقدار p) کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. و میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بعد از انقلاب اسلامی (۲۸/۱۳) به طور معناداری بیشتر از میانگین مؤلفه‌های

مرتبط با مهدویت قبل از انقلاب اسلامی (۱۷/۱۳) است.

جدول ۶. نتایج تحلیل محتوای کتب درسی معارف اسلامی دوره راهنمایی در پرداختن به مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بر حسب مؤلفه و دوره

مؤلفه	دوره	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
ویژگی‌های فردی حضرت	قبل از انقلاب	۹۷	۲۳	۶/۴۷	۱/۸۴
	بعد از انقلاب	۱۱۹	۳۲/۲	۷/۹۳	۱/۹۰
عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	قبل از انقلاب	۸۴	۲۸/۶	۵/۶۰	۲/۴۱
	بعد از انقلاب	۱۰۳	۲۷/۸	۶/۸۷	۲/۰۶
عصر ظهور	قبل از انقلاب	۶۸	۲۳/۱	۴/۵۳	۱/۹۵
	بعد از انقلاب	۸۶	۲۳/۲	۵/۷۳	۲/۱۸
عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	قبل از انقلاب	۴۵	۱۵/۳	۳/۰۰	۱/۳۰
	بعد از انقلاب	۶۲	۱۶/۸	۴/۱۳	۱/۲۴
مجموع	قبل از انقلاب	۲۹۴	۱۰۰	۱۹/۶۰	۳/۵۰
	بعد از انقلاب	۳۷۰	۱۰۰	۲۴/۶۷	۳/۵۳

نتایج جدول فوق فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت در کتب معارف اسلامی دوره راهنمایی را به تفکیک دوره زمانی مشخص کرده است.

جدول ۷: نتایج آزمون t مستقل برای مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت

مؤلفه	t	df	سطح معناداری (Sig)
ویژگی‌های فردی حضرت	-۲/۱۴	۲۸	۰/۰۴۱
عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	-۱/۵۴	۲۸	۰/۱۳۴
عصر ظهور	-۱/۵۸	۲۸	۰/۱۲۵
عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	-۱/۴۲	۲۸	۰/۰۲۲
مجموع	-۳/۹۴	۲۸	<۰/۰۰۰۵

مطابق نتایج جدول آزمون t مستقل فوق اختلاف مشاهده شده بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت کتب معارف اسلامی دوره راهنمایی در دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی به جز مؤلفه‌های عصر قبل از ظهور (عصر غیبت) و عصر ظهور

معنادار است؛ زیرا در این مؤلفه‌ها، مقدار سطح معناداری (ارزش یا مقدار p) کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بعد از انقلاب اسلامی (۲۴/۶۷) نیز به طور معناداری بیشتر از میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت قبل از انقلاب اسلامی (۱۹/۶۰) است.

جدول ۸. نتایج تحلیل محتوای کتب درسی معارف اسلامی دوره متوسطه در پرداختن به مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بر حسب مؤلفه و دوره

مؤلفه	دوره	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
ویژگی‌های فردی حضرت	قبل از انقلاب	۹۴	۲۹/۵	۶/۲۷	۱/۵۳
	بعد از انقلاب	۱۴۱	۳۴/۶	۹/۴۰	۱/۵۹
عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	قبل از انقلاب	۸۱	۲۵/۴	۵/۴۰	۱/۵۹
	بعد از انقلاب	۹۳	۲۲/۹	۶/۲۰	۱/۵۲
عصر ظهور	قبل از انقلاب	۷۶	۲۳/۸	۵/۰۷	۱/۹۰
	بعد از انقلاب	۹۴	۲۳/۱	۶/۲۷	۱/۸۳
عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	قبل از انقلاب	۶۸	۲۱/۳	۴/۵۳	۱/۵۵
	بعد از انقلاب	۷۹	۱۹/۴	۵/۲۷	۱/۱۶
مجموع	قبل از انقلاب	۳۱۹	۱۰۰	۲۱/۳۳	۲/۷۴
	بعد از انقلاب	۴۰۷	۱۰۰	۲۷/۱۳	۳/۶۲

نتایج جدول فوق فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت در کتب معارف اسلامی دوره متوسطه را به تفکیک دوره زمانی مشخص کرده است.

جدول ۹: نتایج آزمون t مستقل برای مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت

مؤلفه	t	df	سطح معناداری (Sig)
ویژگی‌های فردی حضرت	-۵/۴۸	۲۸	<۰/۰۰۰۵
عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)	-۱/۴۰	۲۸	۰/۱۷۱
عصر ظهور	-۱/۷۵	۲۸	۰/۹۰
عصر بعد از ظهور (عصر حکومت)	-۱/۴۶	۲۸	۰/۱۵۴
مجموع	-۴/۹۴	۲۸	<۰/۰۰۰۵

مطابق نتایج جدول آزمون t مستقل فوق، اختلاف مشاهده شده بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت کتب معارف اسلامی دوره متوسطه در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی به جز مؤلفه‌های عصر قبل از ظهور (عصر غیبت)، عصر ظهور و عصر بعد از ظهور (عصر حکومت) معنادار است؛ زیرا در این مؤلفه‌ها، مقدار سطح معناداری (ارزش یا مقدار p) کوچک‌تر از ۰/۰۵ است. میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بعد از انقلاب اسلامی (۲۷/۱۳) نیز به طور معناداری بیشتر از میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت قبل از انقلاب اسلامی (۲۱/۳۳) است.

نتیجه

در بررسی نقاط اشتراک و افتراق دوره‌های مختلف تحصیلی قبل و بعد از انقلاب، در پرداختن به هر یک از ابعاد سیمای مهدوی نتایج ذیل حاصل شد:

کل کتاب‌های دو دوره

بررسی مقایسه‌ای همه کتب معارف اسلامی نشان داد اختلاف بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی معنادار است؛ زیرا در این مؤلفه‌ها، مقدار سطح معناداری (ارزش یا مقدار p) کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بعد از انقلاب اسلامی (۲۶/۶۴) به طور معناداری بیشتر از میانگین مؤلفه‌های مهدویت قبل از انقلاب اسلامی (۱۹/۳۶) است.

مقطع ابتدایی

بررسی مقایسه‌ای کتب معارف اسلامی در مقطع ابتدایی - که برای ایجاد نگرش مثبت نسبت به مفاهیم مهدویت بسیار مؤثر است - نشان داد که بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت کتب معارف اسلامی دوره ابتدایی در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی معنادار است؛ زیرا در این مؤلفه‌ها، مقدار سطح معناداری

(ارزش یا مقدار p) کوچک‌تر از $0/05$ است و میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بعد از انقلاب اسلامی ($28/13$) به طور معناداری بیشتر از میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت قبل از انقلاب اسلامی ($17/13$) است. بنابراین توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که تبیین قیام حضرت و اقدامات ایشان نیازمند زمینه‌سازی‌های قبلی است و طرح آن در دوران ابتدایی باید در سطحی بسیار کمتر از مقاطع راهنمایی و دبیرستان ارائه گردد که این نتایج حاکی از عملکرد مناسب‌تر دوران بعد از انقلاب در این زمینه است.

مقطع راهنمایی

بررسی مقایسه‌ای کتب معارف اسلامی مقطع راهنمایی پیرامون پرداختن به ابعاد مهدویت در دوران قبل و بعد از انقلاب نشان داده است که به طور کلی دوران قبل از انقلاب بیش از دوره بعد از انقلاب در مقطع راهنمایی و دوران بلوغ به ارائه مباحث و ابعاد گوناگون مهدویت پرداخته است و اختلاف مشاهده شده بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت کتب معارف اسلامی دوره راهنمایی در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی به جز مؤلفه‌های عصر قبل از ظهور (عصر غیبت) و عصر ظهور معنادار است؛ زیرا در این مؤلفه‌ها، مقدار سطح معناداری (ارزش یا مقدار p) کوچک‌تر از $0/05$ است. میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بعد از انقلاب اسلامی ($24/67$) نیز به طور معناداری بیشتر از میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت قبل از انقلاب اسلامی ($19/60$) است.

مقطع متوسطه

نتایج به دست آمده از بررسی کتب معارف اسلامی مقطع متوسطه قبل و بعد از انقلاب حاکی از آن است که اختلاف مشاهده شده بین میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت کتب معارف اسلامی دوره متوسطه در دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی به جز مؤلفه‌های عصر غیبت، عصر ظهور و عصر بعد از ظهور (عصر

حکومت) معنادار است؛ زیرا در این مؤلفه‌ها، مقدار سطح معناداری (ارزش یا مقدار p) کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت بعد از انقلاب اسلامی (۲۷/۱۳) به طور معناداری از میانگین مؤلفه‌های مرتبط با مهدویت قبل از انقلاب اسلامی (۲۱/۳۳) بیشتر است.

نتایج بررسی نقاط قوت و ضعف دوره قبل از انقلاب نسبت به دوره بعد از انقلاب، نشان می‌دهد که تفاوت چشم‌گیری بین دوران قبل و بعد از انقلاب در پرداختن به مباحث مربوط به سیمای مهدویت در کتب معارف اسلامی وجود دارد. به طور کلی می‌توان گفت دوران بعد از انقلاب بیش از قبل از انقلاب به ارائه مسائل مربوط به مهدویت در این نوع کتب پرداخته است.

اما وقتی به صورت جزئی‌تر به نتایج نظرافکننده شود، دیده می‌شود که این برتری کمی در تمام ابعاد مهدوی گسترده نشده است. این نتیجه تأیید کننده پژوهش شفيعی سروستانی (۱۳۸۷) است که دیدگاه امام خمینی علیه السلام را درباره شاخص‌های مهدوی بیان می‌دارد. بر اساس این دیدگاه‌ها، شاخصه‌های یاد شده عبارتند از:

۱. توجه به امام مهدی علیه السلام به عنوان آخرین حجت خدا و امام حئی و حاضری که نسبت به وضعیت حال مسلمانان نیز بی‌تفاوت نیست؛
۲. از نظر دور نداشتن عصر غیبت و ضرورت تلاش برای اصلاح وضع موجود با هدف زمینه‌سازی برای ظهور؛
۳. توسعه وظایف و تکالیف منتظران و منحصر نداشتن این وظایف به دعا برای تعجیل فرج یا درخواست ملاقات با آن حضرت.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود تأکید ایشان بر شرایط حضور حضرت، عصر غیبت و وظایف و تکالیف منتظران در آن عصر است که این ویژگی‌ها در پژوهش حاضر، همه زیرمجموعه دوران قبل از ظهور محسوب می‌شوند. بنابراین دیدگاه امام خمینی علیه السلام به بحث دوران قبل از ظهور در کتب درسی بعد از انقلاب بیشتر پرداخته شده است.

البته در این جا لازم است به این نکته توجه شود که بالاترین میزان انگیزه بخشی و ایجاد نگرش مثبت در بعد دوران آرمانی پس از ظهور نهفته است و این وجه مهمی در آموزش مهدویت به دانش آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی به شمار می آید که اگر با شرح وظایف و جایگاه منتظر در جامعه قبل از ظهور همراه گردد، نتایج مثبتی به بار خواهد آورد. نتایج این بخش گویای آن است که در هر دو دوره خلأی در ارائه شاخص های مهدوی در کتب درسی وجود دارد که از اثربخشی مثبت آن می کاهد؛ دوره قبل از انقلاب با خلأ شرایط زمان حال، شرح وظایف و به طور کلی لوازم قبل از ظهور و دوره بعد از انقلاب با خلأ طرح جامعه آرمانی و بی نظیر عصر بعد از ظهور به عنوان نوید بخش و انگیزه ساز برای اقدام در فرد منتظر است.

جامعه ایرانی، جامعه ای شیعی و منتظر است که اسلامی بودنش جزئی از ارکان اصلی آن را تشکیل می دهد. چنین جامعه ای باید در راستای اسلامی نمودن نهادهای مختلف خود بکوشد. مهدویت جزئی جدا ناپذیر از این اسلامیت است؛ جزئی خدشه ناپذیر که تمام آرمان های دینی را طوری برنامه ریزی نماید که حداکثر همپوشی در نگرش ها و زمینه سازی برای این آرمان بزرگ را داشته باشد.

علاوه بر این، نگرش مهدوی نگرشی است که نه تنها برای تحقق آرمان های اسلامی ضروری است، بلکه آثار چنین نگرشی از بسیاری از آسیب های فردی و اجتماعی جلوگیری کرده یا برطرف کننده آن است. پژوهش حاضر به مقایسه عملکرد آموزش و پرورش قبل و بعد از انقلاب در پرداختن به این نوع تربیت در کتب معارف اسلامی پرداخته است.

گفتمنی است این مقایسه از این جهت مهم است که شرایط این دو دوران با یکدیگر تفاوت دارد. دوران قبل از انقلاب در ایران، دورانی بود که حاکمیت مستبد و غیر دینی بر ایران حکومت می کرد و لذا توجه نسبت به گسترش علوم دینی و تربیت دینی به جز برخی دلسوزان در آن کمتر به چشم می خورد و دوران بعد از انقلاب که حاکمیت اسلامی در ایران مستقر گردیده و تلاش در جهت تربیت دینی و

مهدوی مورد تأیید و تشویق حاکمیت و نظام قرار می‌گیرد. لذا هدف‌گذاری برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای اعتلای نگرش مهدوی در میان نسل حاضر ایران، ضروری به نظر می‌رسد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد این ارتقا و برتری دوران بعد از انقلاب در پرداختن به سیمای مهدویت در تربیت دینی مدارس خود را نشان داده است. اما عدم تفاوتی چشم‌گیر در میزان پرداختن به مباحث گوناگون مهدوی در مقاطع مختلف تحصیلی و سنین تربیتی خاص به چشم می‌خورد که این مطلب گویای عدم برنامه‌ریزی صحیح برای ارائه سیری تربیتی متناسب با سنین و نیازهای خاص آن‌هاست.

همچنین اهداف عقیدتی و سیاسی آموزش و پرورش در مقاطع مختلف نیز مؤید همین مطلب است؛ چرا که مبحث مهدویت تنها به عنوان بخشی در زیرمجموعه امامت مطرح گردید و فقط در مقطع متوسطه بحث انتظار و آثار آن به عنوان هدفی مجزا آورده شده است. در صورتی که نتایج همین پژوهش حاکی از تفاوت معناداری میان مقاطع مختلف تحصیلی در دوران قبل از انقلاب است. پژوهش مرزوقی (۱۳۸۷) نیز در تأیید نتایج پژوهش حاضر نشان داده است که توجه نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده‌ای در حوزه هدف‌گذاری و تدوین محتوا درباره گسترش تفکر مهدویت در کتب آموزش و پرورش وجود ندارد.

با توجه به مجموع موارد فوق، به نظر می‌رسد که هرچند کتب درسی معارف اسلامی بعد از انقلاب از نظر کمی نسبت به دوران قبل از انقلاب ارتقا و برتری چشم‌گیری داشته، ولی از نظر کیفی، عدم جهت‌دهی مناسب و برنامه‌ریزی شده آن در بخش عقیدتی کتب درسی قابل تأمل است.

نتایج این پژوهش از آن‌جا مهم است که از بررسی کتب تعلیمات دینی و معارف اسلامی به دست می‌آید؛ کتاب‌هایی که در واقع نماد تربیت عقیدتی و اسلامی مدارسند و نقاط قوت و ضعف آن در این نوع عملکرد بیشتر از سایر دروس حائز

اهمیت است.

بنابراین پیشنهاد می‌شود در آموزش و پرورش دینی ما، هدف‌گذاری ویژه و خاصی در موضوع سیمای مهدویت صورت گیرد و در راستای تحقق آن، به اصلاح و تدوین کتب درسی بپردازد تا گامی مؤثر در ایجاد یک جامعه اسلامی و آینده‌نگر و آرمانی نگردد داشته شود.

پیشنهادات کاربردی

۱. محورها و مؤلفه‌های پژوهش می‌تواند مورد استفاده کارشناسان دفتر تألیف کتاب‌های درسی قرار گیرد تا در هنگام تألیف یا تغییر و اصلاح از آن استفاده لازم را بنمایند. نتایج پژوهش نیز می‌تواند زمینه‌ای را برای بررسی و بازنگری محتوای کتاب‌های درسی فراهم نموده تا دست اندرکاران تألیف کتاب‌های درسی با مرور نتایج حاصله به بسترهای موجود و احیاناً غفلت‌های انجام شده بیشتر واقف شده و در بازنگری‌های پیوسته برنامه‌های درسی و پشتیبانی آن‌ها در سیستم آموزشی کشور به اصلاح، ترمیم و تکمیل مطالب کتاب‌های درسی مذکور بپردازند.

۲. می‌توان ضمن تشویق کارشناسان تألیف کتاب‌های که در این راستا موفقیت قابل قبولی داشته‌اند، از آن‌ها در راستای آشناسازی بیشتر سایر گروه‌های تألیف کتاب‌های درسی در انتقال و توسعه این مفاهیم کمک گرفت.

۳. برای ایجاد تغییر رفتار در کودکان و نوجوانان لازم است، از طرف ادب و نویسندگان بزرگ در متن‌ها و داستان‌های مربوط با مهدویت به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم در کتاب‌ها، بیان گردد. البته باید توجه داشت سطح آموزش برخی از مفاهیم مرتبط با مهدویت فراتر از دوره سنی ابتدایی است.

۴. مؤلفان در برخی از دروس مندرج در کتاب‌های مورد بررسی، زمینه‌ای که به طور روشن‌تری به محورها و مؤلفه‌های مفهومی مرتبط با مهدویت پرداخته شود وجود داشته، ولی چنان‌که باید، از بسترهای مذکور استفاده نشده است. به عنوان

مثال، با توجه به نقش تصویرسازی در باورپذیری کودکان در تدوین ادبیات مصور مهدویت تلاشی مضاعف صورت گیرد.

۵. مؤلفان می‌توانند با گنجاندن مطالبی درباره مفاهیم مرتبط با مهدویت در برخی از دروس دیگر همچون ریاضی، علوم و... (مثلاً در تمرین‌های آن‌ها) بررسالت خود در انتقال ارزش‌ها از طریق کتاب‌های درسی موفق‌تر باشند.

همچنین برای ارتقای فرهنگ مهدویت در سطح جامعه، انجام پژوهش‌های زیر ضروری به نظر می‌رسد:

- * بررسی عوامل مؤثر در تربیت نسل منتظر در سنین مختلف.
- * بررسی محتوای درسی سایر کتب درسی در پرداختن به مباحث مهدوی.
- * بررسی روند و نحوه ارائه مباحث مهدوی در مقاطع مختلف تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه).
- * بررسی اهداف مناسب تربیت نسل منتظر در هر مقطع تحصیلی نظام آموزش و پرورش.

منابع

- بیابانگرد، اسماعیل، *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران، نشر دوران، ۱۳۸۴ ش.
- حسن‌زاده، رمضان، «نقش و کارکرد نهادهای آموزشی در انتقال ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی»، فصل‌نامه *نوآوری‌های آموزشی*، تهران، مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی، سال اول، ش ۴، ۱۳۸۲ ش.
- حسینیان، لیلا، «مهدویت، معنویت و جهانی شدن»، *مجموعه آثار سومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت: مقالات برگزیده*، ج ۲، قم، مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۶ ش.
- روزنانی، هاشم، «اسلامی کردن برنامه آموزشی و تحصیلی»، ترجمه: سوسن کشاورز، فصل‌نامه *حوزه و دانشگاه*، ش ۳۲، ۱۳۸۱ ش.
- دیبایی صابر، محسن؛ حسین جعفری ثانی؛ محسن آیتی، «میزان درگیری برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی (پایه سوم و چهارم) با مهارت‌های سواد خواندن بر اساس مطالعه بین‌المللی پرلز»، فصل‌نامه *نوآوری‌های آموزشی*، تهران، مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی، سال نهم، ش ۳۶، ۱۳۸۹ ش.
- شفیعی سروستانی، اسماعیل، «رویکردهای افراطی و تفریطی در حوزه مهدویت»، ماه‌نامه *موعود*، قم، مؤسسه فرهنگی موعود، ش ۹۲، ۱۳۸۷ ش.
- صالحی، غلامرضا، «مهدویت و اصول نظام تربیتی اسلام»، فصل‌نامه *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال اول، ش ۴، ۱۳۸۶ ش - الف.
- صالحی، غلامرضا، «مهدویت و اهداف نظام تربیتی اسلام»، فصل‌نامه *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال اول، ش ۳، ۱۳۸۶ ش - ب.
- گودرزی، مجتبی، «بررسی رابطه آموزه‌های مهدویت و تعلیم و تربیت اسلامی»، فصل‌نامه *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال اول، ش ۲، ۱۳۸۶ ش.
- مرزوقی، رحمت‌الله، «سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی

- به فلسفه تربیتی انتظار»، دوفصل نامه تربیت اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، سال سوم، ش ۷، ۱۳۸۷ش.
- ملکی، حسن، *برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)*، مشهد، پیام اندیشه، ویراست دوم، چاپ هشتم، ۱۳۸۹ش.
- موسوی، سید مهدی، «مدرسه مهدوی؛ درآمدی بر فلسفه و نظام آموزش و پرورش زمینه ساز»، فصل نامه *مشرق موعود*، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۰، ۱۳۸۸ش.
- مهرمحمدی، محمود؛ پروین صمدی، «بازنگری در الگوی آموزش دینی جوانان و نوجوانان در دوره تحصیلی متوسطه»، فصل نامه *نوآوری های آموزشی*، تهران، مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوری های آموزشی، سال اول، ش ۳، ۱۳۸۲ش.
- نوریان، محمد، *تحلیل محتوای رسانه های آموزشی با تأکید بر کتاب های درسی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران - جنوب، ۱۳۸۷ش.
- نیکلس، ادری و هاوارد، *راهنمای عملی برنامه ریزی درسی*، ترجمه: داریوش دهقان، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۸۱ش.
- یارمحمدیان، محمد حسین، *اصول برنامه ریزی درسی*، تهران، یادواره کتاب، ۱۳۸۱ش.
- Ornestein, A.C.Hunkins, F.P, Curriculum:Foundations, principles, and issues.(Second Ed), Massachusetts, Allyn and Bacon, 1993.
- Eisner, E.w, The Educational Imagination:On the Design and Evaluation of School Programs.(Third Edition).New York, Macmillan College Publishing Company, 1994.
- Niemi, H.G.& J.Junn, Civic Sources and Political Knowledge Of School:Seniors , Paper Presented at The Annual Meeting Of American Political Science Association , Washington , DC, September2, 1993.
- Ryba, R, Education, Democracy and Development:An International Perspective, Kluwer American Publishers, Dordrecht, Boston and London, 1997.

نقش راهبردی نهادهای فرهنگی در ایجاد تربیت زمینه ساز ظهور

علیرضا نجاتی منفرد*

حسین عساریان نژاد**

چکیده

انتظار ظهور مهدی موعود^ع از حساس ترین فرازهای عقیدتی اسلام و از ضروریات دین به شمار آمده و امت اسلامی را بر اساس مهرورزی و اخوت اسلامی به سوی سعادت اجتماعی در سایه تشکیل حکومت واحد جهانی سوق می دهد و بر تعمیق روحیه تعاون و انسجام می افزاید. تلاش و سازندگی های برآمده از انتظار فرج، در زندگی عمومی جامعه تأثیری بسیار مثبت دارد؛ زیرا تربیت افراد و تجهیز آنان، جامعه را به سوی آرمان های متعالی پیش می برد و به منتظران، حرارت و جانی تازه می بخشد؛ روحیه پایداری و مقاومت را بالا برده و برای همگان آسایش نسبی فراهم می آورد.

نهادهای فرهنگی در آماده کردن جامعه از طریق تربیت زمینه سازی برای پذیرش انقلاب جهانی امام منتظر^ع، نقشی محوری و مهم ایفا می کنند. در این میان ملت ایران باید به عنوان الگو، بهترین راهبردهای تربیتی انتظار را در اختیار جوامع بشری قرار دهد و به آنان

* دانشجوی دکتری علوم دفاعی راهبردی (a.nejate2009@yahoo.com).

** دانشیار پایه سی ام دانشگاه عالی دفاع ملی.

بفهماند که می‌توان با بهره‌گیری از کارکردهای تربیت زمینه‌ساز ظهور، زمینه پذیرش مصلح موعود و برقراری عدالت جهانی را تحقق بخشید. در ایجاد و شکل‌گیری این راهبردهای تربیتی نیز نقش نهادهای فرهنگی بسیار بااهمیت است.

در این نوشتار، به نقش راهبردی نهادهای فرهنگی در ایجاد تربیت زمینه‌ساز، از جمله شناخت نیازهای اساسی جامعه، ایجاد زمینه‌ها، فرهنگ و شرایط لازم برای ولایت و حکومت امام زمان علیه السلام پرداخته می‌شود و میزان تأثیر این نهادها در ایجاد تربیت زمینه‌ساز مهدوی مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این رو برای دستیابی به نتایج، از روش تجزیه و تحلیل اطلاعات زمینه‌ای راهبردهای نهادهای فرهنگی با رویکرد توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تقویت راهبردهای ایجاد تربیت زمینه‌ساز جامعه به وسیله نهادهای فرهنگی، سبب تسهیل در ایجاد این نوع تربیت به معنای ایجاد زمینه ظهور خواهد شد و دستیابی به این اهداف نیز مستلزم آماده‌سازی زمینه‌های تربیتی ظهور در نظام اسلامی به وسیله نهادهای فرهنگی خواهد بود. از این رو، تحقق این شرایط زمینه‌ساز برای نظام مقدس جمهوری اسلامی فراهم می‌کند تا با بهره‌برداری مؤثر از نهادهای فرهنگی خود، برای تحقق اهداف تربیتی نهضت جهانی مهدی موعود علیه السلام در سطح منطقه و جهان به ایفای نقش بپردازد.

واژگان کلیدی

راهبرد، نهادهای فرهنگی، تربیت زمینه‌ساز، جامعه مهدوی.

مقدمه

امروزه نهادهای فرهنگی در شکل‌گیری فرهنگ انتظار در جامعه نقش بسیار مهمی دارند که یکی از ابعاد آن، ایجاد تربیت زمینه‌ساز ظهور و شکل‌گیری مباحث و فعالیت‌های مربوط به این حوزه است. به طور کلی رسالت راهبردی تربیت و اداره حرکت جامعه در مسیر انتظار به صورت مداوم و ملموس یکی از وظایف اصلی این

نهادهاست که باید دارای عمق و محتوای لازم نیز باشد.

در زمان غیبت امام زمان علیه السلام نیز برای آماده کردن زمینه‌های ظهور، به یک طرح راهبردی کلی فرهنگی، تربیتی نیاز است تا به صورت منسجم و منظم، تمام بخش‌های مختلف فرهنگی، هنری، آموزشی و پژوهشی را برای اهداف تربیتی تدوین شده در این مسیر هدایت نماید.

یکی از علّت‌های اصلی هدایت و تربیت بشر در عصر ظهور، این است که مردم تحت تربیت خاص و مستقیم امام مهدی علیه السلام قرار خواهند گرفت و به دست الهی او، استعدادها و ظرفیت‌های اخلاقی و معنویشان شکوفا خواهد شد؛ همچنان که مردم صدر اسلام، به دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و عترت پاک او، تحت تعلیم و تربیت قدسی قرار گرفتند. در واقع، تعلیم و تربیتی که از مدار امامت و ولایت خارج باشد و از الگوها و چارچوب‌های فکری و اخلاقی آن دور گردد، نمی‌تواند تأثیرات ماندگار و گران‌سنگی داشته باشد و در مدار و محور درست و الهی خود قرار گیرد. تربیت الهی و انسانی، آن است که از سرچشمه عصمت و حکمت سیراب گردد و منجر به بصیرت و معنویت انسان‌ها شود و این تنها در پرتو وجود انسان کامل و امامی عادل امکان‌پذیر است.

دنیای غرب با تمام تناقضاتی که دارد، یک جبهه سیاسی وسیع علیه مهدویت به کار بسته و از تمام وسایل و امکانات رسانه‌ای خود در این راه بهره‌جسته است. در مقابل این همه امکانات دشمن، جامعه مهدوی نیز باید با نیروی ایمانی، جهادی و آگاهی سیاسی از او پیشی گیرد و یکی از وظایف در این زمینه، این است که از تمامی امکانات رسانه‌ای برای ایجاد تربیت زمینه‌ساز و آماده‌سازی زمینه برای انقلاب امام عصر علیه السلام استفاده شود.

حضور فقها و رهبران حکومت اسلامی با اتصاف به پرهیزکاری، زمینه‌ساز تربیت مهدوی و حکومت جهانی امام عصر علیه السلام است؛ از جمله حضور آنان در صحنه‌های انقلاب اسلامی که خود، زمینه‌ساز حکومت امام عصر علیه السلام به شمار می‌رود و مکمل

قیام امام عصر علیه السلام است.

شناخت و معرفت امام زمان علیه السلام به منزله مهم ترین وظیفه هر مسلمان مطرح می شود؛ چرا که دنیا و آخرت او را تحت الشعاع قرار می دهد. عدم شناخت صحیح امام در دنیا باعث گمراهی و مردن به مرگ جاهلیت می گردد.

اما در دوران حاضر و علم به غیبت ایشان، وظیفه پیروان را باید در آشنایی با وظایف و احکام خود جست و جو نمود؛ چرا که با عدم حضور امام، دست یابی به بسیاری از حقایق، دشوار خواهد بود. یکی از وظایف مهم افراد در این دوران، علم به وجود امام و وظیفه جامعه منتظر صحیح و راستین است؛ چرا که برداشت انحرافی از مقوله جامعه منتظر، خود موجب گمراهی می گردد و عوارض ناگواری در پی خواهد داشت. شناخت کیفیت جامعه منتظر راستین، شناخت و انجام تکالیف صحیح منتظران واقعی را در پی دارد که افراد با شناخت وظایف فردی و اجتماعی باید در صدد زمینه سازی برای ظهور حضرت برآیند.

امروزه تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام شیعی به اعتقادات به امام زمان علیه السلام بیش از هر زمان دیگر است. اکنون دشمن به این فکر افتاده که به جای مبارزه با انقلاب اسلامی و ولایت مطلقه فقیه، شاخه اصلی آن را قطع کند. از این روتلاش می کند به اعتقادات مردم به خصوص جوانان در این زمینه خدشه وارد کرده و به آن آسیب رساند. بنابراین، مسئولیت نهادهای فرهنگی بیشتر می شود و باید این نهادها در تقویت اصول تربیتی جامعه نسبت به ظهور امام زمان علیه السلام بیشتر برنامه ریزی کرده و آن را از برداشت های نادرست و انحرافی پالایش سازند.

نهادهای فرهنگی و مدیران مسئول در موضوع تربیتی باید در زمینه سازی در ابعاد مختلف ایفای نقش نمایند و به عنوان مربیانی که تربیت نسل منتظر را به عهده دارند از انجام این مهم غفلت نورزند؛ چرا که توجه نکردن به نسل منتظر، با در نظر گرفتن توطئه های استکبار برای انحراف کودکان و نوجوانان، خطر بزرگی است که نسل آینده را تهدید می کند. همکاری و همیاری برای تربیت نسل آینده و

آماده‌سازی خود در ابعاد مختلف دینی، تربیتی و... برای حضور در رکاب امام زمان عجل الله فرجه برای یاری آن حضرت، وظیفه هر مسلمانی است که خویشتن را مهیای ظهور می‌داند. در این مقاله ضمن شناخت نهادهای فرهنگی و عملکرد آن‌ها در جامعه به نقش راهبردی این نهادها در ایجاد تربیت زمینه‌ساز پرداخته می‌شود.

بیان مسئله

از آن جا که انتظار فرج امت اسلامی را بر اساس مهرورزی و اخوت اسلامی به سوی سعادت اجتماعی در سایه تشکیل حکومت واحد جهانی سوق می‌دهد و بر تعمیق روحیه تعاون و انسجام می‌افزاید. تلاش و سازندگی‌های تربیتی ناشی از انتظار فرج در زندگی عمومی جامعه تأثیر بسیار مثبت دارد؛ زیرا تربیت افراد و تجهیز آنان، جامعه را به سوی آرمان‌های متعالی پیش می‌برد و حرارت و جان تازه‌ای به منتظران می‌بخشد و روحیه پایداری و مقاومت را بالا برده در نتیجه، برای همگان آسایش نسبی فراهم می‌آورد. در این بین، نهادهای فرهنگی کشور وظیفه خطیری در ایجاد تربیت و تعالی جامعه زمینه‌ساز دارند. لذا به نظر می‌رسد که نقش راهبردی این نهادها در این زمینه از شناخت دقیق و کاملی برخوردار نیستند؛ از این رو مسئله و هدف اصلی این تحقیق پاسخ به این پرسش است که نقش راهبردی نهادهای فرهنگی در ایجاد تربیت زمینه‌ساز ظهور چیست؟

اهمیت و ادبیات تحقیق

ضرورت و اهمیت این پژوهش آن است که با اتکا به نقش راهبردی نهادهای فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران به بررسی نقش و رسالت این نهادها در ایجاد تربیت زمینه‌ساز ظهور در جامعه پرداخته می‌شود.

شناخت نقش راهبردی نهادهای فرهنگی در ایجاد تربیت زمینه‌ساز به درک صحیح مفاهیمی نیاز دارد که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر موضوع مورد

بررسی تأثیرگذارند. لذا ضروری است پس از احصای مفاهیم و اصطلاحات اصلی به تشریح هریک از آن‌ها بپردازیم.

در این بخش، ابتدا به تشریح مفاهیمی از قبیل تربیت از دیدگاه اسلام، قرآن کریم، معصومین علیهم‌السلام و تربیت زمینه‌ساز پرداخته می‌شود و سپس ضمن تشریح وظایف نهادهای فرهنگی نقش راهبردی آن‌ها درباره ایجاد تربیت جامعه زمینه‌ساز ظهور مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تربیت از دیدگاه اسلام

آیات و روایات بسیاری در منابع اسلامی به صراحت به لزوم تربیت در جامعه زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام اشاره دارد. بزرگان دین نیز با تمسک بر آیات قرآنی، بر اهمیت انتظار و زمینه‌سازی ظهور تأکید فرموده‌اند.

می‌دانیم یکی از اهداف همه پیامبران و اصلی‌ترین برنامه آنان، ایجاد عدالت و حکومتی مبتنی بر توحید در سرتاسر جهان بوده است. آیات قرآن مجید با کمال تأکید و صراحت، همه انبیا را به آن مأمور کرده و متعهد اجرای آن ساخته است. از جمله خدای متعال می‌فرماید:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید: ۲۵)

به راستی پیامبران را با نشانه‌های آشکار برانگیختیم و با آنان کتاب و میزان فرستادیم تا مردم به قسط و دادگری برخیزند.

بر اساس تعالیم قرآن، تمامی این اهداف و برنامه‌های عالی، در دوره‌ای از تاریخ تحقق خواهد یافت. بزرگ‌مردی الهی از خاندان رسالت، جهان را بر اساس نگرش و بینش دینی، سامان می‌بخشد، بساط داد و دادگری برگستره آن درمی‌افکند و کفر و بیداد را از بین خواهد برد و آن حضرت با ایمان و عدالت، زمین و اهلش را زنده می‌کند. در نگرش اسلام، تربیت اسلامی، علم آماده‌سازی انسان مسلمان برای

زندگی دنیا و آخرت است؛ آماده کردن کامل انسان و تربیت بهداشتی، عقلانی، علمی، عقیدتی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی، ارادی و نوآوری او در همه مراحل رشد، در پرتو مبنای، ارزش‌ها، روش‌ها و شیوه‌های تربیتی که اسلام بیان کرده صورت می‌پذیرد (ملکی، ۱۳۸۱، ۷۳).

۱. اهمیت تربیت از دیدگاه معصومان علیهم‌السلام و بزرگان دین

امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید:

خدایا، مرا در تربیت کردن، ادب کردن و نیکی کردن به فرزندانم کمک کن.
(زین العابدین علیه‌السلام، ۱۳۸۴: دعای ۲۵)

امام معصوم علیه‌السلام که خود، اسوه تربیت و انسان کامل در امر تربیت است، از حضرت حق کمک می‌طلبد.

امام صادق علیه‌السلام در روایتی می‌فرماید:

من هر شب برای سعادت فرزندانم دو رکعت نماز می‌خوانم. (حر عاملی، ۱۳۸۶: ۶۵۶)

کیفیت این نماز این‌گونه است که در رکعت اول بعد از حمد، سوره قدر و در رکعت دوم سوره نصر خوانده می‌شود.

کار پیامبران الهی، تربیتی بوده است. کار خداوند نیز چنین است. ما در روزده بار خدا را سپاس می‌گویید و شکر می‌کنیم که خدایا، تو را شکر می‌کنم که تو مربی من هستی: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

آن‌چه بشر از اول خلقت حضرت آدم تا کنون چوب خورده از آدم‌های بی‌ادب در طول تاریخ بوده است. در دهه گذشته صدام، به عنوان شخصی بی‌تربیت در مقابل امام علیه‌السلام که تربیت شده مکتب اسلام بود قرار گرفت.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾: (فرقان: ۷۴)

و [بندگان خاص خداوند] کسانی [هستند] که می‌گویند: پروردگارا! از

همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده!

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾؛ (ابراهیم: ۴۰)

پروردگارا، مرا برپا کننده نماز قرار ده، و از فرزندانم [نیز چنین فرما].

﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ﴾؛ (بقره: ۱۲۸)

پروردگارا، ما را تسلیم فرمان خود قرار ده! و از دودمان ما، امتی که تسلیم فرمانت باشند، به وجود آور.

رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ؛ (آل عمران: ۳۸)

خداندا، از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای به من عطا فرما، که تو دعا را می شنوی!

۲. اجراخروی و ثواب تربیت و ترویج

براساس روایات ما هیچ کاری در عالم وجود به اندازه تربیت، ثواب و اجراخروی ندارد. اگر همه مردم همت خود را صرف تربیت فرزندانمان کنند، می توان به وجود جامعه‌ای سالم - که زمینه ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام شود - امید داشت.

ثواب تربیت در بعضی روایات آن قدر ذکر شده که ارزش یک انسان باادب و هدایت یک انسان گمراه، با همه عالم برابری دارد.

امیرالمؤمنین علیه السلام پیش از رفتن به مأموریتی، به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ای علی، اگر یک نفر به وسیله تو مسلمان و هدایت شود، بهتر است از دنیا و آنچه در دنیا است.

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام درباره کسی از شیعیان که احادیث اهل بیت علیهم السلام را نقل کند و باعث آرامش دل مردم گردد پرسید؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «مقام این فرد از هزاران عابد بالاتر است» (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۰).

برآیند تربیت در مکتب اسلام و قرآن و ولایت

۱. تقوا و خدا ترس؛

۲. خادم اسلام و قرآن و مردم؛

۳. حرکت برنامه دار و هدفمند به سوی سعادت جامعه؛

۴. فراهم ساختن بسترهای رشد و ارتقای مقام انسانی برای مردم؛

۵. عدم بندگی خود و دیگران در برابر طاغوت‌ها؛

۶. فراگیری و به‌کارگیری علوم مورد نیاز زمانه برای خدا (فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۵).

یکی از پژوهش‌گران، هدف‌های تربیتی در اسلام را به شرح زیر بیان کرده است:

- پرستش خدا: هدف اساسی تربیتی مکتب اسلام پرستش خدای یگانه است.
- تقوا: هدف اساسی تربیت و تعلیم این است که فرد را طوری بار آورند که خود اداره‌کننده خویشتن باشد تا تمایلات یا هواهای نفسانی خود را تحت کنترل درآورد.

- تعلیم حکمت: اسلام علم و حکمت را مهم تلقی می‌کند و رسالت پیامبران را تعلیم حکمت و وظیفه افراد را کسب علم و دانش می‌داند؛ «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه: ۲). کلمه حکمت به معنای سخن منطقی یا معرفت حقیقی است. تعلیم سخن منطقی یا معرفت مدلل از لحاظ تربیتی اهمیتی خاص دارد.

- پرورش روح عدالت‌خواهی: رسالت پیامبران اقامه عدل است. عدل پایه و اساس حیات جمعی را تشکیل می‌دهد. مرتبی باید شخصاً عادل باشد و روح عدالت‌خواهی را در میان شاگردان رسوخ دهد.

- تکامل انسان: اسلام رفتار انسان را قابل تغییر می‌داند و افراد و گروه‌ها را مسئول اعمال خویشتن برمی‌شمرد. روی همین اصل، تغییرات اجتماعی را نتیجه تغییر افراد قلمداد می‌کند: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعْتَرِئًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (انفال: ۵۳).

- پرورش نیروی تفکر: پرورش نیروی تفکر و عقلانی از جمله هدف‌های اساسی تربیت اسلامی است (نک: آل عمران: ۱۹۱).

- پرورش روح اجتماعی: تعهد اجتماعی افراد در حدیث معروف پیامبر ﷺ ذکر شده است (من أصبح ولم یهتم بأمور المسلمین فلیس بمسلم).
- پرورش شخصیت اخلاقی: نظام اسلامی از یک جهت نظام اخلاقی است. از همین روست که پیامبر ﷺ رسالت خود را تکمیل فضیلت های اخلاقی معرفی می کند (شریعتمداری، ۱۳۸۴: ۱۶۶-۱۲۸).

نقش انسجام نخبگان نهادهای فرهنگی ایجاد تربیت زمینه ساز ظهور

- بی تردید در جامعه اسلامی پایه های مبانی وحدت و انسجام نخبگان نهادهای فرهنگی در ایجاد تربیت زمینه ساز الزامات تربیت زمینه ساز ظهور قلمداد می شود. این پایه ها و مبانی عبارتند از:
 - مبانی دینی و مکتبی: امام خمینی علیه السلام گرچه حفظ اسلام و پیاده نمودن احکام آن را از کارکردهای وحدت ملی برمی شمرد، اما در عین حال بر نقش تربیتی مبانی دینی و مکتبی اسلام به عنوان عامل مهم در تربیت نسل آینده تأکید می کرد. بنابراین نخبگان جامعه اسلامی باید از کارکردهای مبانی دینی و مکتبی در جهت ایجاد تربیت جامعه اسلامی استفاده کنند.
 - مصلحت عمومی: یکی دیگر از پایه های اساسی در ایجاد تربیت زمینه ساز مصلحت عمومی است که از آن با نام مصالح جماعت و صلاح امت تعبیر می شود؛ بدین معنا که هرگاه مصالح عمومی جامعه ایجاب نماید نخبگان نهادهای فرهنگی باید از اختلافات جزئی به راحتی چشم پوشی کرد و خواسته های فردی و گروهی را فدای مصالح جمع نمود که این امر تأثیر تربیتی بسزایی در جامعه مشتاق ظهور خواهد داشت.
 - قانون گرایی: قانون گرایی نخبگان نهادهای فرهنگی یکی از نکات مهم برای ایجاد تربیت زمینه ساز است. یکسان دانستن همگان در برابر قانون از محوری ترین عوامل وحدت ملی که نقش تربیتی مؤثری در جامعه دارد. پیامبر

اکرم عليه السلام وائمه اطهار عليهم السلام حکومت را برای حاکمیت قوانین الهی می خواست تا در سایه تشکیل حکومت، قوانین جاوید اسلام را حفظ و پیروان خود با تعالیم روح بخش اسلام تربیت نماید.

با در نظر گرفتن این موارد می توان گفت برای ایجاد تربیت زمینه ساز ظهور نهادهای فرهنگی و به خصوص نخبگان این نهادها باید ضمن توجه به مبانی دینی و مکتبی و قانون گرایی با در نظر گرفتن مصالح عموم در ایجاد فضای مناسب جهت فرهنگ سازی و ایجاد تربیت زمینه ساز ظهور تلاش نمایند. لذا توجه به این مهم باعث ایجاد وحدت و انسجام نخبگان در جامعه می شود و می توان گفت این وحدت ایجاد شده یکی از فاکتورهای مهم در جهت نقش راهبردی نهادهای فرهنگی در ایجاد تربیت زمینه ساز خواهد بود.

نقش راهبردی نهادهای فرهنگی در ایجاد تربیت زمینه ساز ظهور چنین است:

- تمرکز تربیت زمینه ساز بر ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی؛
- تمرکز و یکپارچگی سیاست های تعقیبی نهادهای فرهنگی در موضوع تربیت زمینه سازی؛
- هدایت و جهت دهی نهادهای فرهنگی به تقویت نسل جوان و پرشور جامعه؛
- سازمان دهی ظرفیت ها و منابع فرهنگی کشور بر غنی سازی رویکردهای تربیتی در کشور؛
- ارزشیابی شبکه ای رسانه و پیام فرهنگی در تقویت نهادهای تربیتی (خانواده) در جامعه؛
- هماهنگ سازی کارکردهای تربیتی کشور در راستای آماده سازی ظهور؛
- یکپارچه سازی روش ها و شیوه های تعقیب سیاست های فرهنگی در تربیت زمینه ساز؛
- سمت بخشی هنجارهای غالب فرهنگی به مطالبات و تمایلات زمینه سازی و پذیرش عمومی؛

- واکنش منسجم فرهنگی در قبال ضد ارزش های تربیتی در جامعه؛
- توسعه و تقویت نگاه و عمل راهبردی و فرهنگی در تربیت زمینه ساز
(عصاریان نژاد، ۱۳۹۲).

اکنون به تشریح هریک از این عوامل می پردازیم.

۱. تمرکز تربیت زمینه ساز بر ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی

شیعه دوستدار مهدی علیه السلام پیوسته خود را با آرمان ها می سنجد و با هدف قراردادن آن ها مسیر درست و نزدیک را رصد می کند. بی تردید، آرمان ها قدرت شگرفی در عرصه زندگی انسان دارند؛ استعداد های آدمی را می پروراند و او را تربیت می کنند. پیوسته شیعه در کوهسار آرمان های بلند، به جریان رشد و بالندگی و پرورش خود، ادامه داده است. این گونه بار مسئولیت را در گردنه های سخت تاریخی به دوش کشیده و از حرکت باز نماند و همیشه به این آرمان ها دلگرم است.

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الشَّيْعَةَ تُرَبِّي بِالْأَمَانِيِّ مُنْذُ مَائَتِي سَنَةٍ؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۹۵)
شیعه دویست سال است که در سایه آرمان ها پرورده و تربیت می شود.

آرمان شیعیان از نگاه بزرگ ترین حماسه ساز قرن خمینی کبیر علیه السلام چنین است:

ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان خواران خاتمه می دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی مصلح کل و امامت مطلق حق امام زمان - ارواحنا فداه - هموار می کنیم (خمینی، ۱۳۷۸).

نهاد های فرهنگی باید با مد نظر قراردادن ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی عمده تلاش خود را در ترویج تربیت زمینه ساز متمرکز کنند. این مهم با تکیه بر

ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی انتظار تربیتی - که با ارزش‌های انقلابی و اسلامی هماهنگی و مطابقت داشته باشد - محقق خواهد شد.

مهم‌ترین راه‌هایی که نهادهای فرهنگی می‌توانند در این خصوص مدنظر قرار دهند: بازبینی و ترویج آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی مرتبط با اعتقادات و اهداف مهدویت و نیز تمرکز بر پیش‌بینی و تهیه برنامه‌های فرهنگی منبعت از ارزش‌های انقلاب اسلامی و مرتبط با مهدویت است (عصاریان‌نژاد، ۱۳۹۲).

۲. تمرکز و یکپارچگی سیاست‌های تعقیبی نهادهای فرهنگی در موضوع تربیت زمینه‌سازی

به طور کلی نهادهای فرهنگی باید ضمن سرلوحه قراردادن سیاست‌های فرهنگی کشور عمده تلاش خود را بر یکپارچگی این سیاست‌ها و تعقیب آن در حوزه تربیت مهدوی قرار دهند که چگونگی این یکپارچه‌سازی سیاسی می‌تواند مبتنی بر عوامل زیر باشد:

۱. به‌کارگیری همه سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی در راستای تعقیب، تبلیغ و اشاعه سیاست‌های فرهنگی نظام اسلامی در جامعه در راستای تربیت زمینه‌ساز؛
 ۲. برنامه‌ریزی راهبردی در راستای عملیاتی کردن و محقق ساختن سیاست‌های فرهنگی کشور در حوزه تربیت زمینه‌ساز (عصاریان‌نژاد، ۱۳۹۲).
- به طور کلی لازمه محقق ساختن سیاست‌های فرهنگی کشور ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی کشور است. برای طراحی و اجرای صحیح، دقیق و همه‌جانبه نقشه مهندسی فرهنگی، نیازمند تحرک بیشتر نهادهای فرهنگ‌سازی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی هستیم. مقام معظم رهبری نیز بر این مهم تأکید دارد و می‌فرماید:

یکی از مهم‌ترین تکالیف ما در درجه اول، مهندسی فرهنگ کشور است.
(خامنه‌ای، ۱۳۸۳)

از این رو نقش و راهبردهای نهادهای فرهنگی به ویژه شورای عالی انقلاب

فرهنگی در این مسیر برجسته ترمی شود.

۳. هدایت و جهت دهی نهادهای فرهنگی به تقویت نسل جوان و پرشور جامعه

درباره چگونگی تقویت نسل جوان و پرشور جامعه هدایت و جهت دهی نهادهای فرهنگی باید مبتنی باشد بر:

۱. در نظر گرفتن خواسته‌ها و تمایلات نسل جوان و انطباق آن با شور و تحرک اجتماعی و هدف دهی در راستای تلاش مؤثر و کارآمد مبتنی بر فرهنگ و تربیت اسلامی به ویژه در زمینه مسائل تربیتی زمینه ساز ظهور؛
۲. تهیه و تدوین برنامه‌های تربیتی متنوع، جذاب و مخصوص نسل زمینه ساز در راستای افزایش آمادگی، امید و نشاط جمعی (عصاریان نژاد، ۱۳۹۲).

امام صادق علیه السلام درباره توجه به جوانان می فرماید:

جوانان را دریابید که آنان، به سوی هر خیری شتابان ترند. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۸، ۹۳)

هیچ چیزی به اندازه وجود مبارک امام زمان علیه السلام و برپایی حکومت جهانی آن حضرت برای جوان پاک طینت جاذبه ندارد؛ زیرا تحقق تمام آرمان‌ها و آرزوهای بلند خود را در پناه برپایی حکومت جهانی حضرت می بیند؛ از این رو اگر صحیح تربیت شده باشد، به یک جریان قدرتمند برای زمینه سازی حکومت حضرت تبدیل می شود؛ زیرا جوان از سرمایه و امکاناتی برخوردار است، مانند:

- قدرت بدن و رشد آن، عضلات مناسب و نیرومند و اعصاب پولادین که به آن‌ها امکان هرگونه کار و تلاش بدنی را می دهد؛

- درجه بالای هوش؛

- بیداری وجدان و بیداری احساس مذهبی؛

- استعداد فراوان و ابتکار فوق العاده؛

- میل و رغبت به ترکیه نفس و احیای شخصیت معنوی خود؛

- نیروی ایمان و آزادی خواهی و ظلم ستیزی.

این‌ها از سرمایه‌های مادی و معنوی فراوانی است که در این دوره در اختیار جوان قرار دارد. با بهره‌گیری از این سرمایه‌ها و جهت‌دهی مناسب آن، در راستای حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام می‌توان در اشاعه این فرهنگ، به خوبی کوشید (قائمی، ۱۳۷۸: ۲۵).

۴. سازمان‌دهی ظرفیت‌ها و منابع فرهنگی کشور برای غنی‌سازی رویکردهای تربیتی در کشور

جهت غنی‌سازی رویکردهای تربیتی در کشور تمامی نهادهای فرهنگی به صورت یک پارچه باید ضمن داشتن یک سازمان‌دهی منسجم و هم‌افزا در چارچوب مأموریت‌های محوله با مد نظر قرار دادن سیاست‌های فرهنگی نظام مقدس اسلامی ایران اقدامات زیر را برای بهره‌برداری از منابع فرهنگی کشور به عمل آورند:

۱. تربیت و به‌کارگیری نیروهای ولایی منابع انسانی و کارآمد به‌خصوص در رده مربیان تربیتی و مدیران میانی و راهبردی بر اساس یک پارچه‌سازی ظرفیت‌ها در زمینه ساز ظهور؛

۲. توسعه و تقویت ظرفیت‌ها و امکانات و منابع فرهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط درباره تقویت توانمندی‌ها و جبران ناکارآمدی و خلأهای مدیریتی و تربیتی (عصاریان نژاد، ۱۳۹۲).

در این راستا، همه نهادهای فرهنگی باید با سازمان‌دهی ظرفیت‌ها و منابع فرهنگی کشور به صورت پویا و فعال، برای تمام گروه‌ها و افراد، برنامه‌های مناسب آموزشی، تبلیغی، ترویجی، اخلاقی و... داشته باشند و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، آموزه‌های والای دینی را انتقال دهند.

اگر تعلیم و تربیت تنها حالت رسمی و نهادی به خود گرفت و تنها شامل بخش‌ها و گروه‌های خاص در جامعه شد - به‌خصوص کودکان و نوجوانان طبقه

متوسط - شاهد ناکارآمدی و ضعف آن خواهیم بود! اگر همه نهادهای رسمی و غیررسمی تعلیم و تربیت (به خصوص نهادهای فرهنگی و مذهبی) به صورت جدی و فراگیر وارد این عرصه نشوند و به همه افراد و گروه‌ها و طبقات - البته کم‌سالان - توجه نکنند و تمامی ابعاد و زوایای فکری و روحی آن‌ها را مد نظر قرار ندهند، نتیجه‌ای جز اضطراب، چندگانگی فرهنگی، کژتابی‌های طبقاتی و... حاصل نخواهد شد. تعلیم و تربیت مهدوی، مبتنی بر پرورش ظرفیت‌ها و استعدادهای اخلاقی همه افشار و افراد و حکمت‌آموزی و خردپرووری همگانی است (کارگر، ۱۳۸۷: ۲۸).

۵. ارزشیابی و ترویج شبکه‌ای رسانه و پیام فرهنگی در تقویت نهادهای تربیتی در جامعه

مهم‌ترین مسئولیت نهادهای فرهنگی درباره تقویت نهادهای تربیتی به ویژه خانواده تقویت از طریق ارزشیابی شبکه‌ای رسانه و پیام فرهنگی شامل موارد زیر است:

- ساخت و تولید برنامه‌های فرهنگی تربیتی مخصوص خانواده و اعتلای سازوکارهای تربیتی نسل مطهر؛

- تشکیل شبکه‌ای فرهنگی با محوریت حضور آحاد جوامع دینی و مذهبی همچون مساجد و کانون‌های فرهنگی در ایام و مناسبت‌های گوناگون؛

- تهیه برنامه‌های رسانه‌ای در شبکه‌های مجازی، مکتوب، شنیداری و دیداری متناسب با فرهنگ مهدویت در تمامی رده‌های سنی و با حضور مشارکت جوانان آحاد مهدی‌یاوران (عصاریان نژاد، ۱۳۹۲).

خانواده نسبت به زمینه‌سازی ظهور مهدی علیه السلام و وظایف سنگینی به عهده دارد که باید بدان توجه کرد؛ چراکه خانواده کانون اصلی تعلیم و تربیت است و می‌تواند ارزش‌های اسلامی را به نسل جوان ارائه دهد. مهم‌ترین وظیفه باارزش خانواده که باید با پشتیبانی نهادهای فرهنگی از طریق ارزشیابی شبکه‌ای رسانه و پیام

فرهنگی صورت پذیرد تربیت فرزند با اخلاق مهدی علیه السلام است. اخلاق مهدی علیه السلام درحقیقت، همان اخلاق قرآنی و رفتار نبوی و علوی و فاطمی است که اینک همه این‌ها در وجود آن حضرت تجسم یافته‌اند؛ زیرا مهدی علیه السلام وارث انبیا و اولیای الهی است و همه خوبی‌های آنان به او منتقل شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا. (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۵۲، ۷۲)
 او از نظر صورت و سیرت شبیه‌ترین مردم به من است.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ سُنَنًا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ؛ (همو: ج ۵۲، ۲۲۴)
 همانا در صاحب این امر (امام مهدی)، سنت‌هایی از انبیاست.

براین اساس، اخلاق مهدی علیه السلام جامع اخلاق پیامبران و اوصیای آن‌هاست و این اخلاق را باید به فرزندان منتقل کرد و بهترین فضا برای انجام آن، محیط خانواده است. پدر و مادر باید با روش الگویی عملاً صداقت، وفاداری، امانت‌داری، عدالت‌خواهی، حق‌طلبی، ظلم‌ستیزی و دیگر ارزش‌های اخلاقی را به فرزندان بیاموزند.

آموختن دعاهایی که تقویت‌کننده ارتباط با امامان معصوم علیهم السلام است به فرزندان، می‌تواند در تربیت نسل مهدی‌باور مؤثر باشد. اگر درآموزه‌های دینی، بر خواندن دعاها و زیاراتی چون زیارت جامعه کبیره، زیارت عاشورا، دعای عهد و دعای فرج تأکید شده است، بدین سبب است که ارتباط مستدام مادر با این مضامین، به‌طور مستقیم در چنین تأثیرگذار است و نسلی عاشق ولایت را می‌پروراند (احدی، ۱۳۷۰: ۲۴).

۶. هماهنگ‌سازی کارکردهای تربیتی کشور در راستای آماده‌سازی ظهور

هماهنگ‌سازی کارکردهای تربیتی کشور در راستای آماده‌سازی ظهور می‌تواند

شامل موارد زیر باشد:

۱. تفاهم و هم‌فکری نهادهای فرهنگی در ارائه یک الگوی کارکردی یک‌نواخت تربیتی به جامعه.

۲. توسعه سطح اجماع و هم‌فکری نهادهای فرهنگی در نیل به اهداف مقدس زمینه‌سازی در قالب سند تحول آموزش و پرورش کشور؛ این نهادها باید با طرح‌ریزی و تدوین برنامه‌های مستند و متنوع، این اجماع و شور را در راستای تربیت زمینه‌ساز مضاعف نمایند (عصاریان نژاد، ۱۳۹۲).

مسئولان و نهادهای ذی‌ربط مانند آموزش و پرورش، آموزش عالی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مراکز تربیتی، مؤسسات فرهنگی، مساجد، حسینیه‌ها و... همگی باید تلاش کنند ضمن آماده‌سازی اذهان عموم مردم درباره مهدی موعود، مفهوم تربیت زمینه‌ساز را مفهومی ضروری و ارزشی قرار دهند و این تنها با یک برنامه‌ریزی منظم و حساب شده قابل دسترسی و پی‌گیری است.

آموزش و پرورش از جمله نهادهای بسیار مهم در زمینه تربیت زمینه‌ساز برای ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام و نهادی است که هماهنگ‌سازی کارکردهای تربیتی کشور به عهده دارد. لذا از آن‌جا که این نهاد مهم تربیت و آموزش نسل آینده را به عهده دارد و با در نظر گرفتن روایات مربوطه از جمله روایت: «همانا یاران قائم علیه السلام همگی جوانند و پیر در میان‌شان نیست، مگر به اندازه سرمه در چشم یا به قدر نمک در توشه راه» (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۵۲: ۳۳۴) شایسته است از هم‌اکنون به تربیت و آماده‌سازی این قشر عظیم بپردازد.

۷. یکپارچه‌سازی روش‌ها و شیوه‌های تعقیب سیاست‌های فرهنگی در تربیت زمینه‌ساز

این امر توسط نهادهای فرهنگی از طرق زیر امکان پذیر است:

۱. تمکین و تعقیب سیاست‌های کلی از سوی نهادهای فرهنگی کشور که مهم‌ترین این سیاست‌ها احیا و پیش‌روی به سوی سبک زندگی اسلامی و حفظ

دستاورد‌های تمدن اسلامی، شناخت و معرفی ارکان هویت دینی و ملی، ترویج روحیه قیام به قسط و عدالت اجتماعی است.

۲. برنامه‌ریزی صحیح در زمینه توسعه شیوه‌ها و روش‌های تربیتی هم‌افزا و پیش‌برنده در راستای به فعلیت درآوردن سیاست‌های فرهنگی کشور در تمامی عرصه‌ها به‌ویژه در فرایند تربیت زمینه‌ساز (عصاریان‌نژاد، ۱۳۹۲).

برای افزایش یکپارچه‌سازی روش‌ها و شیوه‌های تعقیب سیاست‌های فرهنگی در نظام اسلامی و افزایش عزم ملی باید بسترسازی کرد. تمام فعالیت‌های قوای سه‌گانه در نظام اسلامی نیز باید برای ایجاد تربیت زمینه‌ساز ظهور، هماهنگ و یک‌پارچه شود. برای این کار لازم است فرهنگ معرفت امام و اطاعت از او و ولی فقیه ترویج گردد. همچنین فرهنگ جهاد، انفاق، ایثار، شهادت و ساده‌زیستن از مبدیان ارشد جامعه اسلامی شروع شود. به علاوه از یک طرف فرهنگ عشق و محبت به محرومان و مستضعفان و فروتنی در مقابل آن‌ها گسترش یابد و از طرف دیگر، فرهنگ مقاومت در مقابل ظلم و بی‌عدالتی تشویق گردد. برای امیدوار نگه داشتن انسان‌ها و از بین بردن ناامیدی در آن‌ها، باید مسئولان نظام اسلامی با تدوین و اجرای برنامه‌های راهبردی بکوشند مشکلات را حل کنند و فرهنگ عشق به قرآن و پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام را گسترش دهند که بخش عمده‌ای از این اقدامات به عهده نهادهای فرهنگی است.

براین اساس، بجاست ارائه رویکردی مناسب برای نهادهای فرهنگی با بهره‌گیری از رهنمودها و فرمایشات حضرت امام خمینی علیه‌السلام و سیاست‌های تبیین شده از سوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مورد توجه قرار گیرد تا از طریق شناسایی نقش مدیریت پیام و محتوای تولیدات نهادهای فرهنگی در راستای ایجاد و تقویت تربیت زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت علیه‌السلام و شناخت توانایی‌ها، قابلیت‌ها و ضعف‌های نهادهای فرهنگی در فرهنگ‌سازی ظهور، شیوه‌ها و قالب‌های تولید پیام نافذ به منظور تقویت این مهم احصا شود و سپس با شناخت

تأثیر محیط خارجی بر عملکرد نهادهای فرهنگی در موضوع افزایش مهدی باوری ولایی، عملکرد این نهادها در موضوع مورد بحث، در حوزه‌های مختلف جامعه شناسایی شود.

۸. سمت بخشی هنجارهای غالب فرهنگی به مطالبات و تمایلات زمینه‌سازی و پذیرش

عمومی

مهم‌ترین وظایف نهادهای فرهنگی در این زمینه عبارتند از:

۱. توجه به اصل هدایت و سازمان‌دهی هماهنگ ظرفیت‌ها و سمت و سودهی از طریق ساخت هنجارهای فرهنگی و ارزش‌ها و باورهای دینی در جامعه؛
۲. تهیه و تدوین نقشه ارتقا و اعتلای هنجارهای مطلوب رفتاری متناسب با تحولات و مطالبات نسل جوان و گرایش‌های معنوی و قدسی آنان؛
۳. انجام مطالعات اکتشافی به منظور جست‌وجو و سمت‌دهی تمایلات و مطالبات عمومی جامعه از طریق مدل‌های هنجارسازی بهینه در زمینه آماده‌سازی و هنجارهای مهدوی و مجاهد‌پرور (عصاریان‌نژاد، ۱۳۹۲).

از نشانه‌های دیگر آسیب‌پذیری در دین و ولایت‌مداری، مسئله پایبند نبودن به هنجارهای اخلاقی است. به هر میزان که افراد نسبت به هنجارهای اخلاقی سهل‌انگار و بی‌توجه باشند، به همان میزان، تبعیت از امام معصوم علیه السلام کاهش می‌یابد. حوادث و جریان‌های تاریخی بیانگر رابطه‌ای مستقیم میان گردن نهادن به دستورات رهبر الهی و میزان پایبندی افراد به هنجارهای اخلاقی است (فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

مقام معظم رهبری با تأکید بر ضرورت تقویت استعداد‌های نسل جوان، می‌فرماید:

همه مسئولیت دارند، مخصوصاً دولت، روحانیت، صدا و سیما، بسیج، سازمان ورزش کشور، نهادها و مراکز فرهنگی. این‌ها مسئولیت‌های بزرگی در قبال نسل جوان دارند، به خصوص در کشوری مثل کشور ما که نسل

جوان از لحاظ کمیت، متراکم و گسترده، از لحاظ روحیه، دارای روحیه ایمان، از لحاظ آمادگی، آماده کارهای بزرگ و از لحاظ استعداد یک مجموعه بسیار با استعداد است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۲/۱)

عمل به شریعت، اصلی‌ترین هنجار غالب در فرهنگ مهدویت است. هنجارهایی چون دعا برای فرج^۱ و همچنین ایجاد آمادگی در خود و محیط، ایمان و اطمینان به وجود حجت^۲ نیز از مصادیق بارز مطالبات و تمایلات زمینه‌سازی و پذیرش عمومی در ایجاد تربیت زمینه‌ساز ظهور است.

برنامه‌های تربیتی ما نباید یک‌سویه و ظاهری باشد و باید شیوه‌ای تقریباً واحد و همسان برای همه به کارگیریم؛ بلکه در آن به کم و کاستی‌ها و ناهنجاری‌ها توجه کنیم. نتیجه این رویکرد، گسترش انواع هنجارهای غالب فرهنگی در اجتماع است که منادی «انتظار» و «زمینه‌سازی» برای ایجاد تربیت زمینه‌ساز ظهور به شمار می‌آید.

۹. واکنش منسجم فرهنگی نسبت به ضد ارزش‌های تربیتی

نهادهای فرهنگی درباره مقابله با ضد ارزش‌های تربیتی در جامعه وظایف خطیری به عهده دارند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. طرح‌ریزی، تدوین و اجرای برنامه‌های مهندسی مقابله و طرد جریان‌های رکودساز و انحرافی به صورت ادبیات یک‌پارچه فرهنگی و مهدوی؛

۲. فراهم کردن زمینه‌های لازم تهییجی و ترغیبی در زمینه‌های تربیتی نسل جوان مرتبط با فرهنگ مهدوی و بهره‌گیری از تمامی رسانه‌های فرهنگی به خصوص صدا و سیما در زمینه واکنش و کنش فعال در برابر فرصت‌ها و تهدیدات مهدوی در کشور (عصاریان‌نژاد، ۱۳۹۲).

دراکثر جوامع، اخلاق الهی جایگاه ارزش خود را از دست داده و اخلاق، متکی

۱. «أَكْبِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ح ۱۰).

۲. «إن الله تعالى نهى الشيعة عن الشك في حجة الله تعالى» (نعمانی، ۱۳۶۳: ۲۴).

بریک سری گزاره‌های عرفی و عقلی شده است. براین اساس، بعضی از رفتارهای غیراخلاقی تبدیل به عرف جامعه شده و قبح و زشتی خود را از دست داده‌اند. اما اصلاح فرهنگی و تربیتی انسان‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که اولاً با اخلاق صحیح الهی آشنا باشند و ثانیاً درصدد تخلق به آن برآیند. پس دگرگونی واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که انسان‌ها براساس فضایل و مکارم اخلاق الهی، تربیت شوند و اخلاقیات پسندیده و مطلوب دین را در جامعه حاکم سازند. در تعلیم و تربیت مهدوی نیز ترویج و بسط اخلاق الهی در اولویت قرار دارد و افراد درپرتوان، به رشد و بلندگی واقعی دست خواهند یافت (فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۵۸).

فرهنگ‌سازی دینی و احیای ارزش‌های مذهبی در شرایط کنونی جامعه اسلامی، به فعالیت نظام‌یافته و هم‌فکری و تلاش گروهی نیاز دارد که از نظر ابزار و محدوده کار نیز به مراتب گسترده‌تر و پیچیده‌تر از گذشته است. لازمه فرهنگ‌سازی دینی در حال حاضر این است که همه نهادهای فرهنگی، کارگزاران فرهنگی، صدا و سیما، مطبوعات و... به صورت هماهنگ و منسجم در نهادینه کردن ارزش‌های دینی، تلاش ورزند. در این میان، نقش خانواده، آموزش و پرورش، صدا و سیما و مطبوعات به مراتب از دیگر نهادها برجسته‌تر است.

مهم‌ترین بُعد تأثیرگذاری بر ارزش‌های تربیتی در جامعه، همان بُعد فکر و فرهنگ و اندیشه است که به فرموده رهبر فرزانه انقلاب «اگر ما بتوانیم در صحنه فکر و فرهنگ کارشایسته‌ای انجام دهیم، همه تهدیدهای مادی دنیا خنثی خواهد شد» (خامنه‌ای: ۸۰/۱۱/۱۷)

۱۰. توسعه و تقویت نگاه و عمل راهبردی و فرهنگی در تربیت زمینه‌ساز به عنوان مرکز ثقل تحول مطلوب اجتماعی

نهادهای فرهنگی باید در این باره موارد زیر را مد نظر قرار داده و اجرا کنند:
۱. طرح‌ریزی دقیق و هوشمندانه مرکز ثقل تربیتی و تحول‌ساز در جامعه در

راستای توسعه و حاکمیت ارزش‌های اسلامی و آموزه‌های مهدوی؛

۲. بهره‌گیری از امکانات و قدرت مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی در حوزه راهبردی نمودن عملکرد مهدوی در سطوح مختلف ملی و اجتماعی و تقویت نگاه مخاطبان به ارزش‌ها و تأثیر مرجعیت انتظار در نهاد فرهنگی جامعه جهانی (عصاریان‌نژاد، ۱۳۹۲).

بی‌گمان، مسئولیت هدایت و نیز راهبردی کردن عملکرد تربیت مهدوی در سطوح مختلف ملی و اجتماعی در مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی نهادهای فرهنگی در تمامی صحنه‌ها اعم از جمع‌آوری، تحلیل و پردازش‌ها اطلاعات باعث تصحیح نگاه دینی و راهبردی اجتماع می‌شود که به یقین، بدون هدایت و حمایت‌های علمی، معنوی و تجهیزاتی نهادهای فرهنگی، شکل‌گیری و ایجاد تربیت زمینه‌ساز با مشکلات گوناگونی روبه‌رو خواهد شد.

نهادهای فرهنگی

در این جا با مد نظر قراردادن مطالب بالا به معرفی چهار نهاد مهم فرهنگی که در شکل‌گیری و ایجاد تربیت زمینه‌ساز مسئولیت دارند می‌پردازیم.

الف) حوزه‌های علمیه

روحانیت در نظام اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در واقع یکی از عناصر اصلی مولد راهبرد تربیت دینی به شمار می‌آید. حوزه‌های علمیه و روحانیان به عنوان پل ارتباطی دولت و مردم می‌توانند نقشی مهمی در پیش‌گیری از آفات آخرالزمان ایفا نمایند؛ خصوصاً پایگاه مرکزی حوزه‌های علمیه که در شهر مقدس قم است باید تلاش بیشتری در این زمینه انجام دهد.

- آموزش تخصصی طلبه‌ها برای جریان‌شناسی مهدویت و آفت‌های تربیتی ظهور منجی عالم بشریت و شناسایی شباهت و یافتن پاسخ به آن‌ها برای

- اطلاع‌رسانی فرهنگی، تربیتی به جامعه.
- برگزاری کارگاه‌ها و نشست‌های تخصصی درباره تعیین راهبرد دقیق و هدفمند تربیتی در راستای ایجاد تربیت زمینه‌ساز ظهور
 - حفظ وحدت حوزه و دانشگاه با تعامل و بهره‌گیری از توانایی یکدیگر برای پیش‌گیری از مفاسد تربیت دینی و فرهنگی در راستای ایجاد تربیت زمینه‌ساز ظهور
 - برگزاری آموزش تخصصی طلبه‌ها در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، موارد مربوط به تربیت دینی و راهبردهای تربیت زمینه‌ساز ظهور.

ب) صدا و سیما

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) درباره صدا و سیما می‌فرماید:

حالا این فرهنگ دردست شما کارکنان صدا و سیماست... امروز مهم‌ترین ابزار جنگ بین قدرت‌ها در دنیا رسانه است و حتی قدرت‌های بزرگ هم با رسانه دارند کار می‌کنند. امروز تأثیر رسانه‌ها و تلویزیون‌ها و هنرها و این شبکه‌های عظیم اطلاع‌رسانی اینترنتی از سلاح و موشک و بمب اتم بیشتر است. امروز دنیا، یک چنین دنیایی است؛ روزه روز هم دارند این میدان را گسترش می‌دهند... من به شما عرض کنم که جهت‌گیری اساسی صدا و سیما باید درست در نقطه مقابل همان جهت‌گیری‌ای باشد که آن‌ها دارند. آن‌ها می‌خواهند فرهنگ ملت را از گرایش به ایمان، ارزش‌ها و گرایش به اصول اسلامی و استقلال هویت ملی برگردانند. شما باید درست نقطه مقابل این کار را مورد اهتمام خودتان قرار دهید. (خامنه‌ای، ۸۳/۲/۲۸)

لذا صدا و سیما از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی کشور در زمینه ایجاد تربیت زمینه‌ساز است؛ به طوری که عضوی فعال از اعضای خانواده‌ها به شمار می‌آید و حضوری دائمی در خانه‌ها دارد. از طرفی، چشم و گوش حساس کشور و پیل ارتباطی میان دیگر ارگان‌ها و مسئولان کشور با مردم است. لذا به نظر می‌رسد مسئولیت

تربیتی خطیری نسبت به دیگر نهادها به عهده دارد و می‌تواند بار بیشتری از این مهم را به دوش کشد.

ج) وزارت آموزش و پرورش

آموزش و پرورش از جمله نهادهای بسیار مهم در ایجاد تربیت زمینه‌ساز برای ظهور حضرت ولی عصر^{علیه السلام} است. از آن جا که این نهاد مهم تربیت و آموزش نسل آینده را به عهده دارد و با در نظر گرفتن روایات مربوطه از جمله روایت: «همانا یاران قائم^{علیه السلام} همگی جوانند و پیر در میانشان نیست، مگر به اندازه سرمه در چشم یا به قدر نمک در توشه راه» (مجلسی، ۱۹۸۳: ج ۵۲، ۳۳۴)، شایسته است از هم اکنون به تربیت و آماده‌سازی این قشر عظیم پردازد؛ اهم این اقدامات عبارتند از:

- آموزش خانواده برای تربیت فرزندان بر مدار پیروی و محبت اهل بیت^{علیهم السلام}، خصوصاً شناخت امام زمان^{علیه السلام}؛

- آموزش مدیران و معلمان برای تقویت و حفظ و ثبات روحیه دین‌داری و تربیت مهدوی دانش‌آموزان؛

- تهیه و تدوین متون درسی برای نهادینه کردن تربیت زمینه‌ساز ظهور از آغاز سنین کودکی در دانش‌آموزان.

ناگفته نماند که آموزش و پرورش سال‌های اخیر فعالیت‌هایی را در زمینه ترویج فرهنگ مهدوی و شناخت بیشتر و بهتر امام^{علیه السلام} و حکومت جهانی آن حضرت از جمله برگزاری دوره‌های تربیتی و آموزشی مهدویت معلمان آغاز کرده است؛ اما این فرهنگ باید به صورت ریشه‌ای و گسترده‌تر ترویج شود.

د) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

یکی دیگر از راهبردهای فرهنگ‌سازی لزوم پرداختن به مراکز اصلی قدرت و نهادهای تأثیرگذار در موضوع فرهنگ‌سازی است و با توجه با این مطالب، یکی از نهادهای مهم در ایجاد فرهنگ تربیت زمینه‌ساز ظهور وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی است.

از جمله اهداف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رشد فضایل اخلاقی، استقلال فرهنگی و مصونیت جامعه از نفوذ فرهنگ اجانب، اعتلای آگاهی‌های عمومی در زمینه‌های مختلف، و از طرف دیگر رواج فرهنگ اسلامی و گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام گوناگون به ویژه مسلمانان و فراهم آوردن زمینه وحدت میان آنان است. لذا این نهاد به عنوان سرخ‌رگ حیاتی فرهنگ کشوری تواند کمک شایانی در تمهید شرایط ظهور و پیش‌گیری از آفات آخرالزمان نماید. برخی راهکارهایی که می‌تواند در این راستا طراحی و پی‌گیری شود از این قرارند:

- شناساندن حضرت ولی عصر علیه السلام و انقلاب جهانی آن حضرت به ایرانیان و جهانیان؛

- مطالعه و تحقیق در زمینه تبلیغات رسانه‌های جهانی و کشف روش‌های عملکرد آنان و به‌کارگیری شیوه مقابله با آنان برای ایجاد ارتقای تربیت زمینه‌ساز ظهور در جامعه.

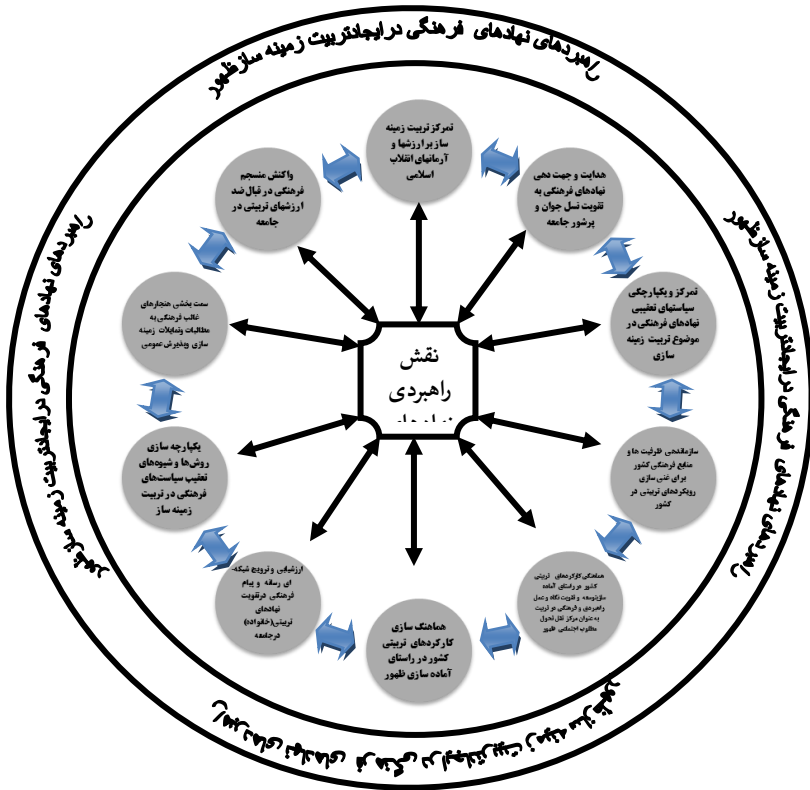
- نظارت و سمت‌دهی به مطبوعات و نشریات کشور در جهت ترویج فرهنگ تربیت زمینه‌ساز ظهور در جامعه

- تقویت روح تحقیق و تتبع و ابتکار در زمینه‌های تربیتی مهدویت از طریق بهره‌گیری از امکانات و قدرت مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی در جهت راهبردی نمودن تربیت زمینه‌ساز.

تجزیه و تحلیل

در این جا مدل مفهومی ارائه می‌شود که نشان دهنده تربیت نسل مطهر با کارکردی یک‌پارچه و چندجانبه است که نیازمند اجماعی منسجم و هم‌افزا از سوی تمامی نهادهای اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی بوده و بروز هرگونه اختلاف یا ناکارآمدی در روابط روبه اعتلا و پیوستگی این نهادها منجر به بروز سردرگمی و

تأخیر تربیتی در جامعه و شکاف مناسبی جهت ظهور افکار انتقاطی و انحرافی در باب مهدویت یا فرقه‌های نوظهوری می‌شود که ظرفیت‌های پرشور اجتماعی را به سمت تربیت کاذب یا بی‌بهره سوق می‌دهند.



مدل مفهومی تحقیق

نتیجه

نهاد های فرهنگی به عواملی مهم و تأثیرگذار بر تحولات اجتماعی نقشی اساسی در ترویج ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی داشته اند. از جمله ابعاد ارزشی و

راهبردی که باید نهادهای فرهنگی به آن توجه خاص داشته باشند نقش و اهمیت نهادهای فرهنگی در ایجاد تربیت زمینه‌ساز ظهور است که باید همراه با شناخت دقیق و علمی ویژگی‌ها و کارکردهای تربیت جامعه مهدوی باشد تا بتوانند با برنامه‌های ریزی مناسب ضمن دستیابی به اهداف تربیتی تعریف شده از پیامدهای ناخواسته آن جلوگیری کنند و در جهت شناخت جامعه آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی مرتبط با اعتقادات و اهداف مهدویت تلاش نمایند.

سیاست فرهنگی از جمله مفاهیم تازه مرتبط با توسعه فرهنگی است که در چند دهه اخیر به آن توجه شده است؛ هدف این پدیده پیشرفت و پویایی نوین و نظام‌مند جامعه است. از این رو نهادهای فرهنگی باید ضمن سرلوحه قرار دادن سیاست‌های فرهنگی کشور عمده تلاش خود را بر یکپارچگی این سیاست‌ها و تعقیب آن در حوزه تربیت مهدوی قرار دهند.

مهم‌ترین نکته راهبردی که نهادهای فرهنگی در ایجاد تربیت زمینه‌ساز ظهور باید به آن توجه کافی داشته باشند تفاهم و هم‌فکری نهادهای فرهنگی در ارائه یک الگوی کارکردی یکنواخت تربیتی به جامعه است. پیچیدگی تربیت در عصر حاضر و همچنین تلاش بی‌وقفه مهاجمان فرهنگی برای تخریب فرهنگ مهدوی و جلوگیری از اشاعه این فرهنگ، اهتمام جدی نهادهای فرهنگی و آشنایی آن‌ها با سازوکار تربیت نسل مهدوی را می‌طلبد. لذا بدون بهره‌گیری از آداب و دستورات دین، نمی‌توان در تربیت نسلی ولایی - که یکی از مهم‌ترین رسالت‌های نهادهای فرهنگی در جامعه منتظر است - موفق بود.

نهادهای فرهنگی می‌توانند با اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بر جامعه مهدوی، بسیاری از ناهنجاری‌های درون جامعه را کاهش دهند و در تعالی و رشد تربیت زمینه‌ساز مؤثر واقع شوند.

در پایان پیشنهاد می‌شود ضمن توجه کردن به مراحل ده‌گانه‌ای که به آن‌ها اشاره شد، اقدامات راهبردی زیر نیز مد نظر قرار گیرد:

- برنامه‌ریزی برای افزایش و ارتقای سطوح کمی و کیفی تربیت مهدوی براساس آموزه‌های قرآنی، دینی و اهل بیت علیهم‌السلام؛
- مبنا قراردادن فرامین و تدابیر مقام معظم رهبری در تدوین اهداف و سیاست‌های تعیین شده در جامعه مهدوی برای تربیت نسل جوان کشور؛
- انجام مطالعات و تحقیقات لازم توسط نهادهای فرهنگی درباره وضعیت، مسائل و مشکلات تربیتی در ابعاد زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهت‌دهی آنان به سوی تربیت زمینه‌ساز ظهور؛
- هماهنگی و انسجام بین اهداف، سیاست‌ها، برنامه‌ها و محتوای تعلیم و تربیتی زمینه‌ساز ظهور نهادهای فرهنگی به ویژه در آموزش و پرورش، آموزش عالی و سایر دستگاه‌های مرتبط.

منابع

- احدی، حسن، *روان شناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روان شناسی کودک)*، تهران، بی نا، ۱۳۷۰ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، انتشارات صدرا، چاپ دهم، ۱۳۸۶ ش.
- خامنه ای، سید علی، *پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای* (Khamenei.ir)
- خمینی، سید روح الله، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.
- زین العابدین علیه السلام (امام سجاد)، *علی بن الحسین، صحیفه سجادیه*، ترجمه: محمد علی مجاهدی (پروانه)، بی جا، بی نا، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
- شریعتمداری، علی، *تربیت و تعلیم اسلامی، نهضت زنان مسلمان*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷ ش.
- عاملی (شهید ثانی)، *زین الدین بن علی، المراد من منیة المرید*، ترجمه: مسعود عباسی، بی جا، بی نا، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- عصاریان نژاد، حسین، «منابع نرم، سرمایه نرم و قدرت نرم»، مصاحبه علمی در دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، خرداد ۱۳۹۲ ش.
- فیروزآبادی، سید حسن، *تربیت و تعلیم اسلامی*، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی (داعا)، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش.
- قائمی، علی، *شناخت، هدایت، تربیت نوجوانان و جوانان*، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۷۸ ش.
- کارگر، رحیم، *تعلیم و تربیت در عصر ظهور*، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۷ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، انتشارات اسوه، چاپ هشتم،

۱۳۸۸ ش.

- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۹۸۳ م.
- ملکی، حسن، خانواده و فرزندان (دوره های ابتدایی و راهنمایی)، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۱ ش.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم بن جعفر، الغیبة، تهران، مكتبة الصدوق، ۱۳۹۷ ق.

